

منطق و فلسفه کنکور

جزوه منطق و فلسفه

تهیه و تنظیم : مجتبی علی اکبر

شامل : خلاصه درسها و نکات مهم

تست های سراسری و سنجش

فهرست مطالب :

موضوع صفحه

| | |
|-----|------------------------|
| ۳ | منطق |
| ۶۹ | فلسفه ۱ |
| ۹۳ | فلسفه ۲ |
| ۱۶۳ | نامنامه فیلسوفان |

درس اول : منطق ترازوی اندیشه

تعریف منطق : علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است.

☞ منطق دانان چگونه کوشیده اند راه های جلوگیری از خطاهای اندیشه را نشان دهند؟

الف (بررسی انواع خطاهای ذهن

ب)دسته بندی آنها

☞ منطق دانان قواعدی را مشخص کرده اند که : دچار خطای فکری (مغالطه - سفسطه ، چه عمدی و چه غیر عمدی) نشویم .

مغالطات : همچون بیماری هایی هستند که شناخت آنها، مبارزه با ایشان را ممکن می کند.

نکته : تأکید منطق بر آموزش شیوه درست اندیشیدن است. تا : از طریق قادر به تشخیص خطاهای بی شمار ذهن باشیم.

چگونگی استفاده از منطق در جلوگیری از مغالطات :

۱- بیان قوانین حاکم بر ذهن

۲- روش های جلوگیری از مغالطات

۳- آموزش شیوه ی درست اندیشیدن

۴- کشف قواعد طبیعی ذهن انسان و ارائه آنها به صورت «**علم منطق**»

سوال : چرا علاوه بر اینکه ذهن انسان به شکل طبیعی از قواعد منطق بهره مند است ، باز هم به منطق نیازمندیم ؟

پاسخ : ذهن به صورت **طبیعی** منطقی رفتار می کند ، اما ذهن همواره در معرض لغزش است و در استدلال های پیچیده یا

تعریف دقیق اصطلاحات خاص دچار استباه می شود .

☞ بنابراین :

با بکارگیری علم منطق (دسته بندی و توضیح قواعد ذهن) سریع تر و دقیق تر می توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

تمثیل : منطق مانند سیستم کنترلی ماشین است ! خبر از تغییرات می دهد و خطرها را گوشزد می کند ، اما باعث حرکت ماشین نمی شود .

☞ منطق علمی کاربردی است . (توضیح اینکه ، تبحر در منطق، به تمرین و ممارست نیاز دارد .)

☞ دانش منطق ابزاری در خدمت سایر علوم و دانش ها است .

استعاره ی شاقول بنایی :

به کارگیری منطق باعث پدید آمدن بنای فکری مستحکم می شود ، اما ، آجرها و مواد لازم برای ساختن این بنا را باید در علوم دیگر تهیه کرد . (یعنی منطق به صورت استدلال کار دارد و نه به محتوای آن)

منطق برای فهم فلسفه از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، اما به منطق در سراسر زندگی خود در حیطه های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن نیازمندیم .

تقسیم علم (دانش بشری):

۱- تصور : در تصورات به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر امور کاری نداریم .

نکته : تصور صورت ذهنی است که در آن اسناد یا سلب چیزی از چیز دیگر نیست .

۲- تصدیق : در تصدیقات ، حکم و قضاوت وجود دارد و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت می دهیم یا

از آن سلب می کنیم .

نکته : تصدیق صورت ذهنی است که در آن اسناد یا سلب چیزی از چیز دیگر هست .

😊 سوال : آیا می توان جهل بشری را نیز تقسیم بندی کرد؟!

- بله ! جهل هم به دو حیطه جهل تصویری و تصدیقی تقسیم می شود .

نکته ی بسیار مهم : (اگر درس هایت را بخوانی) یک تصور است و نه یک تصدیق - همه ی جملاتی که در قضایای

شرطی به کار می روند ، اگر نیمه کاره بیان شوند ، (مثلا فقط مقدم یا تالی آنها گفته شود) تصور هستند و نه یک تصدیق . نیز جملات مرکب تام انشایی ، تصور هستند و نه تصدیق یا قضیه .

دوبخش اصلی منطق : تعریف و استدلال

تعریف : هرگاه یک تصور مجهول را به کمک چند تصور معلوم ، معلوم کنیم . در آن روش صحیح تعریف کردن بیان می شود .

استدلال : هرگاه از تصدیق های معلوم ، برای نشان دادن درستی تصدیق جدید استفاده کنیم ، استدلال کرده ایم . در آن روش صحیح استدلال کردن بیان می شود .

بنابراین به کمک تعریف ، از تصورات معلوم به شناخت صورهای مجهول و به کمک استدلال از تصدیق

های معلوم به کشف تصدیق های مجهول دست می یابیم .

۱- کدام عبارت در وصف «علم منطق» درست است؟

- ۱) به کارگیری آن هرگونه خطا در حوزه تعریف و استدلال را از بین می برد.
- ۲) دانشی است که توسط یک دانشمند طراحی و آماده می شود.
- ۳) انسان را با طرز کار ذهن آشنا کرده و در درست اندیشیدن یاری می کند.
- ۴) از قلب و جسم انسان سرچشمه می گیرد.

۲- کدام گزینه درباره علم منطق صحیح است؟

- ۱) منطق، دستورالعمل های نظری صرف است.
- ۲) منطق، علمی صرفاً ابزاری است.
- ۳) منطق، علمی منحصر در استدلال های دقیق و پیچیده است.
- ۴) منطق، علمی کاربردی است که برای تبحر در آن باید ممارست و تمرین داشت.

۳- چرا با به کارگیری علم منطق، سریع تر و دقیق تر می توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد؟

- ۱) چون ذهن به طور طبیعی منطقی رفتار می کند.
 - ۲) چون منطق، استدلال های پیچیده را با استفاده از تعریف دقیق اصطلاحات خاص بیان می کند.
 - ۳) چون منطق به دسته بندی و توضیح قواعد ذهن می پردازد.
 - ۴) چون دانش منطق، ابزاری در خدمت سایر علوم است.
- ۴- علم منطق، با از خطای اندیشه جلوگیری می کند.

- ۱) ابداع روش گام به گام تفکر صحیح
- ۲) تقویت سرعت و دقت ذهن در فرایند تفکر
- ۳) طبقه بندی و شرح قوانین حاکم بر ذهن
- ۴) هشدار دادن در هنگام خطای ذهن

۵- چرا صرفاً با مطالعه منطق، نمی توان خطای ذهنی را تشخیص داد؟

- ۱) یادگیری منطق بدون تمرین و ممارست ممکن نمی شود.
- ۲) برخی استدلال های پیچیده موجب لغزش ذهن می شوند.
- ۳) منطق اساساً علمی کاربردی است و باید آن را به کار بست.
- ۴) ذهن انسان به صورت طبیعی دچار خطا و اشتباه می شود.

۶- دانش منطق نسبت به سایر علوم، مانند کدام یک از مثال های زیر است؟

- ۱) سوخت مناسب برای خودرو
- ۲) آب و نور برای رشد گیاه
- ۳) مصالح و مواد برای ساختمان
- ۴) تابلوهای راهنما برای مسافران در مترو

۷- در یک حکم و قضاوت وجود دارد که انسان برای رسیدن به آن میکند.

- ۱) تصور - استدلال
- ۲) تصدیق - استدلال
- ۳) تصور - تعریف
- ۴) تصدیق - تعریف

۸- کدام گزینه نسبت به سایر گزینه ها تقدم وجودی دارد؟

- ۱) تصور
- ۲) تصدیق
- ۳) تعریف
- ۴) استدلال

۹- کدام عبارت می تواند مقدمه یک استدلال واقع شود؟

- ۱) افسانه ای بودن سیمرغ
- ۲) تفاوت سی مرغ با سیمرغ
- ۳) مثلث قائم الزاویه سه زاویه مساوی ندارد.
- ۴) متساوی الاضلاع بودن مثلث

۱۰- می توان علم منطق را به علم پزشکی تشبیه کرد چون علم منطق

- (۱) علم سود و زیان نیست.
(۲) ابزاری در خدمت سایر علوم است.
(۳) باعث می شود سریع تر و دقیق تر بیندیشیم.
(۴) روش های جلوگیری از مغالطات را بیان می کند.

۱۱- کدام عبارت درست است؟ (سراسری خارج کشور - ۹۹)

- ۱- در تعریف به کمک تصورات مجهول به تصور معلوم دست می یابیم .
۲- استفاده از منطق ، در همه علوم و فعالیت های ذهنی بشر گریز ناپذیر است .
۳- برخی از دانش ها مانند ریاضیات ، ابزار منطق اند و به دقت ذهنی کمک می کنند .
۴- در تصور ما از یک درخت واقعی ، یکی از ویژگی های مفهوم ، «وجود داشتن» است .

۱۲- کدام عبارت درست است؟ (سراسری - ۹۸)

- (۱) از وظایف منطق ، تعریف مفاهیم مختلف است .
(۲) سنجش رعایت قواعد تعریف ، از طریق دانش منطق امکان پذیر است .
(۳) ذهن برای شناختن مفاهیم مختلف ، ناچار است از تعریف استفاده کند .
(۴) استفاده از تعریف در فرهنگ لغات ، نمونه ای از کاربرد منطق در علوم است .

۱۳- کدام عبارت درباره دانش منطق درست است؟ (سراسری - ۹۸)

- (۱) چپستی ذهن را مورد بررسی قرار می دهد .
(۲) ناچار است مواد خود را از سایر دانش ها بگیرد
(۳) قواعد آن به تدریج توسط منطق دانان طراحی شده است .
(۴) چگونگی و ماهیت شناخت های انسان را توضیح می دهد.

۱۴- تشخیص سریع و دقیق لغزشهای ذهنی در علم منطق تالی است.

- (۱) بیان روش های پیشگیری و درمان
(۲) به کارگیری دستورالعمل های آن
(۳) پدید آمدن بنای فکری مستحکم
(۴) صحیح اندیشیدن و تعریف کردن

۱۵- کدام عبارت درست است؟ (سراسری- ۹۹)

- (۱) موضوع دانش منطق بر اساس نوع آگاهی های ذهن، به حیطة های مختلف تقسیم می شود .
(۲) آموزش و ممارست در فن منطق ، باعث پرورش قوه خلاقیت و توسعه دانش انسان می شود .
(۳) منطق مانند سیستم های کنترلی خودرو است که آسیب های موتور را نشان داده و باعث حرکت آن می شود .
(۴) در تصویری مانند درخت که امری واقعی است ، «وجود داشتن» یک ویژگی است که ضمن تصور موجود است .

سوال : چرا به مبحث الفاظ در منطق توجه خاصی می شود ؟

پاسخ : انسان برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده می کند ، بنابراین خطای در الفاظ و معنای آن ها می تواند باعث خطا در اندیشیدن (تعریف و استدلال) شود.

« اشتراک لفظ » (این مغالطه یکی از شایعترین انواع خطاهای ذهنی است/ اشتراک لفظ دائم رهن است!)

مثال ۱ : فردی دو ساعته ، پیاده از تهران به مشهد رفت ! (مسافرت وی ۳ هفته طول کشید ولی همواره دو ساعت به دست خود بسته بود .)

مثال ۲: روزی راننده ای به پیچی رسید ، خم شد و آن را برداشت !

مثال ۳: او سیر است ، سیر بد بو است ، پس او بدبو است !

اگر چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان شوند ، مانند لفظ «شیر» که دارای سه معنا در زبان فارسی است ، اشتراک لفظ پدید می آید . به این کلمات «**مشترک لفظی**» می گویند.

اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند ، باعث بروز مغالطه «**اشتراک لفظ**» می شود.

★ شما نمی توانید وارد بخش مراقبت های ویژه شوید . نمی توانی : اجازه ندارید .

★ چون رانندگی بلد نیستی ، نمی توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری . نمی توانی : مهارت ندارید.

★ پیر شده ای و دیگر نمی توانی این سنگ را بلند کنی . نمی توانی : توان ندارید .

« مغالطه ی بارارزشی کلمات »

کلمات در جملات مختلفی که در آن ها به کار می روند ، بار ارزشی متفاوتی پیدا می کنند . به کار بردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بارارزشی متفاوتی هستند ، می تواند منشاء خطای اندیشه باشد.

«مغالطه ی توسل به معنای ظاهری»

اقسام دلالت ها

۱- دلالت مطابقی : هرگاه لفظ بر کل موضوع له خود دلالت کند . مثال خانه ام را فروختم .

۲- دلالت تضمینی : هرگاه لفظ بر بخشی از معنای اصلی خود دلالت کند . مثال : خانه ام را رنگ کردم .

۳- دلالت التزامی : هرگاه لفظ بر چیزی بیرون از معنای اصلی خود دلالت کند . مثال : خانه ام را دزد برد.

به کاربردن دلالت مطابقی ، به جای تضمینی و التزامی به خطایی منتهی می شود که آن را مغالطه «توسل به معنای ظاهری» می نامند.

«مغالطه نگارشی کلمات»

انتقال معنا به صورت کتبی و شفاهی صورت می گیرد ، بنابراین اشتباه در نگارش نیز می تواند باعث پدید آمدن خطای ذهنی شود .

گنجینه پنهان شده ، توسط هوشنگ کشف شد .

گنجینه پنهان شده توسط هوشنگ ، کشف شد.

او برای بازدید پنج روزه ، از اصفهان به شهر ما آمد .

او برای بازدید پنج روزه از اصفهان ، به شهر ما آمد .

عده رعایت دقیق علائم سجاوندی و مرکبات و نیز دیکته ی کلمات باعث پدید آمدن مغالطه

نگارشی کلمات می شود .

«مغالطه ابهام در مرجع ضمیر» یا ابهام در عبارت

استفاده از عبارات دوپهلوی و نیز مشخص نبودن مرجع ضمیر می تواند باعث بروز خطای در اندیشه شود.

رستم بر اسب نشست ، دستی به سرش کشید و حرکت کرد .

پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به او شلیک کرد.

۱۶- «همایشی با موضوع اکتشاف در مورد نوع کانی ها در ایران برگزار شد.» و «پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به او شلیک کرد.»
به ترتیب در جملات بالا چه نوع مغالطه ای به کار رفته است؟

- (۱) ابهام در مرجع ضمیر - شیوه نگارشی کلمات
- (۲) شیوه نگارشی کلمات - ابهام در مرجع ضمیر
- (۳) ابهام در مرجع ضمیر - توسل به معنای ظاهری
- (۴) شیوه نگارشی کلمات - اشتراک لفظ

۱۷- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) عتیقه های به دست آمده از کاوش های باستان شناسی در ایران رونمایی شد. (مغالطه ابهام در مرجع ضمیر)
- (۲) مراقب پیرزن، لباسش را مرتب کرد و ویلچرش را به جلو راند. (مغالطه ابهام در مرجع ضمیر)
- (۳) سرای سالمندان وقف شده توسط خاندان احمدی به شهرداری واگذار شد. (مغالطه ابهام در مرجع ضمیر)
- (۴) او در حیاتش گل های زیادی را به ثمر رساند. (مغالطه ابهام در مرجع ضمیر)

۱۸- پاسخ هریک از پرسش های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) نوع دلالت لفظ بر معنا در عبارت "تند ورق زن، کتابم را پاره کردی" چیست؟
(ب) خطای منتهی به مغالطه "توسل به معنای ظاهری" از به کار بردن کدام دلالت ها به جای یکدیگر به وجود می آید؟
- (۱) دلالت تضمینی - به کار بردن دلالت مطابقی به جای تضمینی و التزامی
 - (۲) دلالت مطابقی - به کار بردن دلالت التزامی به جای تضمینی و مطابقی
 - (۳) دلالت تضمینی - به کار بردن دلالت التزامی به جای تضمینی و مطابقی
 - (۴) دلالت مطابقی - به کار بردن دلالت مطابقی به جای تضمینی و التزامی

۱۹- اگر کسی قصد مغالطه داشته باشد، با کدام کلمه از کلمات زیر می تواند مغالطه کند و نام مغالطه چه خواهد بود؟ و در جمله {سرد ساخته شده توسط پیمانکار خراب شد} چه نوع مغالطه ای است؟

- (۱) ارز، ارض - نصر، نثر - مغالطه توسل به معنای ظاهری - مغالطه شیوه نگارشی کلمات
- (۲) خیش، خویش - غریب، قریب - مغالطه شیوه نگارشی کلمات - مغالطه شیوه نگارشی کلمات
- (۳) ثری، سرا - مَلِک، مُلک - مغالطه اشتراک لفظ - مغالطه ابهام در مرجع ضمیر
- (۴) خاست، خواست - ثواب، صواب - مغالطه ابهام در مرجع ضمیر - مغالطه اشتراک لفظ

۲۰- دلالت لفظ ساعت بر زمان، گرما بر صمیمیت و مدرسه بر کلاس درس، به ترتیب از نوع ، و است.

- (۱) التزامی - التزامی - تضمینی
- (۲) تضمینی - التزامی - تضمینی
- (۳) التزامی - تضمینی - تضمینی
- (۴) تضمینی - التزامی - التزامی

۲۱- دلالت کلمات مشخص شده در عبارات «در کودکی آموخته بودم با پا بنویسم» و «بچه ها، نمرات انضباط خود را از دفتر مدرسه

پرسید» به ترتیب چگونه است؟

- ۱- التزامی - مطابقی
- ۲- تضمینی - تضمینی
- ۳- التزامی - تضمینی
- ۴- تضمینی - التزامی

۲۲- در کدام گزینه اشتراک لفظ وجود ندارد؟

- ۱- گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید / گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
- ۲- بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
- ۳- گلاب است گویی به جویش روان / همی شاد گردد ز پویش روان
- ۴- امشب صدای تیشه از بیستون نیامد / شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

۲۳- با فرض این که همه جملات زیر در شرایطی به کار رفته اند که منجر به مغالطه شده اند، در کدام گزینه مغالطه موجود با سایر گزینه ها متفاوت است؟

- (۱) محسن با عجله آمد و از ما چند تا عکس گرفت و رفت.
- (۲) دکتر احسانی گفت با همراه مریض تماس بگیر.
- (۳) حسن به دوستش گفت که در مصاحبه قبول شده است.
- (۴) آقای صبوری همیشه بسیار اهل داد بوده است.

۲۴- با فرض این که همه عبارت های زیر، در شرایطی به کار رفته اند که موجب مغالطه شده اند، در کدام عبارت مغالطه «ابهام در مرجع ضمیر» رخ داده است ؟

- (۱) قابلمه به سرم خورد، شکست.
- (۲) احمد و علی دو سال با هم اختلاف داشتند.
- (۳) حرف های او قیمت ندارد.
- (۴) حسن دیکته نوشت. او همه را غلط نوشت.

۲۵- به ترتیب در عبارات (محمد گفت من امروز باید پدر بزرگم را به بیمارستان برسانم) و (جسد مرد کشته شده توسط برادرش کشف شد) چه نوع مغالطه ای وجود دارد ؟

- ۱- مغالطه شیوه نگارش کلمات- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر
- ۲- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر- مغالطه شیوه نگارش کلمات
- ۳- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر- مغالطه توسل به معنای ظاهری
- ۴- مغالطه توسل به معنای ظاهری- مغالطه شیوه نگارش کلمات

۲۶- در همه گزینه ها کلمه عهد می تواند به دو معنا مورد استفاده باشد و موضوع مغالطه اشتراک لفظ قرار گیرد ، به جز

- (۱) گر میسر نشود با توام امکان وصول نیست
- (۲) صبح آمد و مرغ صبحگاهی زد
- (۳) عهد بستی و شکستی و ز ما بگسستی عهد
- (۴) دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر گفتا
- ممکن که فراموش کنم عهد وصال
- نغمه به یاد عهد دیرین
- کردم که دگر عهد تو باور نکنم
- غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

۲۷- در همه گزینه ها حتماً دلالت التزام وجود دارد به جز

- (۱) منم این بی تو که پروای تماشا دارم کافرم
- (۲) گر نیارد ایزد پاکت به یاد آب
- (۳) مشقت نیرزد جهان داشتن گرفتن
- (۴) بر آن سنگ زد شاه شمشیر تیز نبرید
- گر دل باغ و سر صحرا دارم
- خاکت را دهد ناگه به باد
- به شمشیر و بگذاشتن
- و شمشیر شد ریز ریز

۲۸- مصرع دوم کدام بیت، قابلیت مغالطه توسل به معنای ظاهری را دارد ؟

- (۱) هر که به شب راه رفت صبح به منزل رسید هر که
- (۲) میان ماه من تا ماه گردون تفاوت
- (۳) زگریه مردم چشم نشسته در خون است بین
- (۴) امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید
- به شب خواب کرد، خاک به سر می کند
- از زمین تا آسمان است
- که در طلبت حال مردمان چون است
- به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

۲۹ - کدام گزینه دارای مغالطه ابهام در عبارت است ؟

- (۱) مجسمه های ساخته شده به دست یک هنرمند گمنام ربوده شد.
- (۲) هر کسی را بهر کاری ساختند.
- (۳) رستم نوشدارو را بعد مرگ سهراب نپذیرفت، زیرا سودی برای او نداشت.
- (۴) وقتی از تو حرف می زد، صدایش می لرزید.

۳۰- نوع مغالطه عبارت زیر در کدام گزینه به درستی مطرح شده است؟

اولی: نظرت راجع به حضور مردم در انتخابات مجلس چیست؟ دومی: خیر است.

(۱) توسل به معنای ظاهری

(۲) توسل به احساسات

(۳) ابهام در عبارات

(۴) اشتراک لفظ

۳۱- در خاطره این دانش آموز که: «مشغول خواندن کتابی بودم که دوستی نام آن را پرسید، پاسخ دادم، ابله. به شدت از دستم دلگیر شد و با من قهر کرد.» مغالطه نهفته است.

(۱) بار ارزشی کلمات

(۲) ابهام در مرجع ضمیر

(۳) توسل به معنای ظاهری

(۴) اشتراک لفظ

۳۲- اگر در یک متنی با عبارت «اسیران گمند» مواجه شدیم این عبارت امکان ایجاد مغالطه را دارد.

(۱) ابهام در مرجع ضمیر

(۲) توسل به معنای ظاهری

(۳) اشتراک لفظ

(۴) شیوه نگارشی کلمات

۳۳- در کدام گزینه مغالطه وجود دارد؟

(۱) ندانستم که این دریاچه موج خون فشان دارد.

(۲) شهر بند هوای جانانیم

(۳) دردم از یار است و درمان نیز هم

(۴) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی

۳۴- مدیر شرکتی در جلسه هیأت مدیره بیان میکند «با وجود چنین کارکنانی، شرکت در افزایش نرخ تولیدش موفقیت چندانی کسب نکرده است» در این جا امکان بروز کدام مغالطه وجود دارد؟

(۱) اشتراک لفظ

(۲) توسل به معنای ظاهری

(۳) نگارش کلمات

(۴) ابهام در مرجع ضمیر

۳۵- امکان ایجاد مغالطه در عبارت زیر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟

قیامت کسی بیند اندر بهشت که معنی طلب کرد و دعوی بهشت

(۱) بار ارزشی کلمات

(۲) اشتراک لفظ

(۳) توسل به معنای ظاهری

(۴) شیوه نگارشی کلمات

۳۶- کدام عبارت می تواند منجر به مغالطه ابهام در عبارت شود؟ (سراسری خارج کشور - ۹۹)

۱- این تابلو هیچ قیمتی ندارد.

۲- من از راهنمایی شما پشیمانم.

۳- خانه ارزان کمیاب است و هر کمیابی گران است.

۴- فارغ التحصیلان رشته روان شناسی از روان آدم ها باخبرند.

۳۷- در کدام یک از گزینه های زیر، نوع مغالطه به درستی بیان نشده است؟

(۱) اشتراک لفظ - (امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد.)

(۲) مغالطه توسل به معنای ظاهری - (او در موضع گیری های خود یک دنده و کله شق است)

(۳) مغالطه ی نگارشی کلمات - (او برای بازدید پنج روزه از اصفهان به شهر ما آمد)

(۴) ابهام در عبارات - (کودک ربوده شده توسط همسایه پیدا شد.)

۳۸- در کدام مورد، مغالطه اشتراک لفظ به کار رفته است؟

(۱) این غذا خیلی شور است، دکتر سفارش کرده غذای شور نخورم.

(۲) کتاب را به من بده، دیروز شنیدی که مادر گفت کتاب مال من است.

(۳) تو پیر شده ای، نمیتوانی رانندگی کنی - چرا میتوانم، گواهینامه رانندگی دارم.

(۴) مردم در پاسخ به سخنرانی که میگفت ادعاهای مخالفین حزب ما صحیح نیست، گفتند: صحیح است! صحیح است.

۳۹- نوع مغالطه عبارت زیر را مشخص کنید.

مشتری: لطفاً برایم دو عدد پاچه و مغز برایم بیاورید! / مستخدم: چشم! مشتری: نخیر فقط یک کمی هم آب گوشت بیاورید!

- (۱) توسل به معنای ظاهری و علائم نگارشی
(۲) اشتراک لفظ
(۳) توسل به معنای ظاهری
(۴) بار ارزشی کلمات و اشتراک لفظ

۴۰- نوع مغالطه عبارت زیر در کدام گزینه به درستی مطرح شده است؟

اولی: نظرت راجع به حضور مردم در انتخابات مجلس چیست؟ دومی: خیر است.

- (۱) توسل به معنای ظاهری
(۲) توسل به احساسات
(۳) ابهام در عبارات
(۴) اشتراک لفظ

۴۱- در رابطه با مصرع «وین راز سر به مهر به عالم ثمر شود» اسم های و و و منشا مغالطه می شود.

- (۱) وین / به / ثمر / مهر = علامت نگارشی
(۲) وین / مهر / عالم / ثمر = اشتراک لفظ
(۳) سر / مهر / عالم / ثمر = علائم نگارشی
(۴) به / ثمر / مهر / عالم = توسل به معنای ظاهری

۴۲- مغالطه به وجود آمده در عبارت ذیل ناشی از چیست؟

« به سعید گفتم تصویر ببر داخل کتاب را ببر یا ببر »

- (۱) توسل به معنای ظاهری
(۲) ابهام در عبارات
(۳) اشتراک لفظ
(۴) شیوه نگارش کلمات

۴۳- عبارت « صبا به چشم من انداخت خاکی از کوی عشق » می تواند منشأ مغالطه بشود.

- (۱) هم اشتراک لفظ و هم توسل به معنای ظاهری
(۲) مشخص نبودن مرجع ضمیر
(۳) بار ارزشی کلمات
(۴) هم شیوه نگارش کلمات و هم توسل به معنای ظاهری

۴۴- کدام مورد، قابلیت مغالطه توسل به معنای ظاهری را دارد یا براساس این مغالطه شکل گرفته است؟ (سراسری - ۹۹)

- (۱) دانایان معتقدند که شیر، در رویاهای صادق، از علم حکایت دارد.
(۲) میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است.
(۳) گفتم: فعلاً کمی دست به عصا باش، گفت: آخر عصا ندارم.
(۴) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو

-۴۵

در کدام یک، هر سه نوع دلالت برای «مدرسه» به کار رفته است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) نقاش بعد از نقاشی مدرسه، به مدیر مدرسه گفت که از دانش آموزان بخواهد که در حفظ نظافت مدرسه همکاری کنند.
(۲) علی هنگام ورود به مدرسه، متوجه شد مدرسه را دزد برده و دانش آموزان با ناراحتی در حال مرتب کردن مدرسه اند.
(۳) دانش آموزان از مدرسه اجازه گرفتند تا مدرسه را برای جشن تزئین کنند و پس از اتمام کار از مدرسه خارج شوند.
(۴) مدرسه ما نزدیک یک کارخانه است. تمام مدرسه از صدای کارخانه ناراضی اند و قرار است مدرسه را به جای دیگر ببرند.

تعریف مفهوم : به معنی کلمه که فهمیده و درک می شود ، «مفهوم» گفته می شود .
تعریف مصداق : به افراد یا اشیائی در جهان که این مفاهیم بر آنها صدق می کند ، «مصداق» گفته می شود .

تعریف مفهوم جزئی : هرگاه یک مفهوم ، تنها بر یک مصداق خارجی قابل انطباق باشد ، مفهوم جزئی گفته می شود . مفهوم جزئی ، مفهومی است که مصداق آن کاملاً مشخص است و قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد .
چگونگی شناخت یک مفهوم جزئی :

- ۱) مفهوم جزئی معمولاً اسم خاص است : پروین ، حسن ، رود ارس
- ۲) این مفهوم با صفات اشاره «این- همین» و «آن- همان» همراه است .

تعریف مفهوم کلی : مفهومی که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد ، خواه این موارد واقعیتی خارجی باشد یا موارد فرضی (به عبارت دیگر : تصویری است که یا بیش از یک مصداق دارد یا اصلاً مصداقی ندارد)
ملاک تشخیص : کلی آن است که بتواند محمول یک قضیه قرار گیرد .

نکته ی بسیار مهم :

الف) در کلمات مرکب (مضاف و مضاف الیه - صفت و موصوف) همواره به کلمه ی اول توجه می کنیم :

کتاب علی ----- کلی

این کتاب علی ---- جزئی

میز این کلاس ---- کلی

این میز کلاس ---- جزئی

ب) القاب و عناوین تاریخی گرچه در طول تاریخ برای افراد خاصی وضع شده باشد ، اما اسم خاص نیستند و جزئی به شمار نمی آیند .

رهبر کبیر انقلاب ---- کلی

ضامن آهو ---- کلی

ج) یک مجموعه مشخص جزئی است .

این کتاب ها ---- جزئی

این ماه ---- جزئی

د) اگر قید برسر مفهوم کلی اضافه شود آن را جزئی نمی کند: استاد ادبیات دانشگاه تهران در درس ادبیات تطبیقی (کلی)

ه) اسامی سیارات منظومه شمسی (مریخ و ...) که اسامی خاص هستند ، جزئی به شما می آیند ، اما طبق قرارداد خورشید (ستاره

نورانی) و ماه (سیاره ای که به دور سیاره ای دیگر می گردد) را اسم خاص نمی دانیم .

و) وقتی کلمه ای را میان گیومه قرار می دهیم ، منظور خود لفظ (این لفظ) است .

نسب اربع (تصورات کلی)

۱- تساوی : هرگاه میان مصادیق دو مفهوم کلی ، کاملاً انطباق وجود داشته باشد . در این حالت دو قضیه خواهیم داشت که هر دو با کلمه ی «هر» شروع می شوند.



دو قضیه موجه کلیه : هر انسانی متفکر است / هر متفکری انسان است .

۲- تباین : هرگاه دو تصور کلی هیچ مصادیق مشترکی نداشته باشند . در این حالت دو قضیه که هر دو با «هیچ» شروع می شوند ، به دست می آید .



دو قضیه سالبه کلیه : هیچ انسانی سنگ نیست / هیچ سنگی انسان نیست .

۳- عموم و خصوص مطلق : هرگاه مصادیق یک مفهوم تمام تر و مصادیق مفهوم دیگر خاص تر است. در این وضعیت ، سه قضیه داریم که یکی با «هر» و دو دیگر با «بعضی» شروع خواهند شد .



یک قضیه موجه کلیه ، و دو قضیه جزئیه : هر ایرانی آسیابی است / بعضی آسیابی ها ایرانی هستند / بعضی آسیابی ها ایرانی نیستند .

۴- عموم و خصوص من وجه : هرگاه دو مفهوم دارای مصادیق مشترک باشند ، اما هر کدام خود مصادیقی منحصر به فرد دارند که دیگری فاقد آن است . در این حالت چهار قضیه برای بیان رابطه داریم که هر چهارتا با بعضی شروع می شوند ، اما فعل دو تای از آنها سالبه (نیست) و فعل دوتای دیگر موجه (است) خواهد بود .



چهار قضیه جزئیه : دو تا موجه جزئیه و دو تا سالبه جزئیه

بعضی سفید ها سنگ هستند ، بعضی سفید ها سنگ نیستند / بعضی سنگ ها سفید هستند ، بعضی سنگ ها سفید نیستند .

نکته : نسبت بین چرخ و ماشین را تحلیل کنیم : نسبت ایشان تباین است ، همانطور که می دانید اینکه چه چیزی از چه ماده ای ساخته شده و در تعیین نسب اربع مهم نیست ، مهم دایره ی مصادیق ایشان است . در مثال فوق مصادیق چرخ و ماشین هیچ عضو مشترکی ندارند .

نکته مهم : در یافتن نسب اربع (نسبت های چهارگانه) بهترین روش ، یافتن وجه مشترک یا افتراق مصادیق است .



درهنگام طبقه بندی مفاهیم :

- ۱- وجوه مشترک آنها را با مفاهیم مشابه و وجوه افتراق آنها را با مفاهیم غیر مشابه مشخص می کنیم .
- ۲- در تقسیم بندی ها از مفهوم عام شروع می کنیم و به مفهوم خاص می رسیم .
- ۳- اقسام مختلف یک مفهوم باید نسبت به یکدیگر رابطه ی تباین داشته باشند .
- ۴- این بحث در موضوع تعریف و اقسام قضایا به کار می روند.

۴۶- نسبت های چهارگانه از بررسی رابطه بین شکل می گیرد و بین خودرو و خودروی این مدیر کارخانه..... برقرار

.....

- (۱) مصادیق دو مفهوم کلی / هیچ رابطه ای نیست.
- (۲) مفهوم و مصداق دو مفهوم کلی / عام و خاص من وجه است.
- (۳) مصادیق دو مفهوم کلی / عام و خاص مطلق است.
- (۴) مفهوم و مصداق دو مفهوم کلی / تباین است.

۴۷- به ترتیب مفاهیم « پیامبر ، پیامبر اکرم ، حضرت محمد (ص) ، خاتم الانبیاء » جزئی هستند یا کلی ؟

- (۱) کلی / کلی / جزئی / کلی
- (۲) کلی / جزئی / جزئی / کلی
- (۳) کلی / کلی / جزئی / جزئی
- (۴) جزئی / جزئی / جزئی / جزئی

۴۸- در کدام گزینه ، تمام تصورات کلی هستند ؟

- (۱) دریا- پدرمن- خدا- شهر
- (۲) ستاره -الله - مولود کعبه- صندلی
- (۳) سیب -ایثار -مثلث - ایران
- (۴) میدان آزادی -دیو- سبز - پیامبر

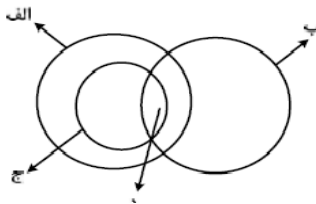
۴۹- در کدام گزینه، تمام موارد تصور هستند؟

- (۱) بخور تا توانی به بازوی خویش -می کوش به هر ورق که خوانی -ضمیر دل خویش منمای زود.
- (۲) مومنان آیینۀ همدیگرند -بین حسادت چه بر سر انسان میآورد -نان دهی از بهر حق، نانت دهند.
- (۳) فریبا مشو، سیرت خوب گیر -چون تو با بد بد کنی پس فرق چیست -هر کسی را بهر کاری ساختند.
- (۴) هر که بامش بیش، برفش بیشتر -مکن ای صبا مشوش سر زلف آن پری را -بشنو از نی چون حکایت میکند.

۵۰- نسبت بین سه تصور کلی (گیاه / سبز / سنگ) شبیه کدام یک از گزینه های زیر است ؟

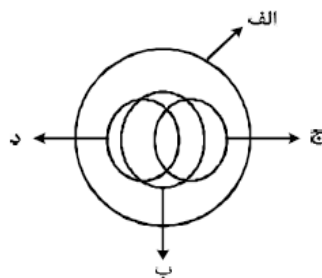
- (۱) ماشین / گران / سیاه
- (۲) انسان / ورزشکار / دونده
- (۳) جمادات / جسم / انسان
- (۴) میوه / مایعات / شیرین

۵۱- شکل زیر ، نسبت میان مصادیق کدام مفاهیم را به درستی نشان می دهد؟ (سراسری - ۹۸)



- (۱) الف : درخت ، ب : سبز ، ج : میوه ، د : سیب
- (۲) الف : میوه ، ب : سیب ، ج : سبز ، د : سیب سبز
- (۳) الف : میوه ، ب : شیرین ، ج : سیب ، د : سیب شیرین
- (۴) الف : سیب ، ب : شیرین ، ج : میوه ، د : سیب شیرین

۵۲- شکل زیر ، نسبت میان مصادیق کدام مفاهیم را به درستی نشان می دهد؟ (سراسری - ۹۸)



- (۱) الف : فلز ، ب : جیوه ، ج : جامد ، د : مایع
- (۲) الف : جسم ، ب : میز ، ج : چوبی ، د : سبز
- (۳) الف : حیوان ، ب : انسان ، ج : آسیایی ، د : اروپایی
- (۴) الف : اروپایی ، ب : مسیحی ، ج : شاعر ، د : نویسنده

۵۳- اگر عبارت «عدد سه یک عدد فرد و متعلق به مجموعه ای اعداد طبیعی است» را داشته باشی

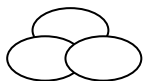
- ۱- شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است و همه ای اجزای دو تصدیق کلی هستند.
- ۲- شامل دو تصدیق با موضوع یکسان است که یکی از محمول ها کلی و دیگری جزئی است.
- ۳- یک تصدیق با یک موضوع کلی و دو محمول است که یکی از آن ها جزئی و دیگری کلی است.
- ۴- یک تصدیق با موضوع جزئی و دو محمول است که یکی از آن ها جزئی و محمول دیگر کلی است.

۵۴- بین کدام دو مفهوم از مفاهیم زیر یکی از نسبت های چهارگانه صحیح است؟

- (۱) شیر و کره = مطلق
(۲) اشیاء و مایعات = مطلق
(۳) لوازم التحریر و خودکار = تساوی
(۴) کتاب و یار مهربان = تباین

۵۵- نسبت دایره های روبرو در کدام گزینه به درستی نشان داده شده است؟

- (۱) خودکار خودکار آبی نوشت افزار
(۲) غیرآسیایی غیرژاپنی خودرو
(۳) غیر ایرانی مشهدی مسلمان
(۴) اروپایی غیر آمریکایی مسیحی



۵۶- وقتی می گوئیم مفهومی است یعنی.....

- (۱) جزئی هیچ مصداقی نمی تواند نداشته باشد.
(۲) کلی حتماً چند مصداق دارد.
(۳) جزئی کلی نمی تواند مثل آن یک مصداق داشته باشد.
(۴) کلی مصداقش مشخص و عینی هستند.

۵۷- در کدام گزینه ، تمام مفاهیم کلی هستند ؟

- الف : شیشه - میز - پیامبر اکرم - دانیال
ب : انسان - ژاپنی - پائیز - خرداد
پ : شهید - ۲۲ بهمن - هشت - شریک خدا
ت : ماه رمضان - آسیا - سیمرغ - حکیم

- (۱) الف و ب (۲) ب و پ (۳) ب (۴) پ و ت

۵۸- کدام گزینه درباره مفهوم و مصداق درست است ؟

- (۱) مصداق، ذهنی و مفهوم، خارجی است.
(۲) هر مفهوم تنها یک مصداق دارد.
(۳) مصداق یا جزئی هستند یا کلی.
(۴) مفهوم با لفظ و مصداق ارتباط دارد.

۵۹- اگر نسبت بین دو مفهوم الف و ب عموم و خصوص مطلق باشد (الف < ب) آنگاه

- (۱) برخی ب الف نیست. (۲) برخی غیر ب الف است. (۳) هر الف ب است. (۴) هر ب غیر الف است.

۶۰- در کدام گزینه هر دو مفهوم جزئی هستند؟

- (۱) کتاب علی - مشهد
(۲) میدان آزادی - آزادی
(۳) پسر احمد - این کتاب ها
(۴) همین کتاب - خیابان حافظ

۶۱- کلی یا جزئی بودن مفاهیم زیر در کدام گزینه به ترتیب ذکر شده است؟

- « محمدشاه قاجار، زمین مرغوب اختیاریه، رتبه تک رقمی انسانی سال ۱۳۹۹ ، مجسمه آزادی »
(۱) جزئی کلی جزئی کلی
(۲) کلی جزئی جزئی جزئی
(۳) جزئی کلی کلی جزئی
(۴) جزئی کلی جزئی جزئی

۶۲- کدام گزاره درباره مفهوم «پایتخت عراق» صحیح است ؟

- (۱) مفهوم جزئی است و در عالم خارج، نمی تواند بیش از یک مصداق داشته باشد.
(۲) از جهت عدم قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد، مشابه مفهوم نخستین شیمی دان ایرانی است.
(۳) قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را دارد، اما در عالم خارج تنها دارای یک مصداق است.
(۴) مانند همه مفاهیم کلی، در عالم خارج دارای مصداق متناهی و متعدد است.

۶۳- در کدام گزینه نوع رابطه ذکر شده نادرست می باشد؟

- (۱) غیرآسیایی و ایرانی (تباین)
(۲) سفید و غیرسنگ (عموم و خصوص مطلق)
(۳) غیرآسیایی و غیرایرانی (عموم و خصوص مطلق)
(۴) غیرسفید و غیرسنگ (عموم و خصوص من وجه)

۶۴- کدام گزینه در مورد مفهومی که در عالم خارج هیچ مصداقی ندارد، صحیح نیست؟

(۱) ممکن است از نظر مصادیق کاملاً منطبق بر یک مفهوم دیگر باشد.

(۲) غیرمحمتم نیست که با بعضی از مفاهیم دارای مصادیق مشترک باشد.

(۳) در بعضی از موارد قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد.

(۴) در هیچ صورتی نمی تواند هیچ کدام از نسبت های چهارگانه را با مفاهیم دیگر داشته باشد.

۶۵- در کدام یک از گزینه های زیر به واقعیت داشتن یا نداشتن مفهوم اشاره نشده است؟

(۱) هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

(۳) دلتنگم و دیدار تو درمان من است

(۲) در سر کوی تو عقل از سر جان برخیزد

(۴) من آن مولای رومییم که از نطقم شکر خیزد.

۶۶- دو مفهوم که یکی کلی و دیگری جزئی است، ممکن نیست
(۱) هر دو همه مصادیقش آن در خارج موجود باشند.

(۲) هر کدام یک مصداق داشته باشند.

(۳) هر کدام مصادیق مختلفی داشته باشند.

(۴) هر دو مصداق یکسان داشته باشند.

۶۷- مفهوم مشخص شده در کدام گزینه، کلی نیست؟

(۱) پایتخت ایران اصفهان نیست.

(۲) تنها فرزند این آقا دختر است.

(۳) بلندترین قلعه ایران دماوند است.

(۴) «کوه» نقطه ندارد.

۶۷- از بین کلمات مشخص شده چه تعداد مفهوم کلی دارند؟

روزی مردم کوفه به بهلول گفتند: فرض کن شخصی که دزدی کرده بود را گرفته اند، به نظرت باید چه کارش کنند؟

بهلول گفت: باید دست حاکم آن شهر را قطع کرد!

همه با تعجب پرسیدند: چرا؟ مگر حاکم دزدی کرده که دستش را قطع کنند؟

بهلول در جواب گفت: « گناهکار اصلی حاکم شهر است که مردمش باید برای امرار معاش دزدی کنند»

(۱) یک (۲) سه (۳) پنج (۴) هفت

۶۹- عبارت «هر انسانی فانی است» دارای تصور و شامل تصدیق است.

۱- سه / یک ۲- سه / سه ۳- دو / یک ۴- یک / سه

۷۰- کدام گزینه در ارتباط با همه مفاهیم جزئی درست است؟

(۱) مصداقی ندارند.

(۳) فقط یک مصداق دارند.

(۲) بیشتر از یک مصداق ندارند.

۷۱- در یک تقسیم بندی درست هر چه از ابتدا به انتها حرکت کنیم کاهش می یابد و بین مفهوم ابتدایی و مفهوم انتهایی نسبت برقرار است.

۱- مفهوم - تباین (۲) مصداق - تباین

۳- مفهوم - عام و خاص مطلق (۴) مصداق - عام و خاص مطلق

۷۲- دو لفظ مترادف که بار ارزشی متفاوتی دارند، چه نسبتی از نسبت های چهارگانه را می سازند؟

(۱) تساوی (۲) تباین (۳) عموم و خصوص مطلق (۴) عموم و خصوص من وجه

۷۳- اگر بدانیم که (بعضی غیر الف ب است) و (بعضی غیر الف ب نیست) در رابطه با «الف» و «ب» چه می توان گفت؟

- (۱) همه روابط غیر از تساوی را می توانند داشته باشند.
(۲) عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص م نوجه است.
(۳) لزوماً عموم و خصوص م نوجه است.
(۴) لزوماً تباین است.

۷۴- نسبت بین کدام دو مفهوم به درستی ذکر شده است؟

- (۱) شش / آبشش = عام و خاص مطلق
(۲) فنر / ارتجاع = تساوی
(۳) آزادی / انسان = عام و خاص مطلق
(۴) شکر / نیشکر = تباین

۷۵- وقتی از صدق یک قضیه کلی به صدق یک قضیه جزئی می رسمیم، بین موضوع و محمول این دو قضیه می تواند رابطه یا وجود داشته باشد.

- (۱) تساوی - من وجه
(۲) مطلق - من وجه
(۳) تساوی - مطلق
(۴) مطلق - تباین

۷۶- در عبارت «میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است» چند اسم جزئی وجود دارد؟

- (۱) ۳
(۲) ۴
(۳) ۲
(۴) ۱

۷۷- درباره مفهوم جزئی کدام گزاره صادق نیست؟

- (۱) می تواند چند مصداق داشته باشد.
(۲) فقط نمونه خارجی دارد.
(۳) ممکن است همراه صفت اشاره بیاید.
(۴) می تواند شامل یک مجموعه خاص بشود.

۷۸- نسب بین مفهوم جزئی و اسم خاص است.

- (۱) عام و خاص مطلق
(۲) تباین
(۳) تساوی
(۴) عام و خاص من وجه

۷۹- میان مفاهیم به کار رفته در عبارات زیر، کدام یک از نسبت های چهارگانه را می توان برقرار کرد؟ (سراسری کشور - ۹۹)

«امروز با یک توریست آلمانی آشنا شدم که عکاس، خبرنگار و زاده مادری اصفهانی است و دیروز به اصفهان آمده است.»

- ۱- فقط عموم و خصوص من وجه
۲- عموم و خصوص من وجه و تباین
۳- عموم و خصوص من وجه و تساوی
۴- عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه

۸۰- اگر قضایای «بعضی الف ها ب هستند» و «بعضی الف ها ب نیستند» درست باشند، درباره ی رابطه «الف و ب» کدام عبارت درست

است؟ (سراسری - ۹۹)

- (۱) لزوماً عموم و خصوص من وجه است.
(۲) تساوی یا عموم و خصوص مطلق است.
(۳) تساوی یا عموم و خصوص من وجه است.
(۴) عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه است.

- ۸۱ -

کدام طبقه بندی درست است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) مقدار > شکل > مثلث > پاره خط
(۲) عمم > تصدیق > قضیه > قضیه شرطی
(۳) تصدیق > شکل اول > قیاس > استدلال
(۴) مربع > لوزی > متوازی الاضلاع > چهارضلعی

«در بحث و گفت و گوی میان دونفر ، داشتن تعریفی مشترک از یک مطلب اهمیت دارد . گاهی اوقات ریشه ی اصلی اختلافات ناشی از مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریف دقیق از آنهاست.»
 بگفت این و از بارگه شد برون دو چشمش به مانند دو طاس خون
 برای معرفی «طاس» چگونه می توان اقدام کرد؟

1-تعریف لغوی (یا تعریف لفظی) :

معنای لغوی یک مفهوم یا نحوه ی شکل گیری لغوی آن بیان می شود.

2-تعریف به مثال (تعریف مصداقی – تعریف به شبیه)

یک طاس یا عکسی از آن را نشان می دهیم و می گوئیم به این شی طاس می گویند.
 نشان دادن وجه مشابهت طاس با سایر اشیاء و سپس ذکر وجه تفاوت آن . در تعریف تحلیلی می توان از موارد استفاده یا کاربردهای گوناگون آن سخن به میان آورد.
 طاس : نوعی ظرف مسی قدیمی است . {تشابه}
 شکل ظاهری آن بخشی از یک نیم کره کامل را تشکیل می دهد. {تفاوت}

3-تعریف تحلیلی (تعریف مفهومی)

تعریف تحلیلی به دو روش انجام می شود:

۱)تعریف به مفاهیم عام و خاص

۲)تعریف به سلسله اوصاف و ویژگی ها

روش اول : تعریف به مفاهیم عام و خاص (خاصه مرکبه) : در این تعریف با مفهوم عام آغاز می کنیم و سپس مفهوم خاص را بیان می کنیم . در این تعریف از رابطه ی عموم و خصوص مطلق استفاده می کنیم .



الف (جیوه) : فلزی است که در دمای طبیعی مایع است .
 مفهوم عام (وجه اشتراک) مفهوم خاص (وجه افتراق)
 ب (انسان) : حیوانی که دارای قدرت تعقل است .
 ج) مثلث : شکلی است که دارای سه ضلع است .



روش دوم : تعریف به سلسله ی اوصاف و ویژگی ها :

الف (خفاش) : پستانداری که پرواز می کند و در شب به شکار می رود .
 ب (آب) : مایع شفاف ، بی رنگ و بی بو

ج)مربع : شکلی با چهار ضلع مساوی که اضلاع مجاور آن عمود بر یکدیگرند.

در تعریف های فوق ، سلسله ای از اوصاف به نحوی ذکر شده اند که در کنار یکدیگر تنها بیانگر یک مفهوم باشند . در این تعریف از رابطه ی عموم و خصوص من وجه استفاده می کنیم .

⊕ **حیطه کاربرد و محدودیت های انواع تعریف :**

تعریف لغوی : درباره ی اصطلاحات علمی مفید نیست .

تعریف به مثال : در مواردی که شکلی از شیء در دسترس نیست .

تعریف تحلیلی (روش عام و خاص) : مفاهیمی که عام تر از آن ها وجود ندارند. مانند : وجود - هستی - عدم - شی - وحدت - کثرت

↩ **شرایط تعریف**

۱- **واضح بودن :** در تعریف باید از واژه های آشنا برای شنونده استفاده کنیم تا واضح و قابل فهم باشد و نباید از واژه هایی استفاده نماییم که درک آنها برای شنونده دشوارترند و یا وی را به اشتباه می اندازند. به عبارت دیگر باید از مفاهیم روشن تر و شناخته شده تر استفاده کنیم.

مثال:

الف (هوا : اسطقس شفاف است که نور را از خود عبور می دهد.

ب) قیمتی : ثمین (ثمین نامانوس و ناشناخته تر از قیمتی است.)

ج) هلال ماه : گوش واره آسمان (از استعاره استفاده شده است.)

۲- **جامع بودن:** تعریف باید تمامی مصادیق آن مفهوم را در برگیرد و به اصطلاح «جامع افراد» باشد.

الف) تعریف پرنده به «حیوانی که پرواز می کند» شامل شتر مرغ نمی شود.

ب) تعریف فلز به «عنصری که هادی الکتریسته است و در دمای معمولی جامد است» شامل جیوه نمی شود.

ج) تعریف دانشگاه به «مرکزی که زیر نظر وزارت علوم تحقیقات و فناوری مدرک عملی اعطا می کند» که شامل

دانشگاه های علوم پزشکی که زیر نظر وزرات بهداشت هستند نمی شود.

۳- **مانع بودن :** تعریف باید تنها بر مصادیق آن مفهوم صدق کند و بر مصادیق دیگر صدق نکند و در اصطلاح «مانع اغیار» باشد.

الف) تعریف آئینه به «شیئی که نور را منعکس می کند» درست نیست ، زیرا این تعریف تنها بر آینه صدق نمی کند و

شامل سایر اشیای صیقلی نیز می شود.

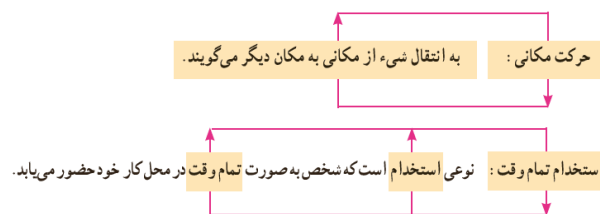
ب) تعریف مستطیل به «شکلی با چهار ضلع که دو به دو موازی هستند» تنها شامل انواع مستطیل نمی شود و بر لوزی

نیز صدق می کند.

نکته: تعریفی که جامع و مانع باشد ، تعریفی است که رابطه ی مصادیق آن رابطه ی تساوی باشد.

۴- **دوری نبودن :** تعریف یک چیز با استفاده از خودش (تعریف شی به خود) را تعریف دوری می نامند که تعریفی نادرست است.

(۱) علت : چیزی است که معلول داشته باشد و معلول چیزی است که علت داشته باشد .



۸۲- در کدام گزینه با یک تعریف مواجه نیستیم؟

- (۱) پژوهش های علمی مشخص کرده که استفاده از ماسک در کنترل کرونا مؤثر است پس باید همه ماسک بزنند.
- (۲) شیعه به معتقد به ولایت حضرت علی علیه السلام می گویند.
- (۳) پیاده سازی قصد، برنامه ای است که پیشاپیش زمان و مکان رفتار را تعیین می کند.
- (۴) منظور از عادت اتمی، تغییری کوچک، دستاوردی جزئی و پیشرفت یک درصدی است.

۸۳- کدام یک از مفاهیم زیر دارای تعریف مصداقی نیست؟

- (۱) جسم
- (۲) انسانیت
- (۳) قلب
- (۴) انسان

۸۴- ترکیب تعریف های مختلف یک مفهوم مجهول با هم

- (۱) امکان پذیر نیست چون شرط واضح بودن را از بین می برد
- (۲) به معرفی بهتر مفهوم کمک می کند .
- (۳) فقط برای تعریف دقیق از آن مفهوم ، استفاده می شود .
- (۴) تعریف منطقی محسوب نمی شود .

۸۵- در صورتی که بین اجزاء تعریف درست یک مفهوم ، نسبت عام و خاص من وجه برقرار باشد ، آن تعریف کدام است ؟

- (۱) لفظی
- (۲) عام و خاص
- (۳) مصداقی
- (۴) سلسله اوصاف

۸۶- در کدام گزینه نوع تعریف ذکر شده صحیح نیست؟

- (۱) سناد: سامانه نام نویسی الکترونیکی دانش آموزان (تعریف لغوی)
- (۲) مفاهیم فلسفی: مفاهیمی نظیر علت، معلول، ضرورت و ... (تعریف از طریق ذکر مصادیق)
- (۳) مثلث: شکل سه زاویه دار (تعریف لغوی)
- (۴) انسان: حیوانی که قدرت نگارش دارد. (تعریف مفهومی)

۸۷- در یک تعریف منطقی ...

- (۱) مفهوم عام و مفهوم خاص هر دو مفهوم کلی هستند.
- (۲) مفهوم خاص جزئی و مفهوم عام کلی است.
- (۳) بین امر مجهول و مفهوم خاص همیشه رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است.
- (۴) ممکن است همه مفاهیم به کار رفته عام و کلی باشند.

۸۸- همه شرایط یک تعریف صحیح در کدام گزینه رعایت شده است؟

- (۱) انسان: راه رونده ای که ضاحک است.
- (۲) پرنده: حیوانی که غیرپستاندار است.
- (۳) فلز: جسمی که جذب آهن ربا می شود.
- (۴) جانور اهلی: جانوری که وحشی نیست.

۸۹- تعریفی جامع است که ...

- (۱) همه دایره مفهوم مورد نظر را پوشش دهد.
- (۲) موارد بی ارتباط را در برنگیرد.
- (۳) افراد مفهوم مورد نظر خارج از آن قرار نگیرند.
- (۴) از جهتی اعم از دایره مصادیق مفهوم تعریف شده باشد.

۹۰- در کدام حالت های زیر، تعریف قطعاً مانع نیست؟

- (۱) نسبت مجهول و تعریف، عموم و خصوص مطلق باشد.
- (۲) امر خاص مجهول، در تعریف، مذکور نباشد.
- (۳) مفهوم مجهول از تعریف خاص تر باشد.
- (۴) تعریف از نوع مفاهیم عام و خاص نباشد.

۹۱- در تعریف زیر مفهوم عام و مفهوم خاص به ترتیب کدام اند؟

- « رسانا یا هادی الکتریکی به ماده ای گفته می شود که جریان الکتریسیته را انتقال دهد؛ آب و فلزات بهترین رساناهای الکتریکی هستند. »
- (۱) رسانا یا هادی الکتریکی - ماده
 - (۲) ماده - انتقال دهنده جریان الکتریسیته
 - (۳) انتقال دهنده جریان الکتریسیته - آب و فلزات
 - (۴) آب و فلزات - رسانا یا هادی الکتریکی

۹۲- کدام تعریف بیش از یکی از شرایط تعریف صحیح را ندارد؟

(۱) تخم مرغ : نوعی تخم پرنده است که توسط مرغ ها تولید می شود و اگر شرایط مناسبی داشته باشد، بعد از مدتی از درون آن جوجه مرغ بیرون می آید.

(۲) مؤسسات آموزش عالی مثل دانشگاه ها : مراکزی علمی که زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم اعطا می کنند.

(۳) مصدر : کلمه ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را می رساند.

(۴) هوا : اسطقس شفافی که نور را از خود عبور می دهد.

۹۳- در تعریف پستان داری به نام خفاش به «پرنده ای که در شب ها پرواز می کند» نسبت مفهوم مجهول با تعریف چیست ؟

(۱) عموم و خصوص مطلق (۲) عموم و خصوص من وجه (۳) تساوی (۴) تباین

۹۴- با کدام دو مفهوم نمی توان یک تعریف مفهومی ایجاد کرد؟

(۱) رشد کننده و گیاه (۲) جسم و حیوان (۳) کاغذ و مقوا (۴) انسان و نویسنده

۹۵- اشکال کدام یک از تعریف های زیر به درستی ذکر نشده است ؟

(۱) سفسطه : خطای عمدی ذهن (جامع نیست)

(۲) دایره : شکل منحنی الدور (واضح نیست)

(۳) خانواده : گروهی از انسان ها که با هم زندگی می کنند (جامع نیست)

(۴) دماسنج: چیزی که دما را می سنجد (تعریف شی به خود است)

۹۶- تعاریف زیر به ترتیب فاقد کدام یک از شرایط تعریف می باشند؟

آریون : بیماری ویروسی -- سربازان مرزی: نیلوفران خاکی -- روز : زمانی که شب نیست.

(۱) جامع بودن - دوری نبودن - واضح بودن (۲) نه جامع نه مانع - واضح بودن - دوری نبودن

(۳) نه جامع نه مانع - دوری بودن - واضح بودن (۴) مانع بودن - واضح بودن - دوری نبودن

۹۷- کدام تعریف، مانع است؟

(۱) جیوه: فلزی که رسانا است. (۲) سنگ: جسمی که سخت است.

(۳) مسلمان: فردی که به دوازده امام معتقد است. (۴) مربع: شکلی که دارای چهار ضلع مساوی است.

۹۸- کدام تعریف، جامع افراد مفهوم مجهول است؟

(۱) شیعه: مسلمانی که معتقد به دوازده امام است.

(۲) مثلث: شکلی که دارای سه ضلع مساوی است.

(۳) حیوان: موجود زنده حساس دارای دو پا

(۴) مربع: شکلی که دارای چهار ضلع است.

۹۹- تعریف به تعریفی است.

(۱) موبایل - تلفن همراه - دوری (۲) انسانیت - خوش اخلاقی - غیر جامع

(۳) مهندس - شیک پوش - جامع (۴) شانه - ابزاری برای مرتب کردن مو - غیر واضح

۱۰۰- اگر در تعریف یک مفهوم از الفاظ مبهم و نامأنوس استفاده کنیم آن تعریف قطعاً نیست.

(۱) جامع (۲) صحیح (۳) مانع (۴) تباین

۱۰۱- اقصاوت درباره واقعی بودن یا نبودن یک را می نامیم.

(۱) تصدیق تصور (۲) استدلال تصدیق (۳) تعریف تصور (۴) تصور تصدیق

۱۰۲- کدام تعریف ، جامع و مانع نیست ؟(سراسری-۹۹)

(۱) حیوان : موجود جاندار دارای حواس (۲) پرنده: موجودی که در آسمان پرواز می کند .

(۳) اسب : حیوان چهارپا که علفخوار است . (۴) فعل : کلمه ای که انجام کاری یا وقوع حالتی را می رساند.

۱۰۳- به ترتیب، عیب تعریف های زیر چیست؟ (خارج کشور - ۹۹)

جاندار: موجودی که داری حواس است.

متافیزیک: دانشی که روش آن استدلالی است.

(۱) جامع نیست - مانع نیست.

(۳) نه جامع است و نه مانع - مانع نیست

(۲) دوری است - مانع نیست.

(۴) جامع نیست - نه جامع است و نه مانع

۱- گوشی تلفن جدیدی که به بازار آمده است ، ظاهری شبیه گوشی من دارد، بنابراین باید امکانات و برنامه های آن نیز با گوشی من یکسان باشد .

در این استدلال از تشبیه استفاده شده است .

یعنی : نتیجه ی گرفته شده صرفا از شباهت ظاهری به دست آمده است .

۲- هر بار که از این نوع پارچه استفاده می کنم ، چرخ خیاطی من درست کار نمی کند، بنابراین چرخ خیاطی من نمی تواند با این نوع پارچه کار کند.

در این استدلال از چند تجربه به یک نتیجه رسیده ایم .

با بررسی چند نمونه از یک پارچه ، به حکمی کلی درباره ی نوع خاصی از پارچه رسیده ایم .

۳- از آنجا که حلزون حیوان است و همه حیوانات نفس می کشند ، بنابراین حلزون تنفس می کند .

در این استدلال از قانون کلی درباره ی تمام حیوانات به نتیجه جزئی رسیده ایم .

⌚ اقسام استدلال (دلیل / استنتاج)

1- استدلال استقرایی : در صورتی که از مقدمات جزئی به نتیجه ای کلی تر برسیم که احتمال کذب آن وجود داشته باشد ، استدلال را استقرایی می نامند .

نکته: در این نوع استدلال مقدمات از نتیجه حمایت نسبی می کنند .

2- استدلال قیاسی : در صورتی که از مقدمات کلی به نحو ضروری به نتیجه جزئی تر برسیم ، استدلال را قیاسی می نامند.

نکته: در این نوع استدلال ، مقدمات ضرورتا باعث پدید آمدن نتیجه می شوند.

اقسام استدلال استقرایی

۱- استدلال تمثیلی :

استدلال تمثیلی : در صورتی که از مقدمه ای جزئی (به دلیل شباهت ظاهری با امری دیگر) به نتیجه ی جزئی دیگری دست یابیم ، استدلال را تمثیلی می نامند .

توجه : استدلال تمثیلی با تمثیل متفاوت است ، کلمه ی تمثیل یعنی تشبیه و تمثیل در علوم مختلف به کار رفته و برای آموزش بسیار مفید است ، آنچه در منطق از آن به استدلال تمثیلی نام برده می شود ، یعنی استدلال کردن بر اساس یک تمثیل . استدلال تمثیلی استدلالی است که برای رسیدن به نتیجه از تمثیل استفاده می کنیم .

تمثیل یکی از ورش ها برای توضیح و فهم مطالب است و در علوم مختلف برای توضیح بهتر مطلب از آن استفاده می کنند. در ادبیات ، روان شناسی ، صنایع هوایی و ... از تمثیل جهت آموزش استفاده می شود .

ویژگی های استدلال تمثیلی :

- ۱- استدلال تمثیلی ضعیف است .
- ۲- نتایج آن احتمالی است زیرا : صرف شباهت ظاهری میان دو امر جزئی نمی توان احکام یکی را بر دیگری تسری (عمومیت) داد.
- ۳- این نحو استدلال می تواند منجر به مغالطه شود : مثلا استفاده از نام شرکت ها و یا نشانه های مشابه شرکتی معتبر

شیوه های نقد استدلال تمثیلی

توجه : هرچه وجوه شباهت دو امر بیشتر باشد ، استدلال قوی تر است اما نتیجه هیچ گاه قطعی نیست .

برای نقد استدلال تمثیلی :

- ۱- توجه به وجوه اختلاف
 - ۲- یافتن استدلال تمثیلی مخالف
این استدلال را نقد کنیم :
- کتاب های قدیمی مانند کالاهای خوراکی هستند ، که تاریخ مصرف آن ها گذشته است ، بنابراین قابل استفاده نیستند .

۲- استقرای تعمیمی

دوتن از دوستان من فارغ التحصیل رشته ی جغرافیا هستند ، اما شغل مرتبطی پیدا نکرده اند، پس رشته ی جغرافیا بازار کار ندارد.

تاکنون همه ی کلاغ هایی که دیده ایم سیاه بوده اند، پس ممکن نیست هیچ گاه کلاغ سفیدی پیدا شود.
استدلال های استقرایی چندان قوی نیستند .
درباره ی استدلال های استقرایی تعمیمی از اصطلاح قوی و ضعیف استفاده می شود .

← استقرا و علوم تجربی

دانشمندان علوم تجربی با استفاده از استدلال های استقرایی قوی ، مبنایی برای علوم تجربی فراهم می آورند . روش علوم تجربی استقرایی است . در این علوم دانشمندان از طریق مشاهدات به اموری فراتر از مشاهدات دست می یابند . در علوم تجربی از مشاهده مکرر یک پدیده در شرایط یکسان به این نتیجه می رسند که وقوع این پدیده تصادفی نیست ، و سپس می کوشند علت آن را تبیین کنند .

شرایط استقرای تعمیمی قوی

- ۱- نمونه ها باید متفاوت و تصادفی باشند و بیانگر همه طیف های مختلفی باشند که بررسی خواهند شد .
 - ۲- تعداد نمونه ها نسبت به کل جامعه ی آماری نسبت مناسبی داشته باشند .
- نکته: در استقرا همبستگی داده ها اهمیت دارد ، اما همبستگی به معنی علیت نیست .

مغالطه ی تعمیم شتاب زده :

هنگامی که شرایط استفاده از استقرا را به درستی رعایت نمی کنیم ، در دام مغالطه ی تعمیم شتاب زده خواهیم افتاد .

۳-استنتاج بهترین تبیین

۱- این روش ، روش دیگری از استدلال استقرایی است .

۲- هرگاه احتمالات مختلف بررسی شود ، و با حذف تبیین ها اشتباه ، به بهترین تبیین دست یابیم .

نکته : در این نوع استقرا به دنبال فرضیه ای برای چرایی داده ها هستیم ، اما در استدلال استقرایی ساده به دنبال چرایی نیستیم و فقط احکام به دست آمده را تعمیم می دهیم .

موارد استفاده :

۱- زندگی روزمره

۲- جهت بررسی فرضیه های علمی

توجه : نتیجه این استدلال نیز قطعی نیست .

استدلال قیاسی

قیاسی که از دومقدمه و یک نتیجه تشکیل می شود .

می دانیم که برای رفتن به دانشگاه باید دیپلم بگیریم . حال اگر حمید دانشجو باشد ، می توانیم نتیجه بگیریم که وی دیپلم دارد . به عبارت دیگر ما این گونه استدلال کرده ایم :

مثال ۱:

مقدمه ی ۱ (اگر حمید دانشجو باشد ، آنگاه دیپلم دارد.)

مقدمه ی ۲ (حمید دانشجو است)

نتیجه : حمید دیپلم دارد .

مثال ۲:

با دانستن اینکه هر جسم فلزی گرما را به راحتی منتقل می کند و قاشقی که در دست ماست ، فلزی است ، چه نتیجه ای به دست می آوریم ؟

مقدمه ی ۱ (این قاشق فلزی است)

مقدمه ی ۲ (هر فلزی گرما را منتقل می کند)

نتیجه : این قاشق گرما را منتقل می کند .

قیاس ها به دو دسته قیاس اقترانی و قیاس استثنایی تقسیم می شوند .

۱) قیاس اقترانی : در این قیاس اجزای نتیجه در میان مقدمات پخش شده اند . مانند :

بعضی از حیوانات پرنده هستند .

همه پرندگان دارای بال هستند .

∴ بعضی از حیوانات دارای بال هستند .

۲) قیاس استثنایی : در این قیاس، عین نتیجه یا نقیض آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده اند . مانند :

اگر باران می بارد هوا ابری است .

هوا ابری نیست .

∴ باران نمی بارد .

کاربرد های استدلال

بر اساس اهداف متفاوتی که در زندگی داریم ، از انواع مختلف استدلال استفاده می کنیم .

۱- درک یا دست یابی به حقیقت : در علوم تجربی و علوم انسانی در پی فهم حقایق علمی هستیم . به استدلال هایی که در این علوم به کار می روند «برهان» می گویند .

۲- اقناع دیگران : این گونه استدلال ها در فن «خطابه» بررسی می شوند .

۳- غلبه بر دیگران : هدف شکست دادن طرف مقابل است ، این نحو استدلال در فن «جدل» بررسی می شوند .

۱۰۴- اگر در یک استدلال درست، نتیجه به دست آمده از مقدمات باشد، آنگاه نیست.

- (۱) جزئی تر- استدلال قیاسی
 (۲) کلی تر- استدلال استقرایی
 (۳) جزئی تر- نتیجه تخمینی
 (۴) کلی تر- نتیجه احتمالی

۱۰۵- اگر عین نتیجه یک استدلال قیاسی درست، در یکی از مقدمات، حاضر نباشد، ممکن است باشد.

- (۱) نتیجه از مقدمات کلی تر
 (۲) نتیجه، نقیض یکی از مقدمات
 (۳) قیاس فقط یک مقدمه داشته
 (۴) نتیجه قیاس، غیرقطعی

۱۰۶- نوع کدام استدلال منطبق با مثال آن است؟

- (۱) تمثیلی : برخی از کتاب ها گران قیمت هستند. هر گران قیمتی با ارزش است. نتیجه اینکه برخی از کتاب ها با ارزش هستند.
 (۲) قیاسی : هر پرنده ای تخم گذار است. اردک، غاز و پلیکان پرنده هستند. بنابراین اردک، غاز و پلیکان تخم گذار هستند.
 (۳) بهترین تبیین : فوتبال دیشب را ندیدم، ولی امتیاز تیم ما اضافه نشده، پس احتمال بُرد یا مساوی منتفی است؛ ما باختیم.
 (۴) تعمیمی : برخی ایرانیان مسلمان هستند. همه مسلمانان قبله واحد دارند. بنابراین برخی ایرانیان قبله واحد دارند.

۱۰۷- در چند مورد از محاوره های زیر استدلال قیاسی وجود دارد؟

الف:

- لطفاً کمی از شیر این گاو به من بدهید!
 -من میگویم نر است. تو میگویی بدوش؟!

ب :

- من هم مثل دیگر فرزندان آن مرحوم سهمی از میراثش دارم.
 -تو اول برادری خودت را ثابت کن، بعد ادعای ارث و میراث کن.

ج:

- چرا مالیات مغازه ما بیشتر از سایر مغازه هاست؟
 -هر که بامش بیش برفش بیشتر.

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) صفر

۱۰۸- قوت یک استقرای تعمیمی به مربوط است؛ که مثال آن تعمیم دادن.....

- (۱) تصادفی و متفاوت بودن نمونه ها -نظرسنجی به عمل آمده از کارمندان یک بیمارستان به کل کارمندان بیمارستان های کشور است.
 (۲) تناسب بین تعداد نمونه ها و کل جامعه آماری -نتایج کنترل کیفیت سه خودروی یک کارخانه به سه کارخانه بزرگ خودروسازی کشور است.

(۳) تصادفی و متفاوت بودن نمونه ها -وضعیت معدل ۲۰۰ دانش آموز یک دبیرستان، به معدل دانش آموزان دبیرستانی در سراسر کشور است.

(۴) تناسب بین تعداد نمونه ها و کل جامعه آماری -وضعیت آلاینده های هوای ۱۸ منطقه از مناطق ۲۲ گانه تهران به کل این کلان شهر است.

۱۰۹- کودکی از مادر خود پرسید : چرا گنجشک ها باید هر روز صبح زود بیدار شوند و آواز بخوانند ؟ مادر در پاسخ گفت : چون فقط تو نیستی که باید صبح زود بیدار شوی و تا مدرسه ات دیر نشود. در اینجا مادر از چه نوع استدلالی برای پاسخ به کودک خود استفاده کرده است ؟

- (۱) استقرای تمثیلی (۲) استقرای تعمیمی (۳) استنتاج بهترین تبیین (۴) استدلال قیاسی

۱۱۰- چه زمانی دچار مغالطه تعمیم شتابزده می شویم؟ زمانی که

(۱) یک جامعه آماری بسیار کوچک را انتخاب کنیم.

(۲) نتوانیم تک تک موارد را بررسی کنیم اما حکمی کلی صادر کنیم.

(۳) حکم یک نمونه آماری را به جامعه آماری بزرگی تسری دهیم.

(۴) نتایج بررسی یک نمونه را به نمونه دیگری تعمیم دهیم.

۱۱۱ - استدلال کدام گزینه دچار مغالطه «تعمیم شتابزده» شده است؟

(۱) الان شش ماه است که در شهر محل سکونت جلال، باران نیامده است. پس فردا هم باران نخواهد بارید.

(۲) جلال کتلت دوست دارد، زیرا او از کودکی تا به حال که شانزده ساله است کتلت دوست داشته است.

(۳) همه دانش آموزان این مدرسه باهوشند، پس جلال هم که همین جا درس می خواند باهوش است.

(۴) جلال مثل ساعت، دقیق است، لذا اگر خواب آلود نباشد مثل ساعتی که باتری پر دارد خطا نمی کند.

۱۱۲ - کیفیت کدام قضیه متفاوت با بقیه است؟

(۱) هر که نداند سپاس نعمت امروز

حیف خورد بر نصیب رحمت فردا

(۲) آدمی را که جان معنی نیست

در حقیقت درخت بی ثمر است

(۳) هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست.

(۴) عاشقی کار سری نیست که بر بالین است.

۱۱۳- کدام گزینه درباره استقرای تمثیلی نادرست است؟

(۱) یکی از روش های توضیح و فهم مطالب است .

(۲) نوعی از استدلال های ضعیف محسوب می شود.

(۳) در آن مقدمه از نتیجه حمایت نسبی می کند .

(۴) حکم موردی را به مورد شبیه اش تسری می دهد.

۱۱۴- استدلال زیر یک است.

بر اساس مشاهدات فیزیک دانان، جهان طبیعت در اثر یک انفجار اولیه موسوم به مهبانگ (بیگ بنگ) از زمان انفجار تاکنون در حال انبساط بوده است . این انبساط در زمان های نزدیک به مهبانگ بسیار سریع بوده و رفته رفته سرعت انبساط کاهش یافته است . از طرفی می دانیم هرچه جهان بزرگتر شود، به تدریج سردتر می شود . بنابراین می توانیم نتیجه بگیریم زمانی خواهد رسید که جهان آن قدر سرد می شود که انسان قادر به زندگی در آن نخواهد بود و تمام انسان ها از بین می روند.

(۱) استقرای ضعیف

(۲) استدلال قیاسی

(۳) استقرای قوی

(۴) استدلال تمثیلی

۱۱۵ - عدم قطعیت در نتیجه یک استدلال برخاسته از است.

(۱) تمثیلی - بررسی موارد جزئی

(۲) تمثیلی - وجوه مشترک

(۳) تعمیمی - تخمینی بودن آن

(۴) تعمیمی - تصادفی نبودن نمونه ها

۱۱۶ - نوع استدلال مطرح شده در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

(۱) کودکی را به آرایشگاه بردند . او با دیدن لباس سفید آرایشگران ترسید و گفت: ای وای ! می خواهند به من آمپول بزنند .

(۲) گفتند : او از علم آسمان سخن می گوید . بوداق هم که جادوگر است از همین سخنان می گوید، پس این مرد جادوگر است.

(۳) دانشجو از استاد تقاضا کرد مقاله اش را چاپ کند . استاد گفت : یک بار مقاله دانشجویی را چاپ کردم ، برای همه عمرم بس است .

(۴) رضا یک نفر را می شناخت که رشته فلسفه خواند و فرد موفقی شد . رضا هم می خواهد فلسفه بخواند تا فرد موفقی شود.

۱۱۷ - کدام گزینه نقد مناسبی برای استدلال زیر است؟

«همان طور که مهم ترین عضو بدن یعنی مغز در سر قرار دارد که بالاترین جایگاه در بدن است، در ساختمان هر سازمان، افراد مهم تر در طبقات بالاتر حضور دارند.»

- (۱) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
 - (۲) دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست
 - (۳) دانه چون اندر زمین پنهان شود
 - (۴) از حادثه لرزند به خود، قصر نشینان
- هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است
سر او سرسبزی بستان شود
ما خانه به دوشان غم سیلاب نداریم

۱۱۸ - کدام گزینه در مورد مبنای استقرای تعمیمی درست است؟

- (۱) پایه استقرای تعمیمی تخمین و تقریب است، زیرا بعضی از اعضای جامعه آماری را بررسی می کند نه همه آن ها را.
- (۲) استقرای تعمیمی بر آزمایش و نمونه گیری تصادفی بنا شده است و در درستی نتیجه سطح قوی آن تردیدی نیست.
- (۳) اساس استقرای تعمیمی حذف احتمالات نادرست است و چون همه احتمالات را بررسی نمی کند یقینی نیست.
- (۴) شیوه اصلی استقرای تعمیمی گردآوری داده های مناسب است چون اساس استقرا بر تخمین و حدس آماری است.

۱۱۹ - چرا استنتاج بهترین تبیین نوعی استقرا محسوب می شود؟

- (۱) زیرا همه احتمالات ممکن را بررسی می کند و بعد نتیجه می گیرد.
- (۲) به این دلیل که از بررسی موارد جزئی به یک نتیجه کلی می رسد.
- (۳) چون مانند استقرای تعمیمی در علوم تجربی مختلف کاربرد دارد.
- (۴) چون همه احتمالات را بررسی نمی کند و نتیجه اش غیرقطعی است.

۱۲۰ - استدلال زیر چه نوع استدلالی است؟

تاکنون هیچ گاه عید فطر با عاشورا مصادف نشده است. با توجه به تاریخ این دو روز در تقویم قمری، بعد از این هم هرگز مصادف نخواهد شد.

- (۱) استنتاج بهترین تبیین
- (۲) استقرای تعمیمی
- (۳) استقرای تمثیلی
- (۴) قیاسی

۱۲۱ - کدام گزینه، نقد استقرای تمثیلی زیر محسوب نمی شود؟

«انسان مانند خودرویی است که هرچه بیشتر کار می کند، فرسوده تر می شود»

- (۱) عمر مفید خودرو ده سال است، اما عمر مفید انسان می تواند هفتاد سال باشد.
- (۲) انسان مانند قالی ابریشمی است که هرچه از عمرش می گذرد، شاداب تر می شود.
- (۳) خودرو صرفاً توانایی مکانیکی دارد؛ اما انسان توانایی کار فکری نیز دارد که فرسوده نمی شود.
- (۴) خودرو ساخته بشر است که توانایی محدودی دارد؛ اما خالق انسان قادر مطلق است.

۱۲۲ - کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) استقرا و انواعش در ریاضیات هم کاربرد دارد.
- (۲) مقدمات هر استدلالی در استدلال دیگر اثبات می شوند.
- (۳) تمثیل براساس شباهت میان دو چیز بنا شده است.
- (۴) در استدلال همواره ذهن دانش تازه ای به دست می آورد.

۱۲۳ - نوع کدام قضیه به درستی تعیین نشده است؟

- (۱) دل عالمی سوزی چو عذار برفروزی (شرطی)
- (۲) نه هر که سر بتراشد قلندری داند (موجه کلی)
- (۳) کسی در نیامده ست بدین خوبی از دری (سالبه کلی)
- (۴) سعدی از گرمی بخواهد سوختن (شخصیه)

۱۲۴ - برداشتی که از داستان زیر می توان دریافت به کدام گزاره نزدیک است؟

«از فردی که در بالای درخت کاج نشسته بود پرسیدند که بالای درخت چه می کنی؟ پاسخ داد: توت می خورم. در جواب او گفتند: احمق این که درخت توت نیست. آن فرد گفت: توت ها در جیبم است.»

- (۱) دارای مغالطه بار ارزشی کلمات است.
- (۲) استدلال سؤال کنندگان مبتنی بر قیاس است.
- (۳) مغالطه توسل به معنای ظاهری دارد.
- (۴) سؤال کنندگان دچار مغالطه تعمیم شتاب زده شدند.

۱۲۵- در استدلال « همان طور که فیزیکدان به معنای دانشمند علم فیزیک است، قلم دان هم یعنی عالم علم قلم » مغالطه وجود دارد.

(۱) نگارشی کلمات

(۲) توسل به معنای ظاهری

(۳) اشتراک لفظ

(۴) تمثیل ناروا

۱۲۶- وقتی در یک آزمون تستی پاسخ یک پرسش را نمی دانیم می توانیم از روش کمک بگیریم.

(۱) حذف تبیین های اشتباه

(۲) توجه به وجوه اختلاف

(۳) شرایط استقرای تعمیمی

(۴) یافتن استدلال تمثیلی مخالف

۱۲۷- کدام عبارت نشانگر یک تمثیل است ؟ (سراسری - ۹۸)

(۱) قابلمه و دسته ی آن هر دوفلزی هستند ، پس هیچ یک نمی سوزند .

(۲) این حیوان سم داراست ، بنابراین مانند سایر سم داران علفخوار است .

(۳) ماه تولد مریم با برادرش یکی است ، بنابراین او خلق و خوی برادرش را دارد .

(۴) هر کتابی که مریم خوانده ، داستانی است ، پس مریم کتاب های داستانی می خواند .

۱۲۸- در کدام گزینه مغالطه تمثیل ناروا وجود دارد؟

(۱) هر دو گون زنبور، خوردند از محل

لیک شد زآن نیش و زین دیگر عسل

(۲) هر دو گون آهو، گیاه خوردند و آب

زین یکی سرگین شد و زآن مشک ناب

(۳) هر دو نی، خوردند از یک آبخور

این یکی خالی شد و آن پر از شکر

(۴) سحر را با معجزه کرده قیاس

هر دو را بر مکر پندارد اساس

۱۲۹- در کدام مورد ، معنای «قیاس» با بقیه متفاوت است ؟

(۱) صدق قیاس، مستلزم صدق نتیجه است و کذب نتیجه، مستلزم کذب قیاس.

(۲) آن چه باعث ضعف اعتماد در افراد میشود، قیاس خود با دیگران است.

(۳) از قیاسش خنده آمد خلق را / کو چو خود پنداشت صاحب دلق را

(۴) قیاس از درختان بستان چه گیری / ببین شاخ و بیخ درختان دانا

۱۳۰- کدام مورد، بیانگر یک استدلال است؟

(۱) با دیدن رایانه و استفاده از آن با کارکردهای آن آشنا میشویم.

(۲) با علم به این که این شکل مربع است به این مطلب میرسیم که پس مثلث نیست.

(۳) با فکر کردن درباره اسب به این شناخت میرسیم که اسب حیوانی شیهه کشنده است.

(۴) با پرسش از افراد آگاه در زمینه پزشکی، می فهمیم که تفاوت ویروس و باکتری چیست.

۱۳۱- کدام استدلال تمثیلی است ؟ (سراسری - ۹۹)

(۱) انسان باید زیاد سیر و سیاحت کند ، زیرا آب اگر در یک جا بماند ، می گندد.

(۲) انسان که زیاد سفر کند ، تجربه اش بیشتر می شود ، پس باید به سیر و سیاحت پردازم.

(۳) انسان مانند همه موجودات زنده به غذا نیاز دارد و باید تغذیه مناسب و کافی داشته باشد .

(۴) من انسان هستم و هوانسانی به هوای سالم نیاز دارد ، من هم مانند دیگران به هوای سالم نیازمندم.

۱۳۲- نوع مغالطه به کار رفته در استدلال زیر ، کدام است ؟ (خارج کشور - ۹۹)

«قاضی : شما در تاریخ ۱۰ اسفند ۹۸ ، راننده کامیونی بودید که با دو میلیون ماسک از تهران به سوی جنوب حرکت می کرد ، قبول دارید ؟»

متمم : آقای قاضی من حافظه خوبی ندارم ! مگر شما به خاطر دارید که ۱۰ اسفند چه غذاهایی خورده اید ؟ «

(۱) توسل به احساسات

(۲) ابهام در عبارات

(۳) تعمیم شتابزده

(۴) تمثیل ناروا

۱۳۳- عبارت « دیشب خیال رویت تشبیه ماه کردم تو به ز ماه بودی من اشتباه کردم » دلالت بر دارد.

(۱) عدم تناسب بین مشبه و مشبه به دارد.

(۲) نتیجه گیری کلی دارد که احتمال کذب در آن است.

(۳) توجه به وجوه اختلاف دارد.

(۴) مقایسه دارد و نمی تواند در توضیح مطلب کمکی بکند.

۱۳۴-

اگر کسی استدلال کند که قضیه «مریم دختر متواضعی است» یک قضیه موجهه جزئیه است؛ زیرا «مریم» مفهومی جزئی است، دچار چه مغالطه‌ای شده است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

(۱) تمثیل ناروا (۲) اشتراک لفظ

(۳) تعمیم شتابزده (۴) توسل به معنای ظاهری

۱۳۵-

در کدام استدلال، مقدمات از نتیجه حمایت مطلق می‌کنند؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

(۱) در سایت مدرسه آمده بود معلمان این مدرسه دارای مدرک دکترا هستند؛ پس دبیر ما هم دکترا دارد.

(۲) دبیران دارای سابقه بالا، مانند قطعات فرسوده یک دستگاه هستند؛ باید کنار گذاشته شوند تا بتوان از نیروهای جدید و تازه نفس استفاده کرد.

(۳) با چند نفر از مدرسان این مؤسسه که صحبت می‌کردم، در تیزهوشان درس خوانده بودند؛ پس همه مدرسان آن فارغ‌التحصیل مدارس خاص‌اند.

(۴) دیروز از جلوی مدرسه‌ای عبور می‌کردم، درهایش بسته بود، جمعه یا روز تعطیل هم نبود، هوا هم که آلوده نیست؛ حتماً برای تعمیرات تعطیل کرده‌اند.

۱۳۶-

- کدام مورد برای نشان دادن بطلان یک فرضیه علمی مناسب‌تر است و چرا؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

(۱) تمثیل؛ زیرا توجه به وجوه اختلاف در تمثیل، می‌تواند عدم قطعیت و نادرستی فرضیه نامبرده را نشان دهد.

(۲) استنتاج بهترین تبیین؛ زیرا در مسائل علمی از این نوع استنتاج جهت بررسی فرضیه‌ها استفاده بسیار می‌شود.

(۳) استقراء؛ زیرا در بررسی یا نقض قانون‌های علمی، روش تجربی که مبتنی بر استدلال‌های استقرایی قوی است، به کار می‌رود.

(۴) آوردن مثال نقض؛ زیرا برای ابطال یک قانون علمی، کافی است نشان دهیم که محمول در مورد یکی از افراد موضوع صدق نمی‌کند.

قضیه : به جملات با معنایی که درباره ی چیزی خبر می دهند و می توانیم درباره ی صدق (درستی) و کذب (نادرستی) آنها سخن بگوییم ، «قضیه» می گویند.

جمله : ۱-**نشایی :** یعنی خبری از عالم خارج می دهند ، بلکه تمایلات ، خواسته ها و اموری از این دست را مطرح می کنند . مانند جملات امری - پرسشی و

۲-**خبری :** جملاتی که درباره ی عالم خارج خبر می دهند.

اقسام قضیه

۱-**حملی :** به قضیه ای که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می شود ، «قضیه حملی» می گویند ، مانند هرتلاشگری موفق می شود .

۲-**شرطی :** به قضیه ای که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می شود ، «قضیه شرطی» می گویند .مانند : اگر تلاش کنی موفق می شوی .

قضیه ی حملی

قضایای حملی همان جملات خبری در ادبیات اند . در منطق به نهاد جمله ، «موضوع» ، به مسند آن «محمول» و به فعل ربطی (اسنادی) «رابطه» می گویند .

| | | |
|-------|-------|--------------|
| ایران | بهار | است |
| نهاد | مسند | فعل ربطی |
| موضوع | محمول | رابطه (نسبت) |

کیفیت قضیه :

موجبه : اگر رابطه ی قضیه ایجابی باشد . (مانند است)

سالبه : اگر رابطه ی قضیه سلبی باشد . (مانند نیست)

نکته : در منطق تنها افعال ربطی (است - بود - گشت - گردید) به عنوان رابطه در نظر گرفته می شوند .

احمد کتاب دارد - ~~احمد~~ دارای کتاب است .

ماه می تابد - ~~ماه~~ تابنده است .

اقسام قضیه ی حملی :

۱-**قضیه شخصی :** اگر موضوع قضیه ، مفهومی جزئی باشد .

۲-**قضیه محصوره :** اگر موضوع قضیه کلی باشد .

نکته : هرگاه درباره ی یک مجموعه مشخص سخن بگوییم ، قضیه شخصی خواهد بود .

مثلا : دانش آموزان این کلاس سی نفر هستند .

اما هنگامی که محمول قابل حمل بر تک تک مصادیق موضوع باشد ، قضیه محصوره است .

مثلا : دانش آموزان این کلاس درس خوان هستند .

توجه: در قضایای محصوره قیدی که بر سر قضیه می آید، دامنه ی مصادیق موضوع را تعیین می کند و به آن «سور» گفته می شود.

کمیت قضیه: ۱- کلی همه / هر / هیچ
 ۲- جزئی بعضی / برخی / تعدادی

| اجزای قضیه محصوره | | | |
|-------------------|-------|-------|-------------|
| هر / هیچ / بعضی | الف | ب | است / نیست |
| سور | موضوع | محمول | رابطه، نسبت |
| هر | گلی | زیبا | است |
| مثال: | | | |

دامنه مصادیق موضوع: (بسیار مهم)

چنان که گفته شد، در قضیه محصوره موضوع قضیه، مفهومی کلی است. سور قضیه نیز دامنه مصادیق موضوع را مشخص می کند. یعنی تعیین می کند که همه یا بعضی از مصادیق موضوع، مورد نظر گوینده هستند.

موضوع قضیه } جزئی باشد: قضیه شخصی است.
 کلی باشد: قضیه محصوره است.

↓
 سور قضیه محصوره } بعضی باشد: قضیه جزئی است.
 هر یا هیچ باشد: قضیه کلی است.

۱۳۷- درباره عبارت «ته دوری از بُم دل در بُم نیست» کدام گزینه صحیح به نظر می رسد؟

- (۱) یک قضیه شخصی دارد و یک قضیه محصوره
(۲) بُم در هر دو قضیه موضوع است.
(۳) هر دو قضیه محصوره است.
(۴) موضوع هر دو قضیه یکی است.

۱۳۸- کدام گزینه بیانگر یک قضیه است؟

- (۱) آن جا که میروی
(۲) میهنمان چه مبارزان غیوری دارد
(۳) نگویم که تو دوستی را نشایی
(۴) رو سر بنه به بالین

۱۳۹- کدام گزینه درباره قضیه حملی نادرست است؟

- (۱) معادل جمله در ادبیات است.
(۲) سه جزء تشکیل دهنده دارد.
(۳) قابلیت صدق و کذب دارد.
(۴) به ثبوت یا نفی چیزی حکم میکند.

۱۴۰- نوع قضیه حملی در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) بازیکنان تیم ملی فوتبال پیروز شدند.
(۲) غاز برعکس زاغ است.
(۳) دانش آموزان کلاس ۴۰۲ درس خوان هستند.
(۴) جمعیت تهران بیشتر از ده میلیون نفر است.

۱۴۱- در جمله «انسان سالم به دیگران دروغ نمی گوید» به ترتیب محمول و موضوع قضیه کدام است؟

- (۱) دروغ گوینده به دیگران - انسان سالم
(۲) به دیگران دروغ - انسان سالم
(۳) دروغ گوینده به دیگران - انسان
(۴) انسان سالم - دروغ گوینده به دیگران

۱۴۲- می توان گفت :

- ۱- موضوع قضیه محصوره کلی است و سور تعیین کننده دامنه مصادیق محمول است .
۲- محمول قضیه محصوره معمولا مفهومی کلی است و سور تعیین کننده تعداد دقیق مصادیق موضوع است .
۳- سور هم جزئی و کلی بودن مفهوم قضیه را مشخص می کند و هم تعیین کننده دامنه مصادیق موضوع است .
۴- سور در قضایای محصوره ، دامنه مصادیق موضوع را نشان می دهد ، نه تک تک مصادیق موضوع را .

۱۴۳- کدام قضیه شخصی نیست؟

- (۱) کلمات ، دارای معنی هستند .
(۲) سیر ، مشترک لفظی است .
(۳) الفبای زبان فارسی ، دارای سی و دو حرف است .
(۴) فرانسه فارسی است .

۱۴۴- به ترتیب قضایای «هر انسانی باسواد نیست» و «حتی یک نفر هم در مدرسه نیست» چه نوع قضایایی هستند؟

- (۱) سالبه کلیه - موجه جزئیه
(۲) سالبه جزئیه - سالبه کلیه
(۳) موجه جزئیه - سالبه جزئیه
(۴) موجه کلیه - سالبه کلیه

۱۴۵- کدام گزینه درست است؟

- (۱) در قضایای محصوره برخلاف قضایای شخصی ، رابطه قضیه کیفیت قضیه را مشخص می کند .
(۲) در قضایای حملی اگر رابطه حذف شود ، دو تصور باقی می ماند .
(۳) موجه یا سالبه بودن قضیه بیانگر صدق و کذب قضیه حملی است .
(۴) وجه مشترک قضایای حملی محصوره و شخصی در داشتن کیفیت و کمیت است .

۱۴۶- کدام قضیه، شخصی است؟

- (۱) دانش آموزان این کلاس، همگی باهوش اند.
(۲) معلم منطق، باید خودش منطقی باشد.
(۳) ایران از اقوام گوناگون تشکیل شده است.
(۴) بنزین می تواند به راحتی تبخیر شود.

۱۴۷- در یک قضیه حملی، جزئی یا کلی بودن «قضیه»، «موضوع» و «سور» به ترتیب بیانگر..... و..... است.

- ۱) دامنهٔ مصادیق موضوع - کیفیت قضیه - شخصیه بودن یا نبودن قضیه
- ۲) محصوره بودن یا نبودن قضیه - گسترهٔ افراد قضیه - کمیت قضیه
- ۳) کمیت قضیه - شخصیه بودن یا نبودن قضیه - دامنهٔ افراد موضوع
- ۴) کیفیت قضیه - محصوره بودن یا نبودن قضیه - گسترهٔ مصادیق موضوع

۱۴۸- سور هر قضیه ای می تواند به ما نشان دهد که.....

- ۱) محمول قضیه به چه تعداد از مصادیق موضوع ربط داده شده است.
- ۲) آیا محمول به تمام مصادیق موضوع نسبت داده شده است یا نه.
- ۳) آیا قضیه دربارهٔ همهٔ مصادیق محمول حکم می کند یا برخی از آن ها.
- ۴) محمول به کدام یک از مصادیق موضوع نسبت داده شده است.

۱۴۹- کدام گزینه دربارهٔ قضیهٔ حملی، درست است؟

- ۱) موضوعش همان مسند در دستور زبان فارسی است.
- ۲) نهاد آن، همان موضوع در دستور زبان فارسی است.
- ۳) رابطه، فارغ از موضوع و محمول، کیفیت را مشخص می کند.
- ۴) سلبی و ایجابی بودن آن، صدق و کذبش را مشخص می کند.

۱۵۰- در کدام گزینه ارتباط مفهوم کلی و قضیه کلیه، به درستی بیان شده است؟

- ۱) مفهوم کلی، عنوان یکی از اجزای قضیهٔ کلیه است.
- ۲) مفهوم کلی تنها می تواند موضوع یک قضیهٔ کلیه قرار گیرد.
- ۳) رابطهٔ مفهوم کلی با قضیهٔ کلیه از میان نسب اربعه، تباین است.
- ۴) مفهوم کلی در قضیهٔ کلیه، دامنهٔ مصادیق موضوع را تعیین می کند.

۱۵۱- دربارهٔ سور کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) سور، جز خاص در قضایای محصوره است
- ۲) با در نظر گرفتن سور، دو نوع قضیه محصوره وجود دارد.
- ۳) سور فقط مشخص کننده کمیت قضیه است.
- ۴) وظیفه سور تعیین دامنه مصادیق موضوع است.

۱۵۲- کدام یک از موارد زیر «قضیه» هستند و چرا جملات انشایی در منطق بررسی نمی شوند؟

- ۱- که گفتت برو دست رستم ببند - بیانگر تمایلات و احساسات انسان هستند.
- ۲- هر که آمد به جهان، نقش خرابی دارد - قابلیت صدق و کذب ندارد.
- ۳- در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست - بیانگر تمایلات و احساسات انسان هستند.
- ۴- کاشکی هستی زبانی داشتی - قابلیت صدق و کذب ندارد.

۱۵۳- محمول در قضیه ی «هرکس وسیله ای با خود آورده بود» و موضوع در قضیه ی «بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود» کدام اند؟ (سراسری)

(۹۸-

- ۱) آورنده ی وسیله با خود - بی شک
- ۲) وسیله ای با خود - این سی مرغ
- ۳) با خود آوردن - بی شک این سی مرغ
- ۴) آورنده ی وسیله با خود - این سی مرغ

۱۵۴- کدام عبارت، قضیه ی شخصیه است؟ (سراسری - ۹۸)

- ۱) دست هایت را بشوی.
- ۲) از کار دست کشید.
- ۳) انسان عصر ما، تنهاست.
- ۴) سرب برای انسان مضر است.

۱۵۵- به ترتیب، محمول در قضیه ی (کسی به مسافرت نمی رود) و موضوع در (تو را دانش و دین رهاند درست) کدام است؟ (سراسری - ۹۸)

- ۱) رونده به مسافرت - تو
- ۲) به مسافرت نمی رود - تو را
- ۳) مسافرت - دانش و دین
- ۴) رونده به مسافرت - دانش و دین

۱۵۶- تفاوت میان قضایای شخصیه و محصوره در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

- ۱- قضایای شخصیه تنها شامل بعضی افراد یک مجموعه می شوند اما قضایای محصوره تمام موارد را در بر می گیرد.
- ۲- در قضایای شخصیه مصادیق موضوع، محدودیت دارند اما در قضایای محصوره محدودیتی در مصادیق موضوع وجود ندارد.
- ۳- در قضایای شخصیه موضوع یک مفهوم جزئی است اما در قضایای محصوره موضوع می تواند یک مفهوم کلی یا جزئی باشد.
- ۴- در قضایای شخصیه موضوع یک مفهوم جزئی است اما در قضایای محصوره موضوع همواره یک مفهوم کلی است.

۱۵۷- به ترتیب از راست به چپ در عبارتهای زیر چند قضیه شخصییه و چند قضیه محصوره وجود دارد؟

الف) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران حافظ مرزهای آبی کشور است.

ب) حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود

پ) نماز آرامش بخش دلها است.

ت) از مکافات عمل غافل نشوید.

ث) یاران امام زمان ۳۱۳ نفر هستند.

ج) مجموعه اعداد اول تک رقمی از دو شروع می شود.

۱/۴-۴

۲/۳-۳

۳/۳-۲

۵/۱-۱

۱۵۸- در کدام مورد، هر دو عبارت، قضیه‌ی حملی است؟

۱- دانش دل پیر برنا بود - دل در کسی مبند که دل بسته‌ی تو نیست.

۳- اگر دنیا نباشد دردمندیم - نادان را از دانا وحشت است.

۱۵۹- کدام قضیه، قضیه شخصییه است؟

۱- برخی فلاسفه جدید غربی برهان نظم را نمی پذیرند.

۳- برهان اخلاقی کانت وجودی نامتناهی را اثبات می کند.

۱۶۰- نوع کدام قضیه با بقیه متفاوت است؟

۱) پری رو تاب مستوری ندارد .

۳) سرکلاس صحبت نکن اخراج می شوی

۱۶۱- کدام قضیه یک قضیه شرطی به حساب نمی آید؟

۱) از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

۳) نمی گویی، نمی گویم.

۱۶۲- نوع کدام قضیه با سایر قضایا متفاوت است؟

۱) هندوانه میوه است.

۳) همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی

۱۶۳- نوع کدام قضیه با سایر قضایا متفاوت است؟

۱) همه شب نالم چون نی.

۳) همه عالم به تو می بینم.

۱۶۴- نوع کدام قضیه با سایر قضایا متفاوت است؟

۱) سر من از ناله من دور نیست.

۳) همه تن خنده ام چون گل.

۱۶۵- کدام قضیه شخصییه است؟ (خارج کشور - ۹۹)

۱) شیری خرگوشی را درید .

۳) شیر این جنگل قدرتمند است .

۱۶۶- کدام قضیه شخصییه است؟ (سراسری - ۹۹)

۱) زاغکی قالب پنیری دید.

۳) زاغ برعکس غاز است .

۲- بنی آدم سرشت از خاک دارند - طریق درویشان ذکر است و شکر

۴- دوش مرغی به صبح می نالید - چگونه آدمی هستی

۲- هر امر منظمی نشان از یک مدبر و ناظم دارد.

۴- هر فیلسوف خداباوری سعی در ارائه استدلال برای وجود خدا دارد.

۲) دانش آموزان درس خوان خیلی نیستند.

۴) دانش جو صفت فاعلی مرخم است.

۲) تا به تو افتدم نظر چهره به چهره روبه رو

۴) خواسته ای دارید مطرح کنید.

۲) هر فلزی گران بهاست.

۴) ماهی ها آبشش دارند.

۲) هر دست که دادی از آن دست گرفتی.

۴) همه گزینه ها درست هستند.

۲) عرب بر ره شعر دارد سواری.

۴) نه هر کو ورقی خواند معانی دانست.

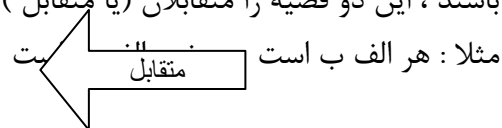
۲) شیر با شیر متفاوت است .

۴) شیر برعکس ریش می شود .

۲) زاغ گور کردن را به قابیل آموخت .

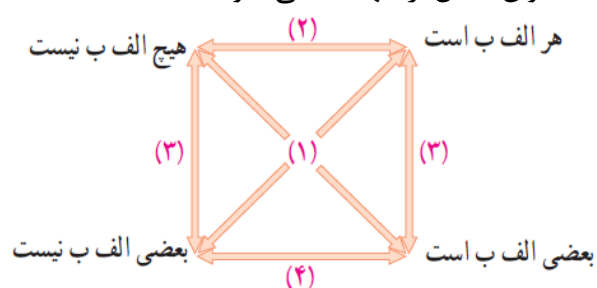
۴) زاغ می خواست راه رفتن کبک را بیاموزد.

نکته ۱: تعریف قضایای متقابل : اگر موضوع و محمول در دو قضیه یکسان باشند ، اما در کیفیت یا کمیت یا هر دو ، متفاوت باشند ، این دو قضیه را متقابلان (یا متقابل) می گویند.



نکته ۲: هنگامی که می گوئیم (بعضی از دانش آموزان کتاب درسی دارند) به این معنی نیست که فقط بعضی از دانش آموزان کتاب درسی دارند و بقیه فاقد کتاب درسی هستند.

مربع تقابل : چهار قضیه محصوره از نظر (۱) صدق و کذب و (۲) تغییر کمیت و کیفیت (یا هر دو) دارای روابطی هستند که تحت عنوان تقابل از آنها یاد می شود .



۱- تناقض

نکته ۱: رابطه ی تناقض میان قضیه های موجبه ی کلی و سالبه ی جزئی / سالبه ی کلی و موجبه ی جزئی برقرار است .

نکته ۲: با تغییر کمیت و کیفیت یک قضیه می توان به «تناقض» (نقیض) آن قضیه دست یافت.

نکته ۳: بررسی صدق و کذب

نکته ۴: در قضایای شخصی فقط کیف تغییر می کند .

ابن سینا نویسنده شفا **است** . تناقض : ابن سینا نویسنده شفا **نیست** .

جدول صدق : در رابطه ی تناقض ، صدق یک قضیه ، کذب دیگری را در پی دارد و کذب یک قضیه ، صدق دیگری را نتیجه می دهد.

هر الف ب است (+) تناقض بعضی الف ب نیست (-)

هر الف ب است (-) تناقض بعضی الف ب نیست (+)

2-تضاد

نکته ۱: رابطه تضاد تنها میان قضیه های موجبه ی کلی و سالبه ی کلی برقرار است . بدین معنا که قضیه های جزئی ، تضاد ندارند.

نکته ۲: با تغییر کیفیت یک قضیه ی کلی ، به تضاد آن می رسیم .

نکته ۳: بررسی صدق و کذب

از صدق یک قضیه کلی به کذب قضیه کلی دیگر دست می یابیم . اما اگر قضیه کلی کاذب باشد ، نمی توانیم به صورت قطعی بگوییم که قضیه متضاد آن صادق است یا کاذب .

هر الف ب است (+) متضاد هیچ الف ب نیست (-)
هر الف ب است (-) متضاد هیچ الف ب نیست (±)

3-تداخل

نکته ۱: رابطه ی تداخل میان قضیه ی موجبه کلی و موجبه جزئی / سالبه ی کلی و سالبه ی جزئی برقرار است .

هر الف ب است \rightarrow بعضی الف ب است

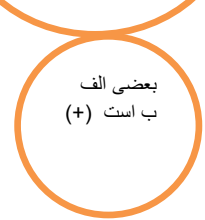
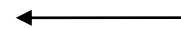
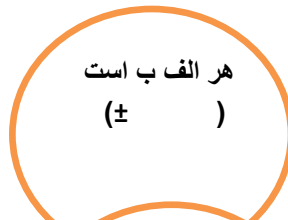
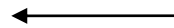
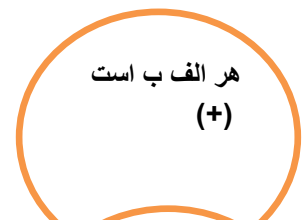
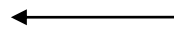
هیچ الف ب نیست \rightarrow بعضی الف ب نیست

نکته ۲: چرا این رابطه را تداخل نامیده اند ؟ زیرا مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق کلی قرار می گیرد.

نکته ۳: در قضایای متداخل ، تنها کم (کمیت - مقدار) تغییر می کند و کیف ثابت است .

تداخل قضیه

اصل قضیه



هنگامی که ادعایی کلی مطرح می شود ، یافتن یک مثال نقض آن حکم کلی را باطل می کند . در صورتی که با وجود پیدا شدن استثنایی در حکم کلی ، همچنان بر کلی بودن حکم خود اصرار کنیم ، دچار مغالطه ی «استثنای قابل چشم پوشی» شده ایم . همه ی افراد از کیفیت غذای ما راضی اند . پس چرا دیروز یکی از مشتریان اعتراض کرد ؟ او یک استثنا است !

نکته ۱: در صورتی که موضوع و محمول قضیه ی کلی را جابه جا کنیم ، قضیه ی به دست آمده را «عکس» آن قضیه می نامند .
 --- الف ب ---- --- ب الف ---

سوال : اگر قضیه ای صادق باشد ، آیا عکس آن نیز صادق است ؟
پاسخ : بله ، ضرورتاً صادق است .

قانون عکس :

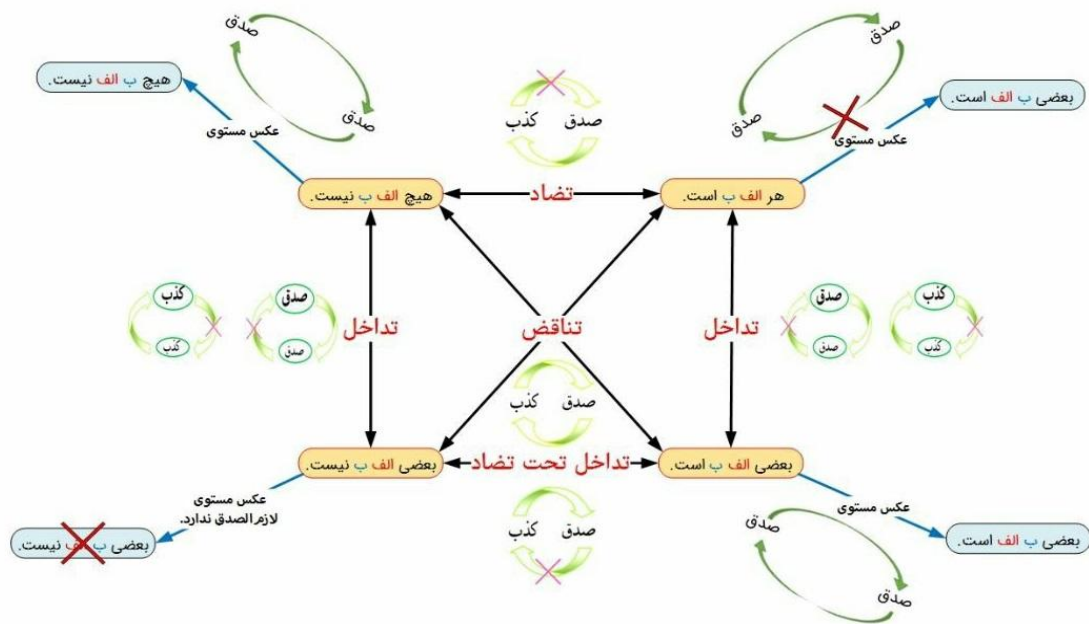
| عکس مستوی (ب الف) | اصل (الف ب) |
|-------------------------------------|------------------|
| بعضی ب الف است. | هر الف ب است. |
| بعضی ب الف است. | بعضی الف ب است. |
| هیچ ب الف نیست. | هیچ الف ب نیست. |
| (عکس لازم الصدق ندارد) ^۱ | بعضی الف ب نیست. |

نکته ۱ : علت نامگذاری به عکس مستوی : از آنجا که در رابطه ی فوق از قضیه ی صادق به عکس آن قضیه که از نظر صدق همانند و مساوی آن قضیه است می رسیم ، به آن عکس مستوی می گویند .

نکته ۲ : سالبه ی جزئی پیرو قانون کلی نیست ، در برخی از مثال ها عکس صادق دارد و در برخی دیگر نه ، بنابراین منطق دانان می گویند سالبه ی جزئی عکس لازم الصدق ندارد .

مغالطه ی ایهام انعکاس

در صورتی که در جابه جا کردن اجزای قضیه ، قاعده ی عکس مستوی را به درستی رعایت نکنیم ، دچار مغالطه ی «ایهام انعکاس» شده ایم.



۱۶۷- اگر قضیه «نه هر که سر بتراشد ، قلندری داند» صادق باشد، کدام یک از قضایای زیر حتماً صادق است؟

- (۱) همه کسانی که سر می تراشند، قلندری می دانند.
 (۲) بعضی از کسانی که سر می تراشند، قلندری می دانند.
 (۳) بعضی از کسانی که سر می تراشند، قلندری نمی دانند.
 (۴) هیچ یک از کسانی که سر می تراشند، قلندری نمی دانند.

۱۶۸- کدام دو قضیه طبق مبحث احکام قضایا در منطق، نمی توانند با هم صادق باشند؟

- (۱) هیچ چهاردستی از این ملخ ها نیست. - بعضی از چهاردست ها ملخ هستند.
 (۲) هر یک از این ملخ ها چهاردست هستند. - هیچ یک از این چهاردست ها ملخ نیستند.
 (۳) هیچ حیوان چهاردستی از این ملخ ها نیست. - برخی از این ملخ ها از حیوانات چهاردست هستند.
 (۴) برخی از این حشرات ملخ های چهاردست نیستند. - برخی از ملخ های چهاردست از این حشرات نیستند.

۱۶۹ - اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» صادق باشد، عکس آن

- (۱) نیز حتماً صادق است. (۲) ضرورتاً کاذب است. (۳) نیز می تواند صادق باشد. (۴) وجود ندارد.

۱۷۰ - اگر دو قضیه متضاد هر دو کاذب باشند، قضایای متداخل آن ها ؛ زیرا

- (۱) هر دو کاذب اند- طبق احکام متداخل، وقتی قضیه کاذب باشد، قضیه متداخل نیز کاذب می شود.
 (۲) هر دو صادق اند- متداخل هر یک از این دو قضیه متضاد، همان متناقض قضیه دیگر خواهد بود.
 (۳) یکی صادق و دیگری کاذب است- دو قضیه حاصل از متداخل دو متضاد، با یکدیگر رابطه تناقض دارند.
 (۴) مشخص نیست صادق اند یا کاذب- از کذب قضیه کلی نمی توان صدق یا کذب متداخل را نتیجه گرفت.

۱۷۱ - متضاد کدام گزینه را می توان به دست آورد؟

- (۱) نقیض «هیچ کس روزی دیگری را نمی خورد.»
 (۲) متداخل «هرچه پیش آید خوش آید»
 (۳) نقیض «بعضی دل ها خالی از مهر است»
 (۴) متداخل «هیچ ارزانی بی علت نیست»

۱۷۲ - نقیض کدام قضیه، عکس مستوی لازم الصدق ندارد؟

- (۱) هر الف ب است (۲) بعضی ب الف نیست (۳) هیچ ب ج نیست (۴) بعضی ج الف نیست

۱۷۳-قضایای حاصل از نسبت تباین بین دو مفهوم کلی ، چه رابطه ای با هم دارند ؟

- ۱-تضاد (۲)تناقض (۳)عکس (۴)تداخل

۱۷۴-اگر سور یک قضیه، تمام مصادیق موضوع را دربرنگیرد، می توانیم قاطعانه بگوییم آن قضیه

- (۱) سالبه کلیه است. (۲) متضاد ندارد.
 (۳) عکس لازم الصدق ندارد. (۴) موجبه جزئیه است.

۱۷۵-کدام گزینه دارای مغالطه ایهام انعکاس است؟

- (۱) هیچ مردی زن نیست پس هیچ زنی مرد نیست.
 (۲) بعضی اسب ها حیوان هستند پس بعضی حیوان ها اسب هستند.
 (۳) بعضی میوه ها شیرین نیستند پس بعضی شیرین ها میوه نیستند.
 (۴) هر مثلثی شکل سه ضلعی است پس بعضی شکل سه ضلعی ها مثلث هستند.

۱۷۶-اگر عبارت «هرالف ب است» صادق باشد ، کدام گزینه درباره صدق و کذب (هر ب الف است) / (بعضی الف ب نیست) / (هیچ ب

الف نیست) درست است ؟

- (۱)نامشخص -کاذب -کاذب
 (۲)صادق - کاذب - کاذب
 (۳)نامشخص -صادق - نامشخص
 (۴)کاذب - کاذب - صادق

۱۸۹- نقیض عکس سالبه کلی و تداخل موجه کلی

۱- فقط در سور مشترک هستند . ۲- موضوع واحد دارند ۳- متضاد ندارند ۴- هیچ اشتراکی ندارند .

۱۹۰- اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» صادق باشد ، ارزش دو قضیه «بعضی غیر ب الف است» و «هیچ غیر ب الف نیست» می تواند چگونه باشد ؟

۱-صادق - کاذب ۲-صادق - صادق ۳-صادق - غیر قابل تشخیص ۴-غیر قابل تشخیص - کاذب

۱۹۱- هرگاه قضیه «بعضی جمله ها خبری هستند» به عنوان «نقیض عکس مستوی» قضیه ای مطرح شود ، قضیه اصل آن خواهد بود .

۱-موجه کلیه ۲-موجه جزئیه ۳-سالبه جزئیه ۴-سالبه کلیه

۱۹۲- درباره ی دو قضیه «بسیاری از دانشمندان منطق خوانده اند» و «هر دانشمندی منطق خوانده است» کدام گزینه درست است ؟

۱-اجتماع هم زمان هر دو قضیه ممکن است . ۲-کذب هم زمان هر دو محال است
۳-اگر اولی صادق باشد ، دومی نیز صادق است . ۴-اجتماع و ارتفاع آن ها محال است .

۱۹۳-وقتی قضیه ای دارای متضاد نقیض است ، باید نتیجه گرفت که آن قضیه است .

۱-جزئیه ۲-سالبه ۳-کلیه ۴-موجه

۱۹۴-نقیض و عکس مستوی قضیه ی «هر الف ب است» به شرط صدق ، چه خواهد شد ؟

۱)بعضی الف ب است (کاذب) / بعضی ب الف نیست (صادق)
۲)هر الف ب است (صادق) / هیچ ب الف نیست (کاذب)
۳)بعضی الف ب نیست (کاذب) / بعضی ب الف است (صادق)
۴)هیچ الف ب نیست (صادق) / هر ب الف است (صادق)

۱۹۵-هرگاه بدانیم قضیه ی «بعضی الف ب نیست» کاذب است ، می توانیم درباره ی صدق یا کذب قضایای «بعضی ب الف است» ،

«هیچ الف ب نیست» و «بعضی الف ب است» به ترتیب بگوئیم : (خارج کشور - ۹۲)

۱)قابل تشخیص نیست - کاذب - قابل تشخیص نیست . ۲)صادق - قابل تشخیص نیست - صادق
۳)قابل تشخیص نیست - کاذب - صادق ۴)صادق - کاذب - صادق

۱۹۶- در کدام گزینه ، رابطه ی قضیه ی دوم و سوم با قضیه ی اول ، به ترتیب ، تضاد و عکس مستوی است ؟(سراسری - ۹۸)

۱)همه ی بچه ها بازیگوش اند - هیچ بچه ای بازیگوش نیست - بعضی بازی گوش ها بچه اند .
۲)هیچ یک از دانش آموزان غایب نبودند - همه ی دانش آموزان غایب بودند - همه ی حاضران دانش آموز بودند .
۳)هر انسانی زیبایی را دوست دارد - هیچ انسانی زیبایی را دوست ندارد - هر دوستدار زیبایی انسان است .
۴)تمامی مسافران از اتوبوس پیاده شدند - همه ی مسافران در اتوبوس ماندند - بعضی از پیاده شدگان از اتوبوس ، از مسافران بودند.

۱۹۷- اگر قضیه «هر الف ب است» کاذب باشد، به ترتیب در تناقض، تداخل و تضاد چه حالتی به وجود می آید؟

۱-حتماً صادق است - ممکن است صادق باشد - ممکن است صادق باشد.
۲-حتماً کاذب است - ممکن است کاذب باشد - ممکن است صادق باشد.
۳-شاید کاذب باشد - حتماً صادق است - ممکن است کاذب باشد.
۴-شاید صادق باشد - حتماً کاذب است - ممکن است کاذب باشد.

۱۹۸- آن جا که دو قضیه در موضوع و محمول، یکی باشند و در «سور» متفاوت و در «نسبت» یکسان، کدام مورد ترسیم می شود؟

۱-تضاد ۲-تداخل ۳-تناقض ۴-تداخل تحت تضاد

۱۹۹- اگر کیف یک قضیه را تغییر دهیم، ممکن نیست که به دست آید.

۱-متضاد قضیه ۲-قضیه ی نقیض آن ۳-عکس مستوی قضیه ۴-نه متضاد و نه نقیض قضیه

۲۰۰- اگر قضیه «هیچ الف ب نیست» تضاد قضیه‌ای باشد، متداخل متناقض عکس مستوی آن قضیه می‌شود و اگر قضیه به‌دست آمده کذب باشد، متداخل آن

- ۱- بعضی ب الف است - نمی‌توان به قطعیت گفت کاذب است یا صادق
- ۲- بعضی ب الف نیست - نمی‌توان به قطعیت گفت کاذب است یا صادق
- ۳- بعضی ب الف نیست - لزوماً کاذب است
- ۴- بعضی الف ب نیست - لزوماً صادق است

۲۰۱- کدام بیان در مورد دو قضیه‌ی متضاد صحیح نیست؟

- ۱- کذب دو قضیه محال است.
- ۲- صدق دو قضیه محال است.
- ۳- می‌تواند یکی صادق باشد و دیگری کاذب
- ۴- می‌تواند یکی موجبه‌ی کلیه باشد و دیگری سالبه‌ی کلیه

۲۰۲- کدام یک از قضایای زیر نه متضاد دارد و نه عکس مستوی لازم‌الصدق، اما نقیض دارد؟

- ۱- هیچ موتورسواری نابینا نیست.
- ۲- بعضی ایرانی‌ها مسلمانند.
- ۳- بعضی گل‌ها خوش‌بو نیستند.
- ۴- هر پرستویی پرنده است.

۲۰۳- با دانستن کذب «بعضی الف ب نیست» پافشاری بر صدق کدام گزینه باعث مغالطه «استثنای قابل چشم‌پوشی» می‌شود؟

- ۱- بعضی ب الف نیست.
- ۲- بعضی الف ب است.
- ۳- هر الف ب است.
- ۴- هیچ الف ب نیست.

۲۰۴- گفت وگویی زیر حاوی چه پیامدی است؟

نفر اول: کشور هند مهد ادیان و مکاتب مختلف بشری است که همه پیروان این مذاهب با آرامش و امنیت و مسالمت کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.
نفر دوم: پس نظرت راجع به تخریب مسجد باری چیست؟
نفر اول: سخت‌نگیر! گاهی اوقات یک خطایی از برخی افراطیون سر می‌زند.

- (۱) مغالطه تعمیم شتاب زده دارد.
- (۲) نفر اول مرتکب تمثیل ناروا شده است.
- (۳) قیاس مع الفارق است.
- (۴) مغالطه استثنای دارای چشم‌پوشی در آن وجود دارد.

۲۰۵- هرگاه قضیه «هرالف ب است» کاذب باشد، آن است .

- (۱) متضاد / صادق
- (۲) متداخل / نامعلوم
- (۳) عکس / کاذب
- (۴) متناقض / کاذب

۲۰۶- هرگاه قضیه (هر الف ب است) کاذب باشد، رابطه موجبه جزئی و سالبه جزئی همین قضیه، به ترتیب با آن کدام است و صادق هستند یا کاذب؟

- (۱) عکس مستوی - تداخل - نامعلوم - کاذب
- (۲) عکس مستوی - تناقض - نامعلوم - صادق
- (۳) تداخل - تناقض - کاذب - صادق
- (۴) تداخل - تناقض - نامعلوم - صادق

۲۰۷- رابطه دو قضیه محصوره با نسبت یکسان، که یکی کلی و دیگری جزئی است، کدام است و در صورت صادق بودن کلی، وضعیت صدق و کذب قضیه جزئی چگونه است؟

- (۱) تداخل / صادق است.
- (۲) عکس مستوی / کاذب است.
- (۳) تداخل / ممکن است صادق یا کاذب باشد.
- (۴) عکس مستوی / ممکن است صادق یا کاذب باشد.

۲۰۸- درباره عبارت صادق: «هیچ چیزی برای خودمان نمی‌خواهیم» می‌توان گفت:

- (۱) ارزش متضاد آن نام معلوم است.
- (۲) فقط تناقض دارد.
- (۳) عکس مستوی آن هم صادق است.
- (۴) متداخل آن سالبه است.

۲۰۹- فرض کذب قضیه «برخی پ ت نیست» ارزش کدام گزاره می‌تواند از جهتی کاذب و از جهتی نامعلوم باشد .

- (۱) هیچ پ ت نیست.
- (۲) برخی پ ت نیست.
- (۳) هر پ ت است.
- (۴) برخی ت ت نیست.

۲۱۰- اگر از قضیه «برخی از ثروتمندان متکبر نیستند» نتیجه بگیریم که «برخی متکبران ثروتمند نیستند»، کدام عبارت درست است؟ (سراسری - ۹۹)

- (۱) استدلال ما دوری است .
(۲) دچار قیاس نامعتبر شده ایم .
(۳) دچار ابهام انعکاس شده ایم .
(۴) با توجه به واقعیت ، استدلال معتبر انجام داده ایم .

۲۱۱- آموختن احکام قضایا این فایده را دارد که (سراسری خارج کشور - ۹۳)

- (۱) تشخیص درستی برخی قضایا را بدون علم به محتوی ممکن می کند .
(۲) نحوه ساختن قضایا و تکمیل جداول صدق را می آموزد .
(۳) اقسام قضایای متقابل و عکس را به ما نشان می دهد .
(۴) ما را در کاربرد اقسام مختلف قضیه توانا می سازد .

۲۱۲- در کدام گزینه ، رابطه قضیه دوم و سوم با قضیه اول ، به ترتیب ، عکس مستوی و تناقض است ؟ (سراسری خارج کشور - ۹۸)

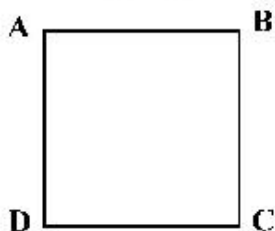
- (۱) برخی از دیپلمه ها دانشگاه نمی روند - برخی از دانشگاه نرفته ها ، دیپلمه نیستند - هر دیپلمه ای به دانشگاه می رود .
(۲) همه دانشجویان رشته معدن پسر هستند - همه پسران ، دانشجوی رشته معدن هستند - برخی از پسران از دانشجویان رشته معدن نیستند .
(۳) هیچ یک از دانش آموزان ، در جلسه حاضر نشدند - هیچ یک از حاضران ، در جلسه ی دانش آموزان نبودند - برخی دانش آموزان ، در جلسه حاضر شدند .
(۴) همه شاگردان کلاس A باهوشند - برخی از باهوش ها ، شاگردان کلاس A هستند - برخی از شاگردان کلاس A باهوش نیستند .

۲۱۳- محتوای کدام گزینه درست است ؟ (سراسری خارج کشور - ۹۹)

- (۱) اگر قضیه «هیچ کتابی ارزان نیست» نادرست باشد ، می توان نتیجه گرفت که «هر کتابی ارزان است»
(۲) اگر قضیه «هیچ موجودی مجرد نیست» نادرست باشد ، می توان قطعاً گفت که بعضی موجودات مجرد نیستند .
(۳) اگر بپذیریم که همه نمرات این دانش آموز بیست است ، باید پذیرفت که بعضی نمرات این دانش آموز بیست است .
(۴) اگر بدانیم که بعضی پرواز کنندگان پرنده نیستند می توان قطعاً گفت که بعضی پرنده ها پرواز کننده نیستند .

- ۲۱۴

- اگر مربع روبه‌رو مربع تقابل باشد، امکان موارد زیر را به ترتیب بررسی کرده و پاسخ درست را انتخاب کنید؟



جمع میان A و B در کذب

جمع میان A و C در کذب

تشخیص صدق یا کذب A، در صورت کذب D

(سراسری - ۱۴۰۰)

(۲) غیرممکن - غیرممکن - امکان پذیر

(۴) امکان پذیر - غیرممکن - امکان پذیر

(۱) امکان پذیر - غیرممکن - غیرممکن

(۳) غیرممکن - امکان پذیر - امکان پذیر

یادآوری :

۱- استدلال قیاسی ، استدلالی است که از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل می شود .

۲- استدلال قیاسی به دو صورت (با توجه به نوع جملات) نگاشته می شود :

(الف) **قیاس اقترانی** : در این قیاس ، اجزاء نتیجه در میان مقدمات پخش شده اند . (به مثال زیر توجه کنید :

کلمه ی حیوانات و دارای بال که در نتیجه آمده است ، در دومقدمه **پخش و پراکنده** است.)

(ب) **قیاس استثنایی** : در این قیاس ، عین نتیجه یا نقیض آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده است.

قیاس اقترانی

بعضی از حیوانات پرنده هستند .

همه پرندهگان دارای بال هستند .

∴ بعضی از حیوانات دارای بال هستند .

حد وسط

حال بگوئید چرا استدلال های زیر دارای نتیجه نیستند ؟

هر انسانی حیوان است . هر گیاهی نیازمند به آب است .

بعضی سنگها سفید نیستند . هر حیوانی جاندار است .

∴ × ×

∴ × ×

زیرا نمی توان از دو قضیه ای که هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند ، نتیجه ای به دست آورد . باید حتما جزء مشترکی (حد وسط)

بین مقدمات استدلال باشد . به عبارت دیگر موضوع یا محمول یکی «قرین» موضوع یا محمول دیگری باشد .

یکی از انواع قیاس اقترانی ، قیاس اقترانی حملی است که از دو قضیه و یک نتیجه که همگی قضایای حملی هستند تشکیل می

شود .

یادآوری :

قضیه ی حملی : همان جملات خبری در ادبیات هستند . این قضایا بر دونوع بودند :

(الف) شخصییه ، مانند : تهران پایتخت ایران است .

(ب) محصوره ، مانند : هر تهرانی ایرانی است .

قیاس اقترانی بر اساس جایگاه حد وسط در دو مقدمه ، به چهار شکل تقسیم می شود.

شکل اول : جایگاه حدوسط : محمول – موضوع

شکل دوم : جایگاه حدوسط : محمول – محمول

شکل سوم: جایگاه حدوسط : موضوع – موضوع

شکل چهارم: جایگاه حدوسط: موضوع – محمول

نکته ۱ : نتیجه چگونه شکل می گیرد؟

بعد از حذف حد وسط ، موضوع نتیجه از مقدمه ی اول و محمول آن از مقدمه ی دوم به دست می آید.

مغالطه ی عدم تکرار حد وسط

اگر حد وسط در دو مقدمه ، به یک معنا (به واسطه ی اشتراک لفظ) و یا به تمامه تکرار نشود ، مغالطه عدم تکرار حد وسط رخ می دهد.

۱ انگور شیرین است؛ شیرین همسر خسرو است؛ پس : انگور همسر خسرو است.

۲ دیوار دارای موش است؛ موش دارای گوش است؛ پس : دیوار دارای گوش است.

۳ یخ از آب است؛ آب مایع است؛ پس : یخ مایع است.

تعیین نتیجه قیاس (بسیار مهم)

☆ حد وسط از دو مقدمه حذف می شود .

☆ موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم به دست می آید.

توجه :

☞ کیفیت (سالبه یا موجه بودن) نتیجه چگونه است ؟

☆ در قیاس اقترانی از این قانون کلی پیروی می کنیم که : « اگر یکی از دو مقدمه استدلال سالبه باشد ،

نتیجه نیز سالبه خواهد بود .»

☞ اگر هر دو مقدمه سالبه باشند ، نمی توان با این مقدمات ، نتیجه ی معتبر به دست آورد.

☞ کمیت (کلی یا جزئی بودن) نتیجه چگونه به دست می آید؟

۱- در شکل اول و دوم نتیجه از کمترین دو مقدمه (یعنی جزئی) پیروی می کند . به عبارت دیگر اگر

یکی از دو مقدمه جزئی و دیگری کلی باشد ، نتیجه حتما جزئی خواهد بود .

۲- در شکل سوم و چهارم ، نتیجه همواره جزئی است .

دربارهٔ کمیت نتیجه، قانون کلی وجود ندارد. لذا با دو نتیجهٔ احتمالی کلی و جزئی مواجه خواهیم بود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

| | | |
|--------------------|--------------------|-------------------|
| هر الف ب است. | هیچ ب الف نیست. | بعضی الف ب است. |
| هیچ ج ب نیست. | بعضی ب ج است. | هر ب ج است. |
| ∴ هیچ الف ج نیست. | ∴ بعضی الف ج نیست. | ∴ هر الف ج است. |
| ∴ بعضی الف ج نیست. | ∴ بعضی الف ج نیست. | ∴ بعضی الف ج است. |

{ دامنه مصادیق موضوع و محمول }

دامنه مصادیق موضوع :

در قضایای کلی، سور مشخص می‌کند که همه ی مصادیق موضوع مورد نظر نویسنده است و در قضایای جزئی، تنها برخی از مصادیق موضوع مورد نظر نویسنده است.

علامت (+) نشان دهنده همه ی مصادیق و علامت (-) نشان دهنده بعضی مصادیق است.

به عنوان مثال :

- هر الف ب است .
- هیچ الف ب نیست .
- بعضی الف ب است .
- بعضی الف ب نیست .

دامنه مصادیق محمول :

در قضایای سالبه همه ی مصادیق محمول و در قضایای موجب برخی از مصادیق محمول مورد نظر نویسنده است .

- هر الف ب است .
- هیچ الف ب نیست .
- بعضی الف ب
- بعضی الف ب

نکته مهم : در قضایای شخصییه نیز همه مصادیق موضوع (که یک فرد مشخص است) مورد نظراند، بنابراین همواره برای موضوع قضایای شخصییه از علامت (+) استفاده می‌کنیم .

سقراط انسان است .

ابن سینا تاجر نیست .

نکته : محمول قضایای شخصییه به لحاظ دامنه مصادیق از قانون قضایای محصوره تبعیت می‌کند .

شرایط معتبر بودن قیاس درباره ی همه شکل های چهارگانه قیاس اقترانی است .

۱- هر دو مقدمه سالبه نباشند .(یعنی حداقل یکی از دو مقدمه موجب باشد .)

۲- حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.(یعنی حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه دارای علامت مثبت باشد .)

۳- هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته اند ، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند .(اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت منفی داشته باشند ، نیازی به بررسی آنها نیست .)
اگر قیاسی همه شروط بالا را داشته باشد ، معتبر است و در صورت عدم رعایت یکی از این شروط ، نامعتبر خواهد بود

توجه :

ویژگی های یک قیاس اقترانی معتبر در یک نگاه :

۱- اگر شکل اول بود : **نباید** مقدمه اول سالبه یا مقدمه دوم جزیی باشد .

۲- اگر شکل دوم بود : **نباید** هر دو مقدمه موجب باشند .

۳- اگر شکل سوم بود : **باید** نتیجه در هر حالتی جزیی باشد .

۴- در هر ۴ شکل : **نباید** دو مقدمه سالبه یا جزیی باشند .

۲۱۵- کدام گزینه درباره حد وسط در قیاس اقترانی درست است؟

- (۱) در نتیجه، قرین محمول قرار می گیرد.
 (۲) در نتیجه، قرین موضوع قرار می گیرد.
 (۳) میان دو مقدمه ارتباط برقرار می کند.
 (۴) نسبت هر مقدمه را مشخص می کند.

۲۱۶- با قضایای کدام گزینه می توان مقدمات یک قیاس اقترانی را تشکیل داد؟

- (۱) پنیر از شیر است. - شیر از لبنیات است.
 (۲) هر دیواری جسم دارد. - هر جسمی بُعد دارد.
 (۳) مهربی دوست مینا است. - مینا دوست مونا است.
 (۴) این گردو گرد است. - هر گردویی خوراکی است.

۲۱۷- اگر هر دو قضیه شکل قیاس، باشند، شرط دوم اعتبار رعایت نشده است.

- (۱) اول- موجه کلیه (۲) دوم- سالبه جزئیه (۳) سوم- سالبه کلیه (۴) چهارم- موجه جزئیه

۲۱۸- اگر در یک قیاس اقترانی، مغالطه «اشتراک لفظ» به علت «عدم تکرار حد وسط» رخ داده باشد، آن گاه:

- (۱) حد وسط به صورت لفظی عیناً تکرار نشده است.
 (۲) حد وسط به صورت معنایی عیناً تکرار نشده است.
 (۳) معنای حد وسط در مقدمات و نتیجه متفاوت است.
 (۴) در مقدمات، حد وسط با اجزای دیگر اشتباه می شود.

۲۱۹- کدام قیاس معتبر است؟

| | | | |
|---|---|--|--|
| (۱) بعضی الف ب است بعضی ب ج است. بعضی الف ج است | (۲) هر الف ب است. بعضی ب ج است بعضی الف ج است | (۳) بعضی الف ب است هر ب ج است بعضی الف ج است | (۴) هر الف ب است بعضی ج ب نیست بعضی الف ج نیست |
|---|---|--|--|

۲۲۰- اگر قضیه «برخی الف ب است» مقدمه اول قیاس اقترانی معتبری از شکل چهارم باشد، کدام گزینه می تواند مقدمه دوم این

قیاس باشد؟

- (۱) هیچ ج الف نیست.
 (۲) برخی ج الف است.
 (۳) هر ج الف است.
 (۴) برخی ج الف نیست.

۲۲۱- کدام گزینه می تواند به عنوان نتیجه، قیاس اقترانی زیر را تبدیل به یک قیاس شکل اول معتبر کند؟

هر الف ب است.

هیچ ب ج نیست.

.....

- (۱) بعضی ج الف نیست.
 (۲) هیچ ج الف نیست.
 (۳) بعضی الف ج است.
 (۴) هیچ الف ج نیست.

۲۲۲- کدام گزینه درباره «قیاس اقترانی» درست است؟

- (۱) همه اجزای پخش شده در مقدمات قیاس اقترانی، در نتیجه آن، قرین یکدیگر قرار میگیرند.
 (۲) لازم است موضوع یک مقدمه، قرین محمول دیگری باشد تا رابطهای بین مقدمات برقرار شود.
 (۳) اگر در شکل اول، جای دو مقدمه عوض شود و نتیجه تغییر نکند، شکل چهارم حاصل میشود.
 (۴) در هر چهار شکل آن، عدم تکرار لفظی حد وسط، برای قطع شدن ارتباط مقدمات کافی است.

۲۲۳- در کدام گزینه همه مصادیق موضوع و محمول، مورد نظر گوینده است؟

- (۱) حمید قهرمان المپیک است.
 (۲) برخی پرندگان، پرواز نمی کنند.
 (۳) هر مدادی دارای جسم است.
 (۴) اسحاق نیوتن زنده نیست.

۲۲۴- اگر نتیجه یک قیاس اقترانی شکل دوم معتبر، سالبه باشد، آنگاه

- (۱) ممکن است هر دو مقدمه موجه باشند.
 (۲) قطعاً مقدمه اول جزئیه است.
 (۳) ممکن است حد وسط در دو مقدمه مثبت باشد.
 (۴) قطعاً مقدمه دوم کلیه است.

۲۲۵- اگر در یک قیاس اقترانی معتبر از شکل اول، مقدمه اول دارای سور کلی نباشد و مقدمه دوم موجب کلی باشد، نتیجه آن چگونه خواهد بود؟

(۱) نتیجه حتماً باید دارای سور کلی باشد.

(۲) نتیجه ممکن است سالبه باشد.

(۳) نتیجه حتماً دارای سور جزئی خواهد بود.

(۴) نتیجه ممکن است دارای سور کلی نباشد.

۲۲۶- اگر محمول مقدمه دوم یک قیاس از نتیجه حذف شده باشد، آن قیاس شکل چندم می تواند باشد؟

(۱) دوم یا سوم (۲) اول یا سوم (۳) اول یا چهارم (۴) دوم یا چهارم

۲۲۷- در کدام حالت قیاس ممکن است که معتبر باشد؟

(۱) هر دو مقدمه سالبه باشند.

(۲) هر دو مقدمه جزئی باشند.

(۳) مقدمه دوم موجب و نتیجه سالبه باشد.

(۴) مقدمه اول سالبه و نتیجه موجب باشد.

۲۲۸- هرگاه قضایایی که در کم و کیف با هم اختلاف دارند، مقدمات قیاس قرار گیرند، نتیجه به دست آمده است (سراسری -

۸۴)

(۱) موجب کلیه (۲) موجب جزئی (۳) سالبه جزئی (۴) سالبه کلیه

۲۲۹- در چه حالتی کیفیت نتیجه یک قیاس معتبر در شکل دوم، قطعاً سالبه خواهد بود؟

(۱) موضوع یکی از مقدمات علامت منفی داشته باشد.

(۲) محمول هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.

(۳) حدوسط در یکی از مقدمات علامت مثبت داشته باشد.

(۴) موضوع مقدمه دوم علامت منفی گرفته باشد.

۲۳۰- مقدمه دوم قیاس معتبر زیر کدام است؟

«بعضی ب الف است»

«.....»

نتیجه: «بعضی الف ج نیست»

(۱) بعضی الف ج نیست (۲) هیچ ب ج نیست (۳) برخی ب ج است (۴) برخی ب ج نیست

۲۳۱- اگر قضیه «هر نمکی شور است»، نتیجه یک قیاس باشد، کدام گزینه نادرست است؟

(۱) نمک حدوسط مقدمات است.

(۲) شور در مقدمه دوم هم آمده است.

(۳) هیچ کدام از مقدمات قیاس سالبه نیستند.

(۴) موضوع یا محمول مقدمات در نتیجه وجود ندارد.

۲۳۲- کدام گزینه درباره قیاس معتبری که یک مقدمه سالبه دارد، صحیح نیست؟

(۱) محمول نتیجه اش، حتماً علامت مثبت دارد.

(۲) مقدمه دیگرش حتماً موجب است.

(۳) حداقل یکی از اجزای مقدمه علامت منفی دارند.

(۴) نتیجه آن نیز حتماً سالبه و کلی است.

۲۳۳- کدام دو مورد از موارد زیر با یک دیگر قیاس اقترانی معتبر شکل دوم تشکیل می دهند؟

(الف) بعضی ج ب نیست (۲) بعضی الف ج نیست (۳) هر ب الف است (۴) هر الف ب است

(۱) ب، الف (۲) ج، د (۳) الف، د (۴) د، ب

۲۳۴- کدام قیاس نامعتبر است؟

(۱) بعضی فلزات جیوه اند، هیچ جیوه ای چکش خوار نیست.

(۲) هر انسانی جسم است، بعضی انسان ها سیاه هستند.

(۳) هر جیوه ای فلز است، هر نقره ای فلز است.

(۴) هر خفاشی پستاندار است، هیچ پستانداری خونسرد نیست.

۲۳۵- کدام مورد درباره قیاس «بعضی از مردم متکبرند، هیچ متکبری محبوب نیست» صادق است؟

(۱) شکل اول - نامعتبر (۲) شکل اول - معتبر (۳) شکل دوم - معتبر (۴) شکل دوم - نامعتبر

۲۳۶- کدام گزینه درباره حدوسط نادرست است؟

- ۱) عدم تکرار آن در صورت قیاس، منجر به گرفتاری در دام مغالطه می شود.
- ۲) همان است که موجب مقارنت و ارتباط میان دو استدلال می شود.
- ۳) تکرار آن، تنها شرطی برای نتیجه گیری صحیح از دو قضیه حملی نیست.
- ۴) محل وقوع آن، موجب به وجود آمدن اشکال مختلف قیاس اقترانی می شود.

۲۳۷- استدلال های «هرامر مادی موجود است - هر موجودی مادی است» و «هر خزنده ای خونسرد است، هر خزنده ای تخم گذار است، پس: هر خونسردی تخم گذار است»

- ۱) هر دو دارای مغالطه در صورت اند.
- ۲) اولی در صورت مغالطه دارد و دومی درست است.
- ۳) اولی در نتیجه و دومی در صورتش مغالطه دارد.
- ۴) اولی در نتیجه و دومی در صورت و ماده مغالطه دارد.

۲۳۸- اگر مقدمه اول یک قیاس اقترانی معتبر شکل دوم، موجب کلی باشد ...

- ۱) مقدمه دوم نمی تواند موجب باشد.
- ۲) نتیجه نمی تواند کلی باشد.
- ۳) نتیجه ممکن است سالبه نباشد.
- ۴) مقدمه دوم حتماً جزئی است.

۲۳۹- در یک قیاس معتبر شکل اول، اگر مقدمه دوم سالبه و نتیجه جزئی باشد، ...

- ۱) مقدمه دوم ممکن است جزئی باشد.
- ۲) نتیجه ممکن است سالبه نباشد.
- ۳) مقدمه اول حتماً جزئی است.
- ۴) مقدمه اول ممکن است موجب نباشد.

۲۴۰- در کدام گزینه به پایه و اساس تعیین اعتبار یک قیاس اشاره شده است؟

- ۱) مشخص نمودن دامنه مصادیق موضوع و محمول
- ۲) بررسی نکردن موضوع یا محمول منفی نتیجه
- ۳) تکرار حد وسط در هر دو قضیه حملی
- ۴) منفی نبودن علامت حد وسط در هر دو مقدمه

۲۴۱- منظور از جمله ی (در قیاس اقترانی، اجزاء نتیجه در میان مقدمات پخش شده اند) به چه معنا است؟

- ۱) یعنی نقیض یا عین موضوع یا محمول در نتیجه آمده است.
- ۲) یعنی مقدم و تالی عینا در مقدمات نقل می شوند.
- ۳) یعنی حد وسط در مقدمات، در نتیجه تکرار نمی شود.
- ۴) یعنی موضوع از مقدمه اول و محمول از مقدمه دوم گرفته می شود.

۲۴۲- کدام قیاس معتبر است؟

- ۱) هر الف ب است / هر ج ب است پس: هر الف ج است
- ۲) هر الف ب است / بعضی ج ب نیست پس: بعضی الف ج نیست
- ۳) هر الف ب است / هیچ ج ب نیست پس: هیچ الف ج نیست
- ۴) بعضی الف ب نیست / بعضی ج ب است پس: بعضی الف ج نیست

۲۴۳- چرا قیاس زیر نامعتبر است؟

بعضی ب الف نیست / هر ب ج است / بعضی الف ج نیست

- ۱- موضوع در نتیجه منفی و در مقدمه دوم مثبت است.
- ۲- موضوع در نتیجه مثبت و در مقدمه دوم منفی است.
- ۳- محمول در نتیجه منفی و در مقدمه اول مثبت است.
- ۴- محمول در نتیجه مثبت و در مقدمه دوم منفی است.

۲۴۴- در کدام گزینه «مغالطه عدم تکرار حد وسط» ناشی از اشتراک لفظ است؟

- ۱- الف مساوی ب است. ب مساوی ج است. پس: الف مساوی ج است.
- ۲- دیوار دارای موش است. موش دارای گوش است. پس: دیوار دارای گوش است.
- ۳- بعضی از کاغذها سفید هستند. بعضی از سفیدها برف هستند. پس: بعضی از کاغذها برف هستند.
- ۴- رستم شیر است. شیر در بیشه زندگی می کند. پس: رستم در بیشه زندگی می کند.

۲۴۵- برای قیاس «هر ب ج است. پس: هر الف ج است.» کدام قضیه می توان یک قیاس معتبر از شکل اول ساخت؟

- ۱- هر الف ب است.
- ۲- هر ب الف است.
- ۳- هر ج الف است.
- ۴- بعضی الف ب است.

۲۴۶- نشانه‌های (+ / -) و (- / +) مربوط به کدام گزاره‌های موجود در گزینه‌هاست؟

- ۱- ابن سینا فیلسوف است / سقراط انسان است
۲- ابن سینا فیلسوف نیست / سقراط انسان نیست
۳- سقراط انسان است / ابن سینا تاجر نیست
۴- ابن سینا تاجر نیست / سقراط انسان است

۲۴۷- کدام استدلال حد وسط دارد؟

- ۱- انسان حیوان است / حیوان پنج حرف دارد / انسان پنج حرف دارد
۲- بعضی اجسام معدنی هستند / هر طلایی معدنی است / بعضی اجسام طلائی هستند
۳- در باز است / باز پرنده است / در پرنده است
۴- انگور شیرین است / شیرین معشوق فرهاد است / انگور معشوق خوبی است

۲۴۸- کدام قیاس معتبر است؟

- ۱) هر الف ب است / هر ج ب است پس : هر الف ج است
۲) هر الف ب است / بعضی ج ب نیست پس : بعضی الف ج نیست
۳) هر الف ب است / هیچ ج ب نیست پس : هیچ الف ج نیست
۴) بعضی الف ب نیست / بعضی ج ب است پس : بعضی الف ج نیست
۲۴۹- در کدام گزینه نوع استدلال‌های زیر به ترتیب درست بیان شده است؟

- لطفاً کمی از شیر این گاو به من بده؛ می‌گویم نر است، تو می‌گویی بدوش!

۲۵۰- یک ماه گذشته هنگام خروج از خانه گربه‌ای را در کوچه می‌دیدم. پس امروز هم هنگام خروج از خانه، او را خواهم دید.

- ۱) استقرایی - استقرایی ۲) قیاسی - قیاسی ۳) استقرایی - قیاسی ۴) قیاسی - استقرایی

۲۵۱- کدام یک از گزینه‌های زیر شرط نتیجه‌گیری صحیح را رعایت نکرده است؟

- ۱) هر انسانی حیوان است. برخی حیوانات خرگوش هستند. بعضی انسان‌ها خرگوش هستند.
۲) برخی آب‌ها روان هستند. همه روان‌ها آسیب‌پذیر هستند. برخی آب‌ها آسیب‌پذیر هستند.
۳) برخی کتاب‌ها گران‌قیمت نیستند. هیچ کتابی خودکار نیست. برخی گران‌قیمت‌ها خودکار نیستند.
۴) برخی بنزها زیبا هستند. برخی زیباها ماشین نیستند. برخی بنزها ماشین نیستند.

۲۵۲- در کدام قضیه، دامنهٔ مصادیق موضوع با بقیه متفاوت است؟

- ۱) بعضی گیاهان سمی هستند. ۲) هر درختی رشد‌کننده است.
۳) ارسطو کاشف منطق است ۴) ظلم پسندیده نیست.

۲۵۳- در کدام قضیه، بعضی از مصادیق موضوع و محمول مورد نظر است؟

- ۱) علی دانشجوی این کلاس است. ۲) بعضی انسان‌ها دانشجو نیستند.
۳) بعضی از دانشجویان دیپلمه هستند. ۴) دانشجویان این کلاس دیپلمه نیستند.

۲۵۴- نتیجه عبارت « هر کارمند رسمی دولتی، قرارداد دارد. برخی قراردادهای کارمند رسمی دولت هستند » بر خطای..... مبتنی است.

- ۱) ایهام انعکاس ۲) عدم رعایت حد وسط
۳) شیوه نگارش کلمات ۴) مشخص نبودن مرجع ضمیر

۲۵۵- با کدام یک از قضایای زیر می‌توان قیاسی معتبر تشکیل داد؟

- الف) هیچ پرنده‌ای بچه‌زا نیست. ب) برخی بچه‌زها مهره‌دار هستند. ج) همه پرندگان حیوان هستند. د) همه مهره‌داران حیوان هستند.
۱) الف و ج ۲) الف و ب ۳) ب و د ۴) ج و د

۲۵۶- قیاس معتبری داریم که نتیجه آن « هیچ جلبکی دوزیست نیست » می‌باشد. درباره آن نمی‌توان گفت:.....

- ۱) یکی از دو مقدمه اش حتماً سالبه است. ۲) شرط سوم درباره آن رعایت نشده است.
۳) ممکن است دوزیست حد وسط باشد. ۴) مغالطه عدم تکرار حد وسط دارد.

۲۵۷- قیاسی معتبر داریم که نتیجه آن موجب جزئیة است. درباره این قیاس می توان گفت که قطعاً

- (۱) هر دو مقدمه اش جزئی است.
(۲) علامت حد وسط در هر دو مقدمه مثبت است.
(۳) شرط سوم اعتبار قیاس را دارد.
(۴) یکی از مقدمات آن سالبه است.

۲۵۸- می خواهیم با گزاره کاذب «هیچ دارویی دارای عوارض نیست» و گزاره صادق «هیچ داروی گیاهی دارای عوارض نیست» قیاس معتبری تشکیل دهیم. نتیجه این قیاس کدام گزاره خواهد شد؟

- (۱) برخی داروها داروی گیاهی نیستند.
(۲) برخی دارای عوارض ها داروی گیاهی نیستند.
(۳) هیچ دارویی داروی گیاهی نیستند.
(۴) برخی دارای عوارض ها داروی گیاهی هستند.

۲۵۹- کدام یک از قیاس های داده شده، معتبر هستند؟

- (۱) هیچ کبوتری آهو نیست. هیچ آهوئی پلنگ نیست، پس هیچ پلنگی کبوتر نیست.
(۲) هر پرند های تخم گذار است. هر پستانداری پرند است، پس هر پستانداری تخم گذار است.
(۳) هیچ مثلثی مربع نیست. هر مربعی چهارضلعی است، پس هیچ مثلثی چهارضلعی نیست.
(۴) بعضی آسیابایی ها ایرانی هستند. بعضی انسان ها آسیابایی هستند، پس بعضی انسان ها ایرانی اند.
۲۶۰- در کدام شکل قیاس اقتزانی در صورت معتبر بودن آن قیاس، محمول نتیجه حتماً دارای علامت مثبت است؟

(۱) شکل اول

(۳) شکل سوم

(۲) شکل دوم

(۴) شکل چهارم

۲۶۱- از دو مقدمه «برخی الف ب است» و «هر ب الف است» می توان قیاسی تشکیل داد ، مشروط بر اینکه را مقدمه اول در نظر بگیریم ، تا شکل به دست آید .

(۱) معتبر - کلی - اول

(۳) معتبر - جزئی - اول

(۲) نامعتبر - کلی - چهارم

(۴) معتبر - جزئی - چهارم

۲۶۲- کدام یک از قیاس های زیر معتبر است؟ (سراسری - ۹۹)

(۱) هر ج د است . هر ج ب است . بعضی د ب است .

(۲) هر الف ب است ، هیچ الف ج نیست . هیچ ب ج نیست .

(۳) هیچ ج د نیست ، بعضی د الف است . بعضی ج الف است .

(۴) هیچ الف ب نیست ، بعضی ج ب است . بعضی الف ج نیست .

۲۶۳- کدام یک از قیاس های زیر معتبر است ؟ (خارج کشور - ۹۹)

(۱) هر ج د است ، بعضی د الف است . پس : بعضی ج الف است . هر ج الف است . پس : بعضی د الف نیست .

(۳) بعضی ج د است ، هیچ ج الف نیست . پس : بعضی د الف نیست . (۴) بعضی ج د نیست ، هر د الف است . پس : بعضی ج الف نیست .

- ۲۶۴

- نتیجه و مقدمه دوم یک قیاس به ترتیب عبارتند از: «بعضی الف ب است» و «هر ج ب است.» مقدمه اول آن، کدام یک از قضایای زیر باشد، تا اعتبار قیاس حفظ شود؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

(۱) بعضی الف ج است.

(۳) بعضی ج الف نیست.

(۲) هیچ ج الف نیست.

(۴) هیچ الف ج نیست.

کدام قیاس معتبر است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) اگر این قلم می‌نویسد، پس جوهر دارد. قلم جوهر دارد؛ پس می‌نویسد.
- ۲) اگر علی به خانه آمده بود، در قفل نبود. در قفل است، پس علی نیامده است.
- ۳) هیچ درنده‌ای علفخوار نیست. بعضی از علفخوارها یال دارند؛ پس بعضی از درندگان یال ندارند.
- ۴) اگر جسمی فلزی باشد، در اثر حرارت داغ می‌شود. این ضرف فلزی نیست؛ پس در اثر حرارت داغ نمی‌شود.

تعریف قضیه شرطی : به قضیایی که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم می شود ، قضیه شرطی می گویند.

اقسام قضیه شرطی :

متصل : اگر باران نیارد ، آنگاه خشک سالی می شود .

منفصل : یا باران می بارد ، یا خشک سالی می شود.

قضیای شرطی متصل

ساختار قضیای شرطی متصل به صورت «اگر آنگاه» است .

در این قضایا به پیوستگی یا اتصال و ملازمه دو نسبت حکم می شود. به همین جهت به آنها قضیای شرطی متصل می گویند.

اجزاء قضیه شرطی متصل

اگر بخاری روشن باشد ، آنگاه هوا گرم است .

مقدم (شرط) تالی (جواب شرط)

گر آنها که دانستمی کردمی نکو سیرت و پارسا بودمی

قضیای شرطی منفصل و اقسام آن

ساختار قضیای شرطی متصل به صورت «یا یا» است .

در قضیای شرطی منفصل ، دو بخش قضیه با هم مربوط اند و در آنها به گسستگی ، یا انفصال یا عناد دو یا چند حکم می شود .

① منفصله حقیقی : الف) در این دسته از قضایا صدق و کذب هر دو طرف با یکدیگر ممکن نیست ، یعنی هر دو بخش

قضیه با هم نمی توانند صادق یا کاذب باشند.

ب) در این قضایا انفصال دو قسمت از هم تام و حقیقی است و به همین جهت به آن منفصله حقیقی می گویند.

ج) کلماتی مانند لا ، نا ، بی ، غیر اگر بر سر کلمه ای بیایند که در بخش دیگر تکرار شده باشد ، قضیه منفصل حقیقی خواهد شد . (اشیاء یا فلزی هستند یا غیر فلزی)

حروف انگلیسی یا صدا دارند یا بی صدا

② منفصله غیر قابل جمع در صدق (مانعه الجمع):

الف) صدق هر دو قسمت قضیه ممکن نیست ، اما کذب هر دو قسمت جایز (ممکن) است.

مثال ۱ : در انتخابات ریاست جمهوری می توان به کاندید الف رای داد یا ب

مثال ۲ : این میوه یا سیب است یا گلابی

③ منفصل غیر قابل جمع در کذب (مانعه الرفع) :

- الف (صدق هر دو قسمت با هم ممکن است ، اما کذب هر دو باهم ممکن نیست .
 مثال ۱ : در سایت سازمان سنجش نوشته شده است که پرونده داوطلبان کنکور « یا از طریق وارد کردن شماره پرونده یا وارد کردن شماره ملی قابل ملاحظه است .»
 مثال ۲: حیوانات یا در خشکی زندگی می کنند یا آب

| | |
|-------------------------------------|---------------------------|
| الف یا ب (نه هر دو و نه هیچ کدام) | منفصل حقیقی |
| الف یا ب (نه هر دو و شاید هیچ کدام) | منفصل غیر قابل جمع در صدق |
| الف یا ب (نه هیچ کدام و شاید هر دو) | منفصل غیر قابل جمع در کذب |

قیاس استثنایی

یاد آوری :

تعریف قیاس استثنایی : قیاسی است که عین نتیجه یا نقیض آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده است .

اگر باران می بارد، هوا ابری است.

هوا ابری نیست.

∴ باران نمی بارد.

تذکر : قیاس استثنایی از دو مقدمه تشکیل می شود که یکی شرطی و دیگری حملی است .

اقسام قیاس استثنایی :

اتصال

انفصال

۱- حقیقی

۲- غیر قابل جمع در صدق

۳- غیر قابل جمع در کذب

نکته ی بسیار مهم :

وضع : یعنی به کار بردن فعل مقدم یا تالی ، در مقدمه ی دوم ، به همان صورت - یعنی اگر سالبه است ،

سالبه و اگر موجهه است ، به شکل موجهه

رفع : یعنی به کاربردن نقیض فعل مقدم یا تالی ، در مقدمه ی دوم

قاعده وضع مقدم / رفع تالی

| | |
|--|---|
| <p>اگر باران ببارد هوا صاف می شود هوا صاف شده است پس باران باریده است .</p> <p>وضع تالی (مغالطه)</p> | <p>اگر باران ببارد هوا صاف می شود باران باریده است پس هوا صاف شده است.</p> <p>وضع مقدم (صحیح)</p> |
| <p>اگر باران ببارد هوا صاف می شود هوا صاف نشده است پس باران نباریده است.</p> <p>رفع تالی (صحیح)</p> | <p>اگر باران ببارد هوا صاف می شود باران نباریده است پس هوا صاف نشده است.</p> <p>رفع مقدم (مغالطه)</p> |

۱- قیاس انفصالی حقیقی

می توان با قضیه منفصل حقیقی چهار قیاس استثنایی تشکیل داد که همگی معتبر هستند .

| | |
|--|--|
| <p>این عدد یا زوج است یا فرد فرد است پس زوج نیست وضع تالی (صحیح)</p> | <p>این عدد یا زوج است یا فرد زوج است پس فرد نیست وضع مقدم (صحیح)</p> |
| <p>این عدد یا زوج است یا فرد فرد نیست پس فرد است . رفع تالی (صحیح)</p> | <p>این عدد یا زوج است یا فرد زوج نیست پس فرد است . رفع مقدم (صحیح)</p> |

قیاس انفصالی مانعه الجمع : وضع مقدم / وضع تالی

قیاس انفصالی مانعه الرفع : رفع مقدم / رفع تالی

۲۶۶- کدام گزینه درباره مقدمات یک قیاس استثنایی درست است ؟

- ۱) باید یک قضیه شرطی و یک قضیه حملی محصوره باشند .
- ۲) باید یک قضیه شرطی منفصل و قضیه دوم شرطی متصل مربوط با قضیه اول باشد .
- ۳) هر دومقدمه می توانند حملی یا شرطی ، متصل یا منفصل باشند .
- ۴) مقدمه دوم حتما باید عین یا نقیض یکی از بخش های مقدمه اول باشد .

۲۶۷- در کدام یک از قیاس های زیر امکان دارد تمام حالات قیاس استثنایی معتبر باشند ؟

- ۱) اعداد طبیعی یا زوج اند یا فرد ، عدد چهار زوج است ، پس فرد نیست .
 - ۲) امروز سه شنبه است یا چهار شنبه ، اما سه شنبه نیست ، پس چهار شنبه است .
 - ۳) احمد و رضا با یکدیگر نزاع کردند ، رضا می گوید احمد مقصر است ، پس او مقصر است .
 - ۴) برای یادگیری فلسفه باید منطق را فرا گرفت ، پس هرکس فلسفه می داند ، منطق را فرا گرفته است .
- ۲۶۸- اگر اجزای یک قضیه شرطی منفصل مانع الجمع را نقیض کنیم ، یک قضیه به دست می آید .

- ۱) منفصل مانع الجمع
- ۲) منفصل مانع الرفع
- ۳) منفصل حقیقی
- ۴) شرطی متصل

۲۶۹- در کدام قضایای زیر می توان از اثبات یک طرف نفی طرف دیگر را نتیجه گرفت ؟

- الف) انسان یا مسلمان است یا مسیحی (ب) هرکار نیک یا رضایت خدا را در پی دارد یا رضایت مردم را
- ج) فلز یا جیوه است یا قلع (د) آریا یا چشم درد دارد یا نابینا است .
- ۱) الف / د
- ۲) ج / ب
- ۳) ج / الف
- ۴) ج / ب

۲۷۰- با کدام دو مفهوم می توان یک منفصله مانع الجمع ساخت ؟

- ۱) جزئی و کلی
- ۲) کلی و مفهوم
- ۳) حملی و محصوره
- ۴) منفصل حقیقی و منفصل مانع الجمع

۲۷۱- نوع کدام قضیه با قضیه «علی یا پدر شده یا هنوز ازدواج نکرده است» یکسان است ؟

- ۱) احمد یا در امتحان قبول شده یا مردود است .
- ۲) حسام یا فلسفه خوانده یا نخوانده است .
- ۳) وحید یا دانشجوی جامعه شناسی است یا روان شناسی
- ۴) RH خون شما یا مثبت است یا منفی

۲۷۲- اگر قضیه «الف یا ب» منفصل مانع الجمع باشد ، کدام قضیه درست است ؟

- ۱) اگر الف آنگاه ب
- ۲) اگر غیر الف ، آنگاه ب
- ۳) اگر غیر الف ، آنگاه غیر ب
- ۴) اگر الف ، آنگاه غیر ب

۲۷۳- کدام گزینه شامل یک قضیه شرطی نیست ؟

- ۱) یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید.
- ۲) من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش.
- ۳) یا هوا ابری است یا خورشید در آسمان دیده می شود.
- ۴) اگر عالم همه پر خار باشد، دل عاشق همه گلزار باشد.

۲۷۴- چند استدلال از استدلال های زیر برای نتیجه «آب جسم است» معتبر است ؟

- الف) آب اکسیژن دارد، هر اکسیژن داری جسم است.
- ب) آب مولکول دارد، هر مولکولی جسم است.
- ج) اگر چیزی مایع باشد، جسم است، آب مایع است.
- د) اگر چیزی جسم باشد، وزن دارد، آب وزن دارد.
- ۱) یک
- ۲) دو
- ۳) سه
- ۴) چهار

۲۷۵- قضیه «آشپز که دو تا شود، آش یا شور می شود یا بی نمک» شرطی است.

- ۱) متصل
- ۲) منفصل حقیقی
- ۳) منفصل مانع الجمع
- ۴) منفصل مانع الرفع

۲۷۶- فرض کنید قضیه زیر، مقدمه یک قیاس معتبر است. کدام گزینه، می تواند به عنوان مقدمه دیگر این قیاس در نظر گرفته شود؟

« اگر منطق نخوانده باشی، از این سوال سر در نمی آوری»

- (۱) از این سوال سر در نمی آوری.
(۲) منطق خوانده ای.
(۳) از این سوال سر در می آوری.
(۴) منطق خوان هستی.

۲۷۷- کدام گزینه شامل یک قضیه «شرطی متصل» است؟

- (۱) اگر حرف های دلم بی اگر بود
(۲) اگر را با مگر تزویج کردند از او طفلی برو شد کاشکی نام
(۳) تکلیف دلم چه بود اگر عشق نبود
(۴) اگر قبول کنی ور برانی از بر خویش خلاف رأی تو کردن خلاف مذهب ماست

۲۷۸- اگر قضیه «الف یا ب» یک بار معنای { شاید هر دو و شاید هیچ کدام } و یک بار معنای { نه هر دو و نه هیچ کدام } باشد، به ترتیب کدام است؟

- (۱) شرطی منفصل حقیقی- شرطی منفصل مانعاًالجمع
(۲) شرطی منفصل مانعاًالخلو- شرطی منفصل حقیقی
(۳) شرطی منفصل حقیقی- غیر شرطی
(۴) حملی- شرطی منفصل حقیقی
- ۲۷۹- اگر قضیه «به مسافرت می روم یا مادرم به تهران می آید» مانعاًالجمع باشد، آنگاه دو قضیه «به مسافرت نمی روم» و «مادرم به تهران نمی آید» چگونه اند؟

- (۱) یا هر دو صادق اند یا هیچ کدام.
(۲) یا هر دو کاذب اند یا هیچ کدام.
(۳) تنها یکی از آن ها می تواند کاذب باشد.
(۴) تنها یکی از آن ها می تواند صادق باشد.
- ۲۸۰- کدام گزینه مقدم و تالی یک قضیه شرطی را که در بیت زیر وجود دارد، درست معرفی کرده است؟

- ز خاک من اگر گندم برآید
از آن گر نان پزی مستی فزاید
- (۱) اگر از خاک من گندم برآمده باشد (مقدم)- اگر از آن نان پزی، مستی فزاید (تالی)
(۲) اگر از خاک من گندم برآید (مقدم)- نانی از آن پخته می شود که مستی فزاید (تالی)
(۳) اگر از گندم برآمده از خاک من نان پزی (مقدم)- خاک من مستی فزاید (تالی)
(۴) اگر از گندم نان پزی (مقدم)- اگر آن گندم از خاک من برآمده باشد، مستی فزاید (تالی)

۲۸۱- فن خطابه و جدل به ترتیب برای چه اهدافی به کار می روند؟

- (۱) غلبه بر دیگران- اقناع دیگران
(۲) اقناع دیگران- غلبه بر دیگران
(۳) دست یابی به حقیقت- اقناع دیگران
(۴) دست یابی به حقیقت- غلبه بر دیگران

۲۸۲- کدام قضیه منفصله مانعاًالرفع است؟

- (۱) این فرد یا ایرانی است یا هندی.
(۲) این موجود یا کاج است یا غیر درخت.
(۳) برای سخنرانی در این جلسه یا باید انگلیسی بدانید یا فارسی.
(۴) شما باید یا از سمت راست خیابان بروید یا از سمت چپ آن.

۲۸۳- در قضیه «عرشیا یا مکانیک است یا فرزند» نمی توان نتیجه گرفت

- (۱) مکانیک است. (۲) فرزند نیست. (۳) مکانیک نیست. (۴) پدر است.

۲۸۴- در قیاسی که قسمت مقدم مقدمه شرطی آن عین نتیجه باشد، مقدم دوم آن است.

- (۱) وضع تالی (۲) رفع مقدم (۳) وضع مقدم (۴) رفع تالی

۲۸۵- در رابطه با شعر « صد نامه نوشتیم من صد راه نشان دادی / یا راه نمی دانی یا نامه نمی خوانی » کدام گزینه درست می باشد؟

(۱) صدق هر دو طرف محال است: مانع الجمع

(۲) فقط صدق یک طرف ممکن است: حقیقی

(۳) صدق و کذب هر دو محال نیست: غیر منفصل

(۴) کذب هر دو طرف غیر ممکن است: مانع الرفع

۲۸۶- قیاس « تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار که رحم اگر نکند مدعی خدا بگند » براساس نتیجه «خدا رحم می کند»..... است.

(۱) قاعده رفع تالی

(۲) مغالطه رفع مقدم

(۳) قاعده وضع مقدم

(۴) مغالطه وضع تالی

۲۸۷- کدام یک از عبارات زیر دلالت بر یک قضیه شرطی دارد؟

(۱) تا نگرید طفل کی نوشد لبن

(۲) تا دل به مهرت داده ام در بحر فکر افتاده ام

(۳) تا جهان بود از سر آدم فراز کس نبود از راز دانش بی نیاز

(۴) مرا تا عشق تعلیم سخن کرد حدیثم نکته هر محفلی بود

۲۸۸- درباره ی قیاس استثنایی نمی توان گفت : (سراسری -۹۲)

(۱) مقدمه ی اول آن حتما شرطی است .

(۲) بدون یک مقدمه حملی تشکیل نمی شود.

(۳) یک مقدمه ی آن ممکن است متصله یا منفصله باشد .

(۴) نتیجه ی استدلال ، ضرورتا در یکی از دو مقدمه آمده است .

۲۸۹- هرگاه از قضیه ی «هرکس دیپلم انسانی دارد ، آرایه می داند.» نتیجه بگیریم که «دیپلم ریاضی آرایه نمی داند» دچار چه مغالطه ای شده ایم؟ (سراسری -۹۵)

(۱) فقدان حدوسط

(۲) ایهام انعکاس

(۳) رفع مقدم

(۴) وضع تالی

۲۹۰- نوع قضایای منفصله زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی بیان شده است؟

-هواپیما یا در آسمان است یا سقوط نمی کند.

-عامل دیابت یا وراثت است یا تغذیه

۱- مانع الجمع - مانع الجمع

۲- مانع الجمع - مانع الرفع

۳- مانع الخلو - مانع الرفع

۴- مانع الخلو - مانع الجمع

۲۹۱- کدام گزینه پیرامون قضایای شرطی صحیح است؟

۱- لزوماً در همه جملات مقدم باید در ابتدای قضیه بیاید، اما به لحاظ معنا.

۲- قضایای شرطی منفصل از دو بخش شرط و جواب شرط تشکیل می شوند.

۳- در همه قضایای شرطی به پیوستگی و اتصال دو نسبت حکم می شود.

۴- به جملاتی که در آن به اتصال یا به انفصال میان دو نسبت حکم می شود، قضیه می گویند.

۲۹۲- در کدام گزینه به ترتیب نوع قضایای «دانش بشری یا تصور است یا تصدیق - به نظر می آید آن حیوان یا اسب است یا الاغ -

فردا یا سه شنبه است یا چهارشنبه» به درستی مشخص شده است؟

۱- منفصل حقیقی - منفصل مانع الجمع - منفصل مانع الجمع

۲- منفصل مانع الجمع - منفصل مانع الجمع - قابل جمع در کذب

۳- منفصل مانع الجمع - منفصل مانع الرفع - قابل جمع در کذب

۴- منفصل حقیقی - منفصل مانع الرفع - منفصل مانع الجمع

۲۹۳- قیاس استثنایی انفصالی براساس سه حالت دارد که در حالت اول آن، نتایج

۱- نتیجه - در دو قیاس قطعی و معتبر است.

۲- مقدمه اول - در دو قیاس قطعی و معتبر است.

۳- مقدمه اول - در چهار قیاس قطعی و معتبر است.

۴- مقدمه دوم - در چهار قیاس قطعی و معتبر است.

۲۹۴- کدام گزینه، قضیه شرطی متصل نیست؟

۱- درس بخوانی برایت دوچرخه می خرم.

۲- به خدا اگر کار من بوده.

۳- اگر تو از آموختن سر بتابی / نجوید سر تو همی سروری را

۴- این قول را بدهی باید بهش عمل کنی.

۲۹۵- در قیاس استثنایی اتصالی تنها با دو حالت و می توانیم به نتیجه یقینی دست یابیم؛ زیرا در قضیه

شرطی متصل مقدم تالی، و تالی مقدم است.

- ۱- وضع مقدم - رفع تالی - تابع - مستلزم
۲- رفع مقدم - وضع تالی - تابع - مستلزم
۳- وضع مقدم - رفع تالی - مستلزم - تابع
۴- رفع مقدم - وضع تالی - مستلزم - تابع

۲۹۶- قضیه‌ی منفصله‌ی موجود در عبارت زیر، در کدام یک از گزینه‌ها به کار رفته است؟

«علی یا ریاضی بیست می‌گیرد یا معدلش بیست نمی‌شود.»

- ۱- فردا یا در تهران خواهیم بود یا در شیراز.
۲- فردا یا در تهران خواهیم بود یا در اصفهان نخواهیم بود.
۳- فردا یا در تهران خواهیم بود یا در تهران نخواهیم بود.
۴- فردا یا در تهران نخواهیم بود یا در ایران خواهیم بود.

۲۹۷- کدام یک از استدلال‌های زیر معتبر نمی‌باشد؟

- (۱) با وجود پرهیز غذایی نباید بیماری گوارشی میگرفتی پرهیز غذایی را رعایت نکرده ای پس بیماری گوارشی میگیری
(۲) هوا آلوده شود مدارس تعطیل میشود. هوا آلوده است. پس مدارس تعطیل میشود.
(۳) تلاش کنی در کنکور موفق می شوی در کنکور موفق نشده ای پس تلاش نکرده ای
(۴) دیپلم بگیری می توانی وارد دانشگاه بشوی وارد دانشگاه نشده ای پس دیپلم نگرفته ای

۲۹۸- اگر کسی ادعا کند «من سرطان دارم» و شما در پاسخ استدلال کنید: «اگر سرطان داشتی شیمی درمانی می شدی» از چه نوع

استدلالی استفاده کرده اید؟

- (۱) شرطی متصل
(۲) قیاس استثنایی منفصله حقیقی
(۳) قاعده وضع مقدم
(۴) قاعده رفع تالی

۲۹۹ - نتیجه گیری قیاس زیر در کدام گزینه آمده است؟

متهم به خیانت در امانت هستی

متهم به خیانت در امانت نبودی جایز اینجا نبود

- (۱) متهم هستی (۲) جایز اینجا نیست (۳) متهم نیستی (۴) جایز اینجا است

۳۰۰- در کدام گزینه، قضیه شرطی منفصل وجود ندارد؟

- (۱) قضایا یا محصوره هستند یا شخصی
(۲) سهیل یا در بازار است یا در غیربازار
(۳) ساختمان مجلس در مرکز شهر است یا دانشگاه تهران در مرکز شهر
(۴) آذر در دانشگاه یا نه مهندسی می خواند یا نه ادبیات

۳۱- شعر «اگر بار خار است خود کشت های وگر پرنیان است خود رشت های» در چه حالتی معتبر است؟

- (۱) بارمان خار نباشد. (۲) بارمان پرنیان نباشد.
(۳) خودمان کشته باشیم. (۴) خودمان رشته نکرده باشیم.

۳۰۱- با توجه به ماهیت قیاس استثنایی اتصالی می توان بیان کرد که

- (۱) دو حالت آن همواره بر قاعده و دو حالت دیگرش بر مغالطه استوار است.
(۲) نتیجه آن گاهی اوقات یک قضیه شرطی خواهد بود.
(۳) مقدم شرط کافی و لازم (تنها علت) برای تحقق تالی باشد از رفع مقدم می توان به رفع تالی رسید.
(۴) در مقدمه شرطی آن باید از یک مقدم و تالی استفاده کرده باشد.

۳۰۲- نتیجه ی قیاسی عبارت است از « خفاش پستاندار است ». کدام یک از عبارات زیر ، می تواند تشکیل دهنده ی قیاسی باشد که

این نتیجه از آن گرفته شده است؟ (سراسری - ۹۸)

- ۱) اگر خفاش پرنده باشد ، پستاندار نیست . خفاش پرنده نیست .
- ۲) اگر خفاش پستاندار باشد ، پرنده نیست . خفاش پرنده نیست .
- ۳) خفاش حیوان است ، بعضی حیوانات پستاندار هستند .
- ۴) خفاش بچه زا است . هر بچه زایی پستاندار است .

۳۰۳- نتیجه قیاسی عبارت است از «هوا وزن دارد» این قضیه را کدام یک از قیاس های زیر به طور معتبر می توان نتیجه

گرفت؟ (سراسری - ۹۸)

- ۱) هوا ماده است ، هر دارای وزنی ماده است .
- ۲) هوا دارای ماده است ، هر ماده ای وزن دارد .
- ۳) اگر چیزی ماده باشد ، وزن دارد ، هوا ماده است .
- ۴) اگر چیزی وزن داشته باشد ، ماده است ، هوا ماده است .

۳۰۴- از قضیه «این موجود یا انسان است یا غیر حیوان» درستی کدام قضیه را می توان فهمید؟ (سراسری - ۹۹)

- ۱) هیچ غیر انسانی حیوان نیست .
 - ۲) بعضی انسان ها غیر حیوان هستند .
 - ۳) بعضی غیر حیوان ها انسان هستند .
 - ۴) بعضی انسان ها غیر حیوان نیستند .
- ۳۰۵- اگر قضیه «این مقدر پیوسته یا مثلث است یا غیر شکل» درست باشد ، کدام عبارت درست است؟ (خارج کشور - ۹۹)
- ۱) هیچ غیر مثلثی شکل نیست .
 - ۲) بعضی مثلث ها غیر شکل هستند .
 - ۳) بعضی غیر شکل ها مثلث هستند .
 - ۴) بعضی غیر شکل ها مثلث نیستند .

در این بخش با چند مورد از خطاهایی که در اثر عوامل روانی ایجاد می شوند ، آشنا می شویم.

تقسیم بندی خطاهای ذهنی

خطاهای صوری : خطاهای ناشی از بکاربردن استدلال های نامعتبر

خطاهای غیر صوری : ۱-خطاهای ناشی از به کاربردن مقدمات غلط در استدلال

۲-خطاهای ناشی از عوامل روانی

تفکر نقادانه

تعریف : تفکر نقادانه ، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن درباره ی نحوه ی صحیح تفکر (یعنی اصول و قواعد منطق) است .
نکته : تفاوت مهم تفکر نقاد و غیر نقاد ، جدی گرفتن فرآیند تفکر و توجه آگاهانه به آن و پرسیدن سوالات درست و بجاست.

سوالات اصل در تفکر نقادانه

مغالطه در اثر عوامل روانی

۱-مغالطه مسموم کردن چاه

در این روش فرد مغالطه گر بدون ذکر دلیل ، تنها ویژگی های ناشایست و نامناسبی را به یک نظریه یا پیروان آن نسبت می دهد تا کسی جرئت نکند به آن نظر توجه کند یا آن را بپذیرد .

۲-مغالطه تله گذاری

در این روش ، ویژگی های خوب و شایسته ای را به نظریه ای باطل یا معتقدان به آن نسبت می دهند و برای این افراد تله می گذارند تا به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کنند .

۳-مغالطه توسل به احساسات

عواطف و احساسات نقش مهمی در زندگی ما دارند . بدین جهت احساسات ما می توانند در تصمیم گیری های غلط و خطاهای ذهن ما نیز تاثیر داشته باشند .

۴-مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی

در صورتی که با بزرگ نمایی و بدون ذکر دلیل سعی در تایید نظری داشته باشیم یا با کوچک نمایی و بدون ذکر دلیل ، سعی در مخفی کردن حقیقتی داشته باشیم ، دچار این مغالطه شده ایم .

در این روش در کاریکاتور نیز استفاده می شود .

۳۰۶ - در کدام یک، مغالطه بر اثر عوامل روانی اتفاق افتاده است؟

(۱) شما گفته بودید به برندگان این مسابقه بلیت رفت و برگشت به یک مکان زیارتی می دهید. بله درست است، این بلیت مترو برای رفت و برگشت به مرقد حضرت عبدالعظیم است.

(۲) آزادی بیان کامل برای جامعه مفید است؛ زیرا اینکه مردم هیچ محدودیتی در بیان افکار و اندیشه و عواطف خود نداشته باشند، کاملاً به نفع جامعه است.

(۳) فرزند من بیش از بیست کتاب و مقاله نوشته است و بیش از شما صاحب تألیف است که فقط ده، دوازده کتاب نوشته اید.

(۴) عارفی را پرسیدند جوانمردی چیست؟ گفت ترک کامجویی. گفتند کامجویی کدام است؟ گفت ترک جوانمردی.

۳۰۷- کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) ممکن است با وجود اعتبار قیاس، نتیجه نادرست باشد.

(۲) ممکن است با وجود مقدمات نادرست، نتیجه درست باشد.

(۳) ممکن نیست با وجود مقدمات نادرست و عدم اعتبار قیاس، نتیجه درست باشد.

(۴) ممکن نیست با وجود اعتبار قیاس صحت مقدمات نتیجه نادرست باشد.

۳۰۸- مغالطات عرضی علم منطق هستند، زیرا

(۱) خارج، با چارچوب تفکر کار دارد نه محتوای آن

(۲) خارج، به محتوای تفکر هم توجه می کند.

(۳) داخل، با چارچوب تفکر کار دارد نه محتوای آن

(۴) داخل، به محتوای تفکر هم توجه می کند.

۳۰۹- شعر « زین آتش نهفته که در سینه من است / خورشید شعله ای است که در آسمان گرفت » می تواند منشأ مغالطه شود.

(۱) اشتراک لفظ یا بزرگ نمایی

(۲) بار ارزشی کلمات

(۳) ابهام در عبارت یا بزرگ نمایی

(۴) اشتراک لفظ یا شیوه نگارش کلمات

۳۱۰- نوع مغالطه ی کدام عبارت صحیح نمی باشد؟

(۱) وقتی از نزدیک حجم فعالیت های روزانه ات را دیدم، جمله «از خستگی داره جونم در می آد» رو بهتر فهمیدم = بزرگ نمایی

(۲) هر کسی که در تاریکی از چراغ قوه استفاده می کند دزد است = تمثیل ناروا

(۳) وقتی مادرم صدای گریه برادر کوچک ترم را میشنود یقین پیدا می کند که او را اذیت کرده ام = توسل به احساسات

(۴) فقط احمق ها به این قبیل عقاید پای بند هستند = مسموم کردن چاه

۳۱۱- در کدام مورد، مغالطه " مسموم کردن چاه " وجود دارد؟

(۱) من نمیتوانم به شما پول بدهم، هنوز قرض قبلی را پس نداده اید - آن مورد فرق میکند، من همیشه قرضهایم را پس میدهم.

(۲) اگر رأی به محکومیت این مجرم بدهند، همسرش از او طلاق میگیرد و فرزندانش آواره می شوند.

(۳) اگر برای ساخت این مجتمع با ما همکاری نکنید، بسیاری از امتیازات را از دست می دهید.

(۴) کسانی که از عقاید فیلسوفان پیروی می کنند، حتماً کافر یا بی دین هستند.

۳۱۲- نوع مغالطه ی عبارت «خواهی نشوی رسوا - همرنگ جماعت شو» را مشخص کنید .

(۱) بار ارزشی کلمات

(۲) توسل به احساسات

(۳) تله گذاری

(۴) مسموم کردن چاه

۳۱۳- در عبارت «با مردم به پذیرش نظریات سیاسی یک حزب خاص سوق داده می شوند» مغالطه وجود دارد.

(۱) ایجاد حس ترس و دلهره توسل به احساسات

(۲) اقناع مخاطب بعد از ذکر دلایل منطقی تله گذاری

(۳) حس ترحم توسل به احساسات

(۴) احساس خودخواهی مسموم کردن چاه

۳۱۴- کتاب فروشی که با توصیفات زیبایی و اصطلاحاتی جذاب درباره یک کتاب بعد از منطقی دانستن دلایلش درباره آن کتاب، می گوید که بسیاری از افراد فرهیخته هم این کتاب را می خوانند؛ در واقع از استفاده نموده است.

(۱) تله گذاری

(۲) توسل به احساسات

(۳) اقناع مخاطب

(۴) جدل

۳۱۵- در رابطه با عبارت زیر کدام گزینه درست می باشد؟

«با حضور فعال در اردوهای جهادی ویژه ماه مبارک رمضان، ضمن بهره مندی از اجر مغنوی آن ، در پویش کمک مؤمنانه به فرزندان بد سرپرست هم مشارکت داشته باشید.»

- (۱) توسل به احساسات دارد.
(۲) از فنون اقناعی استفاده کرده است.
(۳) تله گذاری است.
(۴) دارای مغالطه بار ارزشی کلمات است.

۳۱۶- ضرورت توجه به عوامل روانی از این جهت است که

- (۱) به خطاهایی ناشی از ترس و تملق و تطمیع گرفتار نشویم.
(۲) محتوای کاذب مقدمات یک قیاس ما را فریب ندهد.
(۳) به استدلال های به کار رفته در یک ادعا به خوبی دقت کنیم.
(۴) تحت تأثیر شرایط عدم اعتبار یک قیاس به دلیل ترجم یا ... نباشیم

درس 1: چیستی فلسفه

۱- پاسخ کدام پرسش را می توان در فلسفه جستجو کرد؟

- (۱) تفاوت گیاهان و جانوران چیست؟
 (۲) عالم متناهی است یا نامتناهی؟
 (۳) مشخصات مدرنیته کدام است؟
 (۴) بحران هویت چیست؟

۲- در فلسفه می آموزیم برای بهتر زیستن باید از.....

- (۱) مغالطات اجتناب کنیم .
 (۲) ظرفیت عقلانی خود بیشترین بهره را ببریم.
 (۳) عادات غیر منطقی رهایی یابیم.
 (۴) از پذیرش سخن بی دلیل بپرهیزیم.

۳- برای دستیابی به تصور جدید به کدام ابزار نیازمندیم؟

- (۱) تفکر و اندیشه ورزی
 (۲) استفاده از تجارب گذشتگان
 (۳) تحصیل و اندوختن علم
 (۴) گوش دادن به سخن دانایان

۴- کدام گزینه درباره فطرت اول و فطرت ثانی از دیدگاه ملاصدرا قابل استنتاج است ؟

- (۱) تفکر که واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات است، مربوط به فطرت اول است.
 (۲) هیچ گاه برای انسان شایسته نیست که تفکر خود را به امور مربوط به فطرت اول مشغول دارد.
 (۳) تلاش جدی و پیوسته در اندیشیدن به پرسش های اساسی از ویژگی های فطرت ثانی است .
 (۴) کسی که از فطرت اول عبور کند به مرحله ای برتر می رسد که او را از فطرت اول بی نیاز می کند.

۵ - قدم اول برای ورود به تفکر فلسفی چیست؟

- (۱) جدی بودن در رسیدن به پاسخ
 (۲) پرداختن به پاسخ سؤالات به طور پیوسته
 (۳) ترک همیشگی مرحله اول تفکر
 (۴) عبور از امور روزمره و عادی

۶- کدام مورد تفاوت اساسی فلسفه را با سایر علوم نشان می دهد؟(سراسری-۹۹)

- (۱) ارائه دیدگاه های کلی
 (۲) موضوع و مسائل آن
 (۳) حیرت در برابر هستی
 (۴) استفاده از روش عقلی

۷ - فلسفه به کدام معنا موضوعاتی را کاوش می کند که پایه و اساس سایر علوم به شمار می آیند؟

- (۱) دانش خاص (۲) مطلق دانش (۳) معنای اولیه (۴) دانش عام

۸- کدام عبارت درست است ؟ (خارج کشور -۹۹)

- (۱) برخی از مسائل فلسفه با روش تجربی قابل بررسی است ، اما روش کلی فلسفه ، روش عقلی است .
 (۲) فلسفه مانند همه دانش های دیگر قانونمند است و با استفاده از روش خاص ، مسائل خود را بررسی می کند .
 (۳) تفکر فلسفی خاص فیلسوفان نیست ، بلکه از همان آغازین روزهای حیات هر انسانی خود را نشان می دهد .
 (۴) همه انسان ها به شرط دقت در افکار ، تصمیمات و اعمال روزمره خود ، دچار حیرت فلسفی می شوند .

-۹

- کدام مورد را می توان پرسش فلسفی دانست؟

(سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) فلسفه چگونه دانستی است؟
 (۲) فلسفه خواندن نماز چیست؟
 (۳) زندگی کردن چه فایده ای دارد؟
 (۴) آیا تفکر تابع قواعد خاصی است؟

۱۰- کدامیک از گزاره‌های زیر به ویژگی اولیه فلسفه یعنی پرداختن به بنیادی‌ترین مسائل و موضوعات می‌پردازد؟

- ۱) این ویژگی فلسفه با دیگر علوم مشترک است.
- ۲) فلسفه در هر موضوعی به دنبال پاسخ به نهایی‌ترین پرسش‌هاست.
- ۳) مسئله‌های فلسفی را نمی‌توان از طریق حواس حل کرد.
- ۴) مسئله‌های فلسفی از این جهت مانند مسائل علم ریاضی هستند.

۱۱- کدام گزینه درباره شاخه های دانش فلسفه نادرست است ؟

- ۱- اساس و شالوده فرضیات و نظریات علوم مختلف را در اختیارشان می‌گذارند.
- ۲- قوانین بنیادی مربوط به محدوده خاصی از موضوع اصلی فلسفه را بیان می‌کنند.
- ۳- موضوعات اصلی دانش‌های خاص را با روش فلسفی مورد بررسی قرار می‌دهند.
- ۴- به منزله ستون نهایی برای علوم هستند که اساس آنها بخش اصلی فلسفه است.

۱۲- کدام عبارت درست است ؟ (سراسری-۹۹)

- ۱) رشته های مختلف دانش ، رابط فلسفه اولی با فلسفه های مضاف هستند .
- ۲) در حیطه فلسفه سیاست، یک فیلسوف در عین حال باید سیاستمدار هم باشد .
- ۳) فلسفه اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه های فلسفه را در بر می‌گیرد.
- ۴) مکتب های گوناگون تربیتی عصر حاضر ، درآثار بسیاری از فیلسوفان قدیمی ریشه دارد.

۱۳ - کدام گزینه به بخش اصلی فلسفه مرتبط است؟

- ۱) آنچه کار بد را نادرست می‌کند، نظر اکثریت است.
- ۲) گاهی در شناخت پدیده های اطرافمان دچار خطا می‌شویم.
- ۳) مبنای دست یابی به قدرت، نظر اکثریت است.
- ۴) در دو راهی بین مصلحت اجتماع و مصلحت شخص، اجتماع مقدم است.

۱۴- کدام عبارت درباره شاخه های فلسفه درست است ؟

- ۱) به دلیل اضافه شدن دانش یا موضوع خاصی به کلمه فلسفه ، به این قبیل شاخه ها «فلسفه های مضاف» می‌گویند .
- ۲) امروزه دامنه این فلسفه بسیار توسعه یافته و هر رشته علمی ، شاخه ای از فلسفه نیز هست ، مانند فلسفه اخلاق
- ۳) آن دسته از دانش های فلسفی اند که قوانین وجودشناسی و معرفت شناسی را به صورت غیر بنیادی مطرح می‌کنند .
- ۴) با تامل فیلسوفانه در حوزه های غیر فلسفی ، قوانین ریشه ای فلسفه را وارد محدوده های دانش های خاص می‌کنند .

۱۵- کدام عبارت توصیف درستی از حیطه های فلسفه ارائه می‌دهد ؟ (خارج کشور -۹۹)

- ۱) فلسفه اولی ، پل ارتباطی میان فلسفه های مضاف و دانش های بشری است .
- ۲) فلسفه اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه های فلسفه را در بر می‌گیرد .
- ۳) فلسفه های مضاف ، مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه های گوناگون علوم و فنون می‌کنند .
- ۴) هرشاخه فلسفه ، قسمتی از فلسفه است که بنیان آن یکی از شاخه های علوم را می‌سازد .

۱۶- افلاطون با توجه به دیدگاه خاصش در انسان شناسی فلسفی، هدف حقیقی انسان را معرفی می کند.

۱) احکام و قواعد وجودشناسی

۲) رسیدن به عالم مثل و خیر مطلق

۳) اندیشیدن به بنیادی ترین مسأله ها

۴) وجود عالم مثل و خیر مطلق

۱۷- عدم سنجش افکار و کنش های دیگران براساس اندیشه های غیر منطقی مربوط به کدا میک از شاخص های زیر است؟

۱) رهایی از عادات غیر منطقی

۲) دوری از مغالطات

۳) استقلال در اندیشه

۴) فهم فلسفی

۱۸- اندیشیدن انسان ها درباره پذیرش برخی عقاید و باورها ناشی از این است که

۱) به آزادی برسند و شخصیتی مستقل و بدون تعصب و تخیل کسب کنند.

۲) به ریشه های باورهای خود برسند و مجدد چرایی پذیرش آنها را مرور کنند.

۳) باورهایی را که بر مبنای مغالطه شکل گرفته است، کنار بگذارند.

۴) با پشتوانه خرد و فهم عقلانی از تأثیرپذیری این باورها رهایی یابند.

۱۹- کدام مورد، درست است؟

- ۱) فلسفه ابتدا در یونان پدید آمد و از آنجا به تمدن های دیگر منتقل شد.
 - ۲) با گزارشها و اطلاعات امروز، ما میتوانیم تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهیم.
 - ۳) گزارشهای معتبری از سیر اندیشه در یونان در قرنهای ۴ و ۵ ق.م در دست است.
 - ۴) آثار مکتوبی از اندیشه های فلسفی ایران باستان به یادگار مانده که به زبان فلسفی نگاشته شده است.
- ۲۰- بر خلاف که معتقد به بود؛ هراکلیتوس به اعتقاد داشت.**

- ۱) تالس ثبات و سکون تغییر و حرکت
- ۲) پارمنیدس ساختن جهان از آب ثبات و سکون
- ۳) تالس ساختن جهان از آب ثبات و سکون
- ۴) پارمنیدس ثبات و سکون تغییر و حرکت

۲۱- کدام مورد نادرست است؟

- ۱) پارمنیدس، آخرین فیلسوف از میان فلاسفه یونان است.
 - ۲) فیثاغورس یکی از پایه گذاران ریاضیات و همچنین فلسفه است.
 - ۳) مورخین فلسفه، معمولاً تالس را نخستین فیلسوف یونان معرفی می کنند.
 - ۴) هراکلیتوس را به خاطر سخنان پیچیده و مبهمش، هراکلیت تاریک اندیش خوانده اند.
- ۲۲- تفاوت اندیشه های فیلسوفان باستان در کدام گزینه به درستی تبیین شده است ؟**
- ۱) تالس نخستین فیلسوف یونانی است که پایه گذار ریاضی و هندسه قدیم است و آب را بنیان همه چیز می داند .
 - ۲) هراکلیتوس نخستین بار مفهوم بودن و شدن که از مفاهیم اساسی فلسفه هستند را مورد بررسی قرار داد .
 - ۳) گزنوفانس در آثار خود به روشنی از خدای یگانه که ثابت است یاد می کند .
 - ۴) پارمنیدس اولین فیلسوف یونانی بود که درباب صیوروت و حرکت سخن به میان آورد .
- ۲۳- پارمنیدس از این استدلال که هستی از نیستی به وجود نمی آید و نیستی به هستی تبدیل نمی شود ، به کدام نتیجه میرسد؟(سراسری-۹۹)**

- ۱) حقیقت هستی ، امری ثابت است که حرکت در آن راه ندارد .
- ۲) آنچه که هست، هست و آنچه که نیست ، نیست .
- ۳) وجود، همان بودن و صیوروت و حرکت ، همان شدن است .
- ۴) بودن و شدن ، از مفاهیم اساسی فلسفه هستند .

۲۴ - این که یونان باستان را به عنوان محل ظهور فلسفه می شناسند، بیشتر به دلیل ... است.

- ۱) وجود تالس به عنوان اولین فیلسوف
- ۲) طرح نخستین پرسشهای فلسفی
- ۳) باقی ماندن اولین نوشته های فلسفی
- ۴) پرسش های عقلانی در مورد دگرگونی های جهان طبیعت

۲۵-ارتباط تعقل با کلام و گفتار در انتخاب واژه «ناطق» در تعریف انسان از این جهت است که

- ۱) استدلال را در قالب الفاظ و کلمات به دیگران انتقال می دهد .
- ۲) عقل گرایان به وجود نفس ناطقه معتقد بودند.
- ۳) مقصود اصلی نطق سخن نیست ، بلکه تعقل است .
- ۴) مرکز اندیشه های انسان است .

۲۶- باتوجه به تاثیر فلسفه هرکس در معنا دادن به زندگی او ، می توان گفت

- ۱) باورهای مربوط به زندگی اهداف ما را مشخص می کنند .
- ۲) مردم به دو دسته دنباله روها و آزادانیشان تقسیم می شوند .
- ۳) اهداف ما نقش تعیین کننده در معنای زندگی ما دارند .
- ۴) زندگی کسی که به فلسفه اش کم بیندیشد ، معنای نادرستی دارد .

- کدام عبارت بیان‌کننده اندیشه‌های فیثاغورس و پیروان او است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) نظم ریاضی در همه موجودات جریان دارد و جهان را فقط با دانش ریاضیات می‌توان شناخت.
- ۲) جهان ساختاری ریاضی دارد و مبادی اولیه موجودات، همان اصول شکل‌ها و عددها هستند.
- ۳) اصول ریاضیات درباره همه موجودات صادق است؛ زیرا عناصر اولی موجودات، سازنده اعداد هستند.
- ۴) اصول و مبادی اولیه جهان، سازنده اعداد و اصول اعدادند و اعداد، موجودات جهان را شکل داده‌اند.

۲۸- کدام مورد، درباره سقراط درست است؟

- ۱) جامعه آتن به شدت متأثر از اندیشه های او بود.
- ۲) فلسفه در زندگی او نقشی حقیقی و اساسی داشت.
- ۳) در پی دست یافتن به عنصر اصلی و ماده اولیه جهان بود.
- ۴) با مطالعه آثار وی میتوان به عمق اندیشه های او پی برد.

۲۹- دفاعیات سقراط در دادگاه در کدام گزینه مشهود است؟

- ۱) گریز از مرگ دشوار نیست، گریز از بدی دشوار است.
- ۲) ناپسند است که به خاطر ترس یا هر امر دیگری از فرمان الهی سرباز زد.
- ۳) سخنانش درباره عدالت و علم مافوق بشری دلالت بر اعتقاد به خدا داشت.
- ۴) مرگ انتقال به جهانی دیگر و هم نشینی با نیکان است.

۳۰- کدام مورد درست است؟

- ۱) از آثار سقراط می توان به نقش حقیقی فلسفه در زندگی او پی برد.
- ۲) از نظر سقراط دانای حقیقی کسی است که بداند هیچ نمی داند.
- ۳) دفاعیه سقراط در اصل خطابه ای برای رد سخنان ملتوس بود.
- ۴) پیام معبد دلفی این بود که سقراط داناترین مردم است.

۳۱- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) پارمنیدس شناخت حسی را معتبر نمی دانست، بنابراین مفهوم حرکت را نمی پذیرفت.
- ۲) هراکلیتوس با توجه به معتبر دانستن حس، وجود حرکت قابل شناخت حسی را معتبر می دانست.
- ۳) پروتاگوراس هم عقل و هم حس را به یک اعتبار می پذیرفت و انسان را معیار شناخت می دانست.
- ۴) ارسطو با تدوین کردن منطق سهم فراوانی در شناخت قواعد استدلال برداشت.

۳۲- از نظر سقراط دانای حقیقی چه کسی است و ملتوس به هواداری از چه کسانی برخاسته بود؟

- ۱- خداوند - شاعران
- ۲- خداوند - خطیبان
- ۳- سروش معبد دلفی - شاعران
- ۴- سروش معبد دلفی - خطیبان

۳۳- با توجه به دفاعیات سقراط در دادگاه، کدام عبارت مناسب تر است؟

- ۱- وی انکار خدایان متعدد را دلیلی بر انکار خدای یگانه نمی دانست
- ۲- به اعتقاد وی خورشید، سنگ و ماه کره ی خاکی بیش نبودند
- ۳- سخنان وی در مورد دانایی و عدالت نشان می داد که به خدا معتقد است
- ۴- به گفته ی او همان طور که زین و لگام از آن اسب بود، جهان از آن خدا بود

۳۴- کدام یک از عبارات های زیر جزء افتراهای نسبت داده شده به سقراط نیست؟

- ۱) با افکار خود جوانان را گمراه و آنها را از آیین پدرشان برمی گرداند.
- ۲) باطل را حق جلوه می دهد و این کار را به دیگران هم آموزش می دهد.
- ۳) رفتاری خلاف دین آتنیان در پیش گرفته است.
- ۴) در تلاش است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد.

۳۵- کدام عبارت را می توان از دفاعیات سقراط نتیجه گرفت؟ (سراسری-۹۹)

- ۱) منشاء همه بدی ها و ناراستی ها، نادانی انسان است.
- ۲) دانای حقیقی خداست و فقط آنچه او می گوید، درست است.
- ۳) هرکس خدا را باور داشته باشد، باید صفات او را نیز بپذیرد.
- ۴) کسی که خورشید و ماه را به خدایی بپذیرد، سزاوار سرزنش است.

۳۶ - سقراط در دادگاه ...

- ۱) پذیرش خداوند را مقدم بر پذیرش صفات او قرار داد.
- ۲) پذیرش صفات خداوند را مقدم بر پذیرش خداوند قرار داد.
- ۳) از طریق مخلوق به اثبات وجود خالق پرداخت.
- ۴) از طریق خالق به اثبات وجود مخلوق پرداخت.

۳۷- کدام گزینه درباره سقراط درست است ؟

- ۱) معتقد بود رسالتی با ندای غیبی ، برعهده اش گذاشته است که با تهی دستان هم نشینی کند و از توانگران کناره گیری نماید .
- ۲) چون جهالت برخی افراد را به رخشان می کشید ، به چهره ای بحث برانگیز تبدیل شد که بسیاری دوستش داشتند و گروهی از او بیزار بودند.
- ۳) زندگی نامه ای که برای خود نوشت ، حکایت واقعی فلسفه است که با مطالعه وتامل در آن می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم .
- ۴) برای احیای تفکر عقلانی و فضیلت قیام کرد و شالوده تفکر فلسفی را استوار ساخت و نگذاشت هیچ گاه جامعه متأثر از تفکر سوفسطائیان شود.

۳۸- کدام مورد را نمی توان از دفاعیات سقراط در دادگاه نتیجه گرفت ؟(خارج کشور - ۹۹)

- ۱) اجرای فرمان خدا ، از هر امر دیگری مهم تر است .
- ۲) کسی که ادعای دانایی می کند ، در پی حقیقت نیست .
- ۳) دانایی از آن خداست و انسان را از آن بهره ای نیست .
- ۴) کسی که از ترس ، کار درست را رها کند ، سزاوار سرزنش است .

۳۹- کدام مورد، درست است؟

- (۱) مباحث معرفت شناسی امروزه در ضمن مباحث فلسفی مطرح می شود.
- (۲) افزایش پیوسته علم نشانه ناتوانی بشر در کسب معرفت یقینی است.
- (۳) انسان نمی تواند درباره امور برتر از حواس خود بیندیشد.
- (۴) علم و معرفت امری است که به تدریج حاصل می شود.

۴۰- آنچه که مشتمل بر تناقض است و با شکاکیت مطلق سازگار نیست، عبارت است از این که.....

- (۱) هیچ امر یقینی وجود ندارد.
- (۲) کیهان شناسان به تدریج دانش گذشتگان را اصلاح کرده اند.
- (۳) به همه اسرار مغز شاید نتوانیم پی ببریم.
- (۴) به کجا می روم آخر نمایی وطنم.

۴۱- تردید در توانایی خود برای شناخت و نیز علم به ندانستن بسیاری از حقایق،.....

- (۱) ما را دچار تناقض می کند .
- (۲) به معنای انکار امکان شناخت نیست.
- (۳) به دلیل مسائل پیچیده زندگی ماست .
- (۴) همان شکاکیت مطلق است.

۴۲- با توجه به زیر سوال رفتن کیهان شناسی بطلمیوسی کدام گزینه نتیجه می شود؟

- ۱- پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح یافته های آن ها منافاتی با امکان شناخت ندارد.
- ۲- عدم قطعیت نظریات علمی که هر نظریه را نماینده بخشی از حقیقت می داند.
- ۳- امکان شناخت به معنای قبول همزمان نظریه های علمی ظاهرا ناسازگار است.
- ۴- پیشرفت دائمی علم انسان را در باره مبنای قطعی شناخت به تردید انداخته است.

۴۳- از بیت « ما زیاران چشم یاری داشتیم خود غلط بود آنچه می پنداشتیم » می توان استنباط نمود که

- (۱) شک در اصل شناخت موجب شک در برخی باورها می شود.
 - (۲) اصل امکان معرفت را در فرآیند رشد عقلی و ذهنی انسان دچار تزلزل و تردید می کند.
 - (۳) پذیرش شکاکیت مطلق به واسطه وجود برخی پندارهای غلط، مبتنی بر نوعی مغالطه است.
 - (۴) با رشد عقلی و ذهنی و تصحیح معلومات گذشته ذهنیت غلط شاعر هم اصلاح می شود
- ۴۴ - شناخت تمایزها و تفاوت های اشیا با کمک کدام ابزار، جنبه کاربردی پیدا می کند؟
- (۱) حس
 - (۲) عقل
 - (۳) قلب
 - (۴) وحی

۴۵- بیت: « چشم حس همچون کف دست است و بس / نیست کف را بر همه او دسترس » با دیدگاه کدام متفکر تناسب بیشتری دارد؟

- (۱) پروتاگوراس
- (۲) افلاطون
- (۳) پارمنیدس
- (۴) بیکن

۴۶- این واقعیت که «حقایق فراوانی در عالم است که آن ها را نمی دانیم و نمی شناسیم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی

مربوط می شود؟

- (۱) ابزارهای شناخت
- (۲) ماهیت شناخت
- (۳) امکان شناخت
- (۴) قلمرو شناخت

۴۷- این عبارت که «معلوم است که ما از خود و جهان پیرامون ، شناختی داریم» به کدام یک از حیطه های معرفت شناسی مربوط می

شود؟ (سراسری-۹۹)

- (۱) ابزارهای شناخت
- (۲) قلمرو شناخت
- (۳) ماهیت شناخت
- (۴) امکان شناخت

با بیان کدام یک از عبارتهای زیر، فرد دچار تناقض شده است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) هیچ کس نیست که بتواند آن چه را خودش فهمیده، به دیگری هم منتقل کند.
- (۲) هیچ کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا واقعیت نداشتن جهان را با علم اثبات کند.
- (۳) هیچ یک از شناخت هایی که تاکنون درباره ساختار جهان به دست آورده ایم، عین واقعیت نیست.
- (۴) حواس ما کم و بیش دچار خطا می شود، بنابراین هیچ یک از یافته های حواس قابل اعتماد نیستند.

درس 7: ابزارهای شناخت

۴۹- کدام گزاره درباره شناخت تجربی نادرست می باشد؟

- (۱) حاصل همکاری عقل و حس است.
- (۲) راجع به معلومات ذهنی انسان و روح و روان آن به شناخت می رسد.
- (۳) با همه گستردگی آن قادر به شناخت تمام رموز هستی نمی باشد.
- (۴) متکی بر چند قاعده عقلی است.

۵۰- کدام مورد درست است؟

- (۱) تفکر عقلی زمینه شناخت حسی قرار میگیرد.
- (۲) به دلیل وجود خطا در شناخت حسی، این شناخت معتبر نیست.
- (۳) شناخت تفاوتها و تمایزهای اشیا، از طریق ادراک حسی صورت میگیرد.
- (۴) به شناختی که با همکاری عقل و حس بدست میآید، معرفت عقلی میگویند.

۵۱- در نظر ابن سینا شناخت درونی :

- (۱) همان فلسفه اولی است .
- (۲) پی بردن با این نحوه شناخت به روح و روان است .
- (۳) با همکاری تجربه به درک مفاهیمی چون حافظه رسید.
- (۴) ویژگی های رفتاری ارادی و غیر ارادی خود را در می یابد.

۵۲- دکارت برخلاف بیکن معتقد بود.....

- (۱) انسان می تواند اموری را در عالم خارج از ذهنش با عقل تنها شناسایی کند.
- (۲) ارسطو الگوی مناسبی برای دست یابی به معرفت تجربی معرفی نکرده است.
- (۳) علومى مثل منطق که موضوعات ذهنی دارند، عقلی و سایر علوم، تجربی اند.
- (۴) عقل و حس هر دو معتبرند، ولی حس مستقل از عقل توانایی شناخت ندارد.

۵۳- کدام مورد در زمره «قواعد» (مبانی فلسفی علوم طبیعی) شناخت تجربی نیست؟

- ۱- یک پدیده خاص علت ویژه خود را دارد
- ۲- پدیده ها در پی یکدیگر می آید
- ۳- هر پدیده ای نیازمند به علت است
- ۴- روال حاکم بر پدیده های طبیعی یکسان است

۵۴- همراه با می تواند به بسیاری از اسرار و رموز پی ببرد.

- (۱) معرفت وحیانی / تحلیل حسی یافته های عقلانی / قرآن
- (۲) عقل / تحلیل عقلانی یافته های حسی / طبیعت
- (۳) معرفت شهودی / تحلیل عقلانی یافته های حسی / بهشت و جهنم
- (۴) حس / تحلیل حسی یافته های عقلانی / طبیعت

۵۵-

این گزاره که «حواس برخلاف عقل، به تنهایی قادر به درک خطاهای خود نیستند»، با کدام یک از حیطه های زیر در

معرفت شناسی ارتباط بیشتری پیدا می کند؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) ماهیت شناخت (۲) امکان شناخت (۳) ابزارهای شناخت (۴) ارزش شناخت

۵۶- در رابطه با دیدگاه های فیلسوفان، کدام گزاره راجع به ابزارهای معرفتی صحیح است؟

- ۱) سهروردی و فارابی نیم نگاهی به معرفت شهودی داشتند.
- ۲) شیخ اشراق تلاش کرد آنچه را از راه استدلال به دست آورده بود، به ذائقه دل بچشاند.
- ۳) افلاطون معتقد بود؛ ابزار حسی معتبر است و توانایی درک جهان برتر را به انسان می دهد.
- ۴) پروتاگوراس مدعی بود که اشیاء در نظر من با دریافت شما از آن متفاوت است.

۵۷- کدام یک از نظریات زیر، مورد پذیرش حکمت تعالیه نیست؟

- ۱) روح و جسم وحدت حقیقی دارند و یکی باطن دیگری محسوب می شود.
- ۲) بار دیگر از ملک قربان شوم آنچه اندر وهم ناید آن شوم
- ۳) ظرفیت بی نهایت روح انسانی دلالت بر رسیدن به کمالات نیست.
- ۴) انسان باید با ایمان و عمل صالح ظرفیت و استعداد بی پایان خود را به فعلیت برساند.

۵۸- کدام عبارت قرابت بیشتری با دیدگاه نسبی گرایان دارد؟

- ۱) در برخی موارد شناخت یکسان وجود دارد حتی با فرض تفاوت دیدگاه انسان ها
- ۲) شناخت بشر در همه موارد نسبی است.
- ۳) تفاوت شناخت انسان ها لزوماً به معنای اعتبار همه آنها نیست.
- ۴) شناخت هر کس برای خودش معتبر است.

۵۹- به نظر پوزیتیویستها، اموری که قابل ارزیابی تجربی نیستند....

- ۱) علتی دیگر برای اعتقاد به آن ها وجود ندارد.
- ۲) انسان ها آن را کنار می گذارند.
- ۳) باید با عقل بررسی شوند.
- ۴) ارزش معرفتی ندارند.

۶۰- ایمانوئل کانت چگونه توانست میان راهبرد عقل گرایان و طرفداران تجربه ، آشتی دهد ؟

- ۱) کانت یک عقل گرا بود که توانست با اثبات وجود مقولات فاهمه از طریق تجربه به شناخت آنها و اعتبار ایشان در ادراک دست یابد .
- ۲) کانت در حقیقت یک پوزیتیویست بود که اهمیت تجربه را فهمید و دریافت تجربه از طریق مقولات فاهمه اثبات می شود .
- ۳) کانت معتقد بود که قوه ادراک آدمی ، مفاهیمی چون زمان و علیت را دارد و تجربه را این قالب ها درک می کند .
- ۴) بر اساس دریافت کانت ، انسان دارای مفاهیم ذاتی معرفت ، چون اعتقاد به نفس و مفهوم خدا است ، که تجربه از طریق آنها فهم و ادراک می شود .

۶۱- کدام گزینه با باور پراگماتیسم سازگار است؟

- ۱- باور هر کسی برای خودش اعتبار دارد
- ۲- کشف واقعیتهایی که در عمل مفید باشد
- ۳- حقیقت باید به تجربه اثبات شود
- ۴- باور سودمندی به جای کشف حقیقت

۶۲- وجه اشتراک با در و وجه اختلافشان در این است که اولی

- ۱) نسبی گرایان / سوفسطائیان / متفاوت بودن معرفت از شخصی به شخص دیگر به شناخت حسی اعتقاد داشت.
- ۲) دکارت / کانت / همکاری داشتن حس و عقل پوزیتیویست بود.
- ۳) سهروردی / ملاصدرا / ایجاد پیوند بین معرفت عقلی و معرفت وحیانی نظامی فلسفی بر پایه شهود بنا کرد.
- ۴) نسبی گرایان / پوزیتیویست ها / متفاوت بودن معرفت از شخصی به شخص دیگر به شناخت حسی اعتقاد داشت.

۶۳- کدام عبارت ، بیان کننده مواردی از نقض نظریه پوزیتیویست ها است ؟ (سراسری- ۹۹)

- ۱) دانش تجربی واقعیت را آن طور که هست ، نشان نمی دهد.
- ۲) با پیشرفت علم ، بسیاری از نظریه های علمی تغییر کرده اند .
- ۳) دانشمندان در بررسی نظریه های عمی نیز ، از ابزار عقل استفاده می کنند .
- ۴) هرکس متناسب با باورهای خود ، به شناختی متفاوت از دیگران دست می یابد.

۶۴- از نظر قانونی که انسان آن را در شناخت هر پدیده ای به کار می برد ، عبارت است از

- (۱) ارسطو - مبانی علوم تجربی
(۲) ابن سینا - علیت
(۳) افلاطون - معرفت شهودی
(۴) فارابی - درون نگری

۶۵- کدام گزاره درباره شناخت تجربی نادرست می باشد؟

- (۱) حاصل همکاری عقل و حس است.
(۲) راجع به معلومات ذهنی انسان و روح و روان آن به شناخت می رسد.
(۳) با همه گستردگی آن قادر به شناخت تمام رموز هستی نمی باشد.
(۴) متکی بر چند قاعده عقلی است

۶۶- دکارت برخلاف بیکن معتقد بود.....

- (۱) انسان می تواند اموری را در عالم خارج از ذهنش با عقل تنها شناسایی کند.
(۲) ارسطو الگوی مناسبی برای دست یابی به معرفت تجربی معرفی نکرده است.
(۳) علوم مثل منطق که موضوعات ذهنی دارند، عقلی و سایر علوم ، تجربی اند.
(۴) عقل و حس هر دو معتبرند ، ولی حس مستقل از عقل توانایی شناخت ندارد.

۶۷- ایمانوئل کانت چگونه توانست میان راهبرد عقل گرایان و طرفداران تجربه ، آشتی دهد ؟

- (۱) کانت یک عقل گرا بود که توانست با اثبات وجود مقولات فاهمه از طریق تجربه به شناخت آنها و اعتبار ایشان در ادراک دست یابد .
(۲) کانت در حقیقت یک پوزیتیویست بود که اهمیت تجربه را فهمید و دریافت تجربه از طریق مقولات فاهمه اثبات می شود .
(۳) کانت معتقد بود که قوه ادراک آدمی ، مفاهیمی چون زمان و علیت را دارد و تجربه را این قالب ها درک می کند .
(۴) بر اساس دریافت کانت ، انسان دارای مفاهیم ذاتی معرفت ، چون اعتقاد به نفس و مفهوم خدا است ، که تجربه از طریق آنها فهم و ادراک می شود .

۶۸- کدام عبارت به نارسایی پوزیتیویسم اشاره می کند؟ (خارج کشور - ۹۹)

- (۱) تجربه علمی صلاحیت و توان ورود به برخی از حیطه های معرفت بشری را ندارد.
(۲) با آن چه که در دانش تجربی کسب می شود ، نمی توان باورهای سودمندی کسب کرد.
(۳) امور قابل ارزیابی تجربی ، در صورتی که با تجربه اثبات نشوند ، فاقد اعتبار معرفتی هستند .
(۴) هر فردی متناسب با وضعیت خود ، به شناختی می رسد که با شناخت دیگری متفاوت است .

-۶۹

کدام عبارت بیانگر نظر دکارت است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) با استفاده از دلایل استوار عقلی، پی می بریم که انسان دارای نفس مجرد است.
(۲) اعتقاد به اموری مانند علیت و خدا، جزء ساختارهای ذهن و ذاتی انسان ها است.
(۳) بخشی از معرفت های ما بدون استفاده از هر نوع تجربه و مقدم بر آن درک می شود.
(۴) معرفت های ذاتی اموری شهودی هستند که درک آنها به عقل یا تجربه علمی نیازی ندارد.

۷۰- طبق نظر ارسطو، کدام عبارت درباره "روح" درست است؟

- ۱) همان ذهن و اندیشه است که مجموعهای از سلولهای مغزی است.
- ۲) میاندیشد، اراده میکند و در کارهای مختلف از بدن بهره می گیرد.
- ۳) منشأ آن، نطق و تفکر است که فصل ممیز انسان است.
- ۴) مانند بدن از قوانین فیزیکی متابعت میکند.

۷۱- با توجه به نظر دکارت، کدام مورد، از ویژگیهای ذهن است؟

- ۱) بدن، برای ارتباط دادن افکار به یکدیگر، از آن استفاده می کند.
- ۲) انسان، تفکر و اثبات و قضاوت را توسط آن انجام می دهد.
- ۳) ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن را بر عهده دارد.
- ۴) همچون بدن، از قوانین فیزیکی متابعت می کند.

۷۲- کدام مورد از تبعات این نظر ملا صدرا است که روح باطن بدن و بدن ظاهر روح است؟

- ۱- هر اتفاقی در روح بیفتد در بدن ظاهر می شود و بر عکس
 - ۲- بدن و روح دو جنبه جداگانه حقیقت انسان هستند
 - ۳- بدن و روح به خوبی به هم ضمیمه شده اند
 - ۴- در جریان تکامل نهایتاً باطن بر ظاهر غلبه می کند
- ۷۳- اولین بار کدام فیلسوف، نظر دقیق و روشنی در باب انسان داد؟ او در ابراز این عقاید تحت تاثیر کدام فیلسوف بود؟
- ۱) افلاطون - سقراط ۲) ارسطو - افلاطون ۳) سقراط - دمکریتوس ۴) افلاطون - پارمنیدیس

۷۴- کدام گزینه از باورهای افلاطون در باره ی نفس نیست؟

- ۱) نامرئی است
- ۲) غیرفانی و جاویدان است
- ۳) نفس تنها جزء عقلانی وجود انسان نیست .
- ۴) برای انسان دارایی از آن ارزشمند تر نیست .

۷۵- در نظر ارسطو کدام گزینه باعث قابلیت حیات و زندگی در انسان می شود؟

- ۱) کیفیت جسمانی
- ۲) نفس آدمیان
- ۳) روح انسان
- ۴) روان متعالی بشر

۷۶- کدام گزینه از مشترکات آرای افلاطون و ارسطو درباره ی نفس است؟

- ۱) انسان دارای استعداد های بالقوه است .
- ۲) هر انسانی از آن جهت که انسان است ارزشمند است .
- ۳) با توجه به عقل عملی می توان به سعادت رسید.
- ۴) وجه ممیز انسان از سایر حیوانات ، قوه ی تعقل اوست .

۷۷- آیا می توان گفت مهم ترین وظیفه هر انسانی حراست از نفس است؟ چرا؟

- ۱) خیر / زیرا وظیفه ی آدمی ، رسیدن به قله توانمندی های خود است.
- ۲) بله / زیرا با ارزش ترین دارایی انسان است
- ۳) بله / دلیل آن جاودان بودن نفس است .
- ۴) خیر/ زیرا در صورت نبودن بدن ، نفس قابلیت حیات ندارد.

۷۸- کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) بحث های انسان شناسی بعد از مباحث معرفت شناسی رونق گرفتند .
- ۲) بدون تئوری درباب معرفت نمی توان به انسان شناسی رسید.
- ۳) بحث های معرفت شناسی در اروپا بعد از مباحث انسان شناسی رونق یافتند.
- ۴) در اروپای دوران جدید ، دو جریان معرفت شناسی عقل گرایی و تجربه گرایی شروع شدند.

۷۹- نظر مشترک دکارت و توماس هابز درباره ی بدن در انسان چیست ؟

- ۱) هر دو بدن انسان را مانند ماشینی پیچیده می دانستند
- ۲) هر دو انسان را داری روح و نفس می دانستند .
- ۳) هر دو به جاودانگی روح باور داشتند .
- ۴) هر دو نفس را مرکز اندیشه های ما می پنداشتند.

۸۰- تفاوت انسان و دیگر حیوانات در نظر داروینستها در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) انسان از گروه خاص و جدایی از حیوانات است .
- ۲) نیازهای اصلی انسان ، ریشه در نیازهای مادی او دارد .
- ۳) انسان تنها بعد جسمانی دارد.
- ۴) تنها تفاوت انسان با سایر حیوانات این است که انسان قدری پیچیده تر است .

۸۱- در رای اکثر قائلین به تک بعدی بودن انسان ، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد ؟

- ۱) چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد .
- ۲) چون ذات انسان فاقد ارزش و بی مقدار است .
- ۳) زیرا تفاوت انسان و دیگر موجودات تنها در شکل و ظاهر است.
- ۴) چون تفاوتی بین ارزش های ذاتی انسان و حیوان نیست .

۸۲- کدام گزینه شامل باورهای ارسطو درباره ی انسان است ؟

- ۱) انسان از نظر غریزه و احساس مشابه حیوانات است اما ادراکات حسی متفاوت دارد.
- ۲) انسان در جنس با حیوانات مشترک بوده و آنچه او را متفاوت می کند امری غیر مادی است.
- ۳) انسان خصوصیات حیوانات را یکجا داشته ولی علاوه بر آن قدرت اندیشه ورزی هم دارد.
- ۴) انسان به لحاظ منطقی تفاوت نوعی با حیوانات ندارد اما بعد مادی را به نحو متفاوتی تدبیر می کند.

۸۳- در مقایسه انسان شناسی ارسطو و دکارت کدام مورد درست است؟

- ۱) دکارت بدن را در همچون اجسام فیزیکی صرف تلقی می کند ولی ارسطو آن را به مثابه جسم حیوانی می داند.
- ۲) دکارت به دوگانگی نفس و بدن معتقد بود اما ارسطو انسان را حقیقتی یکپارچه می دانست.
- ۳) دکارت ذهن را کاملاً بی ارتباط از بدن می دانست اما ارسطو به تعامل آن دو باور نداشت.
- ۴) دکارت بُعد غیر جسمانی را منشأ اراده آزاد می دانست اما ارسطو میان آزادی و جسم منافاتی نمی دید.

۸۴- داروینستها بر پایه نتیجه گرفتند که انسان چیزی نیست جز.....

- ۱) تحول تدریجی موجودات زنده- هویت دوگانه
- ۲) تحول تدریجی موجودات زنده- حیوان
- ۳) پیدایش انسان از حیوان- ماشین پیچیده
- ۴) پیدایش انسان از حیوان- حیوان دارای روح

۸۵- کدام گزینه در ارتباط با «نفس ناطقه» نادرست است؟

- ۱) از دیدگاه ارسطو انسان در جنس با سایر حیوانات مشترک است
- ۲) اراده انسان، از بدن در کار های مختلف بهره می برد
- ۳) در دید ارسطو نطق و تفکر به بُعد غیر مادی وجود انسان مربوط است
- ۴) ارسطو نفس را بالقوه دارای احساسات و تالمات می داند.

۸۶ - مراحل اثبات نفس از دیدگاه کانت در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- ۱) اخلاقی بودن انسان - برخورداری از وجدان اخلاقی - مختار بودن انسان - اثبات نفس
- ۲) مختار بودن انسان - بهره مندی انسان از وجدان اخلاقی - صاحب اراده بودن انسان - اثبات نفس
- ۳) صاحب اراده بودن انسان - اخلاقی بودن انسان - مختار بودن انسان - اثبات نفس
- ۴) اخلاقی بودن انسان - مختار بودن انسان - بهره مندی از وجدان اخلاقی - اثبات نفس

۸۷- نظر مشترک دکارت و توماس هابز درباره ی بدن در انسان چیست؟

- ۱) هر دو بدن انسان را مانند ماشینی پیچیده می دانستند
- ۲) هر دو انسان را داری روح و نفس می دانستند .
- ۳) هر دو به جاودانگی روح باور داشتند .
- ۴) هر دو نفس را مرکز اندیشه های ما می پنداشتند.

۸۸- کدام گزینه از مشترکات آرای افلاطون و ارسطو درباره ی نفس است؟

- ۱) انسان دارای استعداد های بالقوه است .
- ۲) هر انسانی از آن جهت که انسان است ارزشمند است .
- ۳) با توجه به عقل عملی می توان به سعادت رسید.
- ۴) وجه ممیز انسان از سایر حیوانات ، قوه ی تعقل اوست .

۸۹- این بیت مولوی که «بار دیگر از ملک قربان شوم آنچه اندر وهم ناید آن شوم» به کدام مضمون زیر دلالت می کند؟

- (۱) دو گانگی روح و بدن
(۲) تکامل طبیعی روح
(۳) تأثیر روح و بدن در هم
(۴) استعداد بی نهایت انسان

۹۰- کدام گزینه در ارتباط با حکمت متعالیه صحیح نمی باشد؟

- (۱) انسان مختار است که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند.
(۲) انسان اگرچه ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما باید با منطق و تفکر خود، این ظرفیت را به فعلیت برساند.
(۳) مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.
(۴) انسان باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.

۹۱- کدام گزینه درباره انسان شناسی ابن سینا و ملاصدرا درست است؟

- (۱) هر دو حقیقت بدن را روح می دانستند.
(۲) در نظر ابن سینا روح قابلیت تکامل دارد، اما نتیجه تکامل نیست.
(۳) هیچ یک تأکیدی بر مقام والای روح ندارند.
(۴) وحدت روح و بدن در نظر ابن سینا حقیقی است.

۹۲- کدام گزینه درباره سهروردی درست است؟

- (۱) از فیلسوفان مسلمان است که نظر افلاطون و ارسطو را در ادبیات عرفانی پذیرفت.
(۲) الهامات و اشراقات معنوی خود را از طریق شهود به دست می آورد و با زبان عرفان بیان می کرد.
(۳) نفس انسان را متعلق به عالم مشرق می دانست که از آن دور افتاده است.
(۴) سایر مراتب وجود به جز نورالانوار، ترکیبی از نور و ظلمت هستند.

۹۳- کدام گزینه با حکمت متعالیه مطابقت دارد و در مقابل نظر ابن سینا مطرح می شود؟

- (۱) روح و بدن دو چیز مجزا نیستند.
(۲) روح می تواند به مرتبه کمال در جهان دست یابد.
(۳) حقیقت انسان دارای دو بعد روح و بدن است.
(۴) روح بُعد معنوی و غیرمادی انسان است.

۹۴- در مقایسه نظر ملاصدرا و دکارت کدام مورد درست است؟

- (۱) ملاصدرا برخلاف دکارت هویت انسان را تنها جنبه غیرمادی می داند.
(۲) ملاصدرا هم مانند دکارت حقیقت ذوابعاد انسان را مستقل می داند.
(۳) در نظر ملاصدرا و برخلاف دکارت، بدن و روح هر دو بر هم تأثیر می گذارند.
(۴) در نظر ملاصدرا و دکارت، بدن جدای از روح و صرفاً یک جسم فیزیکی است.

۹۵- کدام دیدگاه از منظر حکمت متعالیه مقبول نیست؟

- (۱) در ابتدای زندگی معلوم نیست هر انسانی چه هویتی خواهد داشت.
(۲) انسان باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید.
(۳) ظرفیت های بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها به گزینش و شیوه زندگی مربوط است.
(۴) انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد و این استعداد می تواند وی را به کمالات بی نهایت برساند.

۹۶- کدام یک از عبارات زیر در مورد نظرات سهروردی صحیح است؟

- (۱) سهروردی به جای مفهوم «نور»، از مفهوم هستی استفاده می کرد.
(۲) خداوند نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد و سایر مراتب وجود نور کامل نیستند.
(۳) سهروردی نفس انسان را حقیقتی مربوط به مغرب عالم می داند که از مشرق وجود دور مانده و مشتاق بازگشت به آن جاست.
(۴) از نظر سهروردی خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است و که محدود به خدا است.

۹۷- کدام گزاره مربوط به دیدگاه سهروردی نیست؟

- ۱) در مغرب عالم، نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد.
- ۲) مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می کنند.
- ۳) جسم جنبه ظلمانی انسان است و نفس توانایی کسب نور دارد و هرچه نور بیشتری کسب کند، بهتر به حقایق دسترسی دارد.
- ۴) نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب استعداد و نیروی بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

۹۸- کدام گزینه بیان درست تری از نظر ابن سینا پیرامون حقیقت انسان است؟

- ۱) حقیقت انسان جنبه غیرمادی اوست که نورانی است.
- ۲) وحدت حقیقت انسان برخاسته از دو بعد وجودی است.
- ۳) محبت انسان و حیوانات از یک گونه نیست.
- ۴) حقیقت انسان یک ماشین پیچیده غیر مجرد است.

۹۹- کدام یک از نظریات زیر، مورد پذیرش حکمت تعالیه نیست؟

- ۱) روح و جسم وحدت حقیقی دارند و یکی باطن دیگری محسوب می شود.
- ۲) بار دیگر از ملک قربان شوم آنچه اندر وهم ناید آن شوم
- ۳) ظرفیت بی نهایت روح انسانی دلالت بر رسیدن به کمالات نیست.
- ۴) انسان باید با ایمان و عمل صالح ظرفیت و استعداد بی پایان خود را به فعلیت برساند.

۱۰۰- کدام گزینه با حکمت متعالیه مطابقت دارد و درمقابل نظر ابن سینا مطرح می شود؟

- ۱) روح و بدن دو چیز مجزا نیستند.
- ۲) روح می تواند به مرتبه کمال در جهان دست یابد.
- ۳) حقیقت انسان دارای دو بعد روح و بدن است.
- ۴) روح بُعد معنوی و غیرمادی انسان است.

۱۰۱- در مقایسه نظر ملاصدرا و دکارت کدام مورد درست است؟

- ۱) ملاصدرا برخلاف دکارت هویت انسان را تنها جنبه غیرمادی می داند.
- ۲) ملاصدرا همانند دکارت حقیقت ذوابعاد انسان را مستقل می داند.
- ۳) در نظر ملاصدرا و برخلاف دکارت، بدن و روح هر دو بر هم تأثیر می گذارند.
- ۴) در نظر ملاصدرا و دکارت، بدن جدای از روح و صرفاً یک جسم فیزیکی است.

۱۰۲- در مقایسه میان «تحول تدریجی» در داروینیسیم و «تکامل» در حکمت متعالیه کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) تکامل برخلاف تحول بر دو بعدی بودن حقیقت انسان {جسم و روح} استوار است، برخلاف تحول.
- ۲) در تکامل اراده تکامل جوی انسان و در تحول الزامات زیستی نقش دارد.
- ۳) در تئوری تحول برخلاف تکامل، در حقیقت انسان تفاوت واقعی ارزشی ایجاد نمی کند.
- ۴) در تحول، شیوه زندگی اجتماعی انسان ها در کنار یکدیگر نقش محوری دارد ولی در تکامل چنین نیست.

۱۰۳- با توجه به دیدگاه ملاصدرا در انسان شناسی، کدام عبارت درست است؟ (سراسری-۹۹)

- ۱) روح و بدن وحدتی حقیقی دارند، به گونه ای که روح در بدن است.
- ۲) انسان ضرورتاً مسیر تکاملی خود به سوی خدا را طی می کند.
- ۳) مراحل تکاملی انسان، در طبیعت به پایان می رسد.
- ۴) روح نتیجه رشد و تکامل جسم و بدن است.

-۱۰۴

کدام عبارت مورد اختلاف ابن سینا و ملاصدرا است؟ (سراسری-۱۴۰۰)

- ۱) انسان حقیقتی دو بعدی دارد.
- ۲) روح، موجودی مجرد با ظرفیت بی پایان است.
- ۳) روح موجودی غیرزمینی و از جنس مجردات است.
- ۴) هر اتفاقی برای جسم رخ دهد، روح خبردار می شود.

۱۰۵- عبارت «آنچه برای خود می پسندی برای دیگران نیز بپسند» به دیدگاه چه کسانی نزدیک است؟

(۱) فیلسوفان مسلمان (۲) کانت (۳) فیلسوفان طبیعت گرا (۴) ابن سینا

۱۰۶- با توجه به نظر فیلسوفان مسلمان در فلسفه اخلاق، کدام مورد نادرست است؟

- (۱) بشر به فضیلتها علاقه مند است و عقل او آنها را خوب و زیبا میداند.
- (۲) اگر تمایلات طبیعی انسان قوی باشند، می توانند مانع رسیدن او به فضیلت ها شوند.
- (۳) با اعتقاد به خداوند، تمایل انسان به رعایت فضائل اخلاقی و ترجیح آن بر رذائل، بیشتر میشود.
- (۴) با ترغیب خداوند به کسب فضائل و منع رذائل، عمل به فضائل اخلاقی و دوری از رذائل در انسان قطعی میشود.

۱۰۷- کدام عبارت با دیدگاه فیلسوفان مسلمان سازگار است؟

- (۱) بشر فطرتاً به فضائل علاقه مند است، لذا انجام آنها سهل است.
- (۲) اعتقاد به خدا تقویت کننده است و عمل به فضیلت را قطعیت و حتمیت می بخشد.
- (۳) با پشتوانه خدا تضادی بین تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی باقی نمی ماند.
- (۴) فضائلی مانند عدالت و سخاوت، در انسان رضایت ایجاد می کنند.

۱۰۸- عامل تضاد بین کسب فضائل و منافع جسمانی عبارت است از.....

(۱) فعل طبیعی (۲) تمایلات نفسانی (۳) وجود اختیار در انسان (۴) رضایت درونی

۱۰۹- بنابر دیدگاه توجه انسان به فضائل اخلاقی معلول انسان است.

- (۱) ماتریالیست ها- دوگانگی ذهن و بدن
- (۲) اگزیستانسیالیست ها - پیچیدگی ماشین رفتار
- (۳) حکمت متعالیه - تک ساحتی بودن
- (۴) داروینیست ها - زیست اجتماعی

۱۱۰- کدام مورد، نظر کانت در زمینه معیار فعل اخلاقی است؟

- (۱) معیار فعل اخلاقی این است که انسان را به سعادت برساند.
- (۲) ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جستجو کرد.
- (۳) قاعد های اخلاقی است که بتواند به عنوان قانون کلی و عمومی قرار گیرد.
- (۴) خوب یا بد، عناوینی هستند که بسته به اینکه آن کار سودمند باشد یا نه، به یک فعل داده میشود.

۱۱۱- کدام گزینه درباره تعریف انسان به «موجود اخلاقی» درست است؟

- (۱) انسان همه افعالش را بر مبنای ادراک حُسن و قُبْح انجام می دهد.
- (۲) انسان برخلاف سایر موجودات توانایی شناخت خوب و بد را دارد.
- (۳) از آن جا که انسان یک موجود اجتماعی است، نیاز به اخلاق دارد.
- (۴) ذات انسان گرایش به فضیلت ها دارد و از رذیلت ها گریزان است.

۱۱۲- از نظر فلاسفه مسلمان علت رویگردانی انسان از رذایل اخلاقی چیست؟

- (۱) عذاب وجدان و احساس خسران از انجام اعمال مخالف عقل
- (۲) پیروی از فرمان الهی مبنی بر رسمیت شناختن حقوق دیگران
- (۳) جلوگیری از آسیب روحی و سد شدن سیر روح به سوی کمال
- (۴) ناتوانی در مخالفت با حکم عقل عملی در کمالی بودن فضائل

۱۱۳- از نظر فلاسفه مسلمان علت گرایش انسان به کسب فضایل چیست؟

(۱) کمال روح برای رضایت درونی (۲) رضایت درونی (۳) حکم عقل (۴) رضایت درونی که سبب کمال روح می شود

۱۱۴- این که گفته شود «هر گاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشد» مطابق با کدام مورد زیر است؟

- ۱) باید منفعت فرد را فدای منفعت کل کرد
 - ۲) ارزش حقیقی اعمال در مراعات حقوق دیگران است.
 - ۳) نفع فرد در گرو نفع دیگران است
 - ۴) فضایل اخلاقی ضرورت زیست اجتماعی هستند.
- ۱۱۵- فیلسوفان طبیعت‌گرا ریشه فعل اخلاقی را در..... دانسته و نظرات آنها در باره فضیلت اخلاقی مشابه است.

- ۱) منافع طبیعی - اگزستانسیالیست‌ها
- ۲) رفتار طبیعی انسان - داروینیست‌ها
- ۳) منافع طبیعی - دکارتی‌ها
- ۴) رفتار طبیعی انسان - ماتریالیست‌ها

۱۱۶- از نظر کانت وجدان اخلاقی چیست؟

- ۱) معیار فعل اخلاقی حقیقی است که انسان را به سوی عمل خیر دعوت می‌کند
- ۲) معیار سعادت، قوه‌ای است که هدف و منافع شخصی و همگانی را هماهنگ می‌کند
- ۳) معیار سعادت حقیقی است که انسان را به سوی عمل خیر دعوت می‌کند
- ۴) معیار فعل اخلاقی قوه‌ای است که هدف و منافع شخصی و همگانی را هماهنگ می‌کند

۱۱۷- کدام گزینه حالت افراطی قوه غضب و شهوت را نشان می‌دهد؟

- ۱) شهه - تهور
- ۲) تهور - شهه
- ۳) خمودی - ترس
- ۴) ترس - خمودی

۱۱۸- سعادت انسان در نگاه افلاطون در گرو چیست؟

- ۱) عمل کردن به فرمان عقل
- ۲) تعادل میان قوای سه‌گانه
- ۳) خویشتن‌داری و آزادی از هوای نفس
- ۴) نابودی قوای غضب و شهوت

۱۱۹- دیدگاه ابن‌سینا و دیگر فلاسفه مسلمان درباره فضایل و رذائل اخلاقی با نظر ارسطو چه تشابه یا تفاوتی داشت؟

- ۱) در هر دو دیدگاه، عقل منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌هاست و عقل می‌تواند رفتار خوب و بد انسان را تشخیص دهد.
- ۲) فلاسفه مسلمان روح را عامل فضیلت‌هایی مانند عدل و احسان می‌دانستند، ولی ارسطو عقل را عامل آن‌ها می‌دانست.
- ۳) فلاسفه مسلمان عقل را مانع رسیدن به رذیلت‌ها نمی‌دانند، اما از نظر ارسطو اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، به اعتدال می‌رسد.
- ۴) فلاسفه مسلمان عامل ترجیح دادن فضایل اخلاقی و دوری از رذائل و دوری از رذائل را ایمان به خدا می‌دانستند، اما ارسطو تنها بر عقل تأکید داشت.

۱۲۰- دیدگاه فیلسوفان در مورد اخلاق در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- ۱) دیدگاه افلاطون درباره معیار فعل اخلاقی از دیدگاه ارسطو اثر پذیرفته است.
- ۲) از نظر کانت عکس‌العمل وجدان انسان در برابر فعل غیر اخلاقی، مؤید اخلاقی بودن انسان است.
- ۳) رعایت منفعت جمعی از نظر فیلسوفان طبیعت‌گرا صرفاً جهت تأمین منفعت فردی است.
- ۴) نزدیکی دیدگاه ابن‌سینا با افلاطون و ارسطو در مورد فعل اخلاقی، ربطی به مبانی فلسفی او ندارد.

۱۲۱- کدام گزینه بیانگر اشتراک و اختلاف نظریات افلاطون و ارسطو درباره فعل اخلاقی می‌باشد؟

- ۱) سرکوب امیال برای رسیدن به کمالات شناختی و معنوی - کفایت حاکمیت قوه عقل برای رسیدن به سعادت اخلاقی
- ۲) درک مشترک لزوم حاکمیت عقل و اعتدال میان قوا توسط انسان‌ها - برخوردار نبودن حسن و قبح از هرگونه استقلال و صبغه ذاتی
- ۳) درک مشترک لزوم حاکمیت عقل و اعتدال میان قوا توسط همه انسان‌ها - کفایت حاکمیت قوه عقل برای رسیدن به سعادت اخلاقی
- ۴) سرکوب امیال برای رسیدن به کمالات شناختی و معنوی - برخوردار نبودن حسن و قبح از هرگونه استقلال و صبغه ذاتی

۱۲۲- همه گزینه‌ها به جز از دیدگاه‌های کانت می‌باشد.

- ۱) کاری که در آن هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی نباشد، خیر اخلاقی است.
- ۲) کاری که انسان فقط به جهت آنکه وجدان بدان دعوت می‌کند، انجام می‌دهد، فضیلت شمرده می‌شود.
- ۳) عمل هر انسانی باید به‌گونه‌ای باشد که دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دهند.
- ۴) یک چیز همواره مرا به شگفتی وامی‌دارد و آن آسمانی‌ست که بالای سر ماست.

۱۲۳- بهترین تبیین در مورد مقصود کانت از عبارت زیر در کدام گزینه یافت می‌شود؟

«برطبق قاعده‌ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود»

- ۱) معیار فعل اخلاقی را باید در وجدان اخلاقی جست‌وجو کرد که معطوف به سعادت است.
- ۲) به معنای دستوری است که ما را ملزم می‌کند با فرض طلب پیشینی یک غایت، اراده‌مان را به کار گیریم.
- ۳) مستلزم این است که با دیگران به گونه‌ای رفتار کنیم که می‌خواهیم با خود ما رفتار شود.
- ۴) هر کاری که انسان را بدون هیچ هدف و منفعت شخصی انجام دهد، غیر اخلاقی شمرده می‌شود.

۱۲۴- فیلسوفان معیار فعل اخلاقی را در جست‌وجو می‌کنند.

- ۱) یونان باستان / رفتارهای طبیعی
- ۲) مسلمان / رضایت درونی و وجدان
- ۳) منکر بعد روحی / رسیدن به سعادت
- ۴) طبیعت‌گرا / منافع طبیعی

۱۲۵- کدام نظر درباره فعل اخلاقی، با نظرات کانت ناسازگار است؟ (سراسری - ۹۹)

- ۱) قابل تعمیم است.
- ۲) براساس حکم وجدان است.
- ۳) درجهت نیل به سعادت است.
- ۴) احساسات در آن دخالتی ندارد.

۱۲۶- معیار فعل اخلاقی از نظر فیلسوفانی که بُعد روحی و معنوی انسان را باور ندارند چیست؟

- ۱) رفتار طبیعی که متضمن منفعت دیگران باشد.
- ۲) خوب و بد بودن اعمال انسان به صورت کلی.
- ۳) سودمند بودن یا مضر بودن اعمال برای انسان.
- ۴) قانونی بودن یا قانونی نبودن افعال انسان.

۱۲۷- کدام مورد، نظر کانت در زمینه معیار فعل اخلاقی است؟

- ۱) معیار فعل اخلاقی این است که انسان را به سعادت برساند.
- ۲) ریشه‌های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جست‌وجو کرد.
- ۳) قاعد‌های اخلاقی است که بتواند به عنوان قانون کلی و عمومی قرار گیرد.
- ۴) خوب یا بد، عناوینی هستند که بسته به اینکه آن کار سودمند باشد یا نه، به یک فعل داده می‌شود.

۱۲۸- از نظر کانت وجدان اخلاقی چیست؟

- ۱) معیار فعل اخلاقی حقیقی است که انسان را به سوی عمل خیر دعوت می‌کند
- ۲) معیار سعادت، قوه‌ای است که هدف و منافع شخصی و همگانی را هماهنگ می‌کند
- ۳) معیار سعادت حقیقی است که انسان را به سوی عمل خیر دعوت می‌کند
- ۴) معیار فعل اخلاقی قوه‌ای است که هدف و منافع شخصی و همگانی را هماهنگ می‌کند

۱۲۹- کدام گزینه بیانگر اشتراک و اختلاف نظریات افلاطون و ارسطو درباره فعل اخلاقی می‌باشد؟

- ۱) سرکوب امیال برای رسیدن به کمالات شناختی و معنوی - کفایت حاکمیت قوه عقل برای رسیدن به سعادت اخلاقی
- ۲) درک مشترک لزوم حاکمیت عقل و اعتدال میان قوا توسط انسان‌ها - برخوردار نبودن حسن و قبح از هرگونه استقلال و صبغه ذاتی
- ۳) درک مشترک لزوم حاکمیت عقل و اعتدال میان قوا توسط همه انسان‌ها - کفایت حاکمیت قوه عقل برای رسیدن به سعادت اخلاقی
- ۴) سرکوب امیال برای رسیدن به کمالات شناختی و معنوی - برخوردار نبودن حسن و قبح از هرگونه استقلال و صبغه ذاتی

۱۳۰- طبق نظریه اخلاقی افلاطون، انسان نیکبخت کسی است که: (خارج کشور - ۹۹)

- ۱) از میان قوای خود، تنها به قوه عقل که عالی‌ترین قوه است، توجه کند.
- ۲) به چهار فضیلت حکمت، خویشتن‌داری، شجاعت و عدالت آراسته گردد.
- ۳) از امیال و افعال طبیعی دوری کرده و یکسره به انجام فضیلت‌ها بپردازد.
- ۴) عقل او در مقابل قوای شهوت و غضب ایستادگی کرده و اداره بدن را به عهده بگیرد.

پروانه و دوستش درباره موضوعی با هم گفت‌وگو می‌کنند. پروانه به دوستش می‌گوید من برخلاف ارسطو معتقدم انسان یعنی موجود اخلاقی. موضوع این سخن پروانه و دوستش، کدام است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

۱) مسائل اخلاقی ۲) فلسفه اخلاقی ۳) موجودیت انسان ۴) حقیقت انسان

کدام عبارت درست است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) به اعتقاد ارسطو یکی از عملکردهای اخلاقی عقل این است که برای مثال، درک می‌کند فضیلت قوه غضب، خویشتن‌داری است.
- ۲) کانت معتقد است کاری که انسان در آن نفع شخصی نداشته باشد، فضیلت شمرده می‌شود؛ مانند وقتی که از روی دلسوزی به کسی کمک می‌کند.
- ۳) به اعتقاد فیلسوفان مسلمان، گرایش به خیر اخلاقی و تمایلات متضاد با آن، کم و بیش در همه انسان‌ها، چه معتقد به خدا باشند و چه نباشند، وجود دارد.
- ۴) از آن‌جا که فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست فقط منافع شخصی را به رسمیت می‌شناسند، معتقدند هرگاه انسان بتواند، باید به هر میزان که می‌خواهد آزاد باشد.

تست های سنجش ۱۴۰۰

۱۳۳- در رابطه با « تفکر فلسفی » کدام گزاره صحیح به نظر می رسد؟

- (۱) شامل هر انسانی است که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سؤالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.
- (۲) برای رسیدن به این سطح تفکر باید با جدیت و پیوسته به فلسفه پرداخت.
- (۳) انسان پیش از طرح پرسش های فلسفی، به اندوخته های مناسب با این پرسش ها بیندیشد.
- (۴) جدی گرفتن سؤالات و اهتمام برای یافتن پاسخ را در خود ایجاد کند.

۱۳۴- می توان از به عنوان کسی که واژه را عمومی کرد، نام برد.

- (۱) فیثاغورس - فلسفه
- (۲) افلاطون - عالم مثل
- (۳) سقراط - فلسفه
- (۴) گرگیاس - فلسفه

۱۳۵- حقیقتی که از نظر می توان به آن دست یافت عبارت است از

- (۱) افلاطون / عالم سایه ها
- (۲) هراکلیتوس / دگرگونی های پیوسته طبیعت
- (۳) پارمنیدس / واقعیت جاودان و بدون تغییر
- (۴) فیثاغورس / کیهان

۱۳۶- علت این که بسیاری از دانشمندان مانند سقراط خود را دانا نمی دانستند این بود که

- (۱) با سوفیست ها هم ردیف نشوند.
- (۲) عظمت جهان را درک کردند و به اندک بودن سطح دانش خود معترف بودند.
- (۳) جهت کسب آگاهی و دانایی پرسش های مستمر داشتند.
- (۴) مانند سقراط خود را مخاطب پیام سروش معبد دلفی می دانستند.

۱۳۷- از نظر قانونی که انسان آن را در شناخت هر پدیده ای به کار می برد عبارت است

- (۱) ارسطو - مبانی علوم تجربی
- (۲) ابن سینا - علیت
- (۳) افلاطون - معرفت شهودی
- (۴) فارابی - درون نگری

۱۳۸- «من نمی دانم چون شناختم خطا پذیر است» با ویژگی در تعارض است؟

- (۱) پیشرفت دانش بشری
- (۲) اهمیت داشتن شناخت حسی
- (۳) ناتوانی در کسب معرفت
- (۴) شکاکیت نسبی

۱۳۹- دلیل انکار شناخت حسی توسط سوفسطائیان این بود که

- (۱) به اختلاف نظرها و مغالطه های خودشان متوسل شدند.
- (۲) حواس افراد یکسان یا متفاوت گواهی می دهد.
- (۳) شناخت حسی محدودیت دارد و خطا پذیر است.
- (۴) حس ما بازاء بیرونی ندارد.

۱۴۰- ارتباط تعقل با کلام و گفتار در انتخاب واژه «ناطق» در تعریف انسان از این جهت است که

- (۱) استدلال را در قالب الفاظ و کلمات به دیگران انتقال می دهد.
- (۲) عقل گرایان به وجود نفس ناطقه معتقد بودند.
- (۳) مقصود اصلی نطق سخن نیست بلکه تعقل است.
- (۴) مرکز اندیشه های انسان است.

۱۴۱- پیمودن مسیر کمال از نظر سهروردی به وابسته است.

- (۱) کسب نورانیت بیشتر
- (۲) رویت بهتر حقایق هستی
- (۳) اشتیاق به بازگشت به مشرق عالم
- (۴) همراه کردن الهامات و اشراقات به زبان فلسفه

۱۴۲- به اعتقاد شرط لازم برای ممانعت از افراط و تفریط شهوت و غضب است.

- (۱) افلاطون - عقل
- (۲) فلاسفه مسلمان - عقل
- (۳) ارسطو - رشد عقل
- (۴) فلاسفه طبیعت گرا - رفتار طبیعی

۱۴۳ - نتیجه عملکرد سقراط در به رخ کشیدن جهالت سوفیست ها؛ بود.

- (۱) پایه گذاری شالوده تفکر فلسفی
(۲) برافراختن پرچم فضیلت و علم
(۳) تبدیل شدن به چهره جنجالی و بحث برانگیز
(۴) تلاش برای اصلاح جامعه

۱۴۴- عبارت «ما فرزندان دلیل هستیم» را می توان از تفاو تهای با در شاخصه دانست.

- (۱) اندیشمندان / مردم عادی / دوری از مغالطات
(۲) فرهیختگان / فلاسفه / رهایی از عادات غیر منطقی
(۳) دانشمندان تجربه گرا / فلاسفه / استقلال در اندیشه
(۴) فلاسفه / مردم عادی / استقلال در اندیشه

۱۴۵- ماحصل همکاری حس و عقل در دیدگاه کانت، در کدام گزاره به خوبی تبیین شده است؟

- (۱) هنگامی که اثری باستانی را مشاهده می کنیم، آن را در قالب یک ظرف زمانی و مکانی درک می کنیم.
(۲) هر سه مفهوم اثر باستانی، زمان، و مکان مشاهده آن هر سه در قوای ادراکی انسان وجود داشته است.
(۳) هر سه مفهوم اثرباستانی، زمان، و مکان مشاهده آن هر سه از تجربه به دست آمده است.
(۴) مفهوم زمان در قوای ادراکی ما هست ولی مصداق اثرباستانی و مکان آن را از تجربه کسب می کنیم.

۱۴۶- شاخصه های فعلیت یافتن کمالات انسان از دیدگاه حکمت متعالیه به ترتیب عبارت است از:

- (۱) اراده / انتخاب مسیر / ایمان و عمل
(۲) اراده / ایمان و عمل / انتخاب مسیر
(۳) انتخاب مسیر / اراده / ایمان و عمل
(۴) ایمان و عمل / انتخاب مسیر / اراده

۱۴۷- در ارتباط با دیدگاه ماتریالیست ها راجع به حقیقت انسان نمی توانیم بگوییم

- (۱) انسان ها یک ماشین پیچیده هستند نه چیزی بیشتر از آن
(۲) یک ماشین پیچیده است شبیه موتور اتومبیل
(۳) نیازهای مادی نیازهای اصلی انسان را شکل می دهد.
(۴) چیزی به اسم ذهن و روان ندارند.

۱۴۸- در دیدگاه احترام به حقوق آپارتمان نشینی جهت برقراری امنیت و آسایش؛ نیست.

- (۱) ماتریالیست ها / منفعت طبیعی
(۲) فلاسفه مسلمان / جزء تمایلات انسان ها
(۳) ماتریالیست ها / جزء تمایلات انسان ها
(۴) کانت / خیر اخلاقی

۱۴۹ - دو نفر بر سر صاحب بودن کالایی به اختلاف برخوردند. دعوای خود را نزد قاضی بردند. قاضی از آنها دلیل خواست. اولی گفت: آن

کالا را من اول دیدم. دومی مدعی شد: اما من آن کالا را برداشتم. قاضی حکم کرد که هیچ یک از شما صاحب آن کالا نیستید. کدام

گزینه مؤید این داستان می باشد؟

- (۱) علی رغم گستردگی اطلاعاتمان؛ همچنان حوزه دانش ما محدود است.
(۲) گاهی اوقات در شناخت حقیقت، انسان دچار خطا می شود.
(۳) یادگیری یک مسأله حقوقی امری تدریجی است و به مرور کامل می شود.
(۴) می توان به ابعاد غیر محسوس انسان هم از طریق این شناخت دسترسی داشته باشیم.

۱۵۰- توانایی انجام کارها توسط میسر است.

- (۱) طرح پرسش (۲) مواجهه با مسأله (۳) سامان دهی (۴) قدرت اندیشه

۱۵۱- هنگامی که در دعوت دوستان به انجام رفتاری شایسته یا رها کردن گفتاری ناپسند؛ می شنویم که : «من اگر نیکم اگر بد ، تو برو

خود را باش» کدام گزینه معنای نزدیک تری به این عبارت دارد؟

- (۱) فرق یک انسان عادی با فلاسفه در این است که فلاسفه تابع برهان هستند.
(۲) برخی عقاید بدون داشتن پشتوانه ای محکم؛ به صورت یک عادت در آمده اند.
(۳) برخی افراد در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته اند.
(۴) برخی آدم ها در بسیاری موارد به دانشی درست درباره جهان و انسان می رسند.

۱۵۲- اندیشه های کدام یک از فیلسوفان زیر می تواند از حیث منابع اوراک متفاوت از دیگران قلمداد گردد؟

- (۱) هراکلیتوس (۲) پارمنیدس (۳) تالس (۴) ارسطو

۱۵۳- درباره دادگاه سقراط کدام گزینه درست می باشد؟

- (۱) او با چهره ای استوار و گام هایی آرام به سمت جایگاه متهم حرکت کرد.
(۲) دادگاه سقراط را به فاسد کردن جوانان و ب یایمانی به خدایان متهم کرد.
(۳) دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی منطقی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.
(۴) اعتقاد به وجود خدا هم زمان با انکار عدالت فوق بشری در تناقض است.
۱۵۴- این که معرفت شناسی را زیر مجموعه فلسفه بدانیم به این دلیل است که

- (۱) معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است.
(۲) فیلسوفان درباره خود اندیشیدن و شناخت نیز دیدگاه هایی دارند.
(۳) معرفت به مثابه علمی ابزاری، در داخل وجودشناسی قرار می گیرد.
(۴) پرسش های جدی و جدید درباره معرفت مطرح شده است.
۱۵۵- کمک عقل به احساس در و کمک احساس به عقل در است.

- (۱) شناخت تفاوتها - پی بردن به اسرار و رموز
(۲) بهره مندی های متفاوت - شناخت قوانین طبیعی
(۳) شناخت تفاوتها - شناخت قوانین طبیعی
(۴) بهره مندی های متفاوت - شناخت تجربی

۱۵۶- اعتقاد به ادراک حسی جزء مشترک بین کدام دسته از دانشمندان نیست؟

- (۱) ارسطو / پارمنیدس (۲) سوفسطائیان / پروتاگوراس
(۳) فلاسفه مسلمان / هراکلیتوس (۴) پارمنیدس / سوفسطائیان

۱۵۷- هویت نامعلوم در زندگی انسانی با کدام گزاره سازگار است؟

- (۱) انسان باید با اراده خود مسیر تکاملی به سوی خدا را طی کند.
(۲) ظرفیت بی پایان انسان شرط لازم و کافی برای نیل به کمالات است.
(۳) روح انسانی آخرین مرحله تکامل در بین موجودات است.
(۴) مسیرهای تکاملی متفاوتی برای عبور از آنها و طی کردنشان وجود دارد.
۱۵۸- به اعتقاد شرط لازم برای رسیدن به است.

- (۱) ارسطو - پرهیز از افراط و تفریط - رشد عقلی و دستیابی به معرفت
(۲) افلاطون - عدالت - ثابت بودن معیارهای اخلاقی در همه زمانها
(۳) کانت - نیک بختی - شگفت انگیز بودن وجدان
(۴) فلاسفه مسلمان - سعادت - تشخیص رفتار خوب و بد توسط عقل عملی

۱۵۹- کدام گزینه از دلایل تالس برای این عقیده که «آب، اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیزهاست»، نبود؟

- (۱) آب در دمای پایین، سخت می شود.
(۲) گیاهان از آب باران تغذیه می کنند و می رویند.
(۳) آب در درجات بالا، به حالت گاز درمی آید.
(۴) در هر چیزی مقداری رطوبت هست که نشانه آب است.

۱۶۰- کدام گزینه خودمتناقض است؟

- (۱) همه آگاهی های انسان مشکوک است.
(۲) انسان مطلقاً ابزاری برای شناخت ندارد.
(۳) برخی در اصل دانستن شک می کنند.
(۴) شناخت اشیای جهان خارج، همواره خطاست.

۱۶۱- طبق نظریه انسا نشناختی ارسطو، نفس انسان

- (۱) قابلیت حیات دارد، ولی بدون بدن، یک موجود مرده است.
(۲) در هنگام تولد به صورت بالفعل احساس دارد، نه عقل.
(۳) گویا به کمک تصورات و تصدیقات با خود نطق می کند.
(۴) بالفعل نیست، ولی قوه ای دارد که با آن استدلال می کند.

۱۶۲- کدام گزینه در حوزه فلسفه اخلاق درست است؟

- ۱) فعل اخلاقی هر فعلی است که مورد تشویق یا مورد ملامت قرار می گیرد.
 - ۲) فعل طبیعی فعلی است که انسان برای ارضای تمایلات خود انجام می دهد.
 - ۳) از دیدگاه افلاطون معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان» جست و جو کرد.
 - ۴) از نظر ارسطو اعتدال در قوا تحت حاکمیت عقل، عامل خوشبختی است.
- ### ۱۶۳- درباره موضوع دانش فلسفه کدام گزاره نادرست به نظر می رسد؟

- ۱) به کاوش در اصل وجود انسان، جهان و موضوع خاص طبیعت می پردازد.
- ۲) به ژرف ترین نگرانی ها و دغدغه های انسان پاسخ می دهد.
- ۳) به موضوعاتی پرداخته که پایه و اساس سایر دانش ها است.
- ۴) درباره نهادی ترین موضوعات انسان و جهان است.

۱۶۴- آنجایی که دلیلی برای باورهای خودمان نداریم، یعنی.....

- ۱) باورهایمان گاهی با دیگران یکسان می شود و گاهی متفاوت
- ۲) فقط براساس تقلید آنها را پذیرفته ایم.
- ۳) تصمیم گیری براساس آنها غیرممکن می شود.
- ۴) اهداف مبتنی بر این باورها را باید ریشه یابی کرد.

۱۶۵- آشنایی با اندیشه های کدام فیلسوف لزوماً ما را به اعتقاد او به ادراک حسی رهنمون نمی سازد؟

- ۱) پارمنیدس
- ۲) هراکلیتوس
- ۳) فیثاغورس
- ۴) تالس

۱۶۶- در رابطه با سقراط کدام گزینه درست به نظر می رسد؟

- ۱) ذکر نام سقراط به عنوان «دانا» در پیام سروش معبد به این خاطر بود که دانای حقیقی خداست.
- ۲) داناپنداری سقراط توسط گروهی از مردم با اعتراف سقراط به نادانی برطرف شد.
- ۳) مخالفان خود را با همه چالاکي، گرفتار در چنگال بدی نمی دانست.
- ۴) آشکارسازی جهل مدعیان دانش توسط سقراط، داناپنداری او را تقویت کرد.

۱۶۷- ملاصدرا برای کشف..... از مقدمات برهانی و..... استفاده نمود.

- ۱) حقایق الهیات - محتوای یقینی دینی
- ۲) معارف فلسفی - معرفت شهودی
- ۳) سازگاری دین و فلسفه - مطالب کشفی
- ۴) محتوای یقینی دینی - معرفت شهودی

۱۶۸- مقصود ارسطو از «قوه نطق» در کدام عبارت به روشنی بیان نشده است؟

- ۱) بدون آن بدن یک موجود مرده است.
- ۲) حین استدلال گویا با خود نطق می کند.
- ۳) مقصود اصلی صرفاً سخن گفتن نیست.
- ۴) به وسیله آن می توان فحوای استدلال را به مخاطب رساند.

۱۶۹- تناقض بین کدام دو مورد است که فلاسفه مسلمان را به پذیرش وجود نفس در انسان متقاعد می کند؟

- ۱) وجود ارزش های اخلاقی و متعالی - غیرمادی و غیرزمینی بودن نفس
- ۲) شهود عوالم برتر و متعالی - مرغ باغ ملکوت بودن
- ۳) موهبت غیرزمینی و غیرالهی بودن روح - مسجود ملائکه شدن
- ۴) فضای فکری فرهنگی مسلمانان - نشان دادن جایگاه برتر انسان

۱۷۰- ماتریالیست ها معتقد نیستند که.....

- ۱) انسان ها برای رعایت ارزش های اخلاقی آنها را کشف و تدوین کرده اند.
- ۲) آنچه را برای خود می پسندی برای دیگران هم پسند.
- ۳) انسان ها برای منافع طبیعی خود هر کاری را انجام می دهند.
- ۴) سهم شما از آزادی در برابر دیگران به میزان آزادی دیگران در مقابل شما بستگی دارد

درس اول : مسائل پیرامون واقعیت و هستی

هستی و چیستی

یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.

نکته :

- ۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند ، دوحیثیت می یابد : حیثیت موجود بودن و حیثیت چیستی داشتن .
- ۲- وجود ، وجه مشترک موجودات است و ماهیت ، وجه اختصاصی آنها

اصل مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود. **ابن سینا**، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می گوییم دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. وقتی می گوییم انسان موجود است ، تفاوت انسان و وجود فقط در **ذهن** و از جهات مفهوم است ، والا در خارج ، امور جداگانه به نام وجود و انسان نداریم . یعنی در خارج از ذهن واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم . به عبارت دیگر انسان و وجود دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه .

اقسام حمل معمول بر موضوع

در عبارت (انسان حیوان ناطق است) و (انسان موجود است) چه تفاوت هایی به چشم می خورد ؟
حیوان ناطق که معمول جمله اول است در تعریف انسان آمده ، پس انسان همان حیوان ناطق است .
اینگونه حمل ها **ضروری** هستند . (اولی ذاتی)
اما در جمله ی دوم ، مفهوم انسان از مفهوم وجود جداست و جز تعریف به حساب نمی آید .
بنابراین ، حمل مفهوم وجود بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند دلیل است . حال این دلیل ممکن است

۱- حسی و تجربی

۲- یا عقلی محض باشد .

گذری تاریخی

- ۱- ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه وجود را از ماهیت جدا می سازد اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند .
- ۲- بحث مغایرت جود و ماهیت مقدمه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب وامکان) قرار گرفت .
- ۳- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام **توماس آکوئیناس** که با فلسفه ابن سینا آشنا بود این نظر را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی (تومیسم) در اروپا شد.

۱- به ترتیب عبارات « چون حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است، پس بی نیاز از دلیل است» و « اگر مفهوم الف جزء مفهوم ب نباشد الزاماً حمل مفهوم الف بر مفهوم ب نیازمند دلیل است» و هستند.

(۱) درست - درست (۲) نادرست - درست (۳) درست - نادرست (۴) نادرست - نادرست

۲ - با قرار دادن کدام کلمه در جای خالی، نسبت میان موضوع و محمول، وجوبی خواهد بود؟

«کاکتوس است»

(۱) موجود مادی (۲) جسم (۳) مخلوق (۴) رشدکننده در بیابان

۳- حمل شایع صناعی یک حمل ... است، یعنی ...

(۱) ممکن / موضوع می تواند محمول را نپذیرد. (۲) ضروری / تحقق خلاف آن ممکن نیست.

(۳) ممکن / تبیین ذاتیات غیر ضروری موجود است (۴) ضروری / نیاز به ذکر دلیل ندارد.

۴ - کدام گزینه درست است؟

(۱) توماس آکوئیناس در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه افلاطون را در اروپا ترویج کردند.

(۲) فلسفه های حس گرا و تجربه گرا در نتیجه آشنایی اروپائیان با فلسفه ابن سینا، در قرن ۱۶ به وجود آمد.

(۳) توماس آکوئیناس تحت تأثیر ابن سینا، مسئله مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد.

(۴) با ورود اندیشه های ابن سینا و ابن رشد به غرب، اندیشه ارسطویی در اروپا رو به افول رفت.

۵ - اگر فرض کنیم که وجود جزء ماهیت باشد، آنگاه

(۱) تمایزی میان ماهیات نخواهد بود. (۲) هر ماهیتی در جهان خارج موجود بود.

(۳) حمل وجود بر ماهیت نیازمند دلیل بود. (۴) تقسیم وجود به علم و وجود خارجی بی معنا بود.

۶- اگر مفهوم وجود

(۱) جزء مفهوم ماهیت بود، اثبات آن نیاز به دلیل داشت.

(۲) عین مفهوم ماهیت نبود، اثبات آن نیاز به دلیل نداشت.

(۳) جزء مفهوم ماهیت نباشد، اثبات آن نیازمند دلیل است.

(۴) عین مفهوم ماهیت باشد، اثبات آن نیازمند دلیل نیست.

۷ - وقتی که شخصی با اشاره به چیزی می پرسد آن چیز چیست؟ بدین معنا است که آن شخص

(۱) وجود آن را پذیرفته و حمل وجود بر ماهیت را ضروری نمی داند.

(۲) وجود آن را پذیرفته و حمل وجود بر ماهیت را به دلیل عینیت ضروری می داند.

(۳) ماهیت آن چیز را می شناسد و درصدد پی بردن به وجود آن چیز است.

(۴) نه ماهیت آن چیز را می شناسد و نه به وجود آن پی برده است.

۸ - گزاره های کدام گزینه حمل محمول بر موضوع آن نیازمند به دلیل است؟

(۱) مثلث شکل است - مثلث سه ضلعی است (۲) انسان ناطق است - انسان حیوان است

(۳) انسان مخلوق است - حیوان جسم نامی است (۴) انسان موجود است - انسان نویسنده است

۹- اولین مرحله برای رهنمون شدن به سوی تمایز وجود و ماهیت چیست؟

(۱) تصدیق واقعیت برخی امور در جهان (۲) استفاده از کارکرد و جایگاه اشیاء

(۳) پرسش از چگونگی و چیستی موجودات (۴) بررسی و تبیین اهداف و غایات امور

۱۰- از نظر ابن سینا وجود و ماهیت ...

- (۱) دو جزء از یک چیزند.
(۲) در قالب موجود خارجی امتزاج یافته اند.
(۳) موجود به آنها قابل تجزیه است.
(۴) دو جنبه یک چیزند.

۱۱- اگر ماهیتی وجود عینی و وجود خارجی داشته باشد، لزوماً به این معنا است که

- (۱) واجب الوجود بالذات است
(۲) وجود برای آن ضرورت دارد.
(۳) ماهیت آن با وجودش مغایر نیست
(۴) حمل وجود بر آن به دلیل نیاز ندارد.

۱۲- کدام مورد، درست است؟

- (۱) در خارج از ذهن، واقعیتی هست که دو مفهوم وجود و ماهیت را به آن نسبت می دهیم.
(۲) اگر چیستی امری را در ذهن خود حاضرکنیم، به وجود آن پی می بریم.
(۳) هر چیزی که موجود باشد، لاجرم چیستی آن نیز معلوم و روشن است.
(۴) وجه مشترک همه ماهیات، وجود و هستی آنهاست.

۱۳- با فرض وجود اتحاد مفهومی وجود و ماهیت، کدام یک از گزاره های زیر صحیح است؟

- (۱) منشأ اثر بودن شیء به هر دو مفهوم برمی گردد.
(۲) دایره کروی است.
(۳) ماهیت درخت همان ماهیت نهنگ است.
(۴) در حمل شایع صناعی به مشکل برمی خوردیم.

۱۴- کدام مورد، دلیلی برای مغایرت مفهوم وجود و ماهیت محسوب نمی شود؟

- (۱) حمل وجود بر هر چیستی ای، نیازمند دلیل است.
(۲) مفهوم وجود جزو تعریف هیچ ماهیتی قرار نمی گیرد.
(۳) میان وجود با چیستی و ماهیت، رابطه ضروری و وجوبی برقرار نیست.
(۴) در عالم خارج از ذهن، واقعیتی است که دو مفهوم وجود و ماهیت را به آن نسبت می دهیم.

۱۵- کدام گزینه در مورد عبارت «انسان موجود است» صحیح نیست؟

- (۱) انسان و وجود دو مفهوم متفاوت اند نه دو موجود جداگانه
(۲) انسان و وجود هم دو مفهوم مختلف اند هم دو موجود جداگانه
(۳) تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است.
(۴) در خارج از ذهن واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم.

۱۶- در رابطه با توماس آکوئیناس، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) از برهان وجوب و امکان در خداشناسی بهره برده است.
(۲) فلسفه وی امروزه نیز دارای طرفدارانی است.
(۳) وی در راستای عقلی کردن عقاید مسیحیت بسیار تلاش نمود.
(۴) وی با پیروان ابن رشد مشاجرات علمی داشت و نه خود ابن رشد.

۱۷- تصور اشیاء و موجوداتی که دستکم تاکنون موجود نبوده اند چگونه اشکال عینیت مفهوم وجود با ماهیت را مرتفع می سازد؟

- (۱) برخی امور هستند که چیست ایشان برای ما روشن است اما مطمئن نیستیم به این روشنی وجود دارند.
(۲) حمل مفهوم وجود بر ماهیت نیازمند دلیل عقلی است و چون این حمل شایع صناعی است دلیل نداریم.
(۳) با پذیرش این اصل که حمل اولی ذاتی ب ین نیاز از دلیل است عینیت مفهوم وجود با ماهیت مرتفع می شود.
(۴) به صرف تصور آن شی یا موجود خیالی، وجودش محقق می شد که با قاعده رفع تالی پذیرفته نمی شود.

۱۸- «عینیت مفهوم وجود و ماهیت در ذهن» / «اختلاف مفهوم وجود و ماهیت در ذهن» / «عینیت مفهوم وجود و ماهیت در خارج» به

ترتیب موصوف به چه وصفی می باشند؟

- (۱) مردود - قبول - قبول
(۲) قبول - قبول - مردود
(۳) مردود - قبول - مردود
(۴) قبول - مردود - مردود

۱۹- با توجه به مغایرت وجود و ماهیت،

- (۱) وجود انسان‌های جهان از ماهیت آنها جدا است.
(۳) وجود و ماهیت انسان دو مفهومی کاملاً متفاوت است.

۲۰- در کدام گزینه‌ها، همه حمل‌ها ضروری است؟

- (۱) انسان ناطق است / مثلث شکل است / آب سیال است .
(۳) آب شور است / مثلث سه ضلعی است / انسان حیوان ناطق است .

۲۱- حمل مفهوم زیبایی بر موضوع طوطی در قضیه ی «طوطی زیباست» مانند حمل مفهوم بر است.

- (۱) پرنده / مرغابی / اولی ذاتی
(۳) جسم / شکل / اولی ذاتی
(۲) شکل / ذورنقه / شایع صناعی
(۴) گران قیمت / ماشین شاسی بلند / شایع صناعی

۲۲- استدلال مغایرت مفهوم وجود و ماهیت در کدام گزینه مطرح است؟

- (۱) با یقین به وجود یک شی در اطراف ما لزوماً ماهیتش بر ما آشکار نیست.
(۲) حمل اولی ذاتی بی نیاز از دلیل است اما حمل شایع صناعی نیازمند دلیل است.
(۳) وجود وجه مشترک بین موجودات و ماهیت وجه اختصاصی آنهاست.
(۴) مبنایی برای یکی از پراهمین خدانشناسی ابن سینا است.

۲۳- حضور ماهیات فراوان در ذهن بدون اثبات و اعتقاد به وجود آنها بدین معنی است که

- (۱) ممتنع الوجود بالذات محال است که از حالت تساوی بین وجود و عدم خارج گردد.
(۲) عینیت مفهوم وجود با ماهیت در ذهن ممتنع می باشد.
(۳) مصادیق مفهوم وجود و ماهیت در عالم خارج از ذهن یگانه نیست.
(۴) ماهیات وجه اختصاصی موجودات است و وجود وجه اشتراکی آنهاست.

۲۴- در ارتباط با مغایرت وجود و ماهیت کدام گزاره صحیح نمی باشد؟

- (۱) حمل ذاتی یک ماهیتی بر آن ماهیت بی نیاز از دلیل است.
(۲) بین ماهیت انسان و مفهوم وجود، رابطه ذاتی برقرار است.
(۳) عینیت مفهوم وجود و ماهیت بی نیاز از دلیل می شد.
(۴) فارابی نکاتی را در تمایز این دو مفهوم ارائه کرد.

۲۵- در کدام گزاره، نمی توان از دلیل حمل سوال کرد؟ (خارج کشور - ۹۹)

- (۱) زمستان سرد است
(۲) انسان فانی است .
(۳) پلاتین فلز است .
(۴) خدا جاودانه است

۲۶- کدام عبارت بیانگر دلیل مغایرت مفهوم وجود با ماهیت است؟ (سراسری - ۹۹)

- (۱) مفهوم وجود را می توان بر ماهیت حمل کرد .
(۲) چیزهایی وجود دارند که دارای ماهیت نیستند .
(۳) می توان ماهیاتی را تصور کرد که موجود نیستند.
(۴) سلب وجود از ماهیت ، در ذهن و در خارج امکان پذیر است .

۲۷-

حمل یگانه بر غنی بالذات، از نظر نسبت، مانند کدام حمل است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) شکل بر ذورنقه
(۲) گیاه بر دارای حیات
(۳) منحصر به فرد بر مولود کعبه
(۴) ذورنقه بر دارای چهار ضلع

آیا موجودات این جهان، چه متناهی و چه نامتناهی می توانسته اند نباشند؟

مفاهیم سه گانه

۱- مجموع دو ضلع مثلث بزرگتر از ضلع سوم است. (رابطه ی وجوبی)

محمول در این گونه قضایا ضرورتاً بر موضوع خود حمل می شوند .

۲- ارتفاع و میانه مثلث یکی است. (رابطه ی امکانی)

حمل محمول بر موضوع خود ، امکانی است ، یعنی هم می تواند حمل شود و هم می تواند حمل نشود .

۳- مجموع زوایای مثلث سه قائمه است. (رابطه ی امتناعی)

در این رابطه برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است .

ممکن الوجود بودن اشیاء

وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

طرح یک سوال

اینجا این سوال مهم پیش روی فلاسفه قرار می گیرد: اگر انسان، گیاه، حیوان و همه ی چیزهایی که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتاً و ماهیتاً نسبت به وجود حالت «امکان» دارند، چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده اند؟

پاسخ ابن سینا

اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب نماید. بنابراین، اشیا جهان «واجب الوجود بالغير» هستند. واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است، نه از یک امر بیرونی .

واجب الوجود بر دو قسم است: ۱- واجب الوجود بالذات ۲- واجب الوجود بالغير

نگاهی به تاریخ

۱- توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از بن سینا تبعیت می کرده است، این برهان را نیز در اروپا گسترش داد.

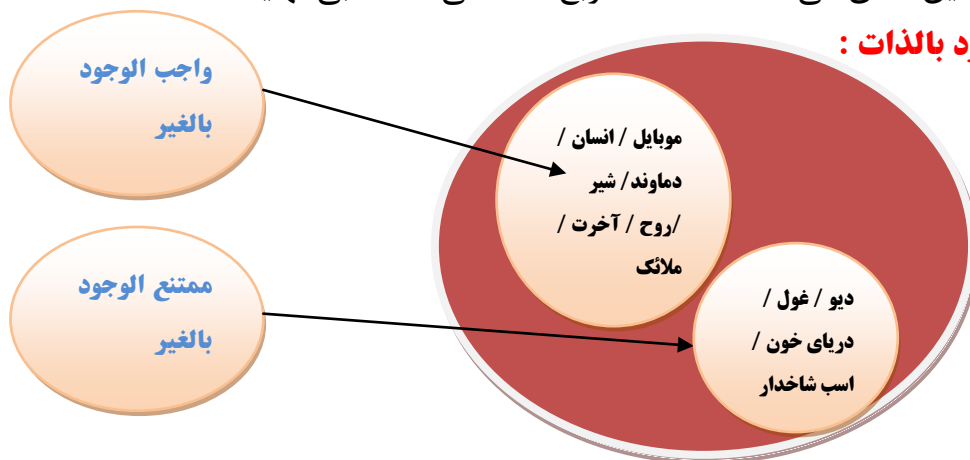
وجوبی / امکانی / امتناعی

| مواد قضا یا | مواد ثلاث |
|---|---|
| محمول شما می تواند هر چیزی باشد . برای فهم رابطه به امر واقع مراجعه می کنیم . | محمول شما مفهوم وجود است . |
| وجوبی: فلزات به واسطه حرارت منبسط می شوند. | وجوبی: خدا وجود دارد فدا = واجب الوجود بالذات (ماهیت) |
| امکانی: آب در ۱۰۰ درجه می جوشد. دیوار خانه ما سفید است . خوزستان در تابستان گرم است . | امکانی: انسان وجود دارد دیو وجود دارد موبایل وجود دارد اسب شادار وجود دارد انسان / دیو = ممکن الوجود بالذات |
| امتناعی: عدد ۸ فرد است | امتناعی: شریک خدا وجود دارد جمع شب و روز وجود دارد شریک فدا / جمع شب و روز = ممتنع الوجود بالذات |

ممکن الوجود بالذات: ماهیتی است که نسبت آن به وجود و عدم لاقتضا (تساوی) است. در لحظه ی وجود این ماهیت نه می تواند / نه می خواهد / که بین وجود و عدم انتخاب کند .
ممتنع الوجود بالذات: حتی نمی توان این ماهیات را تصور کرد! حمل مفهوم وجود بر آنها حتی در ذهن محال است.

اجتماع نقیضین اتفاق می افتد. مانند: مربع ۵ ضلعی / عدد بی نهایت

ممکن الوجود بالذات:



۲۸- در مورد تفاوت اصلی نظریه امکان فقری با نظریه امکان ماهوی، کدام عبارت مناسب تر است؟ (سراسری - ۹۹)

(۱) لازمه امکان فقری، فقر وجودی و لازمه امکان ماهوی وجوب بالغیر است.

(۲) در نظریه امکان فقری، فقر و نیاز از ناحیه خود ذات است، نه از ناحیه امری بیرونی.

(۳) در نظریه امکان فقری، نیازمندی، به وجود موجودات باز می گردد، نه به ماهیت آن ها.

(۴) در نظریه امکان فقری، به جای نگاه کردن به ماهیت، به حالت امکانی آن نگاه می کنیم.

۲۹- درباره حقیقتی که رابطه اش با «وجود» ذاتا ضروری باشد، چه می توان گفت؟

(۱) تاکنون به وجود آمده است.

(۲) علتی برای آن پیدا نمی شود.

(۳) امکان ذاتی اش برطرف شده است.

(۴) می تواند واجب الوجود بالغیر باشد.

۳۰- درباره «مثلث چهار ضلعی» می توان گفت :

(۱) در عالم خیال قابل تصور نیست.

(۲) ممتنع الوجود بالغیر است.

(۳) ذاتاً ممکن اما امتناع وجود دارد.

(۴) مصداق آن ماهیت ندارد.

۳۱- از اینکه «کلاغ می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد» کدام گزینه قابل استنتاج است؟

(۱) کلاغ ذاتاً واجب الوجود نیست، اما واجب الوجود بالغیر است.

(۲) حمل چیستی و ذاتیات کلاغ بر خودش به دلیل نیاز ندارد.

(۳) موجود بودن کلاغ، اجمال آن و تعریفش، گستردگی آن است.

(۴) میان چیستی کلاغ و وجود آن، رابطه جدایی ناپذیر برقرار نیست.

۳۲- کدام عبارت، دیدگاه ملاصدرا درباره «امکان فقری» نمی باشد؟

(۱) فقر و نیاز ذاتی در موجودات باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی برخوردار باشد.

(۲) غنی بالذات، همان خداوند است که همه موجودات به او وابسته اند.

(۳) در میان موجودات، نمی توان موجودی یافت که وابستگی به غیر سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد.

(۴) امکان فقری یعنی موجودات نسبت به وجود حالت امکانی داشته و با وجود علت به ضرورت برسد.

۳۳- کدام گزینه تفاوت دو منظر امکان ذاتی و امکان فقری را بیان میکند؟

(۱) برخورداری ذات خداوند از غنا و بی نیازی در امکان ذاتی

(۲) پرداختن امکان فقری به ممکن بودن موجودات در بین وجود و عدم

(۳) توجه به واقعیت در عوض توجه به ذات اشیاء در امکان فقری

(۴) علت موجهه و علت مبقیه بودن ذات خداوند در منظر امکان ذاتی

۳۴- در هر یک از قضایای زیر به ترتیب چه رابطه ای بین موضوع و محمول برقرار است؟

« گیاه جسم نامی است - جن و انس وجود دارند - مربع شکل متساوی الاضلاع است - دایره چهارضلعی وجود دارد »

(۱) وجوب - امتناع - وجوب - امکان

(۲) امکان - وجوب - امتناع - امکان

(۳) وجوب - امکان - وجوب - امتناع

(۴) امکان - وجوب - امتناع - امکان

۳۵- کدام گزینه نادرست است؟

(۱) واجب الوجود بالذات تنها خداوند است.

(۲) مفاهیم متعددی میتواند در جایگاه موضوع و محمول رابطه وجوبی بسازند.

(۳) واقعیات جهان آفرینش همگی ممکن الوجود هستند.

(۴) در تقابل با واجب الوجود تنها یک مفهوم ممتنع الوجود داریم که شریک الباری است.

۳۶- کدام گزینه درباره نظریه «امکان فقری» ملاصدرا درست است؟

- ۱) نظریه ملاصدرا از تحلیل ذاتی ماهیت به دست نمی آید، بلکه با نظر به خود موجود حاصل می شود.
- ۲) از نظر ملاصدرا موجودات ماهیت فقری دارند و بنابراین نیازمند به واجب الوجود هستند.
- ۳) موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن الوجودند به همین دلیل از خود هیچ استقلالی ندارند.
- ۴) امکان فقری در نظر ملاصدرا همان امکان ماهوی در نظر ابن سینا است.

۳۷- کدام مورد، درست است؟

- ۱) ملاصدرا موجود را به دو قسم واجب الوجود و ممکن الوجود تقسیم میکند.
- ۲) طبق نظریه امکان ذاتی ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه متعلق به ذات الهی است.
- ۳) از نظر ابن سینا، موجودات جهان، وجوب وجود خود را از واجب الوجود بالذات دریافت میکنند.
- ۴) به عقیده ابن سینا رابطه وجود با موجودات یا ضروری است، یا امکانی و یا امتناعی.

۳۸- کدام مورد، با نظر ابن سینا هماهنگ است؟

- ۱) واجب الوجود، یا واجب الوجود بالذات است یا بالغير.
- ۲) تمام اشیای جهان، یا واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود.
- ۳) در میان موجودات طبیعت موجودی وجود دارد که غنی بالذات است.
- ۴) اگر اشیاء جهان بی نهایت باشند، به واجب الوجود بالذات نیازمند نخواهند بود.

۳۹- در کدام قضیه رابطه ی وجوبی برقرار است؟

- ۱) درخت ممکن الوجود بالذات است
- ۲) غول یک چشم، ممتنع الوجود است.
- ۳) خداوند واجب الوجود بالغير است.
- ۴) انسان واجب الوجود بالذات است.

۴۰- طبق برهان امکان فقری

- ۱) هر معلولی برای خروج از حالت امکان به ذات حق نیازمند است.
- ۲) رابطه علت و معلول بعد از وجود یافتن برطرف می شود.
- ۳) تنها وجودهای وابسته، به ذات الهی نیازمند هستند.
- ۴) خداوند، بی واسطه و دیگر موجودات به وسیله او غنای ذاتی دارند.

۴۱- هرگاه نسبت «دایره مستطیل و دریای جیوه و آخرت و خداوند و انسان» را با وجود در نظر آوریم، به ترتیب، ذاتاً چه قسم وجودی خواهند بود؟

- ۱) امکانی - امکانی - وجوبی - وجوبی - وجوبی
- ۲) امتناعی - امکانی - امکانی - وجوبی - امکانی
- ۳) ممتنع الوجود - ممکن الوجود - ممکن الوجود - واجب الوجود - ممکن الوجود
- ۴) ممکن الوجود - ممتنع الوجود - واجب الوجود - واجب الوجود - واجب الوجود

۴۲- واجب الوجود بالغير قبل از ایجاب و ایجاد چگونه است؟

- ۱) معلولی است که ضرورتاً باید موجود شود.
- ۲) ممکن الوجودی است که امکان موجود شدن را ندارد.
- ۳) واجب الوجودی است که وجوب و وجودش در حالت تساوی است.
- ۴) ماهیتی است ذاتاً ممکن، که نسبت به وجود و عدم ترجیحی ندارد.

۴۳- کدام گزینه در خصوص دیدگاه ملاصدرا نادرست است؟

- ۱) واقعیاتی که موجود هستند، همگی عین نیاز و وابستگی هستند.
- ۲) ملاصدرا نیاز و وابستگی موجودات را امکان فقری نامید.
- ۳) منظور ملاصدرا از امکان فقری دقیقاً همان امکان ماهوی ابن سینا است.
- ۴) فقر و نیاز ذاتی موجودات باید به منبعی که غنای ذاتی دارد متصل باشد.

۴۴- کدام عبارت بیانگر دیدگاه ابن‌سینا در مورد اثبات خداوند است؟

- (۱) دیدگاه ابن‌سینا برای اثبات خداوند مبتنی بر مشاهده حالت امکانی واقعیت‌ها است.
- (۲) ابن‌سینا مبنای استدلال خود را بی‌نیازی خداوند و نیازمندی موجودات قرار داده است.
- (۳) استدلال ابن‌سینا برای اثبات خداوند از تساوی ماهیت نسبت به وجود و عدم آغاز می‌شود.
- (۴) ابن‌سینا معتقد بود هر ذاتی به خاطر امکان ماهوی خود به خالق نیازمند است.

۴۵- رابطه عام و خاص مطلق بین کدا میک از گزینه های زیر برقرار می شود؟

- (۱) واجب الوجود بالذات و ممکن الوجود بالغیر
- (۲) ممکن الوجود بالذات و ممتنع الوجود بالغیر
- (۳) ممکن الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر
- (۴) واجب الوجود بالذات و ممکن الوجود بالذات

۴۶- وقتی ماهیت «اسب تک شاخ» را در نظر می گیریم کدام عبارت درباره آن صحیح به نظر می رسد؟

- (۱) هم چنان در حالت امکانی باقی مانده است و ممکن الوجود بالذات است.
- (۲) منعی برای به وجود آمدنش نیست لذا ممتنع الوجود بالغیر است.
- (۳) وقتی تحقق امری برای ماهیتی امتناع ذاتی داشته باشد آن امر نمی تواند موجود شود.
- (۴) از این حیث که واجب الوجود بالغیر است از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته است.

۴۷- وقتی ماهیتی توسط عاملی از حالت تساوی بین وجود و عدم خارج می گردد است.

- (۱) ممکن الوجود بالغیر
- (۲) ممکن الوجود بالذات
- (۳) واجب الوجود بالغیر
- (۴) ممتنع الوجود بالغیر

۴۸- با توجه به اینکه موجودات از نظر ذاتی یا واجب الوجود هستند و یا ممکن الوجود ، آنچه بین ممکن الوجود ها از حیث بودن یا نبودن ، تفاوت می گذارد

- (۱) وجوب یا امتناع یک عامل جود بخش دیگر است .
- (۲) ذات خودشان است که نیاز به وجوبی از ناحیه غیر دارد.
- (۳) وجود یک علت است که حالت امکانی اش رفع شده باشد.
- (۴) ماهیت عامل ایجاد کننده یک ممکن الوجود است .

۴۹- ماهیات موجود به واسطه علت خارج از ذات خود نامیده می شوند.

- (۱) ممکن الوجود بالذات
- (۲) واجب الوجود بالغیر
- (۳) ممتنع الوجود بالغیر
- (۴) واجب الوجود

۵۰- کدام عبارت ، تعریف واجب الوجود بالغیر است ؟ (خارج کشور - ۹۹)

- (۱) چیزی که بر حسب ذات خود ممکن الوجود است
- (۲) ماهیتی که چیستی خود را از علت دریافت می کند .
- (۳) موجودی که ضرورت وجود او از ناحیه دیگری است .
- (۴) ماهیتی که وجوب خود را از ماهیت دیگری می گیرد .

-۵۱

پدیده «A»، کدام یک از موارد باشد تا بتوانیم بگوئیم از حالت امکان ذاتی به حالت وجوب بالغیر رسیده است؟

- (۱) A، ساختمانی در ذهن یک معمار است. (سراسری - ۱۴۰۰)
- (۲) A، نهال یک بذر است که باغبان می خواهد آن را بکارد.
- (۳) A، خاکستر چوبی است که قرار است در آتش انداخته شود.
- (۴) A، حرکت مژگان چشم است زمانی که پلک‌ها حرکت می‌کنند.

رابطه علیت :

- ۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی ، مسئله علت و معلول است .
- ۲- شاید نخستین مسئله ای است که فکر بشر را به خودش متوجه ساخته و را به تفکر وادار کرده است .
- ۳- علت : چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد ، معلول هم پدید نمی آید ، یعنی در وجود بدان نیازمند است .
- ۴- رابطه ی علیت رابطه ای وجود است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد.

منشأ پذیرش درک رابطه ی علیت

دیدگاه برخی فیلسوفان اروپایی

دکارت : اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد .
درک این رابطه نیاز به تجربه و آموزش ندارد.
تجربه گرایان : انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه ی علیت را بنا می نهد.
دیوید هیوم : درک علیت از این طریق هم ممکن نیست ، چون علیت مفهومی فراتر از حس است . حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد .
تداعی روانی بین پدیده ها

دیدگاه فلاسفه مسلمان

اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید ، زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است .
همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع نقیضین شد ، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند .
زیرا : اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد ، به معنای آن است که چیزی که نیست ، باشد و این ، همان اجتماع نقیضین است که محال است .
حکمت: بعد از درک علیت ، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم ، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم . کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد .
ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می کرده است، به گونه ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می گوید: «آری ، درک این رابطه و پی بردن به علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست ، زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به همراه هم آمدن یا به دنبال هم آمدن برخی پدیده ها را درمی یابیم ، اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست .» لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

سنفیت علت و معلول

هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود .
نتیجه ی اصل علیت : انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد و به همین سبب می کوشد ویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند .
حکمت: برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد ، باید از تجربه کمک بگیریم .
با قبول اصل سنخیت می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد .

و جوب علی و معلولی

ابن سینا : آنچه به معلول ضرورت می دهد ، علت است .

معلول با قطع نظر از علت ، امکان ذاتی دارد ، یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است ، با آمدن علت ، وجود معلول ضرورت می یابد .

علت :

- علت تامه (حقیقی)**
- ۱- شرط لازم و کافی برای تحقق معلول است
 - ۲- وجود دهنده و هستی بخش به معلول است
 - ۳- انفکاک معلول از علت تامه خود ، محال است

علت ناقصه

- ۱- فقط شرط لازم برای وجود معلول است .
- ۲- وجود معلول به نحوی از انحا به آن وابسته است .
- ۳- انفکاک معلول از علت ناقصه خود ممکن (جایز) است .

خلاصه :

1) عقل گرایان (دکارت – فرانسوی)

1- مفهوم فطری

2- ذاتی / اولیه / بدیهی

3- برای فهم (درک رابطه) آن نیازی به تجربه نیست .

4- اما برای درک مصادیق آن نیازمند تجربه هستیم .

2) آمپریست ها (تجربه گرایان) الف (عموم تجربه گرایان :

1- توالی پدیده ها

2- بناکردن رابطه علیت

3- فهم ضرورت از طریق تجربه

1- تداعی ذهنی

2- مفهومی روانی

3- علیت چون ریشه در تجربه ندارد ،

ب (دیوید هیوم

بنابراین نمی توان آن را تایید کرد . علیت وجود ندارد .

3) فیلسوفان مسلمان (ابن سینا)

1) علیت یک اصل عقلی است

2) با توجه به اصل امتناع اجتماع نقیضین ساخته می شود .

3) ولی مادرزاد نیست .

4) همه تجربه ها بر اساس این اصل ساخته می شوند .

۵۲- دربارهٔ مفاد کدام عبارت، میان ابن سینا و هیوم اختلاف نظر وجود دارد؟

- ۱) به دنبال هم آمدن دو حادثه، نشان دهندهٔ تأثیرپذیری یکی از دیگری نیست.
- ۲) به جز حس و تجربه راهی برای اثبات یا رد اثر آتش بر سوختن اشیاء نداریم.
- ۳) حواس ما گواهی می دهد که برخی از حوادث، همواره پی درپی اتفاق می افتند.
- ۴) با حس و تجربه نمی توانیم علت و رابطه ضروری بین علت و معلول را درک کنیم.

۵۳- تسلسل علل نامتناهی محال است، زیرا

- ۱) اگر سلسلهٔ علت ها متوقف نشود، نوبت به عضو ابتدایی نمی رسد.
- ۲) هیچ گاه تعداد بی نهایت از چیزی امکان پذیر نیست.
- ۳) عضو اولی نداریم که با اتکا به وجودش بقیهٔ سلسله هم پدید آیند.
- ۴) هر علتی نهایتاً به یکی از معلول های خود وابسته می شود.

۵۴- هیوم برهان نظم را نمی پذیرد چون

- ۱) این برهان یک برهان عقلی است و با مبانی تجربه گرایی ناسازگار است.
- ۲) نظم امری نیست که بتوان آن را با حس و تجربه ادراک و یا اثبات کرد.
- ۳) اثبات ناظم از وجود نظم نادرست و اثبات نظم از وجود ناظم صحیح است.
- ۴) اگر موجودی ناظم و ضامن نظم کل جهان هستی باشد می تواند خدا نباشد.

۵۵- پاسخ ابن سینا به هیوم درخصوص انکار اصل علیت در کدام گزینه کامل تر بیان شده است؟

- ۱) ما از طریق حس و تجربه دو پدیده می بینیم و این همان رابطه علیت است.
- ۲) درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست لذا تجربه گرا نمی تواند آن را تبیین کند.
- ۳) به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت است که با دقت پی به آن می بریم.
- ۴) برای درک علیت، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم و کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.

۵۶- کدام گزینه دیدگاه دکارت را دربارهٔ منشأ ادراک علیت نقض می کند؟

- ۱) ذهن انسان در هنگام تولد مانند یک لوح سفید نانوخته است.
- ۲) فهم اصل علیت نمی تواند همراه با فهم اصل امتناع اجتماع نقیضین نباشد.
- ۳) یافتن مصداق های علت و معلول فطری است و نیاز به تجربه ندارد.
- ۴) از مشاهدهٔ توالی حوادث، یک امر روانی تداعی گر علیت در ذهن شکل می گیرد.

۵۷- باور به وجود رابطه میان غذا خوردن و رفع گرسنگی بیش از همه نشانهٔ پذیرش کدام اصل است؟

- ۱) اصل علیت
- ۲) اصل امتناع ترجیح بلامرجح
- ۳) اصل سنخیت میان علت و معلول
- ۴) اصل وجوب بخشی علت به معلول

۵۸- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند که: ...

- ۱) پی بردن به اصل علیت از طریق حس و تجربه حاصل می شود.
- ۲) انسان همین که ذهنش شکل گرفت، درمی یابد که پدیده ها خودبه خود به وجود نمی آیند.
- ۳) انسان همین که متوجه امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی یابد که پدیده ها خودبه خود، به وجود نمی آیند.
- ۴) انسان از به دنبال هم آمدن پدیده ها یا به همراه هم آمدن برخی پدیده ها پی به اصل علیت می برد.

۵۹ - کدام گزینه برای تکمیل عبارت زیر نادرست است؟

بنا بر وجوب علی و معلولی، اگر علت موجود باشد،
(۱) معلول وجوب بالغیر خواهد داشت.

(۲) ممکن نیست معلول موجود نباشد.

(۳) علت به معلول وجوب وجود می دهد.

(۴) یک عامل بیرونی لازم است تا معلول موجود شود.

۶۰ - کدام فیلسوف اروپایی «برهان علت العلل» را پوچ می داند؟

(۱) برتراند راسل - رابطه علیت قابل اثبات نیست لذا نیاز به عله العلل برطرف می شود.

(۲) برتراند راسل - اگر چیزی باید علتی داشته باشد، خدا نیز نیازمند علت است.

(۳) هیوم - اگر چیزی باید علتی داشته باشد، خدا نیز نیازمند علت است.

(۴) هیوم - رابطه علیت قابل اثبات نیست لذا نیاز به عله العلل برطرف می شود.

۶۱ - کدام گزینه با دیدگاه دکارت درباره علیت ناموافق، ولی با دیدگاه فیلسوفان مسلمان موافق است؟

(۱) انسان از بدو تولد با عقل خود علیت را درک می کند، ولی درک مصداق های علت و معلول مادرزادی نیست.

(۲) رابطه علیت با حس و تجربه درک نمی شود، ولی شناخت علل حوادث، همواره نیاز به استفاده از حس و تجربه دارد.

(۳) اصل رابطه علیت با استدلال عقلی محض درک می شود، ولی کشف مصادیق آن ممکن است نیاز به حس و تجربه داشته باشد.

(۴) رابطه علیت و کشف مصداق های علت و معلول فطری نیستند، ولی کاملاً عقلی اند و حس و تجربه و آموزش در آن ها دخالتی ندارد.

۶۲ - اگر ساختار هر قانون علوم تجربی را «هیچ الف ب نیست» یا «هر الف ب است» بدانیم، اصل سنخیت ضامن کدام جزء ساختاری

قانون است؟

(۱) سور (۲) موضوع (۳) محمول (۴) نسبت

۶۳ - کدام گزینه مفاد اصل «وجوب علی و معلولی» را به درستی توضیح می دهد؟

(۱) هر واجب الوجودی ضرورتاً موجود است.

(۲) تخلف معلول از علت ضرورتاً محال است.

(۳) علت ضرورتاً معلول خاص خود را دارد.

(۴) هر پدیده ای ضرورتاً در پی علتی ایجاد می شود.

۶۴ - اگر فرض کنیم در یک ترازو دو کفه آن به حالت تعادل در برابر یکدیگر ایستاده باشند، سپس بدون هیچ عاملی یک کفه بر کفه

دیگر سنگینی کند، کدام گزینه رخ داده است؟

(۱) دور در علل (۲) ترجیح بلا مرجح (۳) تسلسل علل نامتناهی (۴) امتناع ارتفاع و اجتماع دو نقیض

۶۵ - در حقیقت یکی از نقدهای هیوم بر دیگر امپریست ها در باب منشأ ادراک علیت چیست؟

(۱) ضرورت با تجربه قابل ادراک نیست.

(۲) توالی پدیده ها یک تداعی روانی است.

(۳) حس و تجربه تنها راه شناخت علیت نیست.

(۴) رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار نیست.

۶۶ - در کدام گزینه به ترتیب به وجه شباهت و وجه تفاوت نظریه دکارت و ابن سینا در باب علیت اشاره شده است؟

(۱) عدم ادراک علیت با حس و تجربه - بی نیاز بودن علیت به استدلال

(۲) ادراک علیت به صورت فطری - ادراک علیت به صورت مادرزادی

(۳) یافتن مصادیق علت و معلول با تجربه - ادراک علیت به صورت اصلی ضروری

(۴) ادراک علیت به صورت غیراکتسابی - درک علیت به عنوان یکی از مفاهیم اولیه

۶۷ - زمانی که درختی میوه می دهد،

(۱) عقل، علت میوه را می یابد.

(۲) حس، رابطه علیت را کشف می کند.

(۳) ذهن، به طور فطری به دنبال علت می گردد.

(۴) تجربه، علت و معلول را پیدا می کند.

۶۸- از نظر فیلسوفان مسلمان سیر کشف اصل علیت توسط عقل به ترتیب مطابق کدام گزینه است؟

- ۱- اصل امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین ← اصل امتناع ترجیح بلامرّح ← اصل علیت
- ۲- اصل امتناع ترجیح بلامرّح ← اصل امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین ← اصل علیت
- ۳- اصل امتناع ترجیح بلامرّح ← اصل حدوث ← اصل علیت
- ۴- اصل حدوث ← اصل امتناع و اجتماع و ارتفاع نقیضین ← اصل علیت

۶۹- کدام مورد، دربارهٔ رابطهٔ علیت درست است؟

- (۱) این اصل با حس و تجربه و یا استدلال عقلی قابل درک است.
- (۲) رابطه ای وجودی است که یک طرف به طرف دیگر نیازمند است.
- (۳) به دنبال هم آمدن دو حادثه، نشان دهندهٔ رابطهٔ علیت میان آنها است.
- (۴) بعد از وجود دو طرف، که یکی معلول و دیگری علت است، آن رابطه برقرار می شود.

۷۰- طبق نظر ابن سینا کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) درک رابطهٔ علیت توسط تجربه امکان پذیر نیست.
- (۲) از طریق حس و تجربه تنها همراهی یا به دنبال هم آمدن پدیده‌ها را می بینیم.
- (۳) به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت است.
- (۴) افراد صرفاً تجربه‌گرا نمی‌توانند تبیین قانع کننده‌ای از علیت داشته باشند.

۷۱- چرا دانشمندان مسلمان اصل علیت را قاعده‌ای عقلی می‌دانند؟

- (۱) زیرا درک این رابطه از طریق تجربه امکان پذیر نیست.
- (۲) زیرا به دنبال آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست.
- (۳) زیرا ما از طریق تجربه فقط به دنبال آمدن یا همراه آمدن پدیده را در می یابیم.
- (۴) زیرا هر دادهٔ تجربی خود مبتنی بر این قاعده است.

۷۲- کدام مورد مبنای انکار اصل علیت توسط هیوم شمرده می شود؟

- (۱) توجه به توالی مکرر برخی حوادث
- (۲) یکی دانستن معرفت با تجربه حسی
- (۳) محدود کردن محدوده شناخت به عادات ذهنی
- (۴) توجه به تاثیر مشاهدات در ایجاد عادت ذهنی

۷۳- تفاوت اساسی رابطهٔ علیت و رابطهٔ بین اجزای یک ساعت در چیست؟

- (۱) وجود داشتن اطراف رابطه بعد از برقراری رابطه
- (۲) عدم ایجاد رابطه مگر با خواست یک طرف آن
- (۳) ایجاد یک طرف رابطه با شکل گیری رابطه
- (۴) وجود داشتن اطراف رابطه قبل از برقراری رابطه

۷۴- رابطه یک رابطه است. مانند:

- (۱) امکانی / علی / بارش باران و رویش گل
- (۲) علیت / وجودی / باغبان و رشد نهال
- (۳) امکانی / ضروری / اجزای یک ساعت
- (۴) علیت / امکانی / استاد و شاگرد

۷۵- شناسایی خصوصیات هر شیء و درک آثار متفاوت اشیاء معلول پذیرش اصل است و شناخت این آثار گوناگون است.

- (۱) سنخیت / تجربی
- (۲) ضرورت / عقلی
- (۳) اصل ارتباط و پیوستگی / عقلی
- (۴) هدف مند بودن جهان / تجربی

۷۶- اصل امتناع اجتماع نقیضین چگونه به پذیرش عقلانی اصل علیت کمک می کند؟

- (۱) یا چیزی به چیز دیگری وجود می بخشد یا چیزی خودش به خودش وجود می دهد.
- (۲) کشف علل امور طبیعی در عین حال که از طریق تجربه و حس به دست می آید تبیین قانع کننده ای از علیت است.
- (۳) رابطه علیت بازتابی از چرایی بین به وجود آمدن پدیده ها است.
- (۴) اصل علیت جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که بدون دخالت تجربه به دست می آید.

۷۷- در پاسخ به ادعای هیوم که بیان نمود براساس تداعی عادت کرد هایم توالی دو حادثه را علت و معلول تعبیر کنیم؛ می توان گفت:

- (۱) مفهوم علیت و رابطه علیت جزء مفاهیم پای های ذهن است و دیدن اشیاء به صورت علت و معلول امری ایژکتیو است نه سوپژکتیو
- (۲) کشف علل امور طبیعی از راه تجربه و حس شکل نمی گیرد و برای این که علت حوادث طبیعی را درک کنیم نیازمند قاعده عقلانی هستیم.
- (۳) هر حادثه های علت خاص خود را دارد و هر معلولی از هر علتی پدید نم یآید لذا بین تداعی و توالی حوادث ارتباطی وجود ندارد.
- (۴) اگر از توالی حوادث مفهوم علیت به ذهن متبادر می شود پس می توان نتیجه گرفت بین و مفهوم « تکرار توالی حوادث » و مفهوم «علیت» هم رابطه ی علیت برقرار است

۷۸- کدام یک از عبارات زیر صحیح به نظر نمی رسد؟

- (۱) داشتن سلسله بی نهایت معلول ها، متناقض و غیر ممکن است.
- (۲) وجود علت مشروط به وجود معلول نیست.
- (۳) با پذیرش خدا، ما به ازای برای گرایش انسان به خیر پیدا می شود.
- (۴) عشق میان انسان و جهان ناشی از جاذبه عشق الهی است.

۷۹- از نظر نظام فلسفی ارائه شده توسط آنگاه می تواند به شناخت نائل شود که

- (۱) هراکلیتوس / ارسطو / عقل را از استدلال تجربی جدا کند.
 - (۲) اگوست کنت / فیلسوفان / با روش حسی و تجربی وارد عمل شود.
 - (۳) کانت / فیلسوفان / مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته باشد.
 - (۴) ارسطو / هراکلیتوس / مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته باشد.
- ۸۰- اصل به این معناست که پدیده ها خود به خود پدید نمی آیند.

- (۱) امتناع اجتماع نقیضین
- (۲) علیت
- (۳) محال بودن ترجیح بلا مرجح
- (۴) محال بودن عدم ضرورت علی معلولی

۸۱- پاسخ هیوم به استدلال تجربه گراها درباره رابطه علیت بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین در کدام گزینه مطرح است؟

- (۱) ممکن است در صبح یک روز مشاهده کنیم که خورشید طلوع کرده اما زمین روشن نشده است.
- (۲) حس و تجربه فقط می تواند اجسام، رنگ ها و شکل ها را به ما نشان دهد.
- (۳) امر روانی ناشی از توالی باعث اعتقاد به رابطه علیت بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین است.
- (۴) تجربه از طریق تداعی بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین رابطه ضروری برقرار کرده است.

۸۲- تفاوت بیان فارابی و راسل از «برهان علیت» در کدام مقدمه فارابی و از چه نظر است؟

- (۱) در مقدمه اول و از نظر دامنه مصادیق موضوع این مقدمه
- (۲) در مقدمه دوم و از نظر دامنه مصادیق موضوع این مقدمه
- (۳) در مقدمه سوم و از جهت امکان پذیر بودن تسلسل نامتناهی
- (۴) در مقدمه چهارم و از جهت امکان پذیر بودن تسلسل نامتناهی

۸۳- در باب نحوه درک قاعده علیت، وجه تشابه دیدگاه با در است.

- (۱) فلاسفه مسلمان - دکارت - فطری بودن و مادرزادی بودن این قاعده
- (۲) تجربه گرایان - هیوم - تجربی پذیر بودن رابطه علیت
- (۳) فلاسفه مسلمان - هیوم - عدم درک تجربی رابطه علیت
- (۴) دکارت - تجربه گرایان - بی نیازی مصادیق علت و معلول از تجربه

۸۴- کدام مورد ، عبارت را مطابق نظر فیلسوفان مسلمان کامل می کند؟ (سراسری - ۹۹)

«هنگامی که حرارت فلزی را منبسط می کند ،»

- ۱) تجربه کشف می کند که حرارت ، علت انبساط فلز است .
- ۲) حس ، انبساط فلز را و تجربه علت منبسط شدن فلز را درک می کند .
- ۳) بداهت عقلی حکم می کند که فلز به خاطر حرارت منبسط شده است .
- ۴) تجربه حرارت را علت انبساط فلز یافته و اصل علیت را نتیجه می گیرد.

۸۵- نظریه هیوم در مورد علیت ، درصدد تبیین کدام مسئله است؟ (خارج کشور - ۹۹)

- ۱) بررسی نقش روان در باور رابطه علیت
- ۲) چرایی باور عمومی آدمیان به اصل علیت
- ۳) بررسی نقش عقل در باور رابطه علیت
- ۴) چگونگی کشف علت های طبیعی توسط تجربه

-۸۶

کدام عبارت دربارهٔ علیت، مورد اختلاف دکارت و فیلسوفان مسلمان است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) اصلی فطری و بدیهی است.
- ۲) دانش بشری متکی بر آن است.
- ۳) درک آن از طریق تجربه امکان پذیر نیست.
- ۴) مصادیق آن بدون تجربه قابل شناخت نیستند.

لوازم علیت در جهان

پذیرش اصل علیت : با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.

اصل «وجوب بخشی علت به معلول» جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجوب وجود پیدا می کند.

اصل سنخیت میان علت و معلول نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید. علت های خاص معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد.

اصل لازمه و نتیجه اصل

۱- اصل علیت ارتباط و پیوستگی

۲- اصل وجوب بخشی علت به معلول تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

۳- اصل سنخیت میان علت و معلول نظم و قانونمندی میان پدیده ها

بررسی سه معنای اتفاق

①- معنای اول اتفاق : نفی ضرورت علی و معلولی

علت تامه : (۱) هم شرط لازم و هم شرط کافی برای وجود معلول است .

(۲) وجود بخش به معلول خود است .

علت ناقصه : (۱) فقط شرط لازم تحقق معلول است .

(۲) وجود معلول به نحوی به آن وابسته است .

②- معنای دوم اتفاق : نفی سنخیت علی و معلولی

اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست.

انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و پذیرش هرج و مرج در جهان را به دنبال دارد.

③- معنای سوم اتفاق : نفی علت غایی

تفاوت فیلسوفان در پذیرش علت غایی یا هدف مندی جهان :

الف) آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «علت العلل» معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، میگویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه انسان ها به علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.

ب) آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به «علت العلل» معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

معنای چهارم اتفاق

معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت می کند اما در بین راه دوست خود را می بیند و از دیدن او خوشحال می شود. این شخص وقتی به منزل بازمی گردد، به اعضای خانواده اش می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت و گو کردم.

۸۷- شخصی که با کم تحرکی و پرخوری، انتظار داشتن بدنی سالم، مقاوم و قدرتمند دارد، اتفاق را به معنای نفی کدام مورد پذیرفته است؟

- (۱) رابطه میان پدیدهها و موجودات
(۲) قابل پیش بینی بودن حوادث
(۳) سنخیت علت و معلول
(۴) ضرورت علت و معلول

۸۸- عبارت «هلیله قبض شد اطلاق رفت / آب آتش را مدد شد همچو نفت» نقیض کدام یک از گزینه های زیر است؟

- (۱) گندم از گندم بروید جو ز جو
(۲) بلبل از فیض گل آموخت سخن
(۳) دید از زاریش کو زار دل است
(۴) بلبل طبعم کنون باشد ز تنهایی خموش

۸۹- در مورد اتفاق به معنای می توان گفت.....

- (۱) چهارم رخداد حادثه ای پیش بینی شده است.
(۲) سوم انکار نظم جهان و بی هدف بودن حرکات و تحولات را در پی دارد.
(۳) دوم اصل رابطه ضروری بین علت و معلول را انکار می کند.
(۴) اول به وجود آوردن هر معلولی از هر علتی را ممکن می داند.

۹۰- در صورت اعتقاد به پیدایش اتفاقی انسان بعد از تحولات زیستی بر روی کره زمین، کدام معنای اتفاق پذیرفته شده است؟

- (۱) رد علیت
(۲) انکار ضرورت
(۳) نفی سنخیت
(۴) عدم غایتمندی

۹۱- این که بگوییم «خیلی اتفاقی از دماغم خون آمد»، کدام معنای اتفاق را در نظر گرفته ایم؟ چرا؟

- (۱) نفی پیش بینی پذیری - عدم آگاهی به وجود علت
(۲) نفی سنخیت - عدم اطلاع از وجوب علی و معلولی
(۳) نفی هدف مندی - اشتباه میان علت تامه و ناقصه
(۴) نفی وجوب علی و معلولی - نشناختن علت تامه

۹۲- وابستگی معلول به علت به نحوی از انحاء و وابستگی آن به علت، آنگاه که هستی و وجود رقم بخورد و شرط لازم برای تحقق به

ترتیب، متصف به علت و علت و علت اند.

- (۱) ناقصه - تامه - ناقصه
(۲) ناقصه - ناقصه - تامه
(۳) تامه - ناقصه - تامه
(۴) تامه - تامه - ناقصه

۹۳- با توجه به اصل (ضرورت) / (سنخیت) / (علیت) به ترتیب چه نتایج استخراج می شود؟

- (۱) تخلف ناپذیری / نظام معین / ارتباط و پیوستگی
(۲) نظام معین / حتمیت / ارتباط و پیوستگی
(۳) سنخیت / حتمیت / ارتباط و پیوستگی
(۴) ارتباط و پیوستگی / نظام معین / تخلف ناپذیری

۹۴- کدام دسته از فیلسوفان، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند؟

- (۱) فیلسوفانی که معمولا به علت العلل معتقد هستند.
(۲) فیلسوفانی که معمولا به علت و لوازم آن بی اعتقاد نیستند.
(۳) فیلسوفانی که معمولا به علت العلل معتقد نیستند.
(۴) فیلسوفانی که معمولا برای مجموع هستی یک علت حقیقی قائل هستند.

۹۵- عبارت «خَر ما از کره گی دم نداشت» با کدامیک از عبارات زیر قرابت دارد؟

- (۱) گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه به آب زمزم و کوثر نتوان کرد سفید
(۲) چه شانسی آوردم که در مراسم زیارت خانه خدا شما را ملاقات کردم.
(۳) هر چی سنگ است برای پای لنگ است.
(۴) جز سر نمی دانم نهادن عذر این اقدام را چون بخت نیک انجام را با ما به کلی صلح شد

۹۶- کدام عبارت مفهوم «شانس» در اصطلاح عامیانه را به نحو مناسب تری تحلیل می کند؟ (سراسری - ۹۹)

۱) نفی قانون علیت ، به این معنی که هر معلولی ، از هر علتی صادر می شود .

۲) عاملی خارج از قانون علیت که بر روند امور یک شخص تاثیر می گذارد.

۳) نفی قانون علیت ، به این معنا که میان علت و معلول رابطه ضروری وجود ندارد.

۴) اعتقاد به این که در زنجیره حوادث زندگی ، تعیین اهداف نهایی امکان پذیر نیست .

۹۷- مصرع زیر دقیقاً اتفاق را به کدام معنا رد می کند؟ (خارج کشور - ۹۹)

«چو بدی کردی مباش ایمن ز آفات»

۱) نفی اصل سنخیت

۲) نفی غایت مندی

۳) نفی علت العلل

۴) نفی اصل وجوب علی

اتهام سقراط در دادگاه:

۱- انکار خدایان (مهم ترین - اصلی ترین اتهام سقراط)

۲- گمراه کردن جوانان

یونان باستان

ژئوس : خدای آسمان و باران

آپولون : خدای خورشید و هنر

آرتمیس : خدای عفت و خویشتن داری

افلاطون : نظر تیلور درباب خداشناسی فلسفی افلاطون : خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این، با چند خدایی یونان تفاوت دارد؛ زیرا درچندخدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چندخدایی شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است.

افلاطون خداوند را چنین توصیف می کند :

① در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

② **افلاطون**، در مواردی از خداوند با عنوان «**مثال خیر**» یاد می کند و نشان می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست. حقایق نیز شبیه به مثال خیر هستند، نه خود آن.

③ {یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد}

ارسطو : ارسطو دو برهان برای اثبات خدا دارد :

① به طور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهترین نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.

② برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، **برهان حرکت** نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

دکارت : دکارت، فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم، در یکی از استدلال های خود می گوید: من از حقیقتی ① نامتناهی و ② علیم و

③ قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او ④ خلق شده ایم، تصویری دارم. این تصور نمی تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی نامتناهی ام.

پس، این تصور از من و هر موجود نامتناهی دیگری نیست بلکه از وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

هیچ : می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. یکی از دلایل این ناتوانی این است که براساس نظم موجود جهان، شما حداکثر می توانید یک ناظم و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.

کائنات: زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست. اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هر ج و مرج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود. مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد. این اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.

حال، این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

فدا و معنا داری زندگی

دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند کرکگور فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند.

هیوم و آگوست کنت: چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست و یا نمی توانیم او را اثبات کنیم. **ویلیام جیمز و برگسون**: از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند. **کرکگور**: ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. **کاتینگهام**: قبول خداوند ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد. (خدا عامل معنا بخشی به زندگی)

۹۸- دیدگاه افلاطون دربارهٔ باور چندخدایی یونانیان باستان چه بود؟

- ۱) هر خدایی در حقیقت نام متفاوتی از همان خدای یکتا بود.
- ۲) سبب تفرقه بین مردم و کشته شدن افرادی مثل سقراط بود.
- ۳) با کفر و بی خدایی و عدم باور به خدا تفاوت حقیقی نداشت.
- ۴) چون خدایان ویژگی‌های معینی نداشتند، خلقت آگاهانه معنا نداشت.

۹۹- از میان صفاتی که ارسطو برای خدا و مبدأ نخستین جهان بر می‌شمارد، کدام یک دلالت صریح تری بر غیرمادی بودن خدا دارد؟

- ۱) تغییرناپذیر (۲) دارای حیات (۳) ضرورتاً موجود (۴) خیر و جمال و زیبایی

۱۰۰- در کدام گزینه همهٔ تجربه‌گرایان و همهٔ عقل‌گرایان اتفاق نظر دارند؟

- ۱) شناخت و اثبات وجود خداوند از طریق حس و استدلال‌های تجربی، اعتبار ندارد.
- ۲) قبول خداوند زندگی را با ارزش و اهمیت می‌سازد و می‌توانیم مأمون و پناهگاهی بیابیم.
- ۳) شناخت و اثبات وجود خداوند از طریق تجربه‌های معنوی درونی و عشق و عرفان، مقدور است.
- ۴) چون ما ابزاری جز حس و تجربه برای شناخت نداریم، یا خدایی نیست یا نمی‌توانیم او را اثبات کنیم.

۱۰۱- کدام عبارت درست است؟

- ۱) کانت وجود خدا را از طریق نفس غیرمادی انسان اثبات می‌کند.
- ۲) به اعتقاد ویلیام جیمز، عمدهٔ دلایل وجود خدا تجربی هستند.
- ۳) هیوم بر اساس دلایل حسی تجربی اثبات می‌کند که خدا وجود ندارد.
- ۴) به عقیدهٔ دکارت، تصور موجود نامتناهی نمی‌تواند از جانب موجود متناهی باشد.

۱۰۲- استدلال‌های دکارت و کانت برای اثبات خدا به ترتیب مبتنی بر کدام اصول از پیش قبول شده بودند؟

- ۱) متناهی بودن من - نیاز انسان به زندگی جمعی
- ۲) تصور حقیقت نامتناهی - زنده و با شعور دیده شدن جهان از سوی انسان
- ۳) مخلوق بودن من - وجود وجدان اخلاقی برای انسان
- ۴) تصور خالق علیم و قدیر - پشتوانه بودن قبول خداوند برای رعایت اخلاق

۱۰۳- کدام عبارت درست است؟

- ۱- کانت وجود خدا را از طریق نفس غیرمادی انسان اثبات می‌کند.
- ۲- به اعتقاد ویلیام جیمز، عمده دلایل وجود خدا تجربی هستند.
- ۳- هیوم بر اساس دلایل حسی تجربی اثبات می‌کند که خدا وجود ندارد.
- ۴- به عقیدهٔ دکارت، تصور موجود نامتناهی نمی‌تواند از جانب موجود متناهی باشد.

۱۰۴- کدام گزینه از مقدمات استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا نیست؟

- ۱- در جهان پیرامون ما اشیائی هست که معلول چیزهای دیگر است.
- ۲- وجود علت بر وجود معلول مقدم است.
- ۳- تسلسل علل نامتناهی محال است.
- ۴- سلسلهٔ موجودات نیازمند علتی است که خود معلول باشد.

۱۰۵- هریک از عبارات زیر به ترتیب متعلق به دیدگاه کدام فیلسوف است؟

«مسئولیت‌پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار بداند.»
«بر اساس نظم موجود جهان، حداکثر می‌توان یک ناظم و مدبر را اثبات کرد.»
«تصور نامتناهی نمی‌تواند از خود ما باشد؛ زیرا موجودات متناهی هستیم.»

۱- هیوم - هیوم - دکارت

۲- کانت - هیوم - کانت

۳- کانت - هیوم - دکارت

۴- دکارت - هیوم - کانت

۱۰۶- کدام گزینه درباره دیدگاه‌های ارسطو و افلاطون درباره خدا نادرست است؟

- ۱- چند خدایی یونانیان شکل دیگری از کفر و بی‌ایمانی است که افلاطون از آن نام می‌برد.
- ۲- ارسطو معتقد بود که موجود جاویدان و برتر از ماده، نظم و انتظام در جهان را به وجود آورده است.
- ۳- ارسطو اولین برهان‌ها بر جهان آفرینش را ارائه کرد.
- ۴- افلاطون معتقد بود حقیقتی که خوب‌ترین و بهترین است، وجود دارد که همان واقعیت الهی است و پیوسته ثابت است و از میان نمی‌رود.

۱۰۷- کدام مورد، گفته "کرگور" درباره خداوند است؟

(۱) چون نفس و روح انسان موجودی جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ورای دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

(۲) خدا انسان مومن را بر میگزیند و به او ایمان هدیه می‌کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی او تاریک خواهد بود.

(۳) ایمان به خدا زندگی انسان را با اهمیت و با ارزش می‌سازد و به جای احساس بیگانگی می‌تواند مامن و پناهگاهی بیابد.

(۴) زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزردهنده ای می‌شود.

۱۰۸- کدام مورد درست است؟

- (۱) کانت به جای اثبات وجود خدا از راه استدلال عقلی، از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی به اثبات خدا پرداخت.
- (۲) از نظر آگوست کنت فیلسوف تجربه‌گرایی اروپایی، دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.
- (۳) از نظر هیوم فیلسوف تجربه‌گرایی اروپایی، دلایل صرفاً عقلی برای اثبات وجود خداوند مردود هستند، بلکه باید از حس و تجربه اخذ شوند.
- (۴) تمامی فیلسوفان تجربه‌گرا به دلیل اینکه فقط ابزار حس و تجربه را معتبر می‌دانستند، ضرورت اعتقاد به وجود خدا را انکار می‌کردند.

۱۰۹- درباره درستی کدام عبارت، کانت و آگوست کنت هم عقیده بودند؟

- (۱) عقل ابزار شناخت واقعیات خارجی است.
- (۲) دستگاه‌های فلسفی عقلی ناظر بر واقعیت نیستند.
- (۳) معرفتی که صرفاً با حس و تجربه حاصل شود، معتبر است.
- (۴) خداوند را می‌توان از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

۱۱۰- برهان دکارت بر اثبات وجود خداوند بر چه اصلی مبتنی است؟

- (۱) اصل متناهی بودن انسان
- (۲) اصل نامتناهی بودن خداوند
- (۳) تقدم ذاتی علت بر معلول
- (۴) مغایرت وجود و ماهیت

۱۱۱- در نظر هیوم کدام برهان در اثبات خدا است که از تجربه گرفته شده است؟

- (۱) برهان صدیقین
- (۲) برهان برترین وجود
- (۳) برهان اسد و اخصر
- (۴) برهان نظم

۱۱۲- نظر کانت درباره ی اختیار و اراده انسان در همه گزینه ها آمده است بجز :

- ۱) اختیار و اراده انسان باید ویژگی نفس غیر مادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود .
- ۲) اختیار و اراده انسان نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای است مانند سایر مواد .
- ۳) اختیار و اراده انسان مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است .
- ۴) وظیفه اخلاقی فقط در موجودات مختار معنا دارد و نه موجودات مجبور .

۱۱۳- فلیسوفان غربی قرون اخیر چه دیدگاهی نسبت به خدا انتخاب نمودند؟

- ۱) عوض مطرح نمودن دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه معنادار زندگی و اعتقاد به وجود خدا توجه کردند.
- ۲) عدم اثبات خدا را عامل خلأ معنایی و پوچی آزاردهنده ای تلقی می کردند که زندگی بشر را بدون غایت م یسازد.
- ۳) زندگی معنادار یک زندگی دارای غایت و سرشار از ارزش های اخلاقی است که آرامشی برتر به انسان می بخشد.
- ۴) اعتقاد به خدا را به عنوان مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان قابل اثبات و معنابخش به زندگی م یدانستند.

۱۱۴- و از برای اثبات خدا استفاده کردند.

- ۱) ویلیام جیمز / هانری برگسون / تجربه های درونی و معنوی
- ۲) کرکگور / کاتینگهام / معنابخشی زندگی
- ۳) ویلیام جیمز / هانری برگسون / معناداری زندگی
- ۴) کرکگور / کاتینگهام / مأمّن و پناهگاه خدا بودن

۱۱۵- شریاطی که باعث شد با دقتی فلسفی درباره خدا صحبت کند؛ عبارت از است

- ۱) افلاطون - عرفانی - مخالفت سقراط با خدایان و انکار آنها
- ۲) ارسطو - استدلالی - اعتقاد محکم و عمیق نسبت به خدایان
- ۳) افلاطون - استدلالی - اعتقاد محکم و عمیق نسبت به خدایان
- ۴) تیلور - استدلالی - خلقت آگاهانه و موحدانه

۱۱۶- این که بین خدایان جنگ و نزاع در می گیرد و هر کدام می خواهد بر دیگری غلبه کند، به دیدگاه مربوط می شود.

- ۱) تیلور
- ۲) افلاطون
- ۳) چند خدا انکاران
- ۴) ارسطو

۱۱۷- مقدمه اول و نتیجه برهان « خوب ترین و بهترین موجود » ارسطو در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

- ۱) حقیقتی که بهترین باشد؛ وجود دارد. هر جا خوب است، خوبتر هم هست.
- ۲) در میان موجودات اشیایی بهتر هستند. خوب ترین و بهترین موجود است.
- ۳) هر جا خوب است، خوبتر هم هست. خوب ترین و بهترین موجود است.
- ۴) در میان موجودات اشیایی بهتر هستند. حقیقتی هم که بهترین باشد؛ وجود دارد.

۱۱۸- کدام عبارت درست است؟ (سراسری-۹۹)

- ۱) کانت وجود خدا را از طریق نفی غیر مادی انسان اثبات می کند .
- ۲) به اعتقاد ویلیام جیمز ، عمده دلایل وجود خدا تجربی هستند .
- ۳) هیوم بر اساس دلایل حسی تجربی اثبات می کند که خدا وجود ندارد.
- ۴) به عقیده دکارت، تصور موجود نامتناهی نمی تواند از جانب موجود متناهی باشد .

۱۱۹- اساس استدلال دکارت بر اثبات خدا ، کدام است ؟ (خارج کشور - ۹۹)

- ۱) تصور خدا
- ۲) وجود نامتناهی
- ۳) قدیر بودن خدا
- ۴) مخلوق بودن من

در کدام عبارت، روش به کار گرفته شده برای اعتقاد به خداوند با بقیه متفاوت است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) هر جا که خوب تر و بهتر هست، خوب ترین و بهترین هم هست، پس حقیقتی هست که خوب ترین و بهترین است و او همان واقعیت الهی است.
- ۲) باور خدا به زندگی معنا می دهد و ارزش های اخلاقی را به همراه می آورد؛ خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد؛ پس باید او را باور داشت.
- ۳) نمی شود نظم و انتظامی بر جهان حاکم باشد، مگر این که موجودی جاودان و برتر از ماده در کار باشد؛ زیرا هر جا که نظم وجود دارد، باید ناظمی هم باشد.
- ۴) انسان از حقیقت نامتناهی تصویری دارد؛ این تصور نمی تواند از خود انسان که متناهی است، باشد؛ پس از جانب وجودی نامتناهی به انسان داده شده است.

بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر دربارهٔ خدا، تا وقتی فلسفی است که از این روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی محض، تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید. بنابراین، فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد، بلکه کسی است که براساس قواعد فلسفی عقیده ای را پذیرفته و با قواعد فلسفی از عقیدهٔ خود دفاع کند. فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

اثبات وجود خدا از طریق عقل و استدلال

استدلال فارابی

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
ب) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.
ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است.
اکنون اگر سلسلهٔ علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسلهٔ علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسلهٔ بی نهایت، خود متناقض و غیرممکن است.

استدلال ابن سینا (برهان وجود و امکان)

۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.
۲- ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.
۳- پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند.

استدلال ملاصدرا : به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم ، اگر به این واقعیات نگاه

کنیم ، می بینیم که این واقعیات ، عین وابستگی و نیازند . این وابستگی فقر وجودی یا امکان فقری نام دارد، که از امکان ماهوی ابن سینا جدا است .

- ۱- به هر موجودی نگاه می کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است.
- ۲- موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود ، غیرنیازمند و برخوردار باشد.
- ۳- پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیروابسته هستند.

بنابراین، از نظر ملاصدرا وجود دوگونه است :

۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته

۲- وجودهای نیازمند و وابسته

فلاسفه مسلمان و معنا داری حیات

اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که به کمک عقل و منطق یا هرراه دیگری وجود او را پذیرفته باشد و در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.

از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به فیلسوف این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد:

۱ جهان را غایتمند بیابد و این غایتمندی را توضیح دهد.

۲ انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳ برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود و بداند که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست، بلکه در یک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد.

۴ آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.

۵ در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

فارابی

اسم: اسد و اخصر (کوتاه ترین / محکم ترین)

اصل فلسفی: تقدم وجودی علت بر معلول

نتیجه: اثبات خدا / رد (ابطال تسلسل علل نامتناهی)

خدا = علت نخستین / شرط بلا شرط / علت العلل / واجب الوجود

تسلسل علل نامتناهی محال است: زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نیست؛ یعنی اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

ابن سینا

اسم: وجوب و امکان

اصل فلسفی: وجوب و امکان

نتیجه: اثبات واجب الوجود بالذات

ملاصدرا (صدرالمتألهین شیرازی)

اسم: امکان فقری / فقر وجودی

اصل فلسفی: موجود وابسته و غیر وابسته

نتیجه: اثبات خدا

براساس مبانی فلسفی خود بیان کرد که به جای نگاه به ماهیت اشیا و اینکه مثلاً بگوییم انسان ماهیتاً ممکن الوجود است و ممکن الوجود نیاز به علت دارد، از همان ابتدا به خود وجود و واقعیت نگاه می کنیم.

تفاوت نظرات ابن سینا و ملاصدرا:

ابن سینا: ماهیت (ذات) / امکان ماهوی / امکان ذاتی

ملاصدرا: وجود (حقیقت) / امکان فقری / فقر وجودی

۱۲۱- کدام گزینه از پیش فرض های موجود در برهان فارابی برای اثبات وجود خدا است؟

- (۱) هر ممکن الوجود بالذاتی، واجب الوجود بالغیر است.
 (۲) تعداد موجودات جهان نامتناهی است.
 (۳) موجودی که علت است، می تواند خودش معلول هم باشد.
 (۴) اشیاء جهان عین فقر و نیاز به علت اولی هستند.

۱۲۲- در استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا از کدام مطلب استفاده نشده است؟

- (۱) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند.
 (۲) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است.
 (۳) سلسله علت ها تا بی نهایت امکان پذیر نیست بلکه باید به علتی منتهی شود که معلول دیگری نباشد.
 (۴) موجودات یا واجب الوجود بالذات هستند یا ممکن الوجود بالذات.

۱۲۳- بر مبنای کدام مقدمه از «گرایش انسان به خیر و زیبایی» در جهت اثبات وجود خدا استفاده می شود؟

- (۱) خداوند بالاترین و برترین خیر و زیبایی است.
 (۲) گرایش به خیر و زیبایی بدون وجود خدا بی معناست.
 (۳) هر گرایش فطری در انسان باید مابه ازایی واقعی در جهان داشته باشد.
 (۴) فیلسوف الهی گرایش به خیر و زیبایی را امری فطری در انسان می داند.

۱۲۴- بر اساس استدلال فارابی در رد تسلسل علل نامتناهی، کدام گزینه مردود است؟

- (۱) بعضی ممکن الوجودها علت ممکن الوجودی دیگر هستند.
 (۲) بعضی ممکن الوجودها معلول ممکن الوجودی دیگر هستند.
 (۳) هر ممکن الوجودی می تواند علت ممکن الوجودی دیگر باشد.
 (۴) همه ممکن الوجودها معلول ممکن الوجودی دیگر هستند.

۱۲۵- گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۱- روش فلسفه، استدلال عقلی و تجربی است.
 ۲- فیلسوف کسی است که بر اساس قواعد فلسفی و درون نگری شهودی عقیده را پذیرفته است.
 ۳- فیلسوف باید با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.
 ۴- فیلسوف معتقد به خدا از طریق استدلال یا شهود درونی به خدا معتقد می شود.

۱۲۶- بیت زیر با کدامیک از معیارهای معناداری زندگی از نظر فیلسوفان مسلمان تطابق دارد؟

فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاکِ عشق آبی ندارد

- ۱- گرایش فطری انسان به خیر
 ۲- احساس تعهد در برابر یک وجود متعالی
 ۳- هدفمندی انسان
 ۴- غایتمندی جهان

۱۲۷- کدام تمثیل برای بیان برهان فارابی مبنی بر اثبات وجود خداوند، مناسب تر است؟

- ۱- مدیر یک شرکت، پرداخت وام را در صورت تأمین اعتبار و تأمین اعتبار را به شرط تصویب مجلس ممکن می داند.
 ۲- کسی که می خواهد روی کاغذ مطالبی بنویسد، علاوه بر قلم، کاغذ، مرکب و سایر عوامل، به اراده نیز نیازمند است.
 ۳- در دو کفه ترازو که در حالت استوا قرار دارد، سنگینی یک کفه نسبت به دیگری، نیازمند عاملی بیرونی است.
 ۴- فردی که دو لیوان یکسان آب در مقابلش قرار دارد، برای ترجیح یکی از دو لیوان بر دیگری، نیازمند علت است.

۱۲۸- کدام گزینه از معیارهای زندگی معنادار برای یک فیلسوف الهی نیست؟

- ۱- به کمک عقل و منطق خدا را اثبات کند.
 ۲- انسان را موجودی هدفمند بشناسد.
 ۳- آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.
 ۴- در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

۱۲۹- کدام یک درباره تسلسل، در اصطلاح فلسفی آن نادرست است؟ (سراسری - ۹۲)

- ۱) مشهور ترین حکمای مسلمان براهین مستقلى در ابطال آن ارائه کرده اند.
- ۲- برهان فارابی در این مورد، از اصل تاخر معلول از علت استفاده می کند.
- ۳- برخی از براهین ابطال آن، به طور مستقل برای اثبات خدا به کار می رود.
- ۴- زنجیره موجودات نامتناهی است که در هر صورت محال است.

۱۳۰- کدام مورد، درباره فیلسوفان مسلمان و نظر آنها درباره معنای زندگی درست است؟

- ۱) صرفاً در صورت برقراری ارتباط روحی و معنوی انسان با خداوند، می توان وجود او را اثبات کرد.
- ۲) به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کردند.
- ۳) در کنار اثبات وجود خداوند، به بحث درباره تأثیر اعتقاد به خدا و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری پرداختند.
- ۴) میگفتند در صورتی که نتوان وجود خدا را از راه عقل و منطق یا هر راه دیگری اثبات کرد، میتوان پیرامون تأثیر وجود خدا در زندگی بحث کرد.

۱۳۱- کدام عبارت، درباره عقل فعال نادرست است؟

- ۱) نسبت به خود و خالق و مخلوقات پایینتر از خود علم حضوری دارد.
- ۲) اولین مخلوق خداوند است که روحانی و غیر مادی است.
- ۳) مقام آن نسبت به انسان مانند آفتاب به چشم است.
- ۴) عامل فیضرسانی به عقل انسانها است.

۱۳۲- فرض محال نبودن سلسله بی نهایت علل منجر به پذیرش می گردد.

- ۱) عدم امکان وجود علت بدون معلول
- ۲) بطلان دور و تسلسل
- ۳) بی نهایت بودن سلسله معلول ها
- ۴) امکان اجتماع نقیضین

۱۳۳- درباره نظر فلاسفه اروپایی و مسلمان پیرامون اثبات وجود خداوند، کدام مورد درست است؟

- ۱) تمام فلاسفه مسلمان برعکس فیلسوفان اروپایی، از طریق تأثیر اعتقاد به وجود خدا در معنابخشی به حیات بشری، به اثبات وجود خدا پرداخته اند.
- ۲) همه فیلسوفان غربی معتقدند با اعتقاد به خدایی که از راه عقل و منطق وجود او اثبات شده، میتوان زندگی انسان را معنادار دانست.
- ۳) به عقیده تمامی فلاسفه، باید از طریق استدلال، به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق هم از اعتقاد خود به خدا، دفاع کرد.
- ۴) برخلاف فیلسوفان غربی، فلاسفه اسلامی اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی را امکان پذیر می دانند.

۱۳۴- فرض محال نبودن سلسله بی نهایت علل منجر به پذیرش می گردد.

- ۱) عدم امکان وجود علت بدون معلول
- ۲) بطلان دور و تسلسل
- ۳) بی نهایت بودن سلسله معلول ها
- ۴) امکان اجتماع نقیضین

۱۳۵- کدام مورد، درباره فیلسوفان مسلمان و نظر آنها درباره معنای زندگی درست است؟

- ۱) صرفاً در صورت برقراری ارتباط روحی و معنوی انسان با خداوند، می توان وجود او را اثبات کرد.
- ۲) به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کردند.
- ۳) در کنار اثبات وجود خداوند، به بحث درباره تأثیر اعتقاد به خدا و نقش آن در معنابخشی به حیات بشری پرداختند.
- ۴) می گفتند در صورتی که نتوان وجود خدا را از راه عقل و منطق یا هر راه دیگری اثبات کرد، می توان پیرامون تأثیر وجود خدا در زندگی بحث کرد.

۱۳۶- کدام عبارت معنای تسلسل علل نامتناهی را به درستی نشان می دهد؟

- ۱) وجود علت العلل یا علت نخستین، ضامن تحقق زنجیره علت و معلولها باشد.
- ۲) سلسله علتها و معلولها به علتی منتهی گردد که وجود آن علت، از علت دیگری صادر نمی شود.
- ۳) وجود یک شیء قائم به علتی باشد و آن علت نیز قائم به علت دیگر و این سلسله تا بی نهایت ادامه یابد.
- ۴) هر علتی معلول خاص خود را و آن معلول نیز معلول دیگری داشته باشد و این سلسله تا بی نهایت ادامه یابد.

۱۳۷ - برهان «امتناع تسلسل نامتناهی علل» فارابی مبتنی است بر

- ۱) مشروط بودن وجود علت بر معلول
- ۲) قیاس استثنایی منفرجه مانع هالرفع
- ۳) قاعده رفع تالی
- ۴) رعایت قانون نتیجه گیری قیاس اقترانی

۱۳۸- از وجه اشتراک برهان فارابی و ابن سینا جهت اثبات وجود خدا می توان به اشاره کرد.

- (۱) نامتناهی بودن سلسله علل و معالیل
- (۲) تقدم علت بر معلول
- (۳) وسط و طرف
- (۴) نیازمند هر موجودی به علت

۱۳۹- کدام گزاره از نتایج برهان فارابی مبنی بر امتناع تسلسل نامتناهی علت نیست؟

- (۱) ابتدا و آغازی در کار نیست.
- (۲) نوبت به معلول پیش روی ما نم ی‌رسد.
- (۳) باید بی نهایت موجود پدید آید.
- (۴) علت ناقصه و معلول آن تقدم زمانی دارد.

۱۴۰- در مورد تفاوت اصلی نظریه امکان فقری با نظریه امکان ماهوی کدام عبارت مناسب تر است؟ (سراسری - ۹۹)

- (۱) لازمه امکان فقری ، فقر وجودی و لازمه ی امکان ماهوی وجوب بالغیر است .
- (۲) درنظریه امکان فقری ، فقر و نیاز از ناحیه خود ذات است ، نه از ناحیه امری بیرونی .
- (۳) درنظریه امکان فقری ، نیازمندی ، به وجود موجودات باز می گردد ، نه به ماهیت آنها.
- (۴) درنظریه امکان فقری، به جای نگاه کردن به ماهیت ، به حالت امکانی آن نگاه می کنیم .

۱۴۱- پیش فرض سخن زیر کدام عبارت است ؟ (سراسری - ۹۹)

- «اگر چیزی بدون علت می تواند وجود داشته باشد ، تفاوتی نمی کند که آن چیز ، خدا باشد یا جهان»
- (۱) هرچه موجود است ، به علت نیاز دارد .
 - (۲) هر ممکن الوجودی به واجب الوجود نیاز دارد.
 - (۳) هرچه به وجود آمده است ، نیازمند علت است .
 - (۴) هر چیزی که وجودش وابسته است ، به موجودی مستقل اتکا دارد .

۱۴۲- کدام عبارت ، اصطلاح «تسلسل علل نامتناهی» را به درستی توضیح می دهد؟ (خارج کشور - ۹۹)

- (۱) هر موجودی معلول علتی و آن علت ، معلول علتی دیگر باشد .
- (۲) علل و معلول های مترتب برهم ، منتهی به هیچ معلول غیر علتی نشوند.
- (۳) علل و معلول های مترتب برهم ، منتهی به هیچ علت غیر معلول نشوند .
- (۴) موجودات بی شماری وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطه علی دارند.

-143-

کدام عبارت درست است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) براساس قاعده علیت، هر چیزی باید علتی داشته باشد.
- (۲) اساس برهان فارابی در اثبات خدا، تقدم علت بر معلول است.
- (۳) نتیجه برهان وجوب و امکان، تقسیم واجب الوجود به بالذات و بالغیر است.
- (۴) تسلسل علل نامتناهی یعنی موجودات زیادی وجود داشته باشند که با یکدیگر رابطه علی دارند.

مفهوم دین ما را به یاد ایمان می اندازد
مفهوم عقل و عقلانیت، فلسفه را تداعی می کند
مفهوم عرفان نیز یاد آور عشق و شهود است.
نکته ۱: از فیلسوفان به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند.

🔗 کاربردهای عقل در فلسفه:

۱- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

نکته ۲: عقل در این کاربرد که همان کاربرد رایج بین مردم است،

نکته ۳: همان توانمندی است که به کمک آن

(۱) استدلال می کنیم

(۲) به دانش ها و حقایقی دست می یابیم.

انسان با عقل دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست و نیز می تواند بفهمد که کدام کار خوب است و بایدانجام دهد و کدام کار بد است و نباید انجام دهد. انسان با عقل خود می تواند پی ببرد که کدام سخن درست و کدام نادرست و کدام رفتار پسندیده و کدام ناپسند است.

از نظر فیلسوفان، این توانمندی در کودک به صورت یک استعداد وجود دارد

نکته ۴: چگونه می توان این استعداد را به شکوفایی رساند؟ با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد.

نکته ۵: چرا عقلانیت بین انسان متفاوت است؟ آموزش و تربیت کمتر یا بیشتر.

۲- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است:

۱- از ماده و جسم مجردند

۲- در قید زمان و مکان نیستند.

۳- در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

۴- همان فرشتگان هستند که در کتاب آسمانی به این نام ملقب شده اند.

۵- فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند

۶- علم این عقول، به خود و دیگر موجودات از طریق شهود است و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

نکته ۶: فیلسوفان همچنین معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از عقل به عنوان یک حقیقت متعالی را دارد؛ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملا از ماده و جسم مجرد باشد که در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را شهود کند.

عقل نزد حکمای ایران قدیم

حکمای ایران باستان ، همچون فردوسی از عقل به عنوان یک وجود متعالی و برتر آگاه بوده اند و هم به عقل به عنوان تعقل و خردورزی و برهان اهمیت می داده اند.

در اندیشه ایشان خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند .

نکته ۷: در نظر ایشان ، **مزدا** همان خدا است که بر اساس خرد و اندیشه خود جهانیان و وجدان ها را آفریده است .

نکته ۸: خدا بر اساس خرد می آفریند .

نکته ۹: این خرد و عقل و آفریده آفریننده است ، وجود **عقلانی** است که خرد و عقل انسان ، پرتو و مظهر اوست .

عقل در یونان باستان

هراکلیتوس : لوگوس

۱- به معنای عقل و به عنوان حقیقت متعالی

۲- معنای نطق و سخن و کلمه

نکته ۱۰: کلمه و سخن ، ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر محسوب می شود .

نکته ۱۱: عقل همان حقیقت وجودی و برتری است که جهان اشیاء ظهور او هستند .

نکته ۱۲: اشیاء علام همان کلمات آن حقیقت برتر و بیان علم و حکمت اویند .

ارسطو:

تقیسم بندی قوه عقل در نظر ارسطو براساس **کاری** است که انجام می دهد.

عقل نظری = عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و

درجه حرارت آب، و دانشی که از این جهت به دست می آید علم نظری نام دارد.

عقل عملی = از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت

کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظلم کند. دانشی که از این جهت به دست می آید ، علم عملی نام دارد.

نکته ۱۳ : ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست. بدین ترتیب، او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد.

عقل نزد فیلسوفان دوره جدید اروپا

دوره اول حاکمیت کلیسا (حدود قرن سوم تا نهم)

بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند

دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن دهم تا سیزدهم)

فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده بود، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند، اما از آنجا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، به تدریج به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی مسیحیت شد، تا اینکه در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین رادر گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند.

درا ابتدای رنسانس

تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد، البته در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه آغاز شد و به تدریج رشد کرد و فیلسوفان اروپایی به دو دسته عقل گرا و تجربه گرا تقسیم شدند.

فرانسیس بیکن (آغازگر تجربه گرایی در اروپای جدید)

از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

دکارت (فیلسوف عقل گرا) با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند ۱- وجود خدا و ۲- نفس مجرد انسان و ۳- اختیار او را اثبات کند. نکته ۱۴: البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد.

اوگوست کنت (تجربه گرا) در قرن نوزدهم، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است. از نظر او، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد. بنابراین، از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف از قبیل:

۱ - توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه

۲ - معرفت انسان به خود و جهان، تأثیر فراوانی داشت.

عقل انسان یک استعداد قابل رشد است. به میزانی که عقل انسان رشد یابد و قدرت استدلال انسان قوی تر شود، بهتر می تواند درست را از نادرست تشخیص دهد. به همین جهت، انسان در بسیاری موارد به اشتباه می افتد. علاوه بر این، انسان ها در بسیاری موارد تابع عقل خود نیستند. یعنی گرچه اگر به عقل خود مراجعه کنند، می دانند فلان راه اشتباه است، اما تحت تأثیر عوامل دیگر مانند همراهی با دیگران، لذت های موقت، احساس خود بزرگ بینی یا خود کوچک بینی و حقارت آن راه را می روند و به عوارض بد آن گرفتار می شوند.

لائوتسه فیلسوف و حکیم چینی که هم زمان با هراکلیتوس می زیسته و مانند هراکلیتوس معتقد بوده که همه چیز ظهورتائو است .

علت اصلی مقابله رهبران اولیه کلیسا با عقل این بود که آنها به اموری اعتقاد داشتند که از نظر استدلال عقلی ناممکن بود؛ مانند آمدن خدا روی زمین و تجسد او در مسیح، سه تا بودن خدا در عین یکی بودن او، کشته شدن مسیح و زنده شدن دوباره او و رفتنش به آسمان و تولد انسان ها با گناه اولیه. ترتولیانوس، که از مدافعان سرسخت مسیحیت بوده، فلسفه را کفر می دانست و می گفت:

۱- ایمان می آورم؛ از آن جهت که امری محال است

۲- پسر خدا مرد و زنده شد و ما باید به او ایمان آوریم؛ زیرا محال است کسی بمیرد و زنده شود .

تقابل تاریخی عقل و دین در اروپا چنان گسترده بود که حتی در نام گذاری ادوار تاریخی نیز خود را نشان داد ، مثلا جلد چهارم تاریخ تمدن ویل دورانت که مربوط به دوره حاکمیت کلیسا است ، عصر ایمان نام گرفته است و جلدهای پنجم تا هفتم به ترتیب رنسانس ، اصلاح دین و عصر خرد نامیده شده است .

به نظر می رسد که اصل تقابل دین و عقل از ابتدای قرون وسطی محور اصلی تحولات فکری و فلسفی و اجتماعی در اروپا بوده است؛ با این توضیح که در قرون وسطی و حاکمیت کلیسای کاتولیک، دین حاکمیت داشته و عقل تابع دین بوده است و از دوره رنسانس، عقل حاکمیت یافته و دین به صورت تابعی از عقل درآمده است.

۱۴۴ - کدام عبارت، بیانگر «لوگوس» به معنای موجودی متعالی نزد هراکلیتوس است؟

(۱) اولین موجودی است که خداوند آفرید.

(۲) اندیشه ای است که جهان و موجودات آن را آفریده است.

(۳) حقیقتی است که جهان و موجودات عالم، ظهور او هستند.

(۴) حقیقتی است که قوه عقل، در اتصال با او قادر به درک می شود.

۱۴۵ - مقصود مردم از عقل در کاربرد رایج آن چیست و فیلسوفان آن را چگونه تعریف می کنند؟

(۱) عقل همان موجودات مجرد از ماده و جسم هستند که حقایق اشیاء را شهود می کنند.

(۲) عقل به همان معنای نفس است که حاکم بر اعمال و رفتار انسان است.

(۳) عقل نیروی باطنی است که شهوات و هواهای شیطانی درون انسان را به بند می کشد.

(۴) عقل توانمندی ای است که به کمک آن استدلال می کنیم و به دانش ها و حقایق می رسیم.

۱۴۶ - محدوده عملیات عقل، نزد کدام فیلسوف کم تر است؟

(۱) دکارت

(۲) ارسطو

(۳) اوگوست کنت

(۴) فرانسیس بیکن

۱۴۷- مطابق نظر اوگوست کنت ، دستگاه فلسفی ای که فیلسوفان از جهان ارائه می دهند چگونه است ؟

(۱) این دستگاه ، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تاملات ذهنی است .

(۲) این دستگاه ، ناظر بر واقعیت است و نه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تاملات ذهنی نیست .

(۳) این دستگاه ، نه حاصل تاملات ذهنی آنان است و نه ناظر بر واقعیت .

(۴) این دستگاه مفاهیم ذهنی را به واقعیات خارجی بدل می کند .

۱۴۸- به ترتیب ، موضوع عقل نظری و عقل عملی را کدام مورد تشکیل می دهد و این تقسیم بندی ناشی از چیست ؟

(۱) هست ها و نیست ها - باید ها و نبایدها - از جهت کارهایی که انجام می دهد .

(۲) باید ها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت هدفهایی که در پی دارد .

(۳) باید ها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت کارهایی که انجام می دهد .

(۴) هست ها و نیست ها- بایدها و نبایدها- از جهت هدف هایی که در پی دارد.

۱۴۹- از نظر اوگوست کنت علم واقعی چیست؟

(۱) آنچه با ابزار عقل به دست می آید.

(۲) آنچه فقط با حس به دست می آید.

(۳) عقل فقط از طریق علم تجربی به واقعیت می رسد.

(۴) علم تجربی فقط از طریق عقل به واقعیت می رسد.

۱۵۰- کدام عبارت نظر فرانسیس بیکن در روش تجربی را توضیح می دهد ؟

(۱) وی روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست .

(۲) به عقیده وی عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود ، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد .

(۳) از نظر وی ، فقط عقل از طریق تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود .

(۴) بر اساس اندیشه وی ، نباید فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کرد .

۱۵۱ - کدام گزینه درباره عقل از نظر ارسطو درست است؟

(۱) ویژگی انسان است که برای حمل آن بر ماهیت انسان، باید از استدلال عقلی استفاده کرد، نه دلیل تجربی.

(۲) قوه عقل یا ناظر به هست ها و نیست ها و یا ناظر به فعل اختیاری انسان است.

(۳) تقسیم عقل به نظری و عملی بر اساس تقسیم دانش انسان به نظری و عملی است.

(۴) استدلال عقلی مربوط به عقل نظری و استدلال تجربی مربوط به عقل عملی است.

۱۵۲ - از نظر اوگوست گنت، شناخت واقعیت چگونه ممکن است؟

- ۱) تنها با استفاده از حس و تجربه در قالب علوم تجربی
- ۲) استفاده از عقل با روش فلسفی و حس از طریق تجربه
- ۳) استفاده از عقل با روش حسی و تجربی و از طریق علم تجربی
- ۴) دستگاه معرفت، ذهنی است و شناخت واقعیت ممکن نیست.

۱۵۳ - کدام گزینه با اندیشه حکیمان ایران باستان، دربارهٔ آفریدگار سازگار نیست؟

- ۱) آفریدگار با عقل، حقایق اشیاء را شهود می کند.
- ۲) خرد با وجود آفریدگار متحد و یگانه است.
- ۳) آفریدگار بر اساس خرد می آفریند.
- ۴) آفریدگار کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند.

۱۵۴ - کدام یک از فیلسوفان، اثبات وجود خدا از طریق عقل نظری را ناممکن می دانست؟

- ۱) کانت
- ۲) فارابی
- ۳) دکارت
- ۴) ابن سینا

۱۵۵- از نظر جایگاه عقل، تفاوت دو دورهٔ حاکمیت کلیسا در اروپا چه بود؟

- ۱) در دورهٔ اول، بزرگان کلیسا عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند، اما در دوره دوم حکمای مسیحی تحت تأثیر ابن سینا و ابن رشد، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دین روی آوردند.
- ۲) در ابتدای حاکمیت مسیحیت، عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد ولی در دوره دوم، بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند.
- ۳) در دوره اول از آنجا که مبانی اولیه کلیسای کاتولیک با عقل سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل شد ولی در دوره دوم، ایمان پیروز شد، به طوری که فلسفه و عقل را معارض دین می دانستند.
- ۴) در دورهٔ اول بزرگان کلیسا در برابر استدلال های عقلی می ایستادند، اما در دورهٔ دوم دین به حاشیه رانده شد.

۱۵۶- نتیجه تبیین عقلانی مسائل دینی از سوی حکمای مسیحی در قرن یازدهم تا سیزدهم به تبعیت از ابن سینا و ابن رشد در آغاز چه بود؟

- ۱- رواج عقل گرایی در میان فلاسفه اروپایی
- ۲- رواج تجربه گرایی در میان فلاسفه اروپایی
- ۳- جایگزینی عقل به جای دین در دورهٔ رنسانس
- ۴- اثبات عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان

۱۴۷- کدام گزینه دربارهٔ دیدگاه دکارت نادرست است؟

- ۱- به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان باور نداشت.
- ۲- عقل را یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.
- ۳- بدیهیات عقلی و استدلال عقلی محض را باور نداشت.
- ۴- عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان را ثابت کند.

۱۵۸- کدام گزینه بیانگر دیدگاه حکیمان ایران باستان درباره عقل نیست؟

- ۱- آفریدگار، کل جهان را با خرد و عقل رهبری می کند.
- ۲- عقل انسان، پرتو و مظهر وجودی عقلانی است.
- ۳- عقل و سخن هم معنا هستند.
- ۴- عقل را موجودی نورانی و مجرد دانسته اند.

۱۵۹- در مورد حقیقت عقل و خردورزی نزد حکمای ایران باستان ، از نظر فردوسی ، کدام مورد مناسب تر است ؟

- ۱) یکی از کانون های اولیه عقل گرایی ، ایران است که پهلوانان آن به خردورزی و فرزانه‌گی شهرت داشتند .
- ۲) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به عقل و خردورزی حکایت می کند .
- ۳) در حکایات خویش از آزادگانی رهیده از دام وسواس شیطانی خبر می دهد که از خرد و عقل بهره داشته و حکیمانانه زندگی نموده اند.
- ۴) گزارش فردوسی در شاهنامه از توجه حکمای ایران باستان به جمع میان ایمان و خرد حکایت می کند .

۱۶۰- مطابق نظر فیلسوفان الهی کدام توصیف مربوط به عقول (فرشتگان) نمی باشد ؟

- ۱) موجودات مجرد از ماده و جسم که در قید زمان و مکان نیستند .
- ۲) در افعال خود به ابزار مادی نیازی ندارند
- ۳) علم این موجودات از طریق استدلال است که در کتاب آسمانی از آن نام برده شده است .
- ۴) حقایق اشیاء را شهود می کنند و به استدلال احتیاجی ندارند .

۱۶۱- کدام ویژگی تفاوت اصلی دوره ی اول حاکمیت کلیسا را نسبت به دوره ی دوم حاکمیت کلیسا بیان می کند ؟

- ۱) در دوره ی دوم حاکمیت مسیحیت در اروپا ، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند.
- ۲) در دوره ی دوم حاکمیت کلیسا ، برخی از بزرگان آن عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند.
- ۳) در دوره ی دوم حاکمیت کلیسا ، برخی از بزرگان آن معتقد بودند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبهات عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند .
- ۴) در دوره ی دوم حاکمیت کلیسا ، حکمای مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند که منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد .

۱۶۲- کدام عبارت نظر فرانسیس بیکن در روش تجربی را توضیح می دهد ؟

- ۱) وی روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست .
- ۲) به عقیده ی وی عقل صرفا آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود ، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد .
- ۳) از نظر وی ، فقط عقل از طریق تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود .
- ۴) بر اساس اندیشه وی ، نباید فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کرد .

۱۶۳- کدام عبارت با نظرات دکارت در مورد عقل سازگار نیست ؟

- ۱) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده داشت .
- ۲) دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان عقیده نداشت .
- ۳) دکارت به همه ی توانایی های عقل ، مانند داشتن بدیهیات عقلی ، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت .
- ۴) دکارت عقل را صرفا یک دستگاه منطقی استدلال می دانست .

۱۶۴- مطابق نظر اوگوست کنت ، دستگاه فلسفی ای که فیلسوفان از جهان ارائه می دهند چگونه است ؟

- ۱) این دستگاه ، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تاملات ذهنی است .
- ۲) این دستگاه ، ناظر بر واقعیت است و نه ناظر بر ساخته ذهن آنان و حاصل تاملات ذهنی نیست .
- ۳) این دستگاه ، نه حاصل تاملات ذهنی آنان است و نه ناظر بر واقعیت .
- ۴) این دستگاه مفاهیم ذهنی را به واقعیات خارجی بدل می کند .

۱۶۵- به ترتیب ، موضوع عقل نظری و عقل عملی را کدام مورد تشکیل می دهد و این تقسیم بندی ناشی از چیست ؟

- ۱) هست ها و نیست ها - باید ها و نبایدها - از جهت کارهایی که انجام می دهد .
- ۲) باید ها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت هدفهایی که در پی دارد .
- ۳) باید ها و نبایدها - هست ها و نیست ها - از جهت کارهایی که انجام می دهد .
- ۴) هست ها و نیست ها - باید ها و نبایدها - از جهت هدف هایی که در پی دارد .

۱۶۶- کدام عبارت دیدگاه کنت را در باب علم بیان می کند ؟

- ۱) علم از نظر کنت منحصر به علم تجربی نیست و فلسفه نزد او نیز علم به حساب می آید.
- ۲) علم از نظر اوگوست کنت منحصر به علم تجربی است و فلسفه ، علم به حساب نمی آید.
- ۳) علم منحصر به فلسفه است و علوم تجربی همه علوم نیستند .
- ۴) علم از نظر او شامل شهود و کشفیات هنری نیز می شود .

۱۶۷- کدام مورد درباره ی افکار تر تولیانوس درست نیست ؟

- ۱) از مدافعان سرسخت مسیحیت بوده است .
- ۲) فلسفه را کفر می دانست .
- ۳) می گفت : ایمان می آورد از آن جهت که امری محال است .
- ۴) محال نیست که کسی بمیرد و زنده شود ، پس ایمان می آورم .

۱۶۸- کسی که می کوشد وجود اختیار را برای انسان اثبات کند ، در حیطه ی عقل است ، زیرا :

- ۱) نظری - اختیار در حیطه ی اخلاق و عقل نظری معنا دارد .
- ۲) عملی - اراده و اختیار پشتوانه عمل انسان محسوب می شود .
- ۳) نظری - اثبات هست و نیست اشیاء در حیطه ی عقل نظری است .
- ۴) عملی - عقل عملی در حیطه ی کارهای اختیاری وارد می شود .

۱۶۹- کدام گزینه با دیدگاه توماس آکوئیناس سازگار است ؟

- ۱) فلسفه و فلسفه ورزی جزئی از دین محسوب می شود .
- ۲) عقل و عقلانیت اموری شیطانی است .
- ۳) ایمان با ایستادگی برابر عقل حاصل می شود .
- ۴) مسال دینی را می شود با عقل تبیین کرد .

۱۷۰- کدام گزینه از نظر دکارت ، جزء توانایی های عقل محسوب نمی شود؟

- ۱) اثبات وجود مفاهیمی مثل خدا و نفس
- ۲) داشتن مفاهیم بدیهی و فطری
- ۳) درک واقعیت در مقابل ساختار ذهن
- ۴) به دست آوردن شناخت تجربی

۱۷۱- کدام مورد، درست است؟

- ۱) بسیاری از فیلسوفان، وجود فرشتگان را با دلیل و برهان اثبات میکنند.
 - ۲) به عقیده همه فیلسوفان، قوه استدلال در انسان مرتبه نازل و پایین عالم عقول است.
 - ۳) علم موجودات مجرد از ماده به موجودات عالم طبیعت، از طریق استدلال مفهومی است.
 - ۴) مجردات و عقول در عین حال که از قوه استدلال برخوردارند، به حقایق اشیاء علم حضوری دارند.
- ۱۷۲- از نظر نظام فلسفی ارائه شده توسط آنگاه می تواند به شناخت نائل شود که

- ۱) هراکلیتوس / ارسطو / عقل را از استدلال تجربی جدا کند.
- ۲) اگوست کنت / فیلسوفان / با روش حسی و تجربی وارد عمل شود.
- ۳) کانت / فیلسوفان / مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته باشد.
- ۴) ارسطو / هراکلیتوس / مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته باشد.

۱۷۳- تفاوت تعریف دکارت از عقل با فلاسفه یونان باستان و مسلمان چه بود؟

- ۱) عقل در تعریف دکارت حاوی بدیهیات عقلی است.
- ۲) عقل نزد او توان استدلال آوری عقلی محض است.
- ۳) عقل از نظر دکارت قدرت اثبات خدا و نفس مجرد انسان را دارد.
- ۴) عقل در دیدگاه او حقیقت برتر در جهان و در انسان نبود.

۱۷۴- از نظر اگوست کنت علم واقعی چیست؟

- ۱) آنچه با ابزار عقل به دست می آید.
- ۲) آنچه فقط با حس به دست می آید.
- ۳) عقل فقط از طریق علم تجربی به واقعیت می رسد.
- ۴) علم تجربی فقط از طریق عقل به واقعیت می رسد.

۱۷۵- دیدگاه کلیسا در دوره قرون وسطی به عقل چگونه بود؟

- (۱) ایمان را عامل تقویت عقل می دانستند.
- (۲) ایمان قوی را از آن کسی می دانستند که در برابر شبهه های عقل در ایمان خود استوار بماند.
- (۳) عقل بدون ایمان را امری شیطانی می پنداشتند.
- (۴) حاکمیت عقل در برابر دین را پذیرفتند.

۱۷۶- شرط به فعلیت رسیدن قوه عقل در انسان (توانمندی بر استدلال) چیست؟

- (۱) شهود حقایق
- (۲) شکل گیری مفاهیم کلی
- (۳) تربیت و تمرین
- (۴) رسیدن نفس به مجرد کامل

۱۷۷- «علم عقول» و «علم به عقول» به ترتیب

- (۱) شهودی - شهودی
- (۲) شهودی - استدلالی
- (۳) استدلالی - استدلالی
- (۴) استدلالی - شهودی

۱۷۸- اندیشه حکیمان ایران باستان راجع به «خرد» در کدام گزینه به درستی بیان نشده است؟

- (۱) همان مزداست که با اندیشه خود جهانیان را آفریده است.
- (۲) خرد خودش مخلوق خالق است.
- (۳) آفریدگار جهان را با خرد رهبری می کند.
- (۴) عقل انسانی مظهر و پرتویی از آن وجود عقلانی است.

۱۷۹- تشخیص حسن و قبح افعال و صواب یا ناصوابی گفتار در نگاه به مربوط می شود.

- (۱) فلیسوفان ایران باستان - مزدا
- (۲) هراکلیتوس - لوگوس
- (۳) ارسطو - عقل نظری
- (۴) دکارت - عقل عملی

۱۸۰- کدام مورد در تقابل با نظریه ارسطو پیرامون عقل قرار دارد؟

- (۱) به عقیده دکارت، عقل م بتواند نفس مجرد انسان و اختیار او را با استدلال اثبات کند.
- (۲) فرانسیس بیکن معتقد بود که هیچ استدلال عقلی مستقل از تجربه ای وجود ندارد.
- (۳) هراکلیتوس عقل را حکمت و قانونی میدانست که پدیده های جهان آن را بیان میکنند.
- (۴) ابن سینا عقیده داشت که عقل مفاهیم فلسفی را از واقعیت گرفته و انتزاع کرده است.

۱۸۱- توانایی انسان برای فهم درستی یا نادرستی یک کاری و الزام به انجام یا عدم انجام آن با سازگار است.

- (۱) عقل به مثابه دستگاه تفکر
- (۲) مصداق وجودی عقل
- (۳) عقل عملی
- (۴) حقیقت متعالی

۱۸۲- کدام گزینه درباره مصداق عقل نادرست است؟

- (۱) در قید زمان و مکان نیستند.
- (۲) مجرد از جسم و ماده هستند.
- (۳) در افعال خود نیاز به ابزار مادی ندارند.
- (۴) اثبات آن ها شهودی و عقلی است.

۱۸۳-

کدام عبارت بیانگر نظر اگوست کنت است؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) نهایت تلاش عقل در شناخت واقعیات، استفاده از مشاهدات برای دستیابی به دانش های تجربی و پیشرفت در آن است.
- (۲) شناخت واقعیت کار حواس است و آن چه نقش عقل در علم تجربی پنداشته می شود، برساخته فیلسوفان است.
- (۳) روش معتبر در شناخت واقعیت، تجربه علمی است و عقل که به امور انتزاعی اختصاص دارد، دخالتی در آن ندارد.
- (۴) در دستگاهی که فیلسوفان از جهان ارائه می دهند، اصول عقلی را با ساخته های ذهن خود، ارائه می دهند.

یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر کرم و عترت گرامی ایشان بود .

دلایل مخالفت برخی از جریان‌های فکری با عقل، در شکل‌های دیگری ظهور کرد که عمده آنها عبارت‌اند از:

۱- تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

در شکل اول، این جریان‌ها می‌کوشیدند نشان دهند که برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتکب خطا می‌شوند و به دین آسیب وارد می‌کنند.

۲- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی

شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه که بالاترین مرحله تعقل و خردورزی است، ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته‌اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

پاسخ

۱- بسیاری از آرای فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارد،

۲- فلسفه دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد این شاخه از دانش

بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تحقیق کند.

دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است، البته همان‌طور که در سایر شاخه‌های دانش می‌توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره‌گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است لکن این استفاده همراه با نقد و بررسی قوت دلایل ارائه شده توسط آنهاست زیرا در **درستی و نادرستی یک دانش عقلی فقط استدلال است** که داوری می‌کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن اندیشمند.

عقل نزد فیلسوفان مسلمان

۱ عقل: به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی

۲ عقل: به عنوان قوه استدلال و شناخت

۱- عقل، به عنوان موجود متعالی و برتر از ماده

فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هراکلیتوس مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را **عالم عقول** گذاشته اند.

از نظر فارابی و ابن سینا :

الف) اولین مخلوق خدا عقل اول است.

ب) موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است.

ج) عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند.

د) عقول مجرد ۱- فوق عالم طبیعت اند.

۲- فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد.

۳- عالم عقول را تشکیل می دهند.

غیراین عقل تو، حق را عقل هست که بدان تدبیر اسباب ماست

آنان می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند. یکی از عقول عالم عقل { عقل فعال } نام دارد

وظیفه عقل فعال : فیض رسانی به عقل انسان ها

فارابی :

مقام و منزلت **عقل فعال نسبت به انسان**، مانند **آفتاب است نسبت به چشم**. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.

۲- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال

عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه راه های عقلی شناخت و انواع استدلال ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.

جملاتی از ابن سینا که به همین موضوع اشاره می کند:

«ما فرزندان دلیل هستیم»

«هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است»

فارابی و ابن سینا می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک **استعداد** است که باید **تربیت** شود تا رشد کند یعنی همان طور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می گذراند و رشد جسمی او تکامل می یابد، عقل نیز با تربیت مراحل را طی می کند و کامل می شود.

مراحل رشد عقل:

اولین مرحله عقل: عقل هیولائی نام دارد:

- ۱- انسان هیچ ادراک عقلی ندارد
- ۲- اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد
- ۳- مانند نوزادی که تازه متولد شده است.

دومین مرحله، عقل بالملکه نام دارد:

- ۱- در این مرحله عقل درکی اولی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. (اجتماع نقیضین محال است)
- ۲- در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند.

سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد:

- ۱- در این مرحله، عقل شکوفا شده
 - ۲- به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.
- چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده کند، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند.

با توجه به این مبنای مشترک، عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که:

- ۱- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هرکس به اندازه توان و قدرت فکری اوست. بنابراین، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد.

ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشانند.

۲- عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است.

- ۳- فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه **حس** و **شهود** را هم معتبر می دانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند. آنان همچنین **وحی** را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند. از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود. البته ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم و به نتیجه های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد. در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان یافته های عقلی و دستاوردهای وحیانی رهایی یابیم.

۱- علم کلام یکی از شاخه های علوم دینی است که درباره عقاید یک دین، مانند اعتقاد به توحید و معاد بحث می کند. دانشمندی این شاخه علمی را متکلم می گویند. اشاعره گروهی از متکلمین هستند که بین قرن سوم و چهارم هجری به صورت یک جریان فکری بزرگ در میان مسلمانان اهل سنت درآمدند. شخصیت بارز آنها ابوالحسن اشعری است که در حدود ۳۳۰ هجری وفات یافته است. در مقابل این گروه، جریان دیگری به نام معتزله قرار دارد که قبل از اشاعره پیدا شدند و شکل گرفتند. اولین رهبر آنان واصل بن عطاءست که در سال ۱۳۱ هجری درگذشته است. دیگر رهبر مشهور آنان قاضی عبدالجبار است که در سال ۴۱۵ هجری از دنیا رفته است.

۱۸۴- دلیل اصلی مخالفت برخی جریان‌های فکری اسلامی با فلسفه کدام است ؟

- ۱) دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و با عقاید اسلامی سازگار نیست .
- ۲) برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربرد ندارند .
- ۳) کسانی که از این روش ها استفاده می کنند ، مرتکب خطا می شوند .
- ۴) در این دانش بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری نیست .

۱۸۵- با توجه به عقیده ی فیلسوفان مسلمان ، کدام بیان در مورد عقل ، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی صحیح نیست ؟

- ۱) فیلسوفان مسلمان ، روشن تر و دقیق تر از هراکلیتوس و افلاطون مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است ، اثبات کرده اند .
- ۲) فیلسوفان مسلمان ، اولین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملا روحانی و غیر مادی است .
- ۳) به عقیده ی فیلسوفان اسلامی موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد عالم عقول را تشکیل می دهند .

۴) به عقیده ی ایشان ، عقول علم حصولی به خود و دیگر مراتب وجود دارند ولی به خداوند علم حضوری دارند.

۱۸۶- در اندیشه ی متفکران مسلمان ، وساطت در رساندن فیض به عوالم دیگر به عهده ی است و عامل فیض رسانی به عقل

انسان همان است .

- ۱) موجودات مجرد - عقل فعال
- ۲) موجودات مجرد - آفریننده جهان
- ۳) اراده و مشیت باریتعالی - عقل فعال
- ۴) اراده و مشیت باری تعالی - آفریننده جهان

۱۸۷- در نظر فارابی ، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان چگونه است ؟

- ۱) صورت به ماده
- ۲) قلب به بدن
- ۳) آفتاب به چشم
- ۴) عقل اول به طبیعت

۱۸۸- با توجه به رای فیلسوفان مسلمان ، کدام بیان در مورد عقل ، به عنوان قوه ی استدلال و شناخت درست نیست ؟

- ۱) استدلال های عقلی معیار اولیه قبول یا رد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.
- ۲) عقل را باید در کنار قرآن و سنت ، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین لحاظ کرد.
- ۳) از طریق عقل می توان به معرفت شهودی و حقایق دین رسید.
- ۴) می تون به کمک ابزار عقل در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم .

۱۸۹- با توجه به آراء فیلسوفان مسلمان ، کدام مورد نادرست است ؟

- ۱) از نظر ایشان ، استدلال عقلی ، شهود و وحی ، هر سه ما را به حقیقت می رساند.
- ۲) عقل و شهود و وحی در موضوعات مختلف نیز حتما به یک نتیجه می رسند و موید هم هستند .
- ۳) ایشان وحی را عالی ترین مرتبه شهود و مختص پیامبران می دانند .
- ۴) فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند ، بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند .

۱۹۰- کدام عبارت بیانگر نظر ملاصدرا است ؟

- ۱) وحی فقط همان را می گوید که عقل بدان رسیده است .
- ۲) هرچه راکه وحی گفته باشد ، باید بتوان با عقل اثبات کرد.
- ۳) عقل دو وظیفه دارد: اداره ی امور زندگی و اثبات حقانیت دین
- ۴) عقل و وحی دو منبع مستقل از یکدیگر ، اما موید هم هستند.

۱۹۱- به عقیده ی فیلسوفان اسلامی ، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه ی داشته باشد . ایمانی که از چنین پشتوانه ای تهی است ،

..... چندانای ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای بکشاند .

- ۱) عقلی - ارزش - اشتباه
- ۲) دینی - مصداقیت - گناه
- ۳) دینی - ارزش - اشتباه
- ۴) عقلی - ارزش - گناه

۱۹۲- درباره ی عقول مجرد می توان گفت که از نظر فلسفی هستند .

- ۱) واجب الوجود بالذات
- ۲) ممکن الوجود بالذات
- ۳) ممکن الوجود بالغیر
- ۴) غنی بالذات

۲۰۲- چرا نمی توان فیلسوفان مسلمان را به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد؟

- ۱) زیرا عموم آنان عقل گرا بودند و از استدلال های عقلی و برهانی استفاده می کردند.
- ۲) زیرا عموم آنان استدلال تجربی را معیار قبول یا رد هر حکمی نمی دانستند.
- ۳) زیرا عموم آنان عقیده دارند که همه کارکردهای عقل و انواع استدلال در جایگاه خود روش درستی هستند.
- ۴) زیرا عموم آنان استدلال های حسی و تجربی را مبنای نظرات خود قرار می دادند.

۲۰۳- تعارض ظاهری بین دستاوردهای عقلی و داده های وحیانی ناشی از است.

- ۱) ناتوانی عقل در فهم مسائل دینی
- ۲) اشتباهات تاریخی در داده های وحیانی
- ۳) استفاده نادرست از استدلال های عقلی
- ۴) استفاده از عقل در محدوده های غیرمجاز

۲۰۴- کدام گزینه درباره نظر فلاسفه مسلمان در خصوص ابزار معرفت دین نادرست است؟

- ۱) به کمک ابزار معرفت (عقل، حس و قلب) می توان به معرفت دینی دست یافت.
- ۲) عقل ابزار تفکر در قرآن و سنت است و معارف قرآنی را کشف می کند.
- ۳) برای شناخت هر اعتقاد و آئینی، کسب معرفت منحصر به عقل می باشد.
- ۴) استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند.

۲۰۵- کدام عبارت درست است؟

- ۱) عقل هیولائی اولین مرحله عقل است که در آن، عقل درکی اولی از قضایای ضروری پیدا می کند.
- ۲) عقل بالملکه آن است که انسان بر دانش های خود کاملاً مسلط است و این دانش ها ملکه ذهن او شده است.
- ۳) عقل بالفعل آن است که عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.
- ۴) عقل بالمستفاد آن است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات و استفاده از آن ها را دارد.

۲۰۶- مخالفت با عقل در جهان اسلام به چه شکل ظهور کرد؟

- ۱) توجه به عقل در قالب یک فلسفه اسلامی و نه یونانی
- ۲) بی اعتبار دانستن کفایت عقل در بررسی مسائل دینی
- ۳) ناتوانی عقل در ارائه یک دستگاه معرفتی ناظر به واقعیت
- ۴) شیطانی دانستن عقل در مقابل ایمان و رد هر نوع استدلال عقلی

۲۰۷- دیدگاه عموم فلاسفه مسلمان درباره نسبت عقل و ایمان چیست؟

- ۱) عقل از فهم مسائل اصلی دین عاجز است و تنها در فهم مسائل فرعی دین کمک می کند.
- ۲) ایمانی که بر اساس عقل نباشد بی ارزش است و حتی ممکن است انسان را به گمراهی بکشاند.
- ۳) استفاده از عقل در مرتبه ای پس از وحی و شهود، می تواند یکی از ابزارهای کسب معرفت باشد.
- ۴) استفاده از عقل در مسائل ایمانی تنها مخصوص محققان و مجتهدان برای فهم مسائل دینی است.

۲۰۸- بیت زیر به کدام ویژگی عقول از دیدگاه فیلسوفان مسلمان اشاره دارد؟

غیر این عقل تو، حق را عقل هاست
که بدان تدبیر اسباب سماست

- ۱) مراتب وجودی عالم عقول
- ۲) علم حضوری عقول به خالق
- ۳) فیض رساندن به مخلوقات پایین تر
- ۴) علم حضوری عقول به عالم طبیعت

۲۰۹- کدام گزینه از کارکردهای عقل فعال است؟

- ۱) واسطه فیض برای سایر عقول
- ۲) امکان فعالیت عقلی برای انسان
- ۳) امکان علم حضوری مجردات به خود
- ۴) فیض رسانی به موجودات بالاتر از خود

۲۱۰- کدام یک از موارد زیر از ویژگی‌های عقل فعال در فلسفه مشاء است؟

- ۱- وجودی مادی و غیرروحانی
۲- علیت نسبت به عقول دیگر
۳- فیض‌رسانی به عقول بشری
۴- موجودی مجرد از عالم طبیعت

۲۱۱- در مرحله عقل انسان می تواند علوم را فرا بگیرد.

- (۱) بالمستفاد (۲) بالملکه (۳) هیولائی (۴) بالفعل

۲۱۲- نسبت رابطه بین عقل فعال و عقل آدمی در کدام گزینه به درستی تبیین شده است؟

- (۱) رابطه علی و معلولی دارند.
(۲) عقل فعال عامل فیض رسانی به عقل بشری است.
(۳) به مثابه خورشید است و روشنایی.
(۴) عقل بشری در گرو وجود عقل فعال است.

۲۱۳- عبارات زیر به ترتیب مربوط به کدام مرحله از مراحل تکامل عقل است؟

- (الف) تالس با محاسبات پیچیده هندسی در سال ۵۸۵ قبل از میلاد پیش بینی کرد که در سال ۵۸۰ یک کسوف رخ خواهد داد.
(ب) یکی از اصول هندسه این است که از دو نقطه فقط یک خط راست عبور می کند .

- (۱) عقل بالفعل - عقل بالفعل (۲) عقل بالمستفاد - عقل بالفعل (۳) عقل بالفعل - عقل بالملکه (۴) عقل بالمستفاد - عقل بالملکه

۲۱۴- کدام گزینه در رابطه با نظر فلاسفه مسلمان درباره مراتب عقول صحیح است؟

- (۱) همه موجودات مخلوقات بیواسطه حق تعالی هستند.
(۲) آخرین مرتبه آنها یعنی همان عقل فعال، همان عقل اندیشنده آدمی است.
(۳) تعقل عقول مجرده به صورت نزولی و بر معلولهای آنهاست.
(۴) در مرتبه بلاواسطه وجودبخشی، بعد از خداوند معلول واحد است و کثرت جای ندارد.

۲۱۵- درباره عقل هیولائی می توان گفت که

- (۱) آمادگی درک معقولات را ندارد.
(۲) درکی ساده و اولی از قضایای ضروری دارد.
(۳) توانایی کسب دانش را دارد.
(۴) به هیچ وجه هیچ ادراک عقلی ندارد.

۲۱۶- کدام مورد، نقش عقل را به عنوان منبع معرفت دینی مطرح می کند؟ (خارج کشور - ۹۹)

- (۱) تفکر در دلایل فرائض دینی مطرح در قرآن
(۲) لزوم نبوت و نزول وحی بر پیامبران
(۳) بررسی اهمیت و نقش عقل در متون دینی
(۴) استخراج حکم جدید از متون دینی

۲۱۷-

- در صورتی که برخی از دستاوردهای عقل با داده‌های وحی متعارض به نظر برسند، با توجه به نظرات ملاصدرا، کدام

احتمال مطرح نمی‌شود؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) در دستاوردهای عقل خطایی رخ داده است.
(۲) برخی از داده‌های وحی را به درستی نفهمیده‌ایم.
(۳) آنچه را که به اشتباه، داده وحی تصور کرده‌ایم، داده وحی نیست.
(۴) وقتی دستاوردهای عقل، با قرآن و سنت معارض به نظر رسد، باید عقل را کنار گذاشت.

از توجه و ورود به فلسفه در جهان اسلام حدود **سیزده قرن** می گذرد.

نکته ۱: **میات عقلی** و **علمی** منجر به یک **میات فلسفی** می شود.

نکته ۲: **میات عقلی** در یک جامعه چگونه شکل می گیرد؟ وقتی که مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه در آید **میات عقلی** شکل می گیرد.

نکته ۳: توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی دانش و رشد شاخه های مختلف علم منجر می شود به: **میات علمی**

نکته ۴: یکی از شاخه های **میات علمی**، **میات فلسفی** است.

نکته ۵: **میات فلسفی** در مسلمانان حدود قرن دوم هجری آغاز شد.

نکته ۶: **میات عقلی** با ظهور خود اسلام آغاز گشت.

زمینه های رشد فلسفه

نکته ۷: پیامبر اکرم و قرآن کریم حیات عقلی در جامعه مسلمانان را پایه گذاری کردند.

زمینه اول:

برخی از عوامل زمینه ساز که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا مشاهده می شود.

۱- ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خرد ورزی

۲- تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خرد ورزی

۳- تکریم و احترام پیوسته عالمان و دانشمندان

۴- طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال

۵- مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود

۶- دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آنها.

زمینه دوم:

بحث و گفت و گو در مباحث اعتقادی: این مباحث، که بیشترشان از جنس مباحث فلسفی است، سبب شد که در همان قرن

اول هجری، دانشمندی ظهور کنند که در روش **عقلی و استدلالی** در مسائل اعتقادی مانند موضوعات زیر متبحر بودند:

۱- اثبات وجود خدا ۲- صفات خداوند ۳- ضرورت معاد ۴- جبر و اختیار

این دسته از دانشمندان، که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند، **متکلم** نامیده می شوند.

پس، حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حیات فلسفی انجامید.

زمینه سوم:

نهضت ترجمه متون

۱- قرن دوم هجری آغاز شد

۲- این نهضت منحصر به دانش فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شد

۳- کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.

۴- حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زبردست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد.

حکمای مشاء

فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آرای ارسطو بود. از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت.

این شیوه تفکر فلسفی به خاطر موسس اول آن به فلسفه مشاء معروف شد.

تعریف حکمت از نظر یک ابن سینا (فیلسوف مشایی): {فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد و نفس خویش را به کمال می رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی موجودات تبدیل می شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاقت بشری می گردد.}

معلم ثانی (فارابی)

۱- بنیانگذار حکمت و فلسفه مشایی در عالم اسلام)

۲- ملقب به معلم ثانی یا معلم در جهان اسلام

نکته ۸ : ابوبشر متی ابن یونس = استاد فلسفه فارابی

مقام علمی و فلسفی فارابی

وی علاوه بر **فلسفه** که در آن سرآمد روزگار بود، در **حقوق**، **نجوم** و **سیاست** نیز شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود. **پزشکی** را به خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبخّر داشت. در **فلسفه سیاست** نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک است.

کتاب ها :

۱- الجمع بین رأی الحکیمین - جمع میان نظرات دو حکیم) = میراث فلسفی یونان، به خصوص آرای افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد

۲- اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه = شرح نظرات ارسطو در کتاب مابعدالطبیعه

ویژگی های انسان در نظر فارابی :

- ۱- مدنی بالطبع است
- ۲- حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد
- ۳- می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند.
- ۴- این اولین مبنای وی برای ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است.
- ۵- مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد
- ۶- هدف اصلی جامعه و مدینه سعادت انسان در دنیا و آخرت است .

ویژگی های مدینه فاضله از نظر فارابی :

- ۱- بهترین مدینه ها مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد.
- ۲- مهم : مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد. همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ مثلاً همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی که ویژگی های ممتازی دارد، بر مردم ریاست کند.
- ۳- ویژگی های ریس مدینه فاضله : **الف** ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد **ب** به عالی ترین درجات تعقل رسیده و می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند **ج** یعنی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست.
- ۴- چرا پیامبر می تواند ریاست مدینه فاضله را به عهده داشته باشد ؟ پیامبر می تواند با **ملک وحی** اتصال دائمی داشته باشد. این ویژگی برای امامان و جانشینان پیامبر هم هست و همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.
- ۵- ویژگی های مدینه جاهله : **الف** مدینه فاضله در مقابل مدینه جاهله است . **ب** مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله در **هدف** آن است. **ج** **در مدینه جاهله** هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

۲۱۸- کدام مورد دربارهٔ ویژگی های مردم مدینهٔ جاهله درست نیست؟

- (۱) به دنبال سلامت جسم و لذات فراوان هستند.
- (۲) مهم ترین تفاوتشان با مردم مدینهٔ فاضله در هدف است.
- (۳) اگر به سعادت مورد نظرشان دست نیابند، گمان می کنند که به بدبختی افتاده اند.
- (۴) در جستجوی سعادت نیستند.

۲۱۹- دربارهٔ نهضت ترجمه کدام گزینه درست است؟

- (۱) کتابها تنها از زبان یونانی ترجمه می شد.
- (۲) ترجمه مختص متون فلسفی و پزشکی بود.
- (۳) مترجمان جایگاه مهمی نداشتند.
- (۴) نهضت ترجمه از زمینه های شکل گیری حیات فلسفی مسلمانان بود.

۲۲۰- کدام گزینه در تفاوت های مدینهٔ جاهله و فاضله نادرست است؟

- (۱) هدف مردم در مدینهٔ جاهله سلامت جسم است.
- (۲) در مدینهٔ فاضله مردم به فضایی آراسته اند که آن ها را به سوی سعادت دنیوی می برد.
- (۳) در مدینهٔ جاهله وظیفهٔ اعضا متناسب با ویژگی های آن ها نیست.
- (۴) مردم مدینهٔ جاهله فکر می کنند که اگر به لذت های دنیوی دست یابند، به سعادت رسیده اند.

۲۲۱- کدام عبارت با نظر پیشوایان اسلامی درباره حکمت و طلب آن سازگار است؟

- (۱) منحصر به افرادی است که عقل ایشان به کمال رسیده است .
- (۲) با وجود قرآن نیازی به جستجوی آن در منابع دیگر نیست .
- (۳) در هر کجا و نزد هر کسی باشد ، باید به دنبال یافتن آن بود .
- (۴) موهبت الهی است که بی جستجو در اختیار صالحین است .

۲۲۲- کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) از عصر رسول خدا بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی شروع شد .
- (۲) در قرن اول هجری ، دانشمندانی تربیت شدند که در روش عقلی و استدلالی در مباحث اعتقادی مانند اثبات وجود خدا تبحر داشتند.
- (۳) دانشمندانی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال مورد بحث قرار می گرفتند ، متکلم نامیده می شدند .
- (۴) مورخان علم گزارش داده اند که حیات تعقلی مسلمانان یک قرن پس از ظهور اسلام شکل گرفت.

۲۲۳- کدام حکیم اسلامی را می توان «اولین فیلسوف مشهور اسلام» دانست و کدام حکیمان بزرگترین حکمای مشاء محسوب می

شوند و نهضت ترجمه از چه قرنی شروع شد؟

- (۱) ابویوسف یعقوب بن اسحاق - ابن سینا و ابن رشد - قرن اول هجری
- (۲) کندی - ابن سینا و فارابی - قرن دوم هجری
- (۳) کندی - ابن سینا و ابن طفیل - قرن دوم هجری
- (۴) ابونصر فارابی - ابن سینا و ابن رشد - قرن اول هجری

۲۲۴- کدام کتاب نوعی شرح فلسفی به شمار می رود و سعادت حقیقی از نظر فارابی چیست؟

- (۱) اغراض مابعدالطبیعه - ریاست مدینه ی فاضله
- (۲) اغراض مابعدالطبیعه - اتصال با ملک وحی
- (۳) رساله جمع بین رای دو حکیم - ریاست مدینه ی فاضله
- (۴) رساله جمع بین رای دو حکیم - اتصال با ملک وحی

۲۲۵- با توجه به نظر فارابی از «مدنی بالطبع» بودن انسان ، کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

- (۱) گرایش به اجتماع در بشر غیر اکتسابی است .
- (۲) نیاز متقابل انسان ها را به سوی یکدیگر کشانده است .
- (۳) بشر ناخواسته و ناآگاهانه به تشکیل اجتماع تن داده است .
- (۴) بدون زندگی اجتماعی ، دستیابی به سعادت غیر ممکن است .

۲۲۶- کدام یک از ویژگی های لازم برای زعیم مدینه فاضله نیست؟

- (۱) نبوت - احاطه به علوم مختلف
- (۲) خردمندی - آراستگی به فضایل انسانی
- (۳) سرشت عالی - توانایی برای ایجاد رشد جامعه
- (۴) توانایی اداره ی مردم - بیان مصالح مردم و احکام الهی

۲۲۷- مردم مدینه ی جاهله چنانند که

- ۱) سلامت جسم را خیر و خوبی می شمردند و در پی آن هستند .
- ۲) اگر به سعادت دست نیابند گمان می برند که به بدبختی افتاده اند.
- ۳) اگر از سعادت راستین گفته شود ، نظر آنان تغییری نمی کند .
- ۴) سعادت را نمی شناسند و هرگز نمی توانند آن را درک کنند .

۲۲۸- کدام گزینه از مباحث علم کلام شمرده نمی شود ؟

- ۱) اثبات وجود خدا
- ۲) تعیین حدود شرعی
- ۳) اثبات وجود معاد
- ۴) توحید خداوند

۲۲۹- کدام گزینه مرز جدایی مدینه فاضله از جاهله نیست ؟

- ۱) هدف قراردادن سعادت حقیقی
- ۲) ریاست پیامبر یا امامان بر مدینه
- ۳) ترک لذات جسمانی
- ۴) پیروی از عقل

۲۳۰- کسی که اهل مدینه ی فاضله باشد ، نخواهد پذیرفت که :

- ۱) هیچ سلسله مراتبی در جامعه وجود نداشته باشد .
- ۲) افراد در پی کسب لذت جسمانی و آسودگی بدن باشند .
- ۳) افراد درگیر زندگی روزمره و رفع نیازهای اولیه هم باشند .
- ۴) هرکس بر اساس شایستگی اش به مرتبه ای برتر دست یابد.

۲۳۱- از ویژگی های رئیس مدینه فاضله به کدام مورد نمی توان اشاره کرد؟

- ۱) قدرت هدایت جامعه به سمت سعادت
- ۲) تقسیم وظائف اعضای مدینه براساس توانمندی ها
- ۳) اتصال با ملک وحی
- ۴) نیل به عالی ترین درجات تعقل

شیخ الرئیس فلسفه

القاب ابن سینا : شیخ الرئیس / حجه الحق / شاهزاده اطباء
معلم منطق و ریاضیات او : ابو عبدالله ناتلی

نکته ۱: روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند. ابن سینا فلسفه مشایی را به صورت مدوّن و نظام مند ارائه کرد.

تألیفات

۱- قانون: که نوعی فرهنگ نامه پزشکی است، از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و به زبان های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

۲- شفا: این دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. قسمت الهیات شفا که دربردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل ترین مرجع حکمت مشائی است و هم اکنون نیز در حوزه های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم ترین کتب فلسفی به حساب می آید.

۳- نجات: شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است.

۴- انصاف: دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بودها ما در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

۵- اشارات و تنبیهات: آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود.

۶- دانشنامه علایی: به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاء الدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

طبیعت شناسی ابن سینا

از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

علت نامگذاری این عالم به عالم طبیعت :

اجزاء این عالم هر کدام طبع و ذاتی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که **منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن** است. خداوند، عالم طبیعت را با **لطف و عنایت** خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی **نظام احسن** را تحقق می بخشند.

به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک **نظم کلی** جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند.

ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن {که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود}، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کلّ جهان هستی نیز تأمل کنیم.

شیخ شهاب الدین سهروردی:

مهم ترین کتاب خود «حکمه الاشراق»

سهروردی در این کتاب از شیوهٔ مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند.

پایه گذار مکتب فلسفی اشراق

حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به **نیروی عقل و ترتیب استدلال** اکتفا نمی کند بلکه آن را با **سیر و سلوک قلبی** نیز همراه می سازد.

نکته بسیار مهم: فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربهٔ درونی دریابد و به ذائقهٔ دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.

نکته ۱: از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوهٔ استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است.

نکته ۲: سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی **گمراه کننده** می باشد.

قطب الدین رازی یکی از پیروان اشراق می گوید: «حکمت اشراق، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.»

اشراق نور

«ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی-اشراق- می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همهٔ چیزها را به وجود می آورد و با اشعهٔ خود به آنها حیات می بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.»

در فلسفهٔ شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند.

مشرق جهان در جغرافیای سهروردی نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.

در میان مشرق محض و مغرب کامل، **مغرب وسطی** قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

دسته بندی جویندگان معرفت

سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند:

- ۱- آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند.
- ۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.
- ۳- آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیة نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند.
- ۴- سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان **حکیم متألّه الله** و بهترین دسته به حساب می آیند.

هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تامّه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست ... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست ...؛ زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند و البته مراد من از این ریاست، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تأله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهایی ... (در هر حال) او ریاست تامّه، اگرچه در نهایت گمنامی باشد. و چون ریاست واقعی جهان به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند . «

۲۳۲- کدام مورد دیدگاه ابن سینا را دربارهٔ شرّ و بدی در طبیعت به درستی بیان کرده است؟

- (۱) شرّ و بدی به مانند مانعی در راه طبیعت است که مطلقاً موجب وقایع ویرانگر می شود.
- (۲) با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت می توان دربارهٔ آن داوری کلی کرد.
- (۳) آنچه ظاهراً شرّ است، همگی تأثیر مثبت در یک نظم کلی جهانی داشته و رو به سوی کمال نهایی اند.
- (۴) کل نظام طبیعت شرّ است، ولی هریک از وقایع ویرانگر طبیعت برای حفظ اعتدال لازم هستند.

۲۳۳- کدام یک از عبارات زیر توصیف درست تری از شناخت طبیعت از دیدگاه ابن سینا ارائه می دهد؟

- ۱- شناختی است که به مدد عنایت الهی حاصل می شود.
- ۲- شناختی است که از طریق تجربه و آزمایش حاصل می شود.
- ۳- شناختی که غایت آن شناختن حقیقت و باطن طبیعت و پدیده های هستی است.
- ۴- شناختی است که از طریق قواعد تجربی و عقلی به دست می آید.

۲۳۴- ثمره تأمل در رابطه طبیعت با ماورالطبیعه از نظر ابن سینا کدام است؟

- (۱) گذر از ظاهر پدیده ها
- (۲) احتیاج پدیده ها به پادشاه راستین
- (۳) شناخت بی نیاز مطلق
- (۴) بی نیاز نبودن هیچ چیز در هیچ چیز از خدا

۲۳۵- پاسخ اصلی ابن سینا به این سؤال که «چرا نظام عالم نظام احسن است» کدام است؟

- (۱) وقایع ویرانگر هم جزء ضروری نظام عالم اند.
- (۲) هر موجودی به سوی خیر و کمال حرکت می کند.
- (۳) نظام موجودات با لطف و عنایت الهی پدید آمده است.
- (۴) هر موجودی در طبیعت نقش خاصی دارد.

۲۳۶- منظور سهروردی از نور، کدام است؟

- (۱) هستی مطلق
- (۲) حقایق مجرده
- (۳) واقعیت اشیاء
- (۴) ذات باری تعالی

۲۳۷- کدام گزینه درباره حکمت مشاء و حکمت اشراق گزاره صحیحی نیست؟

- (۱) هم حکمت مشاء و هم حکمت اشراق مبنایی مشترک یعنی استدلال عقلی دارند.
- (۲) توجه به سلوک معنوی بدون شک در فلسفه اشراق بیشتر از حکمت مشاء است.
- (۳) بحث های فلسفه مشاء حول محور وجود است، اما در فلسفه اشراق چنین نیست.
- (۴) توجه هر دوی این حکمت ها در جهت انتساب فلسفه به حکمت ایران باستان است.

۲۳۸- کدام گزینه دربارهٔ «طبیعت» از دیدگاه ابن سینا درست است؟

- (۱) طبیعت برترین مرتبه از مراتب هستی است که مطابق با عنایت خدا یک نظام احسن است.
- (۲) حرکات و تحولات طبیعت در اثر یک عامل بیرونی نیست، بلکه از ذات آن نشأت می گیرد.
- (۳) «نظام احسن» به این معناست که طبیعت به سمت کمال حرکت می کند و نواقص خود را برطرف می کند.
- (۴) ممکن است طبع و ذات برخی از اجزاء طبیعت به سمت شر و بدی باشد، اما در کل طبیعت رو به سوی خیر دارد.

۲۳۹- از نظر ابن سینا ... منشأ حرکات در عالم طبیعت است و از آنجایی که مطابق با ... پدیده آمده، نظام احسن را در عالم طبیعت به منصفه ظهور می رساند.

- (۱) نقص وجودی مخلوقات / عنایت خداوند
 - (۲) طبع و ذات موجودات / علم خداوند
 - (۳) نقص وجودی مخلوقات / علم خداوند
 - (۴) طبع و ذات موجودات / عنایت خداوند
- ۲۴۰- مطابق با طبیعت شناسی ابن سینا اگر شیئی به کمال و غایت نهایی خود نائل نگردد، لزوماً ...
- (۱) طبیعت آن شیء شر است.
 - (۲) در نظم کلی جهان تأثیر مثبت ندارد.
 - (۳) طبیعت آن با طبیعت کل سازگاری ندارد.
 - (۴) مانعی در راه طبیعت آن شیء قرار گرفته است.

۲۴۱- پاسخ اصلی ابن سینا به این سؤال که «چرا نظام عالم نظام احسن است»، کدام است؟

- ۱- وقایع ویرانگر هم جزء ضروری نظام عالم‌اند.
۲- هر موجودی به سوی خیر و کمال حرکت می‌کند.
۳- نظام موجودات منطبق بر علم الهی است.
۴- هر موجودی در طبیعت نقش خاصی دارد.

۲۴۲ - کدام گزینه از ویژگی های روش اشراقی است؟

- ۱) رد استدلال و برهان عقلی و بحث نظری
۲) جداسازی معرفت عرفانی از معرفت استدلالی
۳) تعمیم تجربه عرفانی شخصی به دیگران از راه استدلال
۴) دریافت معرفت، تنها از طریق شهود قلبی و تجربه درونی

۲۴۳- سهروردی حکیم متأله را در کدام دسته از جویندگان معرفت قرار می دهد؟

- ۱) آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند.
۲) آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند.
۳) آنان که در صور برهانی به کمال رسیده اند و به اشراق و عرفان هم دست یافته اند.
۴) آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ندارند.

۲۴۴ - در دیدگاه شیخ اشراق

- ۱) مقصود از مشرق کامل همان نورالانوار یا خداوند متعال است. ۲) جهان هستی، از مشرق محض و مغرب کامل تشکیل شده است.
۳) مغرب کامل همه موجودات هستی غیر خداوند را شامل می شود. ۴) مشرق و مغرب، هم معنای زمینی و هم عرفانی را شامل می شود.

۲۴۵ - کدام عبارت، وجه برتری «مشرق جهان» بر «مغرب جهان» نزد سهروردی را مشخص تر نشان می دهد؟

- ۱) نور آن بر ظلمتش غلبه دارد.
۲) هیچ نقصی در آن راه ندارد.
۳) در تقابل با جهان مغرب قرار دارد.
۴) موجودات فناپذیر، قادر به مشاهده اش نیستند.

۲۴۶ - با توجه به دیدگاه های شیخ اشراق، تفاوت اصلی موجودات در چیست؟

- ۱) مادی یا مجرد بودن
۲) نورانیت یا ظلمانیت
۳) شدت و ضعف نورانیت
۴) استقلال یا وابستگی وجودی
۲۴۷- آنچه در حکمت مشایی..... نا میدید می شود، در حکمت اشراقی با عنوان..... یاد می شود.

- ۱) ممکن الوجود بالذات-نور الانوار
۲) واجب الوجود بالذات-نورالانوار
۳) ممکن الوجود بالذات-نور محض
۴) واجب الوجود بالغیر-نور محض

۲۴۸- کدام گزینه در باره دیدگاه سهروردی در باره جانشین خدا در میان مردم (نادرست) است؟

- ۱) همواره چنین کسی در دنیا حضور دارد
۲) همان حکیم متاله است که در نهایت خفا زندگی می کند
۳) امام متاله است که گاه در ظاهر مستولی است
۴) حقایق را در مصدر جلال دریافت می کند

۲۴۹- در تمثیل اشراق به ترتیب چه اموری باعث «آفرینش موجودات- حیات چیزها - زیبایی و کمال در مخلوقات» می گردد .

- ۱) اشراق نور محض - اشعه منبع نور - رحمت خداوند .
۲) اشعه منبع نور - تجلی ذات باری در پدیده ها - رحمت خداوند .
۳) نورافشانی ذات احدیت - رحمت خداوند- وصول کامل به روشنایی
۴) عنایت خداوند - اشراق نور محض - تجلی ذات باری در پدیده های جهان

۲۵۰- با توجه به جغرافیای عرفانی در فلسفه اشراق، کدام مورد نادرست است؟

- ۱) مشرق، همان نور محض یا محل فرشتگان مقرب است.
۲) در جغرافیای عرفانی، مشرق و مغرب، معنای زمینی خود را ندارند.
۳) موجودات عالم ماده قادر به مشاهده موجودات مشرق جهان نیستند.
۴) در عالم ماده که میان مشرق و مغرب کامل قرار دارد نور و ظلمت به هم آمیخته است.

۲۵۱- طبیعت شناسی ابن سینا در مقام تشبیه به کدامیک از عبارتهای زیر نزدیک است؟

- (۱) شادی و غمی که در قضا و قدر است.
(۲) نی به آتش گفت کاین آشوب چیست.
(۳) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد.
(۴) این هوس ها از سرت بیرون کند خوف و خشیت در دلت افزون کند.

۲۵۲- از نظر ابن سینا علم حقیقی یعنی.....

- (۱) علم تجربی و مبتنی بر مشاهده و استقرا
(۲) علم به وجود رابطه میان پدیده های کل هستی
(۳) علم به رابطه وجودی هر شی با وجود مطلق
(۴) علم به رابطه وجودی هر شی با کل هستی
- ۲۵۳- از نظر ابن سینا، طبیعت شی به عنوان.....، هر موجودی را به نحو..... به سوی کمال و خیرش سوق می دهد.

- (۱) مبدأ درونی اشیا-نامشروط
(۲) رهسپار مقصدی خاص-مشروط
(۳) مبدأ درونی حرکت و سکون-نامشروط
(۴) مرتبه ای از هستی-مشروط
- ۲۵۴- از نظر ابن سینا چه چیزی موجب پدید آمدن طبیعت شده است؟
- (۱) ضرورت تکامل خلقت (۲) توانایی عقل فعال (۳) از بین رفتن شر عالم هستی (۴) لطف و عنایت پروردگار

۲۵۵- نخستین مرحله در مدارج دانایی از نظر سهروردی کدام است؟

- (۱) توجه به مبدأ حقیقت (۲) جویندگی و شوق حقیقت (۳) کسب مهارت در قیاس برهانی (۴) سیر و سلوک نفس و طریقت جویی

۲۵۶- کدام گزینه درباره دیدگاه سهروردی در پلوه جانشین خدا در میان مردم (نادرست) است؟

- (۱) همواره چنین کسی در دنیا حضور دارد
(۲) همان حکیم متاله است که در نهایت خفا زندگی می کند
(۳) امام متاله است که گاه در ظاهر مستولی است
(۴) حقایق را در مصدر جلال دریافت می کند

۲۵۷- فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را..... به دست آورده،.....

- (۱) با استدلال و قیاس - به تجربه و آزمایش دریابد
(۲) با سیر و سلوک قلبی - از طریق برهان به دیگران منتقل کند
(۳) عقلی و برهانی - با اصول اعتقادی مطابقت دهد
(۴) با عقل و منطق - با استدلال و برهان همراه سازد

۲۵۸- آنچه در حکمت مشایی..... نامیده می شود، در حکمت اشراقی با عنوان..... یاد می شود.

- (۱) ممکن الوجود بالذات - نور الانوار
(۲) واجب الوجود بالذات - نور الانوار
(۳) ممکن الوجود بالذات - نور محض
(۴) واجب الوجود بالغیر - نور محض

۲۵۹- از نظر ابن سینا وجه تسمیه عالم طبیعت کدام مورد می باشد؟

- (۱) لطف و عنایت خداوند در پدیدآوردن آن
(۲) رابطه باطنی این جهان با مبدأ وجود
(۳) منشأ و مبدأ حرکات و تحولات این عالم
(۴) وجود نظام احسن در شمول علم باری تعالی

۲۶۰- دو شرط برای درک باطن اشیا و پدیده ها عبارت است از و

- (۱) سهروردی - تحقیق به شیوه استدلالی همراه با شهود - سیر و سلوک عرفانی همراه با تربیت عقلانی
(۲) ابن سینا - تحقیق و پژوهش در روابط بین پدیده ها - درنگ و تأمل در رابطه طبیعت و ماوراءالطبیعت
(۳) ملاصدرا - درک امکان فقری موجودات - نیازمندی پدیده ها به موجود غنی
(۴) ابن سینا - تحقیق و پژوهش در روابط بین پدیده ها - درنگ و تأمل در رابطه طبیعت و ماوراءالطبیعت

۲۶۱- کدام گزینه درباره حکمت مشاء و حکمت اشراق گزاره صحیحی نیست؟

- (۱) هم حکمت مشاء و هم حکمت اشراق مبنایی مشترک یعنی استدلال عقلی دارند.
(۲) توجه به سلوک معنوی بدون شک در فلسفه اشراق بیشتر از حکمت مشاء است.
(۳) بحث های فلسفه مشاء حول محور وجود است؛ با این حال فلسفه اشراقی چنین نیست.
(۴) توجه هر دوی این حکمت ها در جهت انتساب فلسفه به حکمت ایران باستان است.

کدام عبارت را می‌توان از دیدگاه ابن سینا در طبیعت‌شناسی نتیجه گرفت؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- ۱) همه موجودات طبیعی، دارای طبیعت خاصی هستند که براساس حرکات و تحولات آنها شکل می‌گیرد.
- ۲) تحقیق در ماورای طبیعت، دانشمندان را از روابط میان پدیده‌ها آگاه می‌کند و به خشوع در برابر حق و اوست.
- ۳) با توجه به این که نظام عالم احسن است، دوری در مورد وقایع مخرب طبیعی که خیرند یا شر، غیرممکن است.
- ۴) وجود هر موجود طبیعی، از جهاتی خیر است و از جهاتی دیگر شر؛ اما در مجموعه عالم، وجودش جز خیر نیست.

دوران متاخر چه بازه زمانی را در بر می گیرد ؟

۱- دوره متقدم : آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری (فارابی بزرگ ترین فیلسوف این دوره بوده است .)

۲- دوره میانه : قرن پنجم تا قرن دهم را دوره میانه (طلوع ابن سینا در آغاز آن است)

۳- دوره متاخر : قرن یازدهم تا عصر حاضر

نکته ۱: متلکمان (عالمان علم کلام که رسالت خود را دفاع عقلانی از معارف دینی می دانستند) از همان ابتدا رقیبان فلسفه بودند .

نکته ۲ : البته در ایران این انتقادات تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند تا اینکه پس از دوره ای طولانی از کشمکش های اجتماعی، که در پی حمله مغول پیش آمده بود، حکومت صفویه شکل گرفت و ایران به ثبات و آرامش رسید.

فیلسوفان بزرگ این دوره در اصفهان (پایتخت صفویان):

میرمحمد باقر مشهور به میرداماد

شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی

میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی

محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا و صدرالمتألهین

صاحب حکمت متعالیه

اساتید ملاصدرا : ۱- شیخ بهایی

۲- میرداماد (استاد فلسفه ملاصدرا)

تألیفات :

الشواهد الربوبیه

تفسیرالقرآن الکریم

المبدأ و المعاد

الحکمة المتعالیه فی الاسفار الربعه (مهم ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا که یک دایره المعارف فلسفی است) عرفا معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی در چهار سفر انجام می شود.

| ویژگی فلسفی | ویژگی عرفانی | سفر |
|---|--|-------------------------------------|
| مباحث عمومی فلسفه | سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد | ۱- سفر اول : از خلق به حق |
| مباحث عمومی فلسفه به مباحث مربوط به توحید و صفات الهی | سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید. | ۲- سفر دوم : با حق و در حق |
| افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی | سالک به سوی خلق باز می گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد. | ۳- سفر سوم : از حق به سوی خلق با حق |
| علم النفس و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد | سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید. | ۴- در خلق با حق |

حکمت متعالیه

روش حکمت متعالیه : برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی
منابع حکمت متعالیه :

- ۱- فلسفهٔ مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا
- ۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی
- ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی
- ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار

۱- اصالت وجود

قدم اول : مفهوم اصالت ، در اصالت وجود : اصالت به معنای واقعی در مقابل ذهنی و غیر واقعی است .
 قدم دوم : تفکیک مفهوم وجود و ماهیت (هستی و چیستی)
 قدم سوم : مغایرت وجود و ماهیت در ذهن - وجود و ماهیت دو مفهوم مغایر و متفاوت در ذهن هستند -
 قدم چهارم : شی خارجی که منشا پیدایش دو مفهوم متغایر در ذهن شده است ، یکی است ، اما این شی واقعا و حقیقتا مصداق کدام یک از این دو مفهوم است ؟
 قدم پنجم: اصالت ماهیت = فیلسوفانی همچون میرداماد و البته اذهان عادی ، امور واقعی خارجی را مصداق ماهیت می دانند ، یعنی واقعیت ، همان ماهیت است نه وجود .
نکته : اذهان عادی نظر اصالت ماهیت را بیشتر می پسندند .
نظر ملاصدرا : وجود اصیل است و واقعی است و واقعیت خارجی مابۀ ازاء و مصداق وجود است .

توضیح :

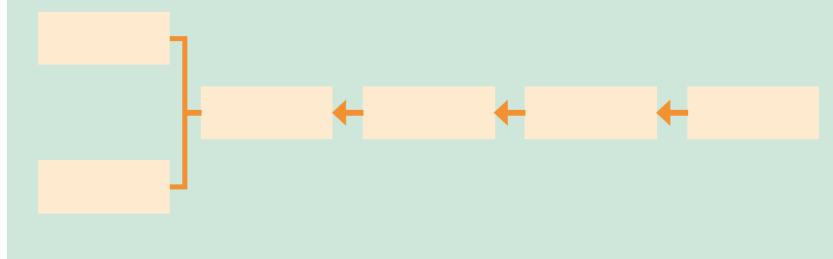
آنچه ما در خارج می یابیم، از آسمان و درخت و آب تا حیوان و انسان، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می کند، متناسب با تفاوت ها و خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی از قبیل آسمان، درخت، آب، حیوان و انسان **انتزاع** (اعتبار / جعل) می کند و آن وجودها را به این تصورات و مفاهیم، نام گذاری می کند و از هم متمایز می سازد والا آنچه در خارج است ، وجود است . بنابراین ، جهان چیزی جز {وجود} و حقیقت وجود نیست .

وجود اندر کمال خویش جاری است تعین؛ امور اعتباری است

نکته : شعر به اصالت وجود اشاره دارد و معنای تعین ، همان **ماهیت** است .

تکمیل نمودار

نمودار زیر یک سیر را نشان می دهد؛ آن را کامل کنید:
 یک واقعیت و دو مفهوم - دو نظر - اصالت وجود - تمایز دو مفهوم - کدام واقعی؟ - اصالت ماهیت



دومین اصل فلسفی ملاصدرا، وحدت حقیقت وجود است: هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی بیش نیست. هاتف اصفهانی:

که یکی هست و بیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

اشاره دارد به مفهوم وحدت وجود عرفا.

عارفان از دیرباز معتقد بودند که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند. آنان که این حقیقت را از طریق شهود عرفانی به دست آورده بودند، برای اثبات نظر خود کمتر به استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند. آنان می گفتند نسبت حقیقت وجود به این کثرت هایی که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. این امواج فراوان که مرتب می آیند و می روند و گاه از بزرگی و عظمت آنها هم یاد می کنیم، چیزی جز همان آب نیستند که این گونه چین و شکن پیدا کرده و خود را بر صخره ها می کوبد.

حافظ:

حسن روی تو بیک جلوه که در آینه کرد این همه نقش در آینه او نام انداخت
این همه عکس می و نقش بخارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام انداخت

هو الأوّل و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم (سوره حدید - آیه 3)

« همو هم اوّل است و هم آخر هم ظاهر است و هم باطن و او به هر چیزی علیم است. »
نکته: اشعار و آیه مذکور به وحدت حقیقت وجود اشاره دارد.

سوال: اگر حقیقت یکی است، بالاخره این کثرت ها، گرچه در همان حدّ موج و سایه باشد، از کجا نشئت می گیرد؟

از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

به عبارت دیگر : وجود مشکک و ذومراتب است .

شمس الدین محمد مغربی

دختران جام کوناگون، شرابی بیش نیست
 کرچه بیازند انجم، آفتابی بیش نیست
 کرچه بر خیزد ز آب بحر، موجی بی شمار
 کثرت اندر موج باشد، لیک آبی بیش نیست

نکته : شعر به مراتب داشتن وجود اشاره دارد .

نکته :

مفهوم کلی به دو بخش تقسیم می شود :

کلی متواپی : تصویری است که بر مصادیق خود به یک اندازه صادق است . مثلا انسان / صندلی / طوطی و ...

این مفاهیم تر و ترین نمی گیرند .

کلی مشکک : تصویری است که بر مصادیق خود به یک اندازه صادق نیست و دارای درجات است . مثلا سفید / شیرین / نورانی

می توان برای این صفات تر و ترین به کار برد . شیرین تر / شیرین ترین

نکات کنکوری پاورقی:

علم لدنی علمی است که از طریق آموزش و کلاس درس حاصل نمی شود بلکه بدون واسطه از جانب خدا به کسی که در بندگی و عبودیت مراتبی را پیموده و به شایستگی کافی رسیده است، الهام و اشراق می شود.

۲۶۳- بر اساس نظریهٔ اصالت وجود ملاصدرا، منشاء انتزاع ماهیت چیست؟

- (۱) وجود ذهنی (۲) ماهیت ذهنی (۳) تعیین وجود خارجی (۴) تعیین ماهیت در خارج

۲۶۴- محتوای کدام عبارت با نظرات ملاصدرا سازگار است؟

- (۱) موجود مجرد با توجه به شدت وجود خود، از غنای ذاتی برخوردار است.
 (۲) موجودات چه مجرد باشند و چه مادی، حقیقت هستی آن ها یکی است.
 (۳) تفاوت موجودات مختلف، با توجه به ماهیات آن ها تبیین می شود.
 (۴) وابستگی و نیاز هر موجودی، در ذات و ماهیت آن موجود ریشه دارد.

۲۶۵- کدام گزینه دربارهٔ «وجود و ماهیت» از نظر ملاصدرا نادرست است؟

- (۱) آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد و در خارج اصالت دارد وجود است.
 (۲) همهٔ اشیاء عالم در اصل وجود با هم تفاوتی ندارند که نشانه وحدت موجودات است.
 (۳) وجود، جنبهٔ تمایز و اختلاف اشیا است و ماهیت، وجه وحدت آن است.
 (۴) هر وجودی با تعیینی خاص در خارج هست که این تعیین منشأ انتزاع ماهیت است.

۲۶۶- کدام مورد در توضیح مفهوم «اصالت» در بحث اصالت وجود یا ماهیت، مناسب تر است؟

- (۱) آنچه که قائم به چیز دیگری نیست (۲) مفهومی که دارای منشأ واقعی باشد
 (۳) چیزی که دارای نوعی مصداق باشد (۴) آنچه که واقعیت را تشکیل می دهد

۲۶۷- بر مبنای اصالت وجود، مفهوم وجود است.

- (۱) مانند جسم است و مفهوم ماهیت مانند رنگ آن جسم.
 (۲) بر وجود یک واقعیت و مفهوم ماهیت بر ماهیت آن واقعیت در خارج منطبق می شود.
 (۳) بر وجود یک چیز در خارج و مفهوم ماهیت بر تعیین آن در خارج تعلق می گیرد.
 (۴) از وجود یک چیز در خارج حکایت می کند و مفهوم ماهیت از تعیین خاص وجود در خارج انتزاع می شود.

۲۶۸- کدام گزینه از مقدمات اثبات اصالت وجود است؟

- (۱) وجوب وجود (۲) امکان ذاتی ماهوی (۳) وحدت حقیقت وجود (۴) تمایز وجود از ماهیت

۲۶۹- عبارت: « چون خطابی کرد با خود گشت پیدا کائنات / علت ایجاد عالم پس خطابی بیش نیست » با کدام یک از اصول اولیه حکمت متعالیه هماهنگ است؟

- (۱) وحدت حقیقت وجود (۲) اصالت وجود (۳) مراتب داشتن وجود (۴) فلسفه اصالت وجود

۲۷۰- محمول واحدی که تمام را شامل می شود، همان است که امری است

- (۱) واقعیات / وجود / مشکک (۲) موجودات / ماهیت / مشکک

- (۳) موجودات / ماهیت / مطلق و غیر مشکک (۴) واقعیات / وجود / مطلق و غیر مشکک

۲۷۱- اگر نظریه را بپذیریم، تنها با استفاده از اصل می شود تفاوت میان اشیاء جهان را اثبات کرد.

- (۱) اصالت وجود - مغایرت وجود و ماهیت (۲) تشکیک وجود - اصالت وجود و ماهیت

- (۳) وحدت وجود - اصالت وجود (۴) اصالت وجود - تشکیک مفهوم وجود

۲۷۲- کدام گزینه درباره بحث اصالت وجود نادرست است؟

- (۱) واقعیت، مصداق دو مفهوم کاملاً متمایز، یعنی وجود و ماهیت قرار می گیرد.
 (۲) محال است هر دو مفهوم وجود و ماهیت ساخته و پرداخته ذهن باشند.
 (۳) محال است هر دو مفهوم وجود و ماهیت امری اصیل و واقعی باشد.
 (۴) مفهوم وجود و ماهیت در ذهن امری متفاوت و کاملاً متمایز هستند.

۲۷۳- بنیادی ترین اصل فلسفی صدرایی عبارت است از که.....

- ۱) اصالت وجود از نظریه تشکیک وجود به دست می آید.
 - ۲) تشکیک وجود در اصل نظریه ای در علم منطقی است.
 - ۳) وحدت وجود مبنای نظریه اصالت وجود محسوب می شود.
 - ۴) اصالت وجود مباحث دیگر فلسفه را تحت تأثیر قرار می دهد .
- ۲۷۴- کدام یک از آثار آغاز حکومت صفویه است و از فیلسوفان بزرگ این دوره می توان به و اشاره کرد .

- ۱) رونق گرفتن علم و دانش - میرداماد / میرزا علی آقا قاضی
- ۲) ظهور فیلسوفان بزرگ و ورود فلسفه به مرحله ای جدید - شیخ بهایی / میرزا علی آقا قاضی
- ۳) رونق گرفتن علم و دانش - ملاصدرا / ابوالحسن رفیعی قزوینی
- ۴) ظهور فیلسوفان بزرگ و ورود فلسفه به مرحله ای جدید - ملاصدرا / میرفندرسکی

۲۷۵- کدام بیان در مورد علم لدنی درست نیست ؟

- ۱) علم لدنی بدون کتاب و معلم و اندیشه دریافت می شود و آموزش نقشی در آن ندارد.
 - ۲) به نظر همه حکیمان و فیلسوفان ، علم لدنی از دیگر دانش ها قوی تر و استوارتر است .
 - ۳) در قرآن آیاتی وجود دارد که می توان در اثبات علم لدنی به آن استشهد کرد .
 - ۴) به اعتقاد صدرالمتهلین امکان ندارد کسی قرآن را فهمیده باشد و علم لدنی را انکار کند .
- ۲۷۶- محمول واحدی که تمام را شامل می شود ، همان است که امری است

- ۱) واقعیات / وجود / مشکک
 - ۲) موجودات / ماهیت / مشکک
 - ۳) موجودات / ماهیت / مطلق و غیر مشکک
 - ۴) واقعیات / وجود / مطلق و غیر مشکک
- ۲۷۷- کاربرد مفهوم کلی انسان بر افرادش و کاربرد مفهوم کلی حیوان بر مصادیقش به ترتیب ، موصوف به کدام وصف است ؟
- ۱) مشکک - متواطی
 - ۲) متواطی - متواطی
 - ۳) متواطی - مشکک
 - ۴) مشکک - مشکک

۲۷۸- بخش دوم اسفار چه مباحثی را شامل می شود ؟

- ۱) نظرات فلسفی درباره ی پیدایش عالم
 - ۲) دیدگاه های اولیه ملاصدرا
 - ۳) خداشناسی و معاد شناسی
 - ۴) منطق و مابعدالطبیعه
- ۲۷۹- اگر نظریه را بپذیریم ، تنها با استفاده از اصل می شود تفاوت میان اشیاء جهان را اثبات کرد .

- ۱) اصالت وجود - مغایرت وجود و ماهیت
- ۲) تشکیک وجود - اصالت وجود و ماهیت
- ۳) وحدت وجود - اصالت وجود
- ۴) اصالت وجود - تشکیک مفهوم وجود

۲۸۰- کدام گزینه درباره مبحث اصالت وجود نادرست است ؟

- ۱) واقعیت ، مصداق دو مفهوم کاملاً متمایز ، یعنی وجود و ماهیت قرار می گیرد.
- ۲) محال است هر دو مفهوم وجود و ماهیت ساخته و پرداخته ذهن باشند .
- ۳) محال است هر دو مفهوم وجود و ماهیت امری اصیل و واقعی باشد .
- ۴) مفهوم وجود و ماهیت در ذهن امری متفاوت و کاملاً متمایز هستند.

۲۸۱- مطابق دیدگاه اصالت ماهیتی

- ۱) توضیح اختلاف خواص و آثار موجودات مشکل است .
- ۲) موجودات متنوع جهان ، در اصل خود یک چیز هستند.
- ۳) تفاوت اشیاء به راحتی قابل تبیین عقلانی است .
- ۴) ماهیات هنگام شناخت واقعیت ها به ذهن می آیند.

۲۸۲- به نظر طرفداران اصالت وجود.....

- (۱) ماهیت نتیجه انتزاع ذهن از وجود است
- (۲) وجود نتیجه انتزاع ذهن از ماهیت است
- (۳) وجود حد ماهیت و منتزاع از آن است
- (۴) ماهیت واقعیت دارد و متحقق در خارج است

۲۸۳- بنیادی ترین اصل فلسفی صدرایی عبارت است ازکه.....

- (۱) اصالت وجود از نظریه تشکیک وجود به دست می آید.
- (۲) تشکیک وجود در اصل نظریه ای در علم منطق است.
- (۳) وحدت وجود مبنای نظریه اصالت وجود محسوب می شود.
- (۴) اصالت وجود مباحث دیگر فلسفه را تحت تأثیر قرار می دهد .

۲۸۴- کدام گزینه با مضمون بیت : گر چه برخیزد ز آب بحر موجی بی شمار / کثرت اندر موج باشد ، لیک آبی بیش نیست ، مناسبتر است؟

- (۱) جهان ، موجودات بی شماری را با تنوع بی حد صفات و خصوصیات آنها شامل می گردد.
- (۲) کثرت عالم را نمی توان با وحدت آن جمع کرد.
- (۳) موجودات گوناگون چون امواج دریا هستند، هر چند بسیارند اما همگی به یک جهان تعلق دارند.
- (۴) در عالم وحدت حاکم است و موجودات از حیث موجود بودن، حقیقت واحدی را تشکیل می دهند.

۲۸۵- کدام گزینه در رابطه با تشکیک درست نیست؟

- (۱) حقیقت واحد مشکک، مراتب و درجاتی دارد.
 - (۲) تشکیک در وجود ، به معنای شدت و ضعف داشتن وجود است.
 - (۳) تشکیک از ترکیب وجود و غیر وجود حاصل می شود.
 - (۴) شدت و ضعف نور، خارج از حقیقت نور نیست.
- ## ۲۸۶- شعر: « به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم » با مفهوم شعر قرابت دارد.

- (۱) در هزاران جام گوناگون شرابی بیش نیست گرچه بسیارند انجم آفتابی بیش نیست.
 - (۲) گرچه برخیزد ز آب بحر موجی بی شمار کثرت اند موج باشد لیک آبی بیش نیست.
 - (۳) وجود اندر کمال خویش جاری است تعیین ها امور اعتباری است.
 - (۴) این همه عکس می و نقش نگارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام انداخت
- ## ۲۸۷- عبارت «یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد» و «گرچه بسیارند انجم آفتابی بیش نیست» به ترتیب بر چه اصولی دلالت دارند؟

- (۱) اصالت وجود مراتب داشتن حقیقت وجود
- (۲) اصالت وجود وحدت حقیقت وجود
- (۳) وحدت حقیقت وجود مراتب داشتن حقیقت وجود
- (۴) وحدت حقیقت وجود اصالت وجود

۲۸۸- کدام گزاره با اصول فلسفی ملاصدرا مطابقت دارد؟

- (۱) وجود در خارج اصالت دارد و ماهیت نه ذهنی است و نه خارجی.
- (۲) هر وجودی با تعینی خاص در خارج هست و از این تعین خاص مفهوم وجود به دست می آید.
- (۳) آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است که با ماهیت وحدت دارد.
- (۴) واقعیت خارجی، مصداق مفهوم وجود است و حقیقت وجود واحد و دارای مراتب است.

۲۸۹- کدام مورد در توضیح مفهوم «اصالت» در بحث «اصالت وجود یا ماهیت» مناسب تر است ؟

- (۱) آن چه که قائم به چیز دیگری نیست.
- (۲) مفهومی که دارای منشأ واقعی باشد.
- (۳) چیزی که دارای نوعی مصداق باشد.
- (۴) آن چه که واقعیت را تشکیل می دهد.

۲۹۰- مطابق با دیدگاه..... « ابر و باد و مه و خورشید و فلک » یعنی

- (۱) ملاصدرا - وجودهای مختلف و متکثر
(۲) میرداماد - وحدت حقیقت وجود
(۳) ملاصدرا - وحدت حقیقت وجود
(۴) عرفا - وجودهای مختلف و متکثر

-۲۹۱

کدام عبارت نظر ملاصدرا را به درستی بیان می‌کند؟ (سراسری - ۱۴۰۰)

- (۱) از میان دو مفهوم «انسان» و «وجود»، وجود مفهومی واقعی و انسان مفهومی ساخته ذهن اشخاص است.
(۲) ماهیت‌ها اموری ذهنی هستند که ما آن‌ها را به موجودات گوناگون نسبت می‌دهیم.
(۳) در خارج از ذهن ما، آن‌چه که واقعاً هست، یک حقیقت است و آن، وجود است.
(۴) با توجه به واقعی بودن وجود، هیچ جایی برای تکثر و کثرت در عالم نیست.

تفاوت تفکر فلسفی در دوره معاصر – صد سال اخیر – با گذشته : ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام

دو نکته

- ۱- پس از سقوط دولت صفویان نابسامانی هایی ایران را فرا گرفت که تا مدت های طولانی ادامه یافت.
- ۲- با اینکه در این دوره فلسفه های اروپایی وارد ایران شد و توجه علاقه مندان را به خود جلب کرد، اما از آنجا که ایران در یک دوره طولانی مهد فلسفه بود و مکتب های بزرگ فلسفی، مانند مکتب مشاء و اشراق و متعالیه در آن رونق داشت، برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه های اروپایی بدین صورت بود که تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

نام چند نفر از فیلسوفان معاصر :

میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمدمهدی الهی قمشه ای، سید محمدکاظم عصار، آیت الله محمدعلی شاه آبادی و علامه طباطبایی

فیلسوفان مسلمان : (کندی - فارابی - ابن سینا - سهروردی - ملاصدرا)

فیلسوفان پیش و بعد از سقراط :

فیثاغورس - تالس - هراکلیتوس - پارمنیدیس - امپدوکلس - لئوکیپوس - دمکریتوس - سیسرون - سقراط - افلاطون - ارسطو)

سوفسطائیان : (پروتاگوراس - گرگیاس)

تجربه گرایان : (فرانسسی بیکن - جان لاک - توماس هابز - دیوید هیوم)

عقل گرایان: (رنه دکارت - ایمانوئل کانت)

پوزیتیویست ها : (اوگوست کنت)

نسبی گرایان

پراگماتیست ها

فیلسوفان جدید: (کارل مارکس - برتراند راسل - کرکگور - کاتینگهام - ویلیام جیمز - هانری برگسون)

ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی (متولد ۱۸۵ هجری در کوفه)

در بغداد، دوران علمی خود را سپری کرد. مورخان او را اولین فیلسوف مشهور جهان اسلام نامیده اند. او علاوه بر فیلسوف بودن، ریاضی دان، ستاره شناس، موسیقی دان و طبیب هم بود. وی مترجمانی داشت که آثار مختلف علمی را از زبان های گوناگون ترجمه می کردند و در اختیارش قرار می دادند. کندی در سال ۲۶۰ هجری درگذشت.

فارابی

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان « وجود » و « ماهیت » توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.

نظر فارابی درباره ممکن الوجود :

انسان و سیمرغ ، هر دو ممکن الوجود هستند ، این جمله به چه معنا است ؟

فارابی و ابن سینا به این پرسش پاسخ داده و گفته اند که اگرچه این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند و باوجود رابطه امکانی دارند ، اما همین رابطه امکانی به آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود وجود آنها فراهم شود، آنها نیز پا به اقلیم وجود بگذارند و موجود شوند.

برهان فارابی در اثبات وجود خدا:

بیان فارابی برای اثبات وجود خدا چنین است:

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. (تقدم وجودی علت بر معلول)

ب) هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است.

نتیجه : اکنون اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل

علل نامتناهی پیش می آید. (که منطقا محال است)

- ۱- انسان موجودی مدنی بالطبع است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با همنوعان خویش زندگی کند.
 - ۲- این اولین مبنای وی برای ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است
 - ۳- مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد.
 - ۴- بهترین مدینه ها مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد .
 - ۵ - فارابی مدینه فاضله را به بدنی سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد. همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ مثلاً همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی که ویژگی های ممتازی دارد، بر مردم ریاست کند.
 - ۶- از نظر او، ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که :
 - الف (روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد.
 - ب) به عالی ترین درجات تعقل رسیده است.
 - ج) می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند.توجه : رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست. پیامبر می تواند با ملک وحی اتصال دائمی داشته باشد. این ویژگی برای امامان و جانشینان پیامبر هم هست
- همین اتصال پیوسته با عالم بالا به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند.

فارابی مدینه جاهله را در مقابل مدینه فاضله، قرار می دهد و معتقد است که مهم ترین تفاوت آن با مدینه فاضله در هدف آن است. در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

نظر فارابی (ابن سینا) درباره اعتبار عقل و حس و شناخت شهودی:

حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. همچنین این دو فیلسوف برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

نظر ابن سینا درباره مبانی فلسفی علوم تجربی (شناخت تجربی):

او در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی داشت. ابن سینا کتاب های متعددی هم در فلسفه و هم علوم طبیعی نوشت که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است. وی در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است. ابن سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. این قانون، یکی از قواعد اولیة تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند.

نظر ابن سینا درباره ی نفس

ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید. ابن سینا معتقد است:

| | |
|----------|--|
| وقتی بدن | انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های |
| بدنی | شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند. این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس |
| قبیل | موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. این روح همچنین می تواند اموری از |
| | اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد. |

نظر ابن سینا (فیلسوفان مسلمان) درباره اخلاق

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. آنان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد، عقل عملی می نامند. فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشتن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند. بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است و با کسب فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.

نظر ابن سینا درباره تمایز بین وجود و ماهیت:

ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «چیستی» و «هستی» دو جنبهٔ یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهندهٔ آب هستند.

نظر ابن سینا (فیلسوفان مسلمان) درباره اصل علیت:

از نظر فلاسفهٔ مسلمان اصل علیت یک قاعدهٔ عقلی است و از تجربه به دست نمی‌آید؛ زیرا دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می‌زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است.

تفاوت نظر فیلسوفان مسلمان و عقل‌گرایان اروپایی

اما این گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک می‌کرده است. آنان می‌گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل امتناع اجتماع نقیضین شد، درمی‌یابد که پدیده‌ها خود به خود به وجود نمی‌آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

از نظر این فیلسوفان، پس از شکل‌گیری ذهن کودک و درک برخی حقایق است که وقتی کودک صدایی را می‌شنود یا حرکتی را مشاهده می‌کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی‌آید؛ یعنی از این به بعد است که متوجه می‌شود حوادث، خود به خود رخ نمی‌دهند و می‌توان علل حوادث را پیدا کرد.

پاسخ ابن سینا به نظر دیوید هیوم درباره علیت:

ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی می‌کرده است، به گونه‌ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می‌گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به علیت، از طریق تجربه امکان‌پذیر نیست، زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط «همراه هم آمدن – به دنبال هم آمدن» برخی پدیده‌ها را می‌یابیم و این معنای علیت نیست، لذا طبیعی است که کسی که تجربه‌گرا است، نمی‌تواند تبیین قانع‌کننده‌ای از علیت ارائه کند.

- ۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی‌اند؛ هم می‌توانند باشند و هم می‌توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن‌الوجودند.
- ۲- ممکن‌الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم درآید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند واجب‌الوجود بالذات است؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی او باشد و خودش ممکن‌الوجود نباشد.
- ۳- پس، موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات (خداوند) وابسته‌اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

نظر ابن سینا درباره طبیعت (طبیعت شناسی ابن سینا):

- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه‌ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است. خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده‌اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می‌بخشند.
- به نظر ابن سینا:
- ۱- طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می‌رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند.
 - ۲- تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آنها می‌رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می‌دارد.

شیخ شهاب الدین سهروردی

روش سهروردی در تفکر فلسفی :

وی فلسفه جدیدی را پایه گذاری نمود و میان حکمت و فلسفه و اشراق و شهود پیوند برقرار کرد. وی می کوشید از طرفی شهودهای عرفانی خود را با زبان فلسفی و استدلالی بیان کند و از طرف دیگر آنچه را که با استدلال و نیروی عقل به دست آورده با سیر و سلوک قلبی و مشاهده همراه کند.

نظر سهروردی درباره نفس :

او معتقد بود که هستی، نور است و این مفهوم را به جای وجود به کار برد .
او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست .این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند و می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند .او می گفت خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم (مشرق محض) است و از خداست که انوار بعدی طلوع می کنند .آنجا که نور وجود به پایین ترین حدّ خود می رسد، مغرب عالم قرار گرفته است .
وی نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست .

نظر سهروردی درباره ذات حقیقی موجودات و مراتب نورانیت :

سهروردی مفهوم نور را به جای وجود وارد نظام فلسفی خود می نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می کند .
او خداوند را نورالانوار می نامد و می گوید که اشیا دیگر از تابش نور محض پدید می آیند و نور هستند ، اما نه نور مطلق ، بلکه درجه ای از نور ، پس آنها پرتو نور نورالانوار هستند . هر واقعییتی از نور است و تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنها است .

ملاصدرا: (فیلسوف قرن دهم و یازدهم هجری)

نظر ملاصدرا درباره فطرت اول و ثانی :

مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را یعنی فطرت اول ، که ماندن در آن شایسته انسان نیست .
پرسش های اساسی و تفکر در آنها فطرت ثانی است که مرحله ای برتر و عالی تر است .

تقسیم بندی آدمیان در نظر ملاصدرا:

واقف : ایستاده = کسی که به دانش ظاهری دل خوش کرده و متوقف شده است و دروازه جهان بزرگ و برتر به رویش گشوده نشده است . فقط از شنیده ها بهره می برد و کارش تقلید از دیگران است .
سائر : اهل حرکت و پویایی است و فقط به شنیده ها بسنده نمی کند ، او در تلاش است که از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند .

روش ملاصدرا در تاسیس حکمت متعالیه :

ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از **شهود و اشراق** نیز بهره مند است . او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و **معرفت و حیانی** برقرار کرد و اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .

نظر ملاصدرا درباره ی نفس :

از دیدگاه این مکتب، حقیقت انسان، همان گونه که بسیاری دیگر از فیلسوفان گفته اند، حقیقتی **دو بُعدی** است: **روح و بدن**. اما روح، براساس این مکتب، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. از نظر ملاصدرا، روح و بدن دو چیز مجزاً نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه **اینها وحدتی حقیقی** دارند به گونه ای که یکی روح-باطن دیگری - بدن - است. بنابراین هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر می گذارد.

از نظر حکمت متعالیه:

- ۱- روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند.
- ۲- ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد.
- ۳- مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود.
- ۴- از منظر این مکتب فلسفی، اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند . یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند.
- البته او اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند. بنابراین در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو؟

نظر ملاصدرا در باره ادله اثبات وجود خدا:

- ۱- به هر موجودی نگاه می کنیم، وجودش عین وابستگی و نیاز است.
 - ۲- موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود، غیرنیازمند و برخوردار باشد.
- نتیجه: پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیروابسته هستند.

نظر ملاصدرا درباره انواع وجود:

- ۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته
- ۲- وجودهای نیازمند و وابسته

فیثاغورس (۵۸۲ تا ۵۰۰ قبل از میلاد)

- ۱- شاید اولین بار او لفظ فلسفه را به کار برده باشد. اما از زمان سقراط این لفظ بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.
- ۲- او همان طور که پایه گذار ریاضی و هندسه است، یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود. او ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.
- ۳- در نظر فیثاغورسیان اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و **اعداد و اصول اعداد**، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.
- ۴- اولین بار واژه های **تئوری و کیهان** را به کار برد .

تالس (حدود ۶۴۴ تا ۵۴۶ قبل از میلاد)

مورخان فلسفه تالس را **نخستین** اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است.

- ۱- وی در قرن ششم پیش از میلاد می زیست. از تالس هیچ نوشته ای باقی نمانده است
- ۲- از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده اند. تاریخ تولد و مرگ او مشخص نیست. ولی می دانیم که وی در حدود سال ۵۸۰ قبل از میلاد دقیقاً پیش بینی کرد که در سال ۵۸۵ پیش از میلاد خورشید گرفتگی رخ می دهد و این خورشید گرفتگی در همان زمان رخ داد.
- ۳- تالس که مانند دیگر اندیشمندان آن دوره به دنبال یافتن مبدأ تغییرات و دگرگونی ها بود، عقیده داشت که **آب اولین عنصر** و پایه و اساس سایر چیزهاست و همه چیز، در نهایت، از آب ساخته شده است؛ زیرا او می دید که آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات بسیار پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید، گیاهان از زمین می رویند. پس اینها هم حتماً شکل دیگری از آب اند.

هراکلیتوس (۴۸۴-۵۴۴ قبل از میلاد)

اندیشمند دیگر هراکلیتوس است. شهرت وی در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشه اوست:

- ۱- **اولی وحدت اضداد** است. او عقیده داشت که اموری که با هم ضد هستند، می توانند با یکدیگر جمع شوند
 - ۲- اندیشه مشهور وی **تغییر و تحول دائمی جهان** است. او می گفت هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی، چیز در **سیلان و حرکت** است قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می راند و نمی توان از آن گریخت.
- جمله مشهور** : نمی توان در یک رودخانه دوبار شنا کرد .

هراکلیتوس، علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. او معتقد بود که شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و که قبلاً نیز از او یاد کردیم.

نظر هراکلیتوس درباره عقل:

در میان فیلسوفان یونان باستان، هراکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید .

معانی لوگوس :

(۱) به عنوان حقیقت متعالی

(۲) معنای نطق و سخن و کلمه

از نظر او کلمه و سخن ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر است . یعنی عقل نزد این فیلسوف ، همان حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیاء ظهور او هستند .

همان طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می کند و به دیگران می رساند. بنابراین، از نظر هراکلیتوس اشیای عالم، همان کلمات آن حقیقت برتر و بیان علم و حکمت اویند.

پارمنیدس (۴۷۰ - ۵۱۰ قبل از میلاد)

از اندیشمندان بزرگ این دوره است که بنا به نقل افلاطون، سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است. او فلسفه خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است .

نکته مهم : او برای نخستین بار به مفهوم «بودن» و «شدن» (وجود و حرکت) توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر کرده است .

وی بر خلاف هراکلیتوس، می گفت که هستی، یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. او می گفت در جهان واقع ، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی ، هست» زیرا این جمله تناقض آمیز است . ما با یک واقعیت بدون تغییر جاودان و فناپذیر رو به رو هستیم . البته از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت .

امپدوکلس (۳۹۵ - ۴۳۵ قبل از میلاد)

در نیمه نخست قرن پنجم پیش از میلاد می زیست، می گفت که جهان از چهار عنصر خاک، آب، هوا و آتش ساخته شده است. بعدها، ارسطو این نظریه را پذیرفت و اساس طبیعت شناسی خود قرار داد که تا قرن ها مورد قبول طبیعت شناسان بود.

لئوکیپوس (قرن پنجم پیش از میلاد) و (شاگردش) **دموکریٹوس** (۳۷۰-۴۶۰ قبل از میلاد)

که بین قرن های پنجم و چهارم قبل از میلاد می زیستند، برای اولین بار واژه اتم را به کار بردند. اتم که لفظی یونانی است، به معنای قسمت ناپذیر است. اتم ها، ذرات ریز تجزیه ناپذیری هستند که به چشم نمی آیند و بنیاد و اساس اشیا را تشکیل می دهند. اشیا موجود در جهان، آرایش های مختلفی از همین اتم ها هستند. به نظر او هرچه هست اتم و فضاست.

نظر دموکریٹوس درباره چگونگی پدید آمدن جهان :

دموکریٹوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که **ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها** و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیا فعلی در جهان شده است.

سیسرون (متولد ۱۰۶ قبل از میلاد)

فیلسوف و خطیب بزرگ رومی، درباره سقراط می گوید: « او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد. »

سقراط (۳۹۹ - ۴۷۰ قبل از میلاد)

کسی که واژه فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان سقراط بود. سقراط به سبب :

- (۱) تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم
- (۲) شاید به خاطر هم ردیف نشدن با سوفیست‌ها مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را فیلسوفوس یا دوست دار دانش نامید.
- (۳) سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است.
- (۴) با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خداشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت. بحث‌های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند. سقراط، روش بحث ثابتی داشت.

روش سقراطی در بحث :

پرسش و پاسخ

خطاب سقراط به مردم آتن :

«از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می آید.

رسالت سقراط :

«من هم با تهی دستان و هم با توانگران همنشینی می کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرا دهند... این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیایها برعهده من نهاده است.»

توجه : نکات دیگر بحث سقراط ذیل درس ۵ فلسفه ۱ به دقت خوانده شود، چون کل مبحث بسیار مهم است در این خلاصه ذکر نشد.

افلاطون

از بزرگ ترین فیلسوفان تاریخ ، تمثیلی دارد که به تمثیل «غار» مشهور است . او در این تمثیل می خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند.

نظر افلاطون درباره ی نفس :

افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که

- ۱ - محدودیت های بدن را ندارد
- ۲ - این حقیقت برتر همان نفس است.
- ۳ - قابل رؤیت نیست .
- ۴ - نفس با ارزش ترین دارایی انسان است
- ۵ - توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد .
- ۶ - او می گوید : «تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است ، همچنین می گوید : نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است. »

نظر افلاطون درباره ی اخلاق

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.

نظر افلاطون درباره خدا

تیلور : افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است .

وی همچنین می گوید : در نظر افلاطون:

۱ - کار خداوند هدف دار است.

۲ - خدا ، یک خدای معین با ویژگی های روشن است

۳ - این موضوع ، با چند خدایی یونان تفاوت دارد؛ زیرا در چندخدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چندخدایی

شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است

توصیف خداوند در نظر افلاطون

افلاطون خداوند را چنین توصیف می کند: **در سوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که :**

۱- پیوسته ثابت است.

۲- نه می زاید و نه از میان می رود.

۳- نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود.

۴- او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است.

۵- روش شناخت خدا در نظر افلاطون : فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

۶- **خداوند = مثال خیر**

۷- همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست ، حقایق

نیز شبیه مثال خیر هستند، نه خود آن.

۸- گاهی افلاطون از خداوند به عنوان **خالق** نام می برد .

۹- سخن افلاطون درباره خدا : «یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت

این است که کل جهان در زیر فرمان **عقل** قرار دارد»

ارسطو

فیلسوف بزرگ یونانی، سال‌های فراوانی شاگرد افلاطون بود. او استاد خود را بسیار دوست می‌داشت. اما در هر موضوعی، تا خودش قانع نمی‌شد، آن را نمی‌پذیرفت. به همین جهت در برخی مسائل با استاد خود اختلاف نظر پیدا کرد. برخی او را سرزنش می‌کردند که چرا نظر استاد خود را رد می‌کند. مشهور است که وی در جواب می‌گفت: «افلاطون برای من عزیز است، اما حقیقت عزیزتر است»

ارسطو از اولین دانشمندانی است که **مبانی علوم تجربی** را پایه‌گذاری کرد. وی که شاگرد افلاطون بود، علاوه بر تبخّر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می‌شد.

نظر ارسطو درباره اخلاق

ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد؛ او معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به **اعتدال** در قوا می‌رسد و **همین اعتدال**، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است. اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته **شرط لازم** برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. بنابراین از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشند، انسان به سعادت می‌رسد. ارسطو نیز معتقد است این معیار، **مشترک** میان همه انسان‌هاست و عقل هر انسانی این اعتدال را درک می‌کند و آن را به عنوان امری درست می‌پذیرد.

نظر ارسطو درباره نفس

ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که :

- (۱) قوه نطق و قابلیت حیات **مربوط به نفس** است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. از نظر ارسطو :
- (۲) نفس انسان در هنگام تولد، حالت **بالقوه** دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به **تدریج** این امور می‌رسد و کامل و کامل‌تر می‌شود.

نظر ارسطو درباره دلایل اثبات خدا

۱- برهان خوب ترین و بهترین موجود : بطور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب ترین و بهترین نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس، حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است.

نظر ارسطو درباره بهترین موجود (خدا) :

نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار نباشد.

۲- برهان حرکت :

برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان حرکت نام دارد. او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند محرک است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

صفات خدا در نظر ارسطو:

ارسطو در توصیفاتی که از خدا و مبدأ نخستین جهان می کند، از عباراتی چون شریف ترین موجود، خیر و جمال و زیبایی، ضرورتاً موجود، محرک غیرمتحرک، دارای حیات، تغییرناپذیر و دارای عالی ترین اندیشه استفاده می کند. این عبارات گویای آن است که وی علاوه بر قبول موجودات غیرمادی، در میان آنها یک موجود را برتر می داند و او را مبدأ همه امور تلقی می کند.

نظر ارسطو درباره عقل:

ارسطو به عقل به عنوان قوة استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت و توضیح داد که قوة عقل براساس کاری که انجام می دهد، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود و براساس آن، دانش بشری نیز دو قسم می گردد:

اول : عقل، از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت آب، عقل نظری نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم نظری نام دارد.

{جهان آنگونه که هست یا نیست }

دوم : اما عقل، از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوئید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوئید و نباید ظلم کند، عقل عملی نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید، علم عملی نام دارد.

{جهان آنگونه که باید یا نباید }

مقایسه آراء افلاطون و ارسطو درباره شناخت عقلی و حسی :

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. او باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. از نظر او عالم طبیعت سایهٔ عالم مُثُل است؛ افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.

ارسطو نیز گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

پروتاگوراس (سوفیست)

وی که در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن می زیست، با پریکلز، حاکم دانشمند آتن روابط بسیار صمیمانه داشت. او نخستین کسی بود که در مقابل تعلیم و تربیت مزد دریافت می کرد. به عقیده وی دانش ثابت و پایدار هرگز به دست نمی آید. شعار او:

«انسان معیار همه چیز است» این بود یعنی هر کس به هر اندیشه ای رسید، همان درست است، اگر چه صد درصد مخالف با اندیشه دیگری باشد.

سوفسطائیان به سبب همین اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم. به همین جهت پروتاگوراس که از سوفسطائیان بود، می گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

گرگیاس⁹ (سوفیست)

او در فن سخنوری بسیار توانا بود.

گرگیاس به نفی شناخت توسط انسان معتقد بود.

«اولا چیزی وجود ندارد، ثانیا اگر هم وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را

ندارد، ثالثا اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل سازد.»

پروتاگوراس: نسبی بودن معرفت

گرگیاس: نفی امکان معرفت

توماس آکوئیناس (فیلسوف و متکلم برجسته در قرون وسطی)

آکوئیناس با اندیشه ابن سینا آشنا بود و با پیروان ابن رشد در اروپا مشاجرات علمی فراوان داشت. وی از پیشگامان رویکرد عقلی در مسیحیت بود و تلاش می کرد عقاید مسیحیت را با دلایل عقلی همراه کند و عقاید و مراسم مسیحی را با عقل سازگار نماید. پاپ لویی سیزدهم فلسفه او را به عنوان سرمشقی برای تفکر مسیحی ستود. از آن پس اندیشه های توماس آکوئیناس مورد احترام کاتولیک ها بود و کمتر مورد نقد قرار می گرفت.

تأثیر ابن سینا بر آکوئیناس در بحث مغایرت وجود و ماهیت و دلایل اثبات خدا

آکوئیناس با اندیشه های ابن سینا آشنا بود و اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر (مغایرت وجود و ماهیت) را پایه برهان های خود در خداشناسی - برهان وجوب و امکان - قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.

آمپریست ها (تجربه گرایان)

نظر تجربه گرایان درباره علیت

تجربه گرایان (آمپریست ها) که هر چیزی را براساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد. آنان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن می شود و با ناپدید شدن آن، تاریک می گردد، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود، یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.

☺ توجه : هیوم عنوان داشت که تجربه نمی تواند این رابطه ضروری را نشان دهد ، پس تنها تداعی ذهنی در اینجا وجود دارد و نه اصل علیت یا ضرورت علی و معلولی .

فرانسیس بیکن (حس گرا)

از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

نظر فرانسیس بیکن درباره عقل و تجربه به عنوان منابع شناخت

بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست و از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

جان لاک (حس گرا-قرن ۱۷ میلادی)

فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، روش بیکن را دنبال کرد و بر تجربه گرایی تأکید ورزید.

نظر هابز درباره نفس و حقیقت انسان

یکی از ماتریالیست های اولیه است که در قرن هفدهم در انگلستان می زیست. او ذهن بشر را یک ماشین پیچیده (این مفهوم مشترک با دکارت است) مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.

دیوید هیوم (فیلسوف قرن هجدهم انگلستان - تجربه گرا)

نظر هیوم درباره علیت

او می گوید درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. از نظر هیوم، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد. مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید، «علت» روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست. او درباره همین مثال می گوید، بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است و این حالت را «تداعی ذهنی» می نامد و می گوید تداعی ذهنی: چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

نظر دیوید هیوم درباره دلایل اثبات وجود خدا (رد براهین اثبات خدا)

هیوم عنوان می کند: دلایل دکارت و سایر فیلسوفان همگی قابل نقدند. از نظر وی، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. او می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

فیلسوف و ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می‌داد و برعکس بیکن، معتقد بود:

۱ - عقل انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که از تجربه به دست نیامده‌اند

۲ - مانند معرفت به: (۱) وجود نفس مجرد (۲) وجود خدا (۳) اختیار انسان

۳ - به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

البته دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی‌دان بزرگ هم شمرده می‌شد. آنچه وی را از تجربه‌گرایان جدا کرد: قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل

دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند

نظر دکارت درباره بدن و نفس:

دکارت، فیلسوف فرانسوی که هم درباره بدن و هم درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به طور خودکار فعالیت می‌کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی‌دهد. از نظر وی «من» همان «روح - نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند.

روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

نظر دکارت درباره علیت:

دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه‌ای است که انسان آن را به طور فطری درک می‌کند؛ یعنی هرانسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد. توجه: ولی یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نظر دکارت درباره خدا (دلایل اثبات خدا از نظر دکارت):

۱ - من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.

۲ - این تصور نمی‌تواند از خودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی‌ام.

۳ - پس، این تصور از من و هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که می‌تواند چنین ادراکی را به من بدهد.

نظر دکارت درباره علیّت:

دکارت معتقد بود که اصل علیّت:

- ۱- بدون دخالت تجربه به دست می آید.
- ۲- جزء مفاهیم اولیه ای است .
- ۳- انسان آن را به طور فطری درک می کند.
- ۴- یعنی هرانسانی، با درکی از رابطه علیّت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

نظر دکارت درباره تقابل عقل و حس به عنوان منبع معرفت:

دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند: الف): بدیهیات عقلی ب): استدلال های عقلی محض ج): تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. **نکته بسیار مهم:** دکارت به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد.

نظر کانت درباره ارتباط عقل و حس در کسب معرفت و شناخت

بحث و گفت و گو میان عقل گرایان و حس گرایان ادامه داشت تا نوبت به کانت در قرن هجدهم میلادی رسید. وی با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

نظر کانت درباره نفس

کانت استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد که گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

نظر کانت درباره اخلاق

کانت عقیده دارد که معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد. تعریف وجدان اخلاقی: هر انسانی در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند.

به عبارت دیگر: هدایت گر انسان به سوی خیر اخلاقی، وجدان اخلاقی است. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت شمرده می شود. جمله مشهور کانت در باب اخلاق:

«برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود.»

انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بیسندد و عاملان آن را تحسین کند.

کانت، به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و **وظایف اخلاقی** اثبات کرد. خلاصه‌ی یکی از توضیحات او چنین است:

- ۱- زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آنها امکان پذیر نیست. اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مرج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود.
- ۲- مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را **صاحب اراده و اختیار** ببیند. برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.
- ۳- این اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفسی غیرمادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود. این بُعد غیرمادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و رذیلت های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می آورد.
- ۴- حال، این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی غیرمادی و جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد و **چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.**
- ۵ - بنابراین، قبول خداوند، پشتوانه رعایت اصول اخلاقی است. انسان، با قبول خداوند، خود را در جهانی زنده و با شعور می یابد که رفتار انسان را زیرنظر دارد و در مقابل هر رفتار، عکس العمل مناسب آن را نشان می دهد.

پوزیتیویست ها (اثبات گرایی)

ایشان علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را **تجربه** می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، **بی معنا هستند**. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند **خدا، اختیار، نفس و روح** که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً **قابل بررسی علمی** نیستند.

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت ، فیلسوف فرانسوی قرن ۱۹ میلادی است .

اوگوست کنت (فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی)

نظر اوگوست کنت درباره تقابل عقل و حس به عنوان منابع معرفت

اوگوست کنت عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.

به عبارت دیگر: اگر تصویری صرفاً برساخته ذهن شما باشند و نتوان آنها را با واقعیت تجربی مطابقت داد، علم محسوب نمی شوند.

از نظر او، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد. بنابراین، از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

این دیدگاه به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و در مسائل مختلف، از قبیل توانایی عقل در اثبات ماوراء الطبیعه و معرفت انسان به خود و جهان تأثیر فراوانی داشت.

نسبی گرایان

بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود، درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

پراگماتیست ها (اصالت عمل - مصلحت عملی)

معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت، بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش، بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است. (درست بودن - مفید بودن)

کارل مارکس

نظر مارکس درباره بنیاد اصول اخلاقی

فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم نیز انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

نظر راسل درباره برهان علیت در اثبات وجود خدا

فیلسوف انگلیسی قرن بیستم، مدعی بود برهان علیت بر اثبات وجود خدا، برهانی سست است، زیرا: «اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است. اگر چیزی بدون علت، وجود تواند داشت این چیز هم می تواند خدا باشد و هم جهان.»

دلایل اثبات وجود خدا در نظر فیلسوفان جدید

کرکهور

معتقد است که ایمان، هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

کاتینگهام

معنای زندگی

قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمون و پناهگاهی بیابیم.

ویلیام جیمز – هانری برگسون

فیلسوفان معاصر که در عین قبول تجربه گرایی به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد بودند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دادند. ایشان از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند.